

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عسى الله ان يهدينا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] خاندان مسعود و قد يرسل عليكما شواظ من نار [illegible]

[illegible]

[illegible]

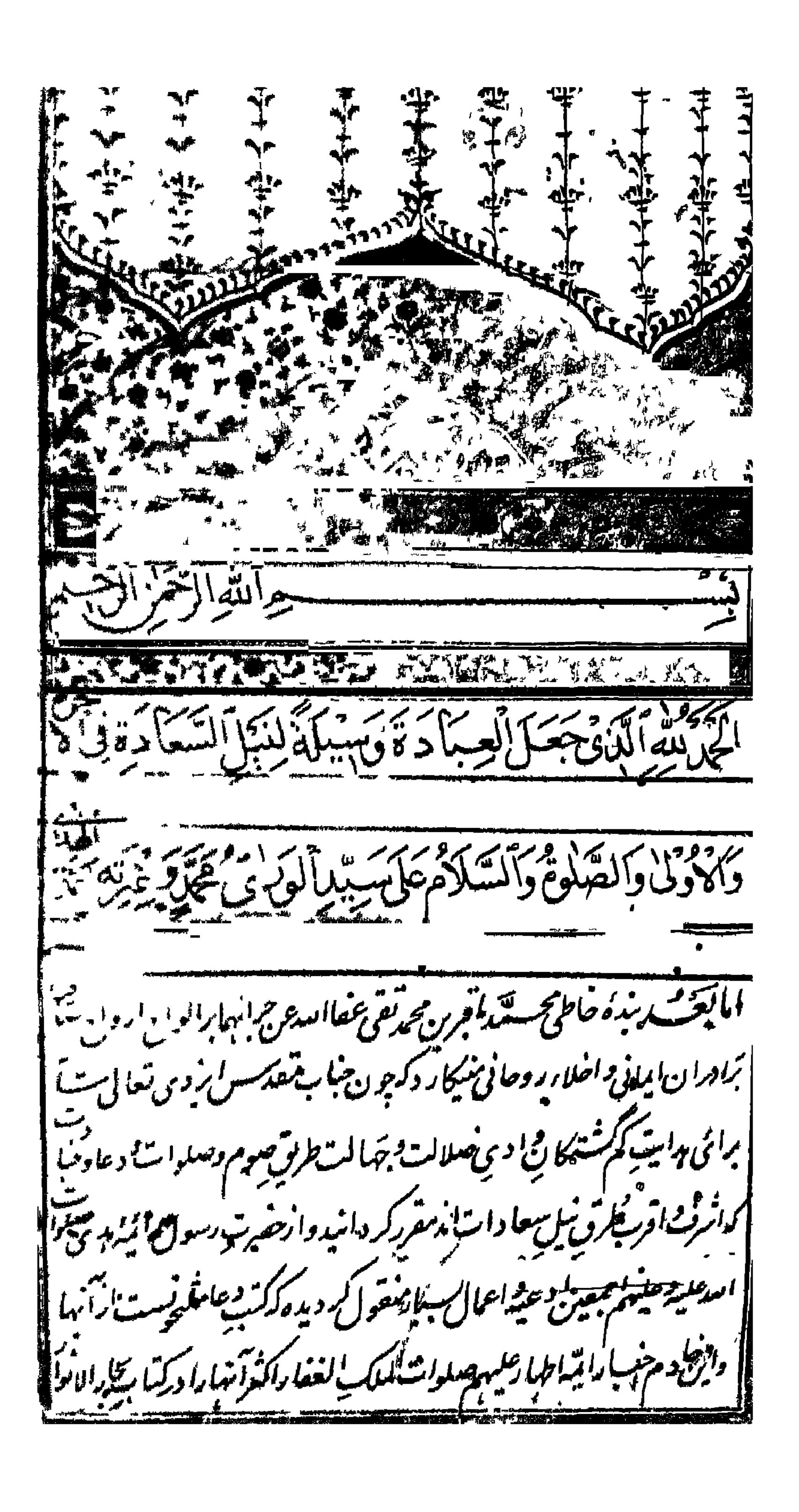
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلاطین [illegible]



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة والسلام علی سید الوری محمد وعترته الهداة

اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفا الله عن جرائمهما بر الواح ارواح برادران ایمانی و اخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شأنه برای هدایت گمگشتگان وادی ضلالت و جهالت طریق صوم و صلوات و دعا و مناجات را اشرف و اقرب طرق نیل سعادات مقرر گردانیده و از حضرت رسول و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحونست از آنها و این خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عسى الله أن يهدينا و[illegible] إلى سبيل الرشاد

چون [illegible]

سعادت [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] مخالفان معاندان مصدود [illegible] علیکم [illegible]

[illegible]

[illegible] صوفیان [illegible] دولت [illegible]

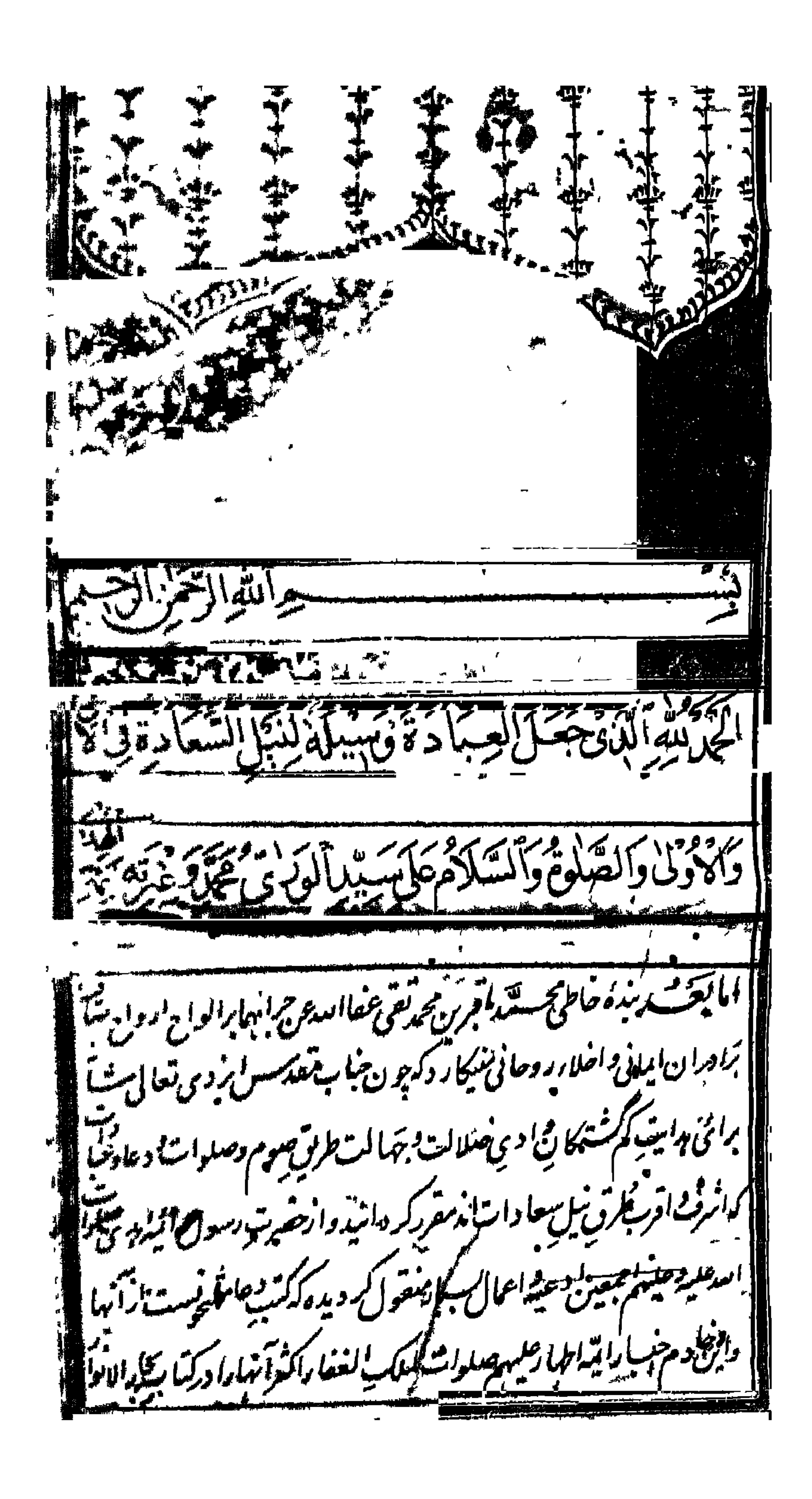
[illegible] المنتهی [illegible] خلاف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تفصیل [illegible] سلاطین [illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة والسلام علی سید الوری محمد وعترته الهداة

اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفا الله عن جرائمهما بر الواح ارواح شیعیان
برادران ایمانی و اخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شأنه
برای هدایت گمگشتگان وادی ضلالت و جهالت طریق صوم و صلوات و دعوات و عبادات را
که اشرف و اقرب طرق نیل سعادات است مقرر گردانیده و از حضرت رسول و ائمه هدی صلوات
الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا متحمل نیست از آنها
و این خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار

طلبیده بود بسوی ایشان مسارعت نموده و روزه کامل [illegible]
و گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بود [illegible]
بر ایشان تشنگی شب گرسانید و در شبها خود را بتعب انداخت [illegible]
و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان من نمود و با این همه [illegible]
و چون از ایشان جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از مفارقت ایشان [illegible] محرمات [illegible]
بنده بود این بنده پس حقتعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی بهشت [illegible]
کنند او را ملائکه خدا بتحفها و کرامتها و او را بشارت [illegible]
نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرای که جوانان [illegible]
و خوشحالی آن زوال ندارد و هر کرا ایشان از [illegible] باشد [illegible]
حساب برای ایشان نیست و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب [illegible]
و ماهی [illegible] فضیلت آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرامست رجب ماه
خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست [illegible]
خشنودی بزرگ خدا کرده و غضب الهی از خود دور کرده [illegible]
او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که [illegible] ماه رجب
روزه دارد آتش جهنم یکسال از او دور گردد و هر که سه روز از آن روزه [illegible]
بهشت برای او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر
و از عسل شیرین تر هر که یک روز از رجب روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند
معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار

و جلالش ترزبان بنداى قد مسّنا الضّرّ ايّها العزيز اعنى السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاكرم ملجأ الاكاسره و ملاذ القياصره [illegible] خير الغزاة و مشيد قواعد الملة البيضاء السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسين الموسوى الحسينى الصفوى بهادر خان لا زالت رايات دولته مرفوعه و هامات اعدائه مقموعه ميسّر گرديد تحفه آن بارگاه خلايق سپهر كاه گرديد اميد كه مقبول طبع اشرف گردد و آن اعلى حضرت از فوائد آن منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرين و الله الموفق و المعين و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه باب

اول در فضائل و اعمال ماه مبارك رجب است و اين مشتمل است بر پنج فصل فصل

اول در بيان فضائل اين ماه و عبادات آنست بدانكه اين ماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترين ماههاى سال اند و از حضرت رسالت پناه صلى الله عليه و آله منقولست كه هر كه حرمت ماه رجب و شعبان بداند و وصل نمايد روزه آنها را بروزه ماه مبارك رمضان [illegible]

روز قيامت منادى از افق اعلى ندا كند كه اى رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است عمل اين بنده در شما و طاعت او از براى خدا همه گويند كه اين بنده توشه گرفت در ماهها يارى بر طاعت تو او استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعى بسيار در طلب خوشنودى تو كرد و تا توانست اهتمام در تحصيل محبت تو نمود پس گواهى دهند ملائكه كه موكلند برين ماهها كه ما يافتيم اين بنده را اگر طلب كننده طاعت و خوشنودى تو و اميدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهى كرده بودى ترك كرد و آنچه از و

سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر [illegible]
بدارد بر صراط با آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه [illegible]
از ترس روز قیامت و از شدتها و هولهای آن [illegible]
با وعطا کند و آنچه از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه [illegible]
هر که یک روز از اول ماه رجب یا از اوسط آن یا از آخر آن [illegible]
و آینده اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول و میان [illegible]
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یک شب از این ماه احیا کند حق تعالی [illegible]
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد هزار گناهکار و هر که [illegible] این ماه [illegible]
بکند در راه خدا خداوند غفار در بهشت نعمتی چند با وعطا فرماید که هیچ [illegible]
و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و [illegible] سند معتبر [illegible]
علیه السلام منقول است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند [illegible]
پس گروهی برخیزند که نور رخسار ایشان جمیع محشر را روشن گرداند [illegible]
ایشان باشد که مکلل باشد تاج ایشان به مروارید و یاقوت با هر یک از ایشان [illegible]
بوده باشد از جانب راست هزار ملک و از جانب چپ هزار ملک [illegible]
کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند [illegible]
[illegible] بهشت و جلال [illegible] کنید یاد میکنیم که شما را در ماه [illegible] نیکو سالکان گردانیم [illegible]
شما را بزرگ گردانیم و عطا کنیم شما را از بهشت غرفه‌ها که نهرها در زیر آنها جاری باشد
و همیشه در آن غرفه‌ها باشید و نیکو مزد است مزد کارکنان از برای حرمت [illegible]

امت منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را
اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگویید

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب آمرزش میکنم از خدا و درمیخواهم از او پذیرفتن توبه را

و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که سه روز از ماه رجب روزه بدارد و هر
روز ثواب روزه یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت در
جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی
او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب آسان کند و هر که
جمیع ماه رجب را روزه بدارد حقتعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا
خشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر
از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در
اواخر ماه رجب که چند روز از آن ماه مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد
پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب
از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه اینماهی است که خدا
آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه
داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله
اگر در باقی مانده اینماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردم
فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت

بروزه یکمد گندم یا جو وارد شده است واحتیاط در صد [illegible] است [illegible]
در هر [illegible] کافی باشد و در روایتی در خصوص ماه رجب یک [illegible]
اگر قادر بر روزه نباشد وحمل کرده ایم بر کسیکه پریشان باشد وقادر بر درهم و [illegible]
وایضا در خصوص ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است [illegible] اگر
قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب [illegible]

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِیلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلَّا

پاک است خدای بزرگوار پاک است آنکه سزاوار نیست [illegible]

لَهُ سُبْحَانَ الْاَعَزِّ الْاَکْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ

برای او پاک است آنکه غالبتر و گرامی است [illegible]

وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ

وحال آنکه برای پوشیدن آن سزاوار است

در روایات معتبره وارد شده است که هر که منزل برادر مومن [illegible]
روزه سنت کرده باشد را و طعامی خاطر سازد و او را [illegible] ثواب [illegible]
کردن یا ده از ثواب روزه داشتن است [illegible] برابر [illegible]
ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن [illegible] روزه سنت [illegible]
شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت [illegible]
رخصت [illegible] از احادیث ظاهر [illegible]
که روزه سنت مملوک بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت [illegible]

گردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق
او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس
حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه بدارد
اگرچه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت
کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حقتعالی در قیامت از و خشنود
باشد و هر که دو روز روزه دارد خدا بغایت از و خوشنود و راضی گردد و او را خشنود
گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از و راضی گردد و خصمان او را
از و راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای
هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز
از آن روزه بدارد در هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز
از آن روزه بدارد هر حاجت که از حقتعالی بطلبد بر آورده شود مگر آنکه سؤال
او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از
گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد
گردد با برگزیدگان و نیکوکاران داخل بهشت گردد و احادیث در این باب
بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در فصل دوم در بیان اعمال ا
که کسی از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد و بعضی از
روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب است یکدرهم تصدق کند
که موافق نخودهای این زمان تقریبا هفتاد دینار نوده باشد و بروایت دیگر عوض

و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام ...

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ

ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو و زیان کردند ...

وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ وَأَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ

و ناچیز شدند فرود آیندگان مگر بتو و قحطی رسیده طالبان ...

انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ

طلب نمود فضل ترا درگاه تو گشوده است برای ...

لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْآمِلِينَ

برای طلب کنندگان و احسان تو حلال گردیده برای خواهندگان ...

وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

و روزی تو پهن گردیده برای آنکه نافرمانی تو کند و بردباری تو در پیش ...

عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى

و عادت و طور تو نیکوئی کردنست بسوی بدکاران و طریقه تو ...

الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ

تجاوز نمایندگان خداوندا پس هدایت کن مرا مانند هدایت ...

الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَاغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ

کوشش نمایندگان و مگردان مرا از بی خبران دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا

و ایضا بسند معتبر منقول است که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام

شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور است که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان
مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است و احوط آنست که
بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت
مهماندار نیز خلاف است و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری
روزه مستحب ندارد اگرچه اظهر آنست که مکروه است **فصل سیم** در بیان اعمال
شب و روزهاست بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در
روز اول ماه رجب این دعا خواندند و علما ذکر کرده اند که در همه رجب سنت است خواندن این دعا

یَا مَنْ یَمْلِکُ حَوَائِجَ السَّائِلِینَ وَ یَعْلَمُ ضَمِیرَ الصَّامِتِینَ لِکُلِّ
ای آنکه مالک است حاجتهای درخواهندگان را و می داند آنچه را که نهانست در دل خاموشان برای هر
مَسْئَلَةٍ مِنْکَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِیدٌ اللّٰهُمَّ وَ مَوَاعِیدُکَ
سوال که کرده شود از تو قبولیت حاضر و جوابی مهیا   بار خدایا و وعده های تو
الصَّادِقَةُ وَ أَیَادِیکَ الْفَاضِلَةُ وَ رَحْمَتُکَ الْوَاسِعَةُ
راست و نعمت های تو بزرگ   و رحمت تو فراگیرنده است
فَأَسْئَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِیَ
پس در میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد   و آنکه برآوری
حَوَائِجِی لِلدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
حاجتهای مرا که بجهت دنیا و آخرت است بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی.

الطَّوْلِ حَرِّمْ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ

وصاحب حرام گردان پیری مرا بر آتش

و دست بر ندارد تا از آتش فارغ شود و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که

حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس گفت که دعا حبیب بن ... را بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ

بار خدایا من سؤال میکنم از تو شکیبائی شکرگذاران ترا و کردار ترسندگان

مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَاَنَا

از تو و یقین پرستندگان ترا خداوندا توئی بلند مرتبه بزرگ مقدار و من

عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ

بد حال محتاج توام و توئی بی نیاز ستوده و من بنده

الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ

خوارم بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بخشش نما بیازی خود

عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي

بر نیاز مندی من و به بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ضعف من

يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ

ای توانا ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او که وصی‌اند

الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پسندیدگان و دفع کن از من آنچه اندوهگین سازد مرا از امر دنیا و عقبی ای بخشنده‌ترین بخشندگان

عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعای تعلیم نما که حق تعالی مرا با آن نفع

بخشد حضرت فرمود هر روز ماه رجب هر صبح و پس بعد از همه نمازها در روز و شب این دعا بخوان

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَآمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ

ای آنکه امید دارم او را برای هر نیکی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای آنکه

يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي

عطا میکند جزای بسیار در مقابل عمل اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند ای آنکه عطا میکند

مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً أَعْطِنِي

آنرا که سوال نکند ازو و آنرا که نشناسد جناب او را بجهت عطوفت و مهربانی خود عطا کن مرا

بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَاصْرِفْ

بسوال کردنم از تو همه خیر دنیا را و همه خیر عقبی را و بگردان

عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ

از من بسوال کردنم از تو [illegible]

مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ

کم نمی گردد آنچه تو عطا فرمای و زیاد کن برای من احسان خود را ای بزرگوار

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را

بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را میخواندند

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النَّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَ

ای خداوند بزرگواری و اکرامی داشتن ای خداوند نعمت بخشش ای خداوند عطا و

وَاَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ اَنْ

و سؤال میکنم ترا بسوالهای بلند پایه تو و وسیلهای با رفعت تو آنکه

تَتَغَمَّدَنِى فِى هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ

بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از خود فراگیرنده و نعمتی

وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ اِلٰى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَ

بردارنده و نفسی که بوده باشد بآنچه روزی کرده تو او را قانع و خشنود تا فرود آمدن قبر و

مَحَلِّ الْاٰخِرَةِ وَمَا هِىَ اِلَيْهِ صَائِرَةٌ

رسیدن آخرت و آنچه نفس بسوی او گردنده است

و از حضرت رسول منقول است که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِى وَتُبْ عَلَىَّ

بار خدایا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر خواهد در روزهای دیگر بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حقتعالی

و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که اینجا جامعترین دعاهاست و در همه
اوقات میتواند خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر
روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند

اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق دو فرزند متولد شده ماه رجب که محمد بن علی دوم

وابنه علی بن محمد المنتجب واتقرب بهما الیک خیر
و پسر او علی ابن محمد برگزیده باشند و نزدیکی میجویم بسبب ایشان بسوی تو بهترین

القرب یا من الیه المعروف طلب وفیما لدیه رغب
نزدیکیها ای آنکه بسوی او احسانی طلب کرده میشود و آنچه نزد اوست رغبت کرده میشود

اسئلک سؤال مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه
سوال میکنم ترا مانند سوال کسب نماینده گنهکاری که بتحقیق هلاک کرده باشند او را گناهان او

واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه ومن الرزایا
[illegible] طول انجامیده باشد بر گناهان کوشش او و از مصیبتها

خطوبه یسئلک التوبة وحسن الاوبة والنزوع
امور عظیم او که درخواهد از تو توبه و نیکوئی رجوع را و باز ایستادن

عن الحوبة ومن النار فکاک رقبته والعفو عما فی
از گناه را و از آتش آزادی گردن خود را و در گذشتن را از آنچه

ربقته فانت یا مولای اعظم امله وثقته اللهم
وارد در ربقه خود پس تو ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او باشی خداوندا

را بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه بوی عطا کند که هر حسنه از کوههای دنیا سنگین‌تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آوردن از قبر و مثل اینها در وقت مرور کردن بر نامهٔ اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط برآورد و او را در سایهٔ عرش خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد

فصل چهارم در بیان فضائل و اعمال شب اول رجب تا روز پانزدهم

در شب اول ماه غسل سنت است و منقول است که هر که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و در وقت دیدن ماه دعای کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در سر ماهی این سنت است و منقول است که چون ماه رجب ببیند بگوید

اللّٰهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام

خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با ایمنی از بلاها و ایمان و سلامتی و اسلام

ربّی وربّک الله عزّ وجلّ

پروردگار من و پروردگار تو خدای غالب و بزرگوار است

و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین فضیلت بسیار دارد و در حدیث منقول شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند البته او را بیامرزد و احیای شب اول رجب سنت است از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

بهشت بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است

و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع این ماه اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست سزاوار پرستش مگر او در حالیکه یگانه است انباز برای او نیست و رجوع میکنم بسوی او

و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که در هر شب از شبهای ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و انا انزلناه و قل یا ایها

الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و سه مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ

پاکست خدا و سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و بزرگتر است و نیست حرکتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و توانائی مگر بخواست خدا بلند قدر بزرگ مرتبه خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ

بر محمد و آل محمد خداوندا بیامرز مردان گرونده و

الْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

زنان گرونده را طلب آمرزش میکنم خدا را و رجوع میکنم بسوی او

بگوید گناهانش را خدا بیامرزد اگر چه بعدد قطره های باران و برگ درختان و کف

دریاها باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی بهر حرفی را

شفاعت میدهم در برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این

الحمد ان اطعتك ولك الحجة ان عصيتك لا صنع لي

است ستودن اگر فرمان داری کنم و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم نیست مرا صنعی و نه

ولا لغيري في احسان الا بك يا كائن قبل كل شيء ويا مكون

غیر مرا در نیکوئی مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده

كل شيء انك على كل شيء قدير اللهم اني اعوذ بك من العديلة عند

هر چیز بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از عدیله نزد

الموت ومن شر المرجع في القبور ومن الندامة يوم الآزفة

مردن و از بدی بازگشت در قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز

فاسئلك ان تصلي على محمد وآله وان تجعل عيشي

پس میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و اینکه بگردانی زندگانی مرا

عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا كريما

زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و جای بازگشت مرا بازگشت گرامی

غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الائمة ينابيع

که نباشد خوار سازنده و رسوا نماینده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او که پیشوایانند چشمهای

الحكمة واولي النعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من

دانش و صاحبان نعمت و معدنهای عصمت اند و نگاه دار مرا بسبب ایشان از

كل سوء ولا تأخذني على غرة ولا على غفلة ولا تجعل عو

هر بدی و فرا مگیر مرا بر فریفتگی و نه بر غفلت و مگردان آخرهای

تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در شب اول رجب

بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ وَاَنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسبب آنکه تو پادشاهی مسلطی و آنکه بتحقیق تو بر همه چیز توانائی

مُقْتَدِرٌ وَاَنَّکَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ

و آنکه بتحقیق تو آنچه خواهی از امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو

بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ

بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو براو و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا

اِنّی اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّکَ وَرَبّی لِیُنْجِحَ لی بِکَ طَلِبَتی اَللّٰهُمَّ

بدرستیکه من رو آوردم [illegible] بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار تو تا آنکه برآورده شود برای من حاجت من بتو خداوندا

بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی

بحق پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خانواده او برآور حاجت مرا

پس حاجت خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یکسوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی ع در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشد این دعا را در سجده میخواندند

وایضاً بسند معتبر منقولست که مستحبست بعد از سلام گفتن از نماز و بیان شده

این دعا را بخواند

الحمد لله الذی لا ینفد خزائنه ولا یخاف آمنه بائقة

سپاس مر خدا را که بپایان نمیرسد خزانهٔ او و نمی ترسد امان یافته او از بدی

ارتکبت المعاصی فذلک ثقة بکرمک انک تقبل التوبة

مرتکب شوم گناهان را پس آن بجهت اعتماد بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه را

عن عبادک وتعفو عن سیئاتهم وتغفر الزلل وانک

از بندگان خود و در میگذری از بدیهای ایشان و می آمرزی لغزش را و بدرستیکه تو

مجیب لداعیک ومنه قریب فانا تائب الیک من

اجابت کنندهٔ مر خوانندهٔ خود را و با او نزدیکی پس رجوع کننده ام بسوی تو از

الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی من العطایا یا خالق

گناهان و رغبت نمایندهٔ ام بسوی تو در وافر کردن بهرهٔ من از بخششها ای آفریننده

البرایا یا منقذی من کل شدیدة یا مجیری من کل

خلایق ای رهانندهٔ من از هر سختی ای پناه دهندهٔ من از هر

محذور وفر علی السرور واکفنی شر عواقب الامور فانت

محذور تمام گردان بر من شادی را و دفع کن از من بدی عاقبتهای کارها را زیرا که تو

الله علی نعمائک وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور

خدا بر نعمتهای خود و عطای وافر خود شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

أَعْمَالِي حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنَ

کردارهای مرا افسوس و تو خشنود باش از من زیرا که تحقیق آمرزش تو برای ستمکاران است و من از

الظَّالِمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ

ستمکارانم خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمی رساند ترا و عطا کن مرا عطیه که کم نمیکرداند

فَإِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ

خزانه ترا زیرا که تویی آنکه فرا گیرنده است رحمت او بی نظیر است دانش او و ببخش مرا گشادگی

وَالدَّعَةَ وَالْأَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ

و رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری

وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى

و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راست گوئی بر تو و بر

أَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَهْلِي

دوستان تو و توانگری و شکر گذاری و فرا گیر این عطاها ای پروردگار من اهل مرا

وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ

ام من زائیده

و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنرا که دوست دارم و آنکه دوست دارد مرا و آنرا که

وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرویده و زنان گرونده

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار جهانیان

بِما جَرى بِهِ قَلَمُ الأَقْلامِ بِغَيْرِ كَفٍّ وَلا إِبْهامٍ وَبِأَسْمائِكَ

بجرت آنچه روان شده بآن قلم بر قلمها بی اعانت کف دستی و نه انگشت

العِظامِ وَبِحُجَجِكَ عَلى جَميعِ الأَنامِ عَلَيْهِمْ مِنّا أَفْضَلُ

بزرگ تو و بحجت حجتهائی تو بر همه آدمیان بر ایشان

السَّلامِ وَبِما اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ أَسْمائِكَ الكِرامِ أَنْ

درودها و بحرمت آنچه امر بحفظ آن نموده ایشان را که آن نامهای گرامی تست

تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنا في شَهْرِنا هذا وَما بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ

رحمت بفرستی بر ایشان و رحم کنی بر ما در ماه ما این ماه و آنچه پس از آنست از ماهها

وَالأَيّامِ وَأَنْ تُبَلِّغَنا شَهْرَ الصِّيامِ في عامِنا هذا وَفي

و روزها و آنکه برسانی ما را بماه روزها در سال ما این سال و در

كُلِّ عامٍ يا ذَا الجَلالِ وَالإِكْرامِ وَالمِنَنِ الجِسامِ وَعَلى

هر سالی ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و نعمتهای بزرگ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنّا أَفْضَلُ السَّلامِ

محمد و آل او باد از ما بهترین درودها

و اعمال و ادعیه این شب بسیار است در روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر منقول است که در روز اول ماه رجب حضرت نوح بکشتی نشست و امر فرمود جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند که روزه بدارند و هر که آن روز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از امام رضا منقول است که هر که

وایضا از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که بعد از نماز وتر این دعا را بخوانند

یَا نُورَ النُّورِ یَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ یَا مُجْرِیَ الْبُحُورِ یَا بَاعِثَ مَنْ

ای نور نور ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان

فِی الْقُبُورِ یَا کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَکَنْزِی حِینَ

در قبرها ای پناه من هنگامی که مانده سازد مرا راهها و دفینه من هنگامی که

تُعْجِزُنِی الْمَکَاسِبُ وَمُونِسِی حِینَ تَجْفُونِی الْاَبَاعِدُ وَتَمَلُّنِی

عاجز نماید مرا کسبها و انیس من هنگامیکه ستم کنند مرا دوران و غمگین سازند مرا

الْاَقَارِبُ وَمُنَزِّهِی بِمُجَالَسَةِ اَوْلِیَائِهِ وَمُرَافَقَةِ اَحِبَّائِهِ

نزدیکان و ای نزهت بخشنده من بهمنشینی یاران خود و رفاقت دوستان خود

فِی رِیَاضِهِ وَسَاقِیَّ بِمُؤَانَسَتِهِ مِنْ غَیْرِ حِیَاضِهِ وَرَافِعِی

در بوستانهای خود و آب دهنده من بانس از آب گوارای حوضهای خود و ای بلند کننده

بِمُجَاوَرَتِهِ مِنْ وَرْطَةِ الذُّنُوبِ اِلَی رَبْوَةِ التَّقَرُّبِ وَمُبَدِّلِی

بهمسایگی خود از نشیب گودال گناهان بسوی فراز پشته بلند مقرب کردن و ای بدل دهنده

بِوِلَایَتِهِ عِزَّةَ الْعَطَایَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَایَا اَسْئَلُکَ یَا مَوْلَایَ

بدوستی خود ارجمندی بخششها از خواری گناهان سوال میکنم ترا ای آقای من

بِالْفَجْرِ وَاللَّیَالِی الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّیْلِ اِذَا یَسْرِ

بحرمت صبح و شبهای ده گانه و بحرمت شفع و وتر و شب هرگاه بپایان رسد و

[illegible] بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها
الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کرده بگو:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
نیست او از پرستش مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
زنده می سازد و می میراند و او زنده است که نمی میرد بدست او است هر نیکی و او
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا
همه چیز تواناست بار خدایا نیست باز دارنده مر آنچه را که بخشش کنی و نه بخشنده مر آنچه
مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ
باز داری تو و سود نمی بخشد خداوند بخت را نزد تو بخت او
پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی روز پانزدهم ده رکعت
بهمان نحو بجا می آوری و بعد از سلام دستها بسوی آسمان بر میداری و میگوئی
لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
نیست او از پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
و می میراند و او زنده است که نمی میرد بدست او است هر نیکی و او بر همه
قَدِيرٌ إِلَهاً وَاحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً
تواناست ستایش میکنم خدا برا که بی مانند یگانه یکتا بی نیاز است که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی را

بدارد روز اول ماه رجب را از برای بعثت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود و

هرکه یکروز از اوسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند

ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم اند از قبایل عرب هرکه یکروز از آخر اینماه روزه بدارد حق

تعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر

و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمّه و خالو و خاله او و جمیع همسایگان او و آشنایان او هر چند

همه مستوجب جهنم بوده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت

کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مومن یا زن مومنه

که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل

هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه

عمل او هر گناهی را که در خردی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را

که تمام اینماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نماز گذارندگان

بنویسد و بهر روز اینماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای آن بآسمان

ببرند و بهر روزی که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند

و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا

او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان

جبرئیل این نماز را الان برای من آورد و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان

زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه

دیگر در نیمه ماه رجب واقع شده و بروایت ابراهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز
نیمه واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در دهم و پنجم اینماه واقع شده
است و ولادت حضرت امام محمد تقی در دهم اینماه واقع شده است و بعضی روایت در
خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث کثیره وارد شده است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که حق
تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که با هیچ یک از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و
شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم
و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای پیش نداده
است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس کسی که جمع کند
میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع
کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد
از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در
هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه سوره را و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه
سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد
و جمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکساله و روزه
یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمنان بدارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد
و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه یازده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از

هر سلامی دست بر سیداری و میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد

نیست الهی بجز خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی از برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس

یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی

زنده می سازد و می میراند و او زنده ایست که نمیرد بدست او است نیکی و او بر

کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا

همه چیز تواناست و رحمت فرستاد خدا بر محمد و آل پاکان او و نیست

حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

قدرتی و نه توانائی مگر به فیض خدای بلند قدر بزرگ مرتبه

پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را بطلب که البته برآورده است و حق تعالی

[illegible]

و بعد و هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو مینویسد و برات بیزاری از جهنم

و گذشتن بر صراط برای تو می نویسد و منقولست که هر که در روز جمعه اول ماه رجب صد

مرتبه قل هو الله احد بخواند حق تعالی در روز قیامت باو نوری عطا کند که بان نور داخل

بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر ع در روز جمعه اول

ماه رجب متولد شده و موجب زیادت شرف این روز گردید و در روایتی وارد شده است

که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز دوم ماه رجب واقع شده و بروایت

اللّٰه اللّٰه ربّی لا اشرک به شیئاً و ما شاء اللّٰه و لا قوّة الّا باللّٰه

خدا خدا پروردگار منست شریک قرار نمیدهم با او هیچ چیز را و آنچه میخواهد خدا و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

و در نیمهٔ رجب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مخصوص است و مؤکد است و بسند صحیح
از ابن ابی نصر روایت است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که زیارت
امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و در
روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع درین روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را
گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته
کرب و شدت او زایل میگردد و این چهار رکعت ابد و سلام کند و هر سوره که میخواهد
میخواند و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَ مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ اَنْتَ کَهْفِی حِینَ
بارخدایا ای خوار سازنده هر گردنکشی و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامی که
تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَ اَنْتَ بَارِئُ خَلْقِی رَحْمَةً بِی وَ قَدْ کُنْتَ
عاجز کند مرا راهها و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن و حال آنکه بتحقیق بودی
عَنْ خَلْقِی غَنِیّاً وَ لَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ وَ اَنْتَ
از خلق من بی نیاز و اگر نمی بود رحمت تو هر آینه بودمی از ناچیزان و تو
مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَی اَعْدَائِی وَ لَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ
قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان و اگر نمی بود یاری دادن تو مرا هر آینه می بودم

ماه رجب بود و از ده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابی[illegible]
است که ولادت حضرت امام علی نقی ع نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود و در سال دویست و چهار[illegible]
از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در این شب سنت است و احیای آن بعبادت
فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند
ملائکه را که گناهی که در دیوان عمل مؤمنان باشد محو کنند و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که
روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد
از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و بهر روزی که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او آمرزیده
شود و هفتاد حاجت او برآورده شود در وقتیکه از قبر بیرون می آید و نزد میزان و نزد
صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را
قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی
بنا کند برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده
[illegible] هفتاد هزار خادم [illegible] باشند و شیخ
[illegible] از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب
نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی
و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس میگوئی
پاک است خدا و سپاس مر خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجربست و محل روایتش آنست
که فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزاده حسن مجتبی علیه السلام دایه حضرت امام جعفر صادق
بود و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج
کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند عبدالله
بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند و داود نیز در میان آنها
بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از و خبری بمن نمیرسید و پیوسته دعا و
تضرع میکردم و از صلحا و بزرگان و برادران مؤمن استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند
و مطلقا اثر استجابت نمییافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را
با پسران عمش زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه
من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او ناامید شدم تا آنکه روزی شنیدم
که حضرت صادق ع را علتی عارض شده است چون بعیادت آنحضرت رفتم احوال گرفتم
و دعا کردم و خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری چون من شیر داود
را با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدایت شوم داود کجا
است او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس
میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود چرا غافلی از دعای
استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای او گشوده میشود
و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست
که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود

المفضوحين يا مرسل الرحمة من معادنها و منشئ البركة

در رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و فرستنده برکت

من مواضعها يا من خص بالشموخ و الرفعة فاولياؤه بعزه

از جاهای آن ای آنکه مخصوص است به بلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او

يتعززون يا من وضعت له الملوك نير المذلة على اعناقهم

عزیز اند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان نیر خواری بر گردنهای خود

فهم من سطواته خائفون اسئلك بكينونيتك التي اشتققتها

پس ایشان از غضبهای او ترسانند درخواهم از تو بکینونیت تو که بیرون آورده آنرا

من كبريائك و اسئلك بكبريائك التي اشتققتها

از بزرگواری خود و درخواهم از تو بزرگواری تو که بیرون آورده آنرا

من عزتك و اسئلك بعزتك التي استويت بها على عرشك

[illegible]

فخلقت بها جميع خلقك فهم لك مذعنون ان تصلي على

پس آفریدی بآن همه خلق را پس ایشان برای تو منقادند آنکه رحمت فرستی بر

محمد و اهل بيته

محمد و خاندان او

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند

وخاطر ترا از ناخوشی خبر دهم بشارت باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و تو بزودی پیش او [illegible]

تعالی امر [illegible] او و گفت که از [illegible] بیدار شدم [illegible] بغداد [illegible]

تقدیر بودی از [illegible] مدینه آمده [illegible] ابو محمد [illegible]

زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بوده نا امید بودم از خلاص شدن چون

شب نصف رجب شد در خواب دیدم که [illegible] زمین پست شده تو را دیدم که بر

حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان

در آسمان و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تحمید میکردند پس یکی از ایشان که از

همه خوشروتر و خوشبوتر بود و جامه‌های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت

رسالت پناه جد من است خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق سبحانه

مادر ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان

رسیدند بطلب من آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را

از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب این زمان بمن

عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و به نهایت سرعت به مدینه بیاورند

ام داود گفت که حسن را و در انجا بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاص او آن بود

که منصور حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نه

ترا در آتش می اندازم چون نظر کرد در پای خود دریای آتشی دید [illegible]

[illegible] پشیمان گردید و ترا رها کرد [illegible] کیفیت این عمل شریف [illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام فرمود که [illegible]

گفت ای فرزند طاهر من راست گویان میگویند این دعا حضرت فرمود که ای مادر داود

ماه محرم یعنی رجب نزدیک شده است و آن ماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و

دعا در [illegible] مستجاب است [illegible] آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که

که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا

را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که می ترسم بدست کسی افتد که از برای امر باطلی و نامشروع

این دعا را بخواند به درستیکه این دعا بسیار شریفیست و مشتمل است بر اسم اعظم خدا

که هرکه بخواند البته حاجت او برآورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین بسته شود یا دریاها

حایل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند از برای

تو مطلب تو و حاجت ترا برمیآورد و هرکه این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند

خواه مرد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن تو باشند خداوند تعالی در کفایت شر ایشان

میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که

[illegible] حضرت فرموده

بود بعمل آوردم و در شب پانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار

کردم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم و در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران

و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول ص مرا

خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی برادران

و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و مژده میدهند ترا بانکه

حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا

الحمد را بخوان و این احوط است و در روایت بکر و ابو بصیر است که پس از حمد صد مرتبه

بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس آیة الکرسی صد مرتبه بگو

پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست الهی مگر خدا و خدا بزرگتر است

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتواند خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد

بخواند پس دعا را بخواند و آیة الکرسی را بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند و دعا اینست

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

بنام خدای بخشاینده مهربان راست گفت خدای بزرگ که نیست معبودی بجز

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

او زنده پاینده خداوند بزرگواری و گرامی بخشاینده مهربان بردبار کریم

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ

که نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا

أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

که معبودی نیست مگر او و گواهی دادند فرشتگان و صاحبان دانش [illegible]

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْإِسْلَامُ وَكَتَبْتُ

نیست معبودی مگر او که غالب درستکار است بدرستیکه دین پسندیده نزد خدا اسلام است [illegible]

[illegible] شهادتها [illegible] گواهی او را وَأَنَا عَلَى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ و من بر آن از گواهانم

وچهار و نهم و پانزدهم بزار ذره بخورد. و نیز روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی تو را بکار دنیا مشغول گرداند و نماز کن و هشت رکعت نماز زوال با آداب او بجا آور ... رکوع و سجود انها را خوب بعمل آور ... ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو.

یا قاضی حوائج الطالبین

ای روا کننده حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرایط بجا آور و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که رو به حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره ... [illegible]

... انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سوره‌ها را از روی مصحف بخوانی ... هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که اگر نتوانی ... این

الْمُبِيرِ لِأَعْدَائِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَ

هلاک سازنده مر دشمنان ترا خداوندا رحمت بفرست بر میکائیل و بر ملک رحمت تو

الْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ اللّٰهُمَّ

آفریده شده از برای مهربانی تو و طلب کننده آمرزش و یاری دهنده مر اهل طاعت ترا خداوندا

صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِأَمْرِكَ

رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و خداوند صور انتظار دارنده فرمان تو

وَالْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَزْرَائِيلَ قَابِضِ

و ترسان بیمناک از ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل گیرنده

أَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ

جانهای همه خلق تو خداوندا رحمت بفرست بر حاملان عرش که پاکانند

وَعَلَى مَلَائِكَتِهِ الذِّكْرِ أَهْلِ التَّأْمِينِ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

و بر فرشتگان ذکر گویندگان آمین اند بر دعای گروندگان

وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ

و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان

الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّيرَانِ

بزرگواران نویسندگان تو و بر فرشتگان بهشت و خازنان دوزخ و

وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللّٰهُمَّ صَلِّ

ملک الموت و یاری کاران او ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست

الثناء من الله اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز ولك الفخر

ولك القهر ولك النعمة ولك العظمة ولك الرحمة

و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت و ... و مر تراست بخشش

ولك المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح

و مر تراست هیبت و مر تراست پادشاهی و مر تراست روشنی و مر تراست انعام و مر تراست تسبیح

لك التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى

و مر تراست پاکی ستودن و مر تراست تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده شود و مر تراست آنچه دیده نشود

ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون

و مر تراست آنچه بالای آسمانهای بلند و مر تراست آنچه زیر خاک است و مر تراست زمین های پست

السفلى ولك الآخرة والاولى ولك ما تحب و

و مر تراست آخرت و دنیا و مر تراست آنچه دوست داری و

ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على

بستایش و سپاس و شکر و نعمت خداوندا رحمت فرست بر

جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك والمطاع

جبرئیل امین تو بر وحی تو و توانا بر فرمان تو و اطاعت کرده شده

في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك

در آسمانهای تو و جاهای کرامتهای تو بردارنده کلمهای تو یاری کننده پیغمبران

وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسَى وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْأَتْبَاعِ

وَخَالِدٍ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ

و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و

رَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

رحم نمودی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده و بزرگواری

صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَئِمَّةِ الْهُدَى

بارخدایا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران و نیکبختان و گواهان و پیشوایان هدایت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَ

خداوندا رحمت بفرست بر ابدال و اوتاد و روزه داران و عبادت کنندگان و

الْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ

خالص کنندگان و بی رغبتان بدنیا و اہل سعی و کوشش و مخصوص گردان

مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ

محمد و اهل بیت او را به بهترین رحمتهای خود و وافرترین نوازشهای خود و برسان

رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً

روح او و جسد او را از من درود و سلامی و افزون کن او را بخشش و بلندی

على أبينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك

بر پدر ما آدم نو پیدا کرده آفرینش تو که گرامی داشتی او را بسجده فرشتگان خود

وأبحته جنتك اللهم صل على أمنا حواء المطهرة من الرجس

و حلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت بفرست بر مادر ما حوّا پاک کردیده از هر نجس

المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال

پاکیزه شده از هر چرکی زیاده شده از گروه آدمیان و آمد شد کننده میان جاهای

القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح

پاکیزگی خداوندا رحمت بفرست بر

وهود وصالح وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب

ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى

وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس و

الياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان

وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق

يا عظيمُ يا جليلُ يا منيلُ يا جميلُ يا كفيلُ يا وكيلُ يا مقيلُ

ای بزرگ مرتبه ای بزرگوار ای بخشنده ای نیکو ای ضامن ای بخود گیرنده کارها ای درگذرنده

يا مجيرُ يا خبيرُ يا منيرُ يا مبيرُ يا منيعُ يا مديلُ يا

ای پناه دهنده ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک نماینده ای ارجمند ای دولت دهنده ای

مُحيلُ يا كبيرُ يا قديرُ يا بصيرُ يا شكورُ يا برُّ يا

قوت بخش ای بزرگوار ای توانا ای بینا ای بغایت جزا دهنده ای نیکو ای

طُهرُ يا طاهرُ يا قاهرُ يا ظاهرُ يا باطنُ يا ساترُ

بسیار منزه ای پاک ای خداوند قهر و غلبه ای هویدا ای پنهان ای پوشان

يا محيطُ يا مقتدرُ يا حفيظُ يا متجبرُ يا قريبُ يا ودودُ

ای فرا گیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای بغایت بزرگوار ای نزدیک ای دوست

يا حميدُ يا مجيدُ يا مبدئُ يا معيدُ يا شهيدُ يا محسنُ

ای ستوده ای بزرگوار ای پدید آورنده اول بار ای بازگرداننده ای دانا ای احسان کننده

يا مجملُ يا منعمُ يا مفضلُ يا قابضُ يا باسطُ يا هادي يا

ای نیکوکار ای نعمت بخش ای بخشنده ای گیرنده ای گشاینده ای راه نمای ای

مُرسلُ يا مرشدُ يا مسددُ يا معطي يا مانعُ يا دافعُ

فرستنده ای راه نما ای توفیق دهنده برای ثواب ای بخشنده ای باز دارنده ای دور سازنده

يا رافعُ يا باقي يا واقي يا خلاقُ يا وهابُ يا توابُ

ای بلند نماینده ای باقی از زوال ای حفظ کننده ای بسیار پدید آورنده ای بسیار بخشنده ای پذیرنده توبه

وَكَرَامَتِي ... عَلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

بزرگواری تا آنگه برسانم به بلندترین درجه‌های اهل شرف از پیغمبران

الْمُرْسَلِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتَ وَ

فرستادگان و صاحب فضل که مقربانند بار خدایا رحمت بفرست بر آنکه نامش بردم و

مَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِلْ

و آنکه نامش نبردم از فرشتگان و پیغمبران تو و فرستادگان تو و فرمانبرداران تو و برسان

صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَ

درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی ارواح ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو

أَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ

و مددکاران من بر خواندنم ترا بار خدایا به درستیکه من شفاعت میخواهم بتو بسوی تو و به بزرگواری تو

إِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ

بسوی بزرگواری تو و ببخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و

بِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ

باهل طاعت تو بسوی تو و درمیخواهم از تو خداوندا بهر چه درخواست از تو بآن کسی

مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ

از ایشان از سوال بزرگی که نباشد برگردانیده شده و بآنچه خواندند ترا بآن از

دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ

دعای پذیرفته که نگردیده بی بهره از قبول ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار

يَا مُقْتَدِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُيَسِّرُ

ای توانا ای بخشنده ای دیرینه ای بزرگوار ای سهل سازنده ای آسان کننده

يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ

ای میراننده ای زنده نماینده ای سود بخش ای روزی دهنده ای اندازه کننده ای سبب سازنده

يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ

ای فریادرس ای بی نیاز کرداننده ای آفریدگار ای نگهبان ای یکتا ای دانا

يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ

ای خداوند قهر و غلبه ای نگاهدارنده ای توانا ای فریادرس ای نفع بخش ای گیرنده ای

يَا مُنِيبُ يَا مُبِينُ يَا طَاهِرُ يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا

پذیرنده توبه ای جدا کننده حق از باطل ای پاک ای اجابت نماینده ای بخشنده ای

مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا مُؤَمَّلُ يَا مُسْدِي

پذیرنده ای دادخواه بحق ای بینا ای خواهنده خیرات ای بخشنده

يَا أَوَّابُ يَا وَافِي يَا رَاشِدُ يَا مَلِيكُ يَا رَبُّ

ای بخشنده ای پذیرنده توبه ای وفا کننده ای خداوند رشد ای پادشاه ای پروردگار

يَا مُذِلُّ يَا مُعِزُّ يَا مَاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ

ای خوار سازنده ای عزیز دارنده ای بزرگوار ای روزی دهنده ای یاور ای خداوند فضل

يَا سُبْحَانُ يَا بَاسِطُ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى وَكَانَ

ای پاک ای گستراننده ای آنکه بلند است پس برتر است در

يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع

ای گشاینده ای بخشاینده ای آسایش دهنده ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای سود بخش

يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي

ای مهربان ای مهربان ای کار گذار ای شفا دهنده ای دفع کننده رنجها ای جزا دهنده

يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام

ای وفا کننده ای دیدبان ای ارجمند ای کار فرمای بقهر ای بنهایت بزرگوار ای سالم از نقص

يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر

ای امان دهنده ای یگانه ای پناه نیازمندان ای هویدا ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی همتا

يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم

ای بسیار منزه ای یاور ای انس بخشنده ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا

يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب

ای حکم کننده ای پدید آورنده [illegible]

يا قائم يا دائم يا عليم يا حليم يا جواد يا بارئ يا بار

ای پاینده ای موجود ای دانا ای راست گفتار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکردار ای شادی بخش

يا سار يا عدل يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان

ای شادی بخشنده ای داد خواه ای خداوند فضل ای بسیار غالب ای بسیار مهربان ای بیشمار بخشنده

يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا مجير يا مغني يا ناشر

ای شنوا ای نو پدید آورنده ای پناه دهنده ای مدد کننده [illegible] ای بی نیاز کننده [illegible]

أَنْتَ بَدِيعُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

تو ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آل محمد رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری و رحم کن خواری و شکستگی مرا و احتیاج مرا

وَانْفِرَادِي وَوَحْدَتِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ

و تنهایی مرا و بیکسی مرا و فروتنی مرا پیش تو و تکیه مرا بلطف تو

وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ

و زاری نمودن مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده خوار زاری نماینده

الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ

ترسان بیمناک محتاج ضعیف ذلیل گرسنه محتاج

الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ

پناه گیرنده زنهار جوینده اعتراف دارنده بگناهان خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده

لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَعَظُمَتْ

از برای پروردگار مانند دعای کسیکه خوار کرده باشد او را اعتماد او و ترک نموده باشند او را دوستان او و بزرگ شد

بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى وا

ديدگاه بلندتر اى آنكه نزديكست پس نزديكست و دور است پس دور است و

علم السرّ واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير

ميداند نهان را و نهانتر از آن را اى آنكه بسوى اوست تدبير و مر او راست اندازه ها

يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو على

اى آنكه هر دشوارى بر او سهل و آسان است واى آنكه او بر آنچه

ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح

خواهد تواناست اى فرستنده بادها اى شكافنده صبح

يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا رادّ ما

اى برانگيزنده نفوس اى خداوند بخشش و نوازش اى برگرداننده

قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات

آنچه بتحقيق فوت شده اى زنده سازنده مردگان اى فراهم آورنده پراكنده ها

يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل

اى روزى دهنده آنكه خواهد بى شمار واى كننده

ما يشاء كيف يشاء ويا ذا الجلال والاكرام يا حىّ

آنچه خواهد هر قسم كه خواهد واى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن اى زنده

يا قيوم يا حىّ حين لا حىّ يا حىّ يا محيى الموتى يا حىّ لا اله الا

اى پاينده اى زنده هنگاميكه نيست زنده اى زنده اى زنده كننده مردگان اى زنده نيست خداوندى مگر او

أَنْتَ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

تو اى پديد آورندهٔ آسمانها و زمين اى خداوند من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آل محمد رحم كن محمد و آل محمد را و بركت ده بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانكه رحمت فرستادى و بركت دادى و رحم كردى و ترحم نمودى بر ابراهيم

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

و آل ابراهيم بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى و رحم كن خوارى و تنگدستى مرا و احتياج مرا

وَانْفِرَادِي وَوَحْدَتِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ

و تنهايى مرا و بيكسى مرا و فروتنى مرا پيش تو و تكيه مرا بر لطف تو

وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ

و زارى نمودن مرا بسوى تو ميخوانم ترا مانند خواندن فروتنى كننده خوار زارى كننده

الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ

ترسان بيمناك محتاج خفيف ذليل گرسنه محتاج

الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ

پناه گيرنده زنهار جوينده اعتراف دارنده بگناهان خود طلب آمرزش نماينده از گناه فروتنى كننده

لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَعَظُمَتْ

از براى پروردگار و كار مانند دعاى كسيكه خوار گذاشته باشد او را اعتمادش و ترك نموده باشند او را دوستانش و بزرگ

بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى و

دیدگاه بلندتر ای آنکه نزدیکست پس نزدیکست و دور است پس دور است و

علم السرّ واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير

سرّ آنچه نهان‌تر از آن ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مراو راست اندازه‌ها

يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو على

ای آنکه هر دشواری براو سهل و آسان است وای آنکه او برآنچه

ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح

خواهد تواناست ای فرستنده بادها ای شکافنده صبح

يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا رادّ ما

ای برانگیزنده نفوس ای خداوند بخشش و نوازش ای بازگرداننده

قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات

آنچه تحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورنده پراکنده‌ها

يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل

ای روزی دهنده آنکه خواهد بی‌شمار وای کننده

ما يشاء كيف يشاء ويا ذا الجلال والاكرام يا حيّ

آنچه خواهد هرقسم که خواهد و ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای زنده

يا قيّوم يا حيّا حين لا حيّ يا حيّ يا محيي الموتى يا حيّ لا اله الا

ای پاینده ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده

وَلِزَكَرِيَّاءَ يَحْيى وَلِمَرْيَمَ عِيسى يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يَا كَافِلَ

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کارگذارنده

وَلَدِ اُمِّ مُوسى اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

پسر مادر موسی درخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي كُلَّهُ وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ

بیامرزی برای من گناهان مرا همه گناهان مرا و بدهی امید من تمام و پناه دهی مرا از عذاب خود

وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَاَمَانَكَ وَاِحْسَانَكَ وَ

و لازم گردانی برای من خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را

غُفْرَانَكَ وَجِنَانَكَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ

آمرزش خود را و بهشت خود را و درخواهم از تو اینکه بگشائی از من هر حلقه

ضِيقٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ

تنگی را که بوده باشد میان من و میان آنکه ایذا کند مرا بگشائی برای من هر دری را و نرم گردانی برای من هر سختی را

وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ

و آسان گردانی برای من هر مشکلی را و گنگ سازی از ذکر من هر سخن گوئی را به بدی و دور گردانی

عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتَ لِي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ

از من هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمنی را که برای من است و بدخواهی را و باز دار

مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ وَلَدِي وَيُحَاوِ

از من هر ستمکاری را و دفع کنی از من هر مانعی را که حایل شود میان من و میان فرزندان من و قصد کند

فَجَعَتْهُ دُعَاءَ خَرِفٍ حَزِينٍ ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ

مصیبت او دعای سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج فقیری که بوده باشد تو

مُسْتَجِيرٍ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ

پناه جوینده بار خدایا درمیخواهم از تو بسبب انکه تو تحقیق تو صاحب پادشاهی انکه تحقیق تو انچه را خواهی

مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ وَاَنَّكَ عَلٰى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَاَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ

از امری میشود وانکه بدرستیکه تو برانچه میخواهی توانایی و درمیخواهم از تو بحرمت

هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالرُّكْنِ

این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم و بحرمت رکن کعبه

وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ومقام ابراهیم وجاهای عبادت که بزرگست مرتبه انها وبحق پیغمبر تو محمد رحمت فرستد خدا بر محمد

وَاٰلِهِ يَا مَنْ وَهَبَ لِاٰدَمَ شَيْثًا وَلِاِبْرَاهِيمَ اِسْمٰعِيلَ

وال محمد ای انکه بخشنده مر آدم را شیث و ابراهیم را اسمعیل

وَاِسْحٰقَ وَيَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلٰى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ

واسحق وای انکه برگردانیده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه

كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ اَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ

زائل کرده پس از امتحان بدحالی ایوب را ای انکه برگردانیده موسی بر مادرش

وَيَا زَائِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ

وای زیادتی دهنده خضر در علمش وای انکه بخشیده مر داود را سلیمان

اللّهمّ لكَ سجدتُ وبكَ آمنتُ فارحم ذُلّي وخضوعي

خداوندا برای تو سجده کرده‌ام و به تو تصدیق نموده‌ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا

بين يديكَ وفقري وفاقتي إليكَ وارحم انفرادي وخشوعي

در پیش تو و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و پستی نمودن مرا

واجتهادي بين يديكَ وتوكّلي عليكَ اللّهمّ بكَ أستفتح

و کوشش مرا پیش تو و اعتماد مرا بر لطف تو خداوندا به تو طلب فتح می‌کنم

وبكَ أستنجح وبمحمّدٍ عبدكَ ورسولكَ وآله أتوجّه إليكَ

و به تو رستگاری می‌جویم و بوسیلهٔ محمد بنده تو و فرستادهٔ تو و بوسیلهٔ آل او رو می‌آورم بسوی تو

اللّهمّ سهّل لي كلّ حزونةٍ وذلّل لي كلّ صعوبةٍ و

خداوندا هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن برای من هر مشکلی را و ببخش مرا

أعطني من الخير أكثر ممّا أرجو وعافني من الشّرّ واصرف

از نیکی بیشتر از آنچه امید دارم و سالم بدار مرا از هر بدی و بگردان

عنّي الشّرّ

از من هر بدی را

و در روایت دیگر صد مرتبه در سجده بگو

يا قاضي حاجات الطّالبين اقضِ حاجتي بلطفكَ يا خفيّ الألطاف

ای برآورندهٔ حاجتهای سؤال کنندگان برآور حاجت مرا به مهربانی خود ای که پنهانست الطافت

و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود به خدمت حضرت عرض کرد که ای

أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ

آنکه جدایی افکند میان من و میان طاعت تو و آنکه مشغول سازد مرا از عبادت تو ای آنکه

أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَقَهَرَ عُتَاةَ الشَّيَاطِينِ وَأَذَلَّ رِقَابَ

لجام کرده پری و پر سرکشی را و غلبه کرده تجاوز نمایندگان دیوان را و خوار گردانیده گردنهای

الْمُتَجَبِّرِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ

متکبران را و برگردانیده مکر دست یافتگان را از ناتوان — در میخواهم

بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ

از تو بتوانائی تو بر آنچه خواهی و آسان کردن تو مر آنچه را اراده کنی بهر روشی که اراده کنی

تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ

اینکه بگردانی برآوردن حاجت مرا — در آنچه میخواهی

پس سجده بر رو و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي

خداوندا از برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و کوشش مرا

وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ

و زاری مرا و بیچیزی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت استجابت دعا است و در روایت دیگر وارد شده است که در

که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سیم [illegible]
خنجر زهرآلود بران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه [illegible]
آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است و در روز [illegible]
این ماه فتح خیبر بدست معجزنمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه [illegible]
والسلام جاری شد و مرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد [illegible]
بشکرانه این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ طوسی [illegible]
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز بیست و [illegible]
بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه اش وارد شده است [illegible]
از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلعم در روز بیست [illegible] رجب مبعوث
شد و این مخالف مشهور است و احادیث بسیار که بعد از این مذکور خواهد شد [illegible]
فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که روزه اش کفاره دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت [illegible]
مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را [illegible]
هفتاد سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر که روز بیست
ششم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره [illegible]
گرداند و روز بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روز بعثت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در آن روز برسالت مبعوث گردید و جبرئیل
پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شب این روز نیز [illegible] مبارکست [illegible]

سید و آقای من این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه
میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را بیامرزد
و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا را بخواند
بنحویکه ذکر کردیم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود
که در روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند حاجتش برآورده میشود مولف گوید که از این
احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را
روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فایز میگردد و دور نیست که
اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر
در غیر اشهر حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای
بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد بهتر باشد فصل پنجم
در بیان فضایل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که روز هیجدهم
این ماه ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن
بر آنها که در این مصیبت شماتت کردند نیز مناسبست خصوصًا عایشه علیها اللعنه و ابن
عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها
در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و
ظالمان آنحضرت که گوشه رسالت پناه بودند که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنه و العذاب است
و زیارت آنحضرت احتیاطًا مناسب است بنحویکه مذکور خواهد شد و شیخ مفید رحمه الله
گفته است که در روز بیست و دوم این ماه معویه علیه اللعنه بجهنم واصل شده است

الاعلی الاعلی وبکلماتک التامات کلها ان تصلی

بلندتر بلندتر و بحرمت کلمهای تو که تمام و کامل اند که همه آنها رحمت

علی محمد وآل محمد وان تفعل بی ما انت اهله

محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

پس هر حاجت که خواهی بطلب که البته هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع

رحمی یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و در بخشش یا روزه دار که از برای تو حساب میشود

و به سند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که در شب

بیست و هفتم رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت بجا آور و در هر رکعت بعد از حمد

چهار مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان

و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو

لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله

نیست خداوندی سزاوار پرستش بجز خدا و خدا بزرگتر است و سپاس خدا را و پاک است خدا

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر

پس هر حاجت که خواهی بطلب مولف گوید که بهر یک از این دو روایت که عمل کند خوب

است و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب را که به سند صحیح گذشته

در این شب بجا آورد خوب است و در آن روایت وارد شده است که در این شب نیز

بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت

از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد و آن شب بیست و هفتم از ماه است و در صبح این شب
حضرت رسالت پناه برسالت مبعوث شد و کسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر
شصت سال عبادت خدا با و عطا فرماید پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که
که چون نماز خفتن کردی بخواب هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف
شب خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام
بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سوره های کوچک بعد از آن یس را بخوان
و چون از نماز فارغ شوی هر یک هفت مرتبه سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر

و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی
سپاس مر خدا را که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در
اَلْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا
پادشاهی و نیست از برای او یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را بعظمت یاد کردنی
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَعَاقِدِ عِزِّکَ عَلٰی اَرْکَانِ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بجاهای انعقاد عزت تو بر اطراف عرش تو و بحق نهایت
الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَذِکْرِکَ
رحمتی که استفاده میشود از کتاب تو و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگتر است بزرگتر بزرگ و بحرمت ذکر تو

الاسم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم فاسئلك به وباسمك

پس مر تراست سپاس ای خداوند بخشش و بزرگواری پس سوال میکنم بتو بحق آن و بحق نام تو

الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته

که بزرگترست بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر آن نامی که آفریدی آنرا

فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد

پس قرار گرفت در سایهٔ تو پس بیرون نرود از نزد تو بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد

واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه

و خاندان محمد که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از عمل کنندگان درین

بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم هدنا الى

بطاعت تو و آرزومندان درین ماه بشفاعت تو بار خدایا هدایت کن ما را بسوی

سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل

راه راست و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایه

ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم

عظیم و عزت بسیار پس بدرستیکه تو کافی ما را و نیکو کارگذاری خداوندا

اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا الضالين

بگردان ما را رستگاران فیروزی یافتگان نه غضب کرده شده بر ما و نه گمراهان

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بعزائم

برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بوسیله

إِلَيْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنْ فِي

بسوی تو و بهره مند ساز د نزد تو و نزدیک کرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو کردان در

جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ

همه حالات ما را و کارهای ما را شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی هیچیک از

خَلْقِكَ فَمُنَّ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا

آفریدگان خود پس منت گذار بر ما و احسان کن بر ما بهمه حاجت های ما که بجهة دنیا

وَالْآخِرَةِ وَابْدَأْ بِآبَائِنَا وَأَبْنَائِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي

و عقبی است و ابتدا کن به پدران ما و پسران ما و همه برادران ما که گروندگان اند در

جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ

تمام آنچه درخواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا

إِنَّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ

بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بحرمت نام تو بزرگ و پادشاهی دیرینه تو آنکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرز برای ما را گناه بزرگ را

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ اللّٰهُمَّ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ

بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب است گرامی داشته شده

الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ

که گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای حرمست گرامی داشتی ما را بآن از میان

عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سجده برد و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین بخشایندگان سپاس خداوندی را که
هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ وَوَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ پس بگو
رسانیده مرا بشناخت خود و مخصوص گردانیده ما را به دوستی خود و توفیق داده ما را برای طاعت خود
شُكْراً شُكْراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ
ستایش می کنم ستایشی خداوندا بدرستیکه من قصد نمودم
بِحَاجَتِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَئِمَّتِي
بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی تو بوسیله پیشوایان
وَسَادَاتِي اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنَا
و بزرگان خود بار خدایا سودمند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه فرود آمدن ایشان و روزی کن ما را
مُرَافَقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
رفاقت ایشان و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و به سندهای
معتبر از حضرت صادق منقول است که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت
دیگر شصت سال و ایضا منقول است که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که
آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه آنها روزیست که
حضرت رسول صلعم مبعوث گردیده است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که
روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول

مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَ

مغفرت ثابت تو و برحمت واجب تو سلامتی از هر گناهی و

الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ

غنیمت از هر نیکی و رستگاری بهشت و خلاصی از دوزخ خداوندا

دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَئَلَكَ السَّائِلُونَ وَ

خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو درخواهندگان و

سَئَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ

درخواستم از تو و رغبت نمودند بسوی تو رغبت کنندگان و رغبت نمودم بسوی تو خداوندا

اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَاِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ

توئی اعتماد و امید و بسوی تست منتهی شدن رغبتها و دعاها بارخدایا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي

پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و روشنائی را در

بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

دیده من و پند را در سینه من و ذکر خود را در شب و روز

عَلَى لِسَانِي وَرِزْقاً وَاسِعاً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي

بر زبان من و روزی و فراخی که نباشد مقطوع و نه حرام پس روزی کن مرا

وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا

و برکت ده برای من در آنچه روزی کرده مرا و بگردان بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا يَا عُدَّتِي

در پادشاهی و نیست او را یاوری از ذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای عدّه

فِي مُدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي فِي

در مدت عمر من ای یار من در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در

رَغْبَتِي يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي يَا كَالِئِي فِي

در خواهش من ای فیروزی بخش من در حاجت من ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در

وَحْدَتِي يَا أُنْسِي فِي وَحْشَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ

تنهایی من ای انیس من در حال رمیدگی من تویی پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس و

أَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِي

و تویی درگذرنده از لغزش من پس سپاس مر تراست تویی نگهدارنده از افتادن من

فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَ

پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و

آمِنْ رَوْعَتِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَتَجَاوَزْ عَنْ

ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا

از بدیهای من در حالتی که بوده باشم در زمره یاران بهشت وعده کن مرا به وعده راستی که بودند

يُوعَدُونَ

وعده داده میشوند

و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما در این روز منقولست و نماز این روز بطرق
مختلفه وارد شده است و اکثر گفته‌اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر
میشود که در هر وقت روز که بکند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که چون
حضرت امام محمد تقی به بغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
حمد و هر سوره که خواهند بخوانند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس که هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا

نیست معبودی بحق بغیر خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس مر خدا را و نیست

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس چهار مرتبه بگویند اَللهُ اَللهُ

هیچ حرکتی و نه توانائی مگر بخدا است خدای بلند قدر بزرگ مرتبه خدا خدا

رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس چهار مرتبه بگویند لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

پروردگار منست انباز نمی‌کردانم با او چیزی را شریک نمیکردانم با پروردگار خود احدی را

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز
بجای آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام
میگوئی و بعد از این میخوانی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

سپاس مر خدا را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی

الرَّجاءِ لَدَيكَ مُتْرَعَةٌ وَأَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةٌ وَ

امید از دلو لبریز ودرهای خواندن ترا برای کسیکه خواند ترا گشوده و

الاسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةٌ وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِداعِيكَ

یاری جستن را برای آنکه یاری جست بتو حلال کرده شده و میدانم اینکه بتحقیق تو برای خواننده

بِمَوْضِعِ إِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ إِلَيكَ بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهَفِ

در جایگاه اجابتی و برای استغاثه نماینده بسوی خود در انتظار کمک و فریادرسی و اینکه بتحقیق

إِلى جُودِكَ وَالضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الباخِلِينَ

بسوی بخشش تو و در ضامن شدن بوعده تو هست عوض بزرگ از منع ممسک کان

وَمَنْدُوحَةً عَمّا فِي أَيْدِي المُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ

و وسعت دل بی نیازی از آنچه هست در دستهای آنکه مستغرقند بتو انگری و اینکه بتحقیق تو پنهان نمیگردی

خَلْقِكَ إِلّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الأَعْمالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ

از خلق مگر آنکه حائل شود ایشانرا کردارها پیش از رسیدن بتو و بتحقیق دانستهام اینکه

أَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ إِلَيكَ عَزْمُ إِرادَةٍ وَقَدْ ناجاكَ

بهترین توشه کوچ نماینده بسوی تو اراده ثابت است و بتحقیق که راز گفته ترا

بِعَزْمِ الإِرادَةِ قَلْبِي فَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ

با اراده ثابت دل من پس سوال میکنم ترا بهر دعائیکه خوانده باشد ترا بآن

بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ أَوْ صارِخٍ إِلَيكَ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ

امیدواری که رسانیده باشی آنرا بآرزوی او و یا استغاثه نماینده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او

و چون از دعا و نماز فارغ شوی سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس هفت مرتبه بگوی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ پس هفت مرتبه بگوی اَللهُ اَللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً

و نه توانائی مگر بخدا است خدای خدا خدا پروردگار منست و انباز نمیکردانم او را بچیزی

پس آنچه خواهی از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که

سنت است این دعا را در روز مبعث بخواند

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ

ای آنکه فرمان داده بعفو و درگذشتن و ضامن گردیده خود را برای عفو و درگذشتن

يَا مَنْ عَفَى وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ

ای آنکه عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار بار خدایا

وَقَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَأَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ

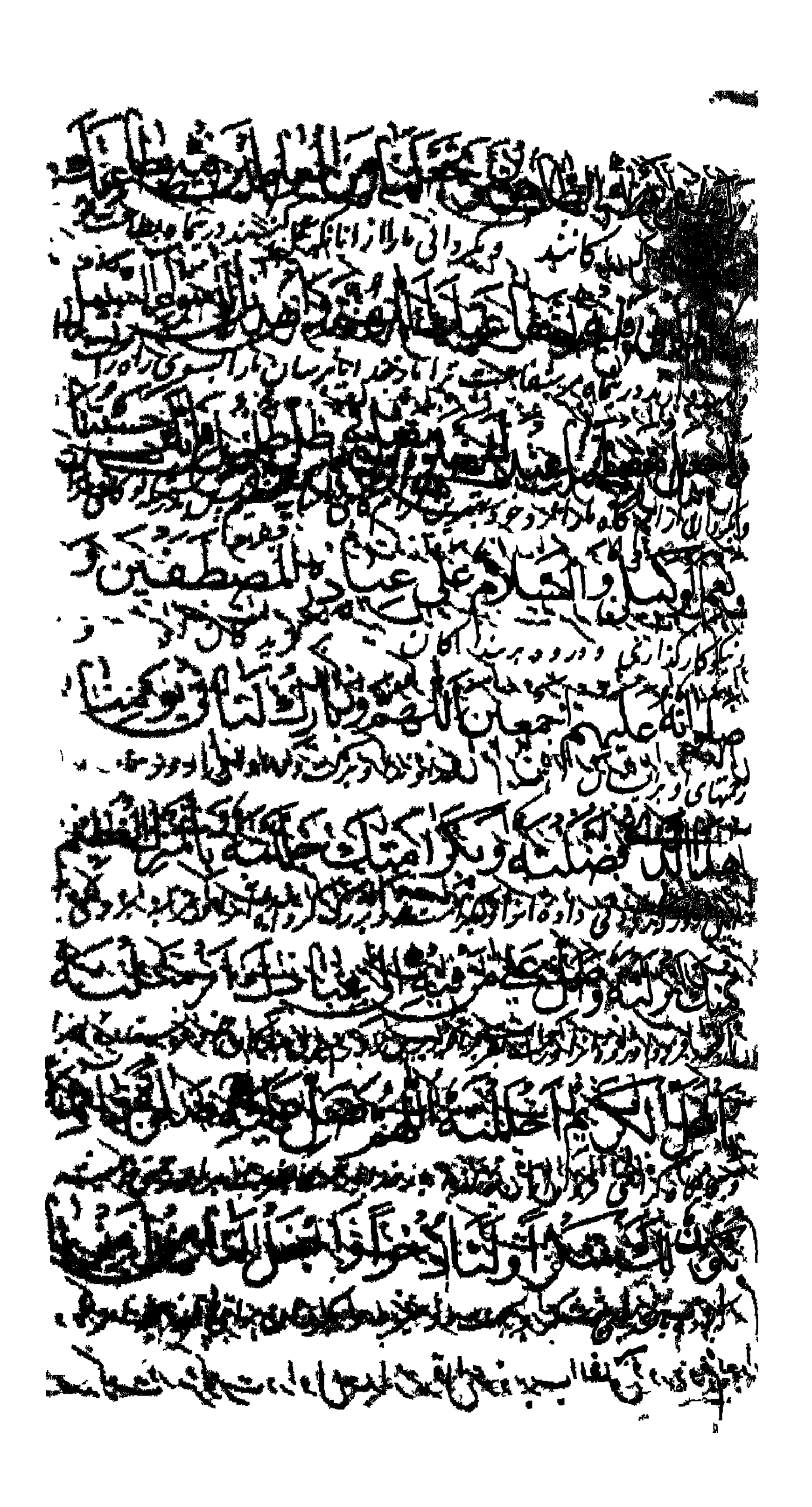
تحقیق مشکل گردیده طلب و عاجز گردانیده چاره و راه کسب معاش و کهنه شده

الْآمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

آرزوها و بریده شده امید مگر از تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی برای تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشاده و مناهل و آبخورهای



اَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ اَوْ مُذْنِبٍ

یا در مانده غمگینی که کشف نموده باشی از دل او یا گنهکار

خَاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعَافًا اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ

خطاکرداری که امرزیده باشی مر او را و عافیت بخشیده شده که تمام گردانیده باشی نعمت خود را بر او یا

فَقِيرٍ اَهْدَيْتَ غِنَاكَ اِلَيْهِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَ

محتاجی که تحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و حال آنکه برای این دعوة بوده باشد بر تو حقی و

عِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلَّا صَلَّيْتَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقَضَيْتَ

نزد تو مرتبه مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و روا کنی

حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي

حاجت های اینجهان و آنجهان را و اینست رجب بزرگ گردانیده گرامی است که

اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلَ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ

گرامیداشته ما را بان اول ماههائی حرام است و گرامیداشته ما را بآن از میان امتها

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ

ای خداوند بخشش و بزرگواری درخواهم از تو بحرمت آن و بحرمت نام تو که بزرگتر است

الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ

بزرگ تر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر آن نامی که آفریدی آنرا پس قرار گرفت

فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلٰى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد

[illegible] نماز [illegible] رکعت [illegible]

[illegible] نماز شب [illegible] رکعت [illegible]

[illegible] آیة الکرسی [illegible] بعد از حمد توحید

[illegible] نماز [illegible] صلوات [illegible] نماز

[illegible] رکعت [illegible] در هر رکعت [illegible] نماز شب [illegible]

[illegible] الحمد [illegible] الهکم التکاثر نماز شب [illegible] بعد از حمد [illegible]

[illegible] توحید نماز شب [illegible] رکعت [illegible] آیة الکرسی

نماز شب [illegible] در هر رکعت [illegible] انا ارسلنا [illegible] نماز شب [illegible]

ده رکعت [illegible] در هر رکعت [illegible] اول الحمد [illegible] والعادیات [illegible]

[illegible] الهکم التکاثر نماز شب [illegible] در هر رکعت بعد از حمد سوره

[illegible] اذا جاء [illegible] نماز شب [illegible]

[illegible] در هر رکعت [illegible] نماز شب [illegible]

دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد [illegible] توحید [illegible] در هر رکعت [illegible] نماز شب [illegible]

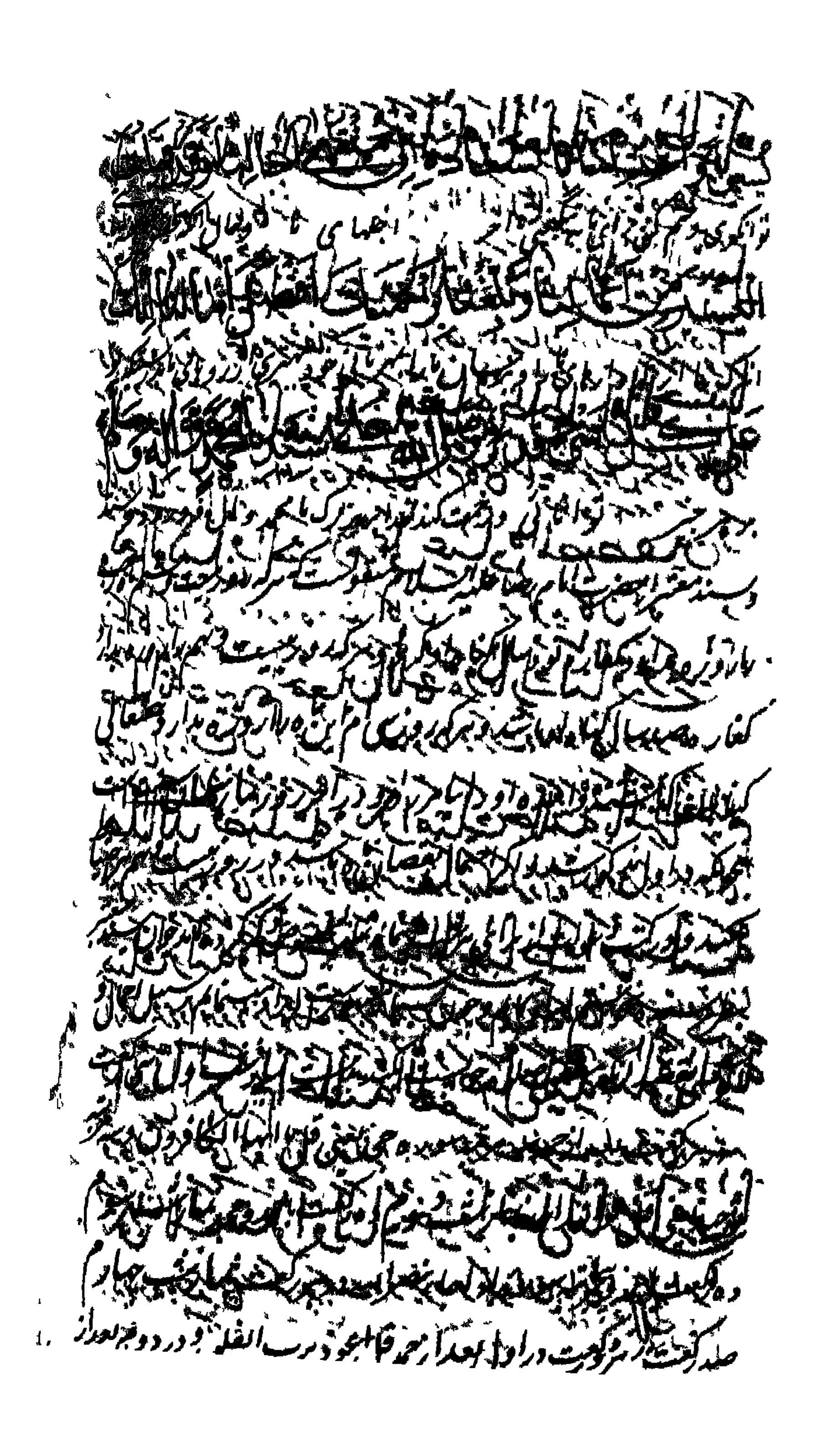
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد [illegible] آیة الکرسی نماز شب [illegible]

[illegible] در هر رکعت بعد از حمد [illegible] نماز شب [illegible]

در هر رکعت بعد از حمد [illegible] انا اعطیناک الکوثر [illegible] نماز شب [illegible]

[illegible] در هر رکعت [illegible]

[illegible] الحمد [illegible] آل محمد [illegible]



پیغمبر فرمود که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که منادی آنحضرت را شنیدم روزه
شعبان را ترک نکردم تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان
و ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب خدا برای بخشیدن گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه
که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه
مبارک رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزها سنت
افضل است فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان میفرمود که هر
دو ماه خدا است روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است ایضا از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد و پاک گرداند از هر لغزشی
و گناهی و عیبی و تهمتی در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی از برای تعظیم
آن ماه بدانند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاد میشود در آن روزیهای بندگان
از برای ماه رمضان زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کردند زیرا
که منشعب بسیار میگردد در آن روزیهای مومنان حسنه در آن مضاعف میگردد
و بار گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد
و خداوند جبار نظر می کند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان شبهای آن ماه و مباهات
میکند بایشان با حاملان عرش در فضیلت روزه و بیرون از آنها الله تعالی سزاوار است که ذکر شود

و دو رکعت [illegible] هر رکعت بعد از حمد [illegible] سوره والتین [illegible] نماز شب [illegible] و چهارم
[illegible] بعد از حمد [illegible] سوره توحید [illegible]
[illegible] در هر رکعت [illegible]
[illegible] نماز شب [illegible]
[illegible] نماز شب [illegible]
[illegible] هر رکعت بعد از [illegible]
[illegible] بعد از تمام [illegible]
[illegible] مرتبه استغفار [illegible]
[illegible] بعد از حمد [illegible] مرتبه توحید [illegible]
[illegible]
[illegible] سلام است و [illegible]
[illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] باب دوم
[illegible] فصل اول
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باب [illegible]

افضل است از [illegible] روایت کرده است که حضرت خیر البشر فرمود شعبان
ماه منست هر که از ماه من یکروز روزه دارد بهشت او را واجب شود و هر که دو روز روزه
دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد
و بوصل کند بماه رمضان کفاره او باشد از گناه کوچک و بزرگی هر چند اهل خون حرام
شده باشد که او را نفع می دهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است
که هر که یک روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا
شفیع او باشد در قیامت و بسند معتبر بسیار از حضرت صادق روایت کرده است که چون
ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع می نمود و می فرمود
که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبان است و حضرت
رسول می فرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر خود
و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین بدست
او است سوگند یاد میکنم که شنیدم از حسین بن علی علیهما السلام که گفت شنیدم
از امیر المؤمنین که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای
تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت
و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده
است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست
پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه
بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گردد در وحشت قبر او و او را تنها نگذارد و

تطویل کلامست و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره
بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی
امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه داری
روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای
معتبر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود که ماه شعبان ماه منست و رمضان
ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که
دو روز از ماه من روزه بگیرد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از ماه من
روزه بگیرد او را بگویند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری و بسند عالی از حضرت
امام رضا منقولست که هر که یکروز از شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت
گردد و هر که در یک روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت
رسول محشور گردد و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق
بکند اگر چه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز
از آخر شعبان روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل
برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را
حضرت رسول خدا زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت شعبان را و میفرمود
که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که در آن ماه عملهای بندگان را بسوی خدا بالا میبرند و دوست میدارم
که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ابن بابویه از انصار روایت کرده است که
از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان یعنی

... پس یاری کنید مرا بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را
ماه شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او و بر
آل او فرستد و از حضرت صادق منقول است که بهترین دعاها در ماه شعبان
استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد
که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود که بگو

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم از او بخشش

و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم از او بخشش

بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل
بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

طلب مغفرت میکنم خدائی که نیست معبودی مگر او بخشنده و مهربان زنده توانا

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

و رجوع میکنم بسوی او

بنویسد حق تعالی او را در افق مبین جا دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش
و در آن فضا نهرها جاری است و قدحها در کنار آن نهرها است بعدد ستاره های آسمان

از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید گردد و نامهٔ اعمال او بدست راست او دهند و
نامهٔ مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را بپای عرش الهی
حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من او گوید لبیک ای خداوند من
پس خدا گوید که روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا
کند ملکی را که بگیرید دست بندهٔ مرا و به پیغمبر من بسپارید پس بیاورند او را بنزد من پس
با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من بگویم باو که من امروز شفاعت تو میکنم
پس حق تعالی میفرماید که من حقوق خود را بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که
از او عفو کند من آنقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس من بگیرم دست او
بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود
پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این و من گویم این فلان کس است
از امت من که ماه مرا در دنیا روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته
از برای ثواب خدا پس او را بگذرانیم از صراط بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت برسانم
پس رضوان گوید که امروز روزیست که در را برای امت تو گشایم و او را داخل بهشت
می کنم پس حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت ص را تا او شفیع شما
گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت

فصل دوم در بیان اعمال هر روز ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست
که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای
آسمان باشند و از کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه

كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَدَاءً وَ

پاکیزه که باشد مر ایشان را موجب خوشنودی و مر حق محمد و اولاد محمد را ادا و ادر

قَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

قضا بحق بقدرتی از تو و توانایی ای پروردگار عالمیان خداوندا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ

بر محمد و آل محمد پاکیزگان نیکوکاران برگزیدگان که

أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ

واجب کردی برای ایشان حق‌های ایشان را و واجب کردی اطاعت ایشان را و دوستی ایشان را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و آباد کن دل مرا به بندگی خود

وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ

و رسوا مگردان مرا بنافرمانی خود و روزی کن مرا همراهی کسی که تنگ کرده بشی

عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ

براو از روزی خود بچیزی که فراخی کرده بمن از فضل خود و پهن کردی

عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ

بمن از عدل خود و زنده داشتی مرا زیر سایه خود و این ماه شعبان ماه پیغمبر تو

سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي

سرور پیغمبرانی درود خدا باد براو و اولاد شعبان است که

و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوب است و بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد درخت پیغمبری و جای

الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰئِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ

رسالت و محل آمد شد فرشتگان و کان علم و خانواده

الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ

وحی خداوندا درود بفرست بر محمد و آل اولاد محمد کشتیهای روان

فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ

در دریاهای فراپوشنده در امان است کسیکه سوار شود و از آنها غرق میشود کسیکه ترک کند آنرا پیشی گیرنده

لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ

ایشانرا مرتد است و پس مانده از ایشان مضمحل و باطل و ملازمت نماینده مر ایشانرا پیوسته خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ

درود بفرست بر محمد و اولاد محمد پناه محکم و فریادرس مضطر

الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَاِ الْهَارِبِينَ وَمَنْجَا الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ

عاجز و پناه گریزندگان و رستگاه ترسندگان و نگاه دارنده

الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً

چنگ زنندگان خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد درودی بسیار

منّا يزيد ولا يبيد كما تحبّ وترضى الهي ان اخذتني

همیشه که فزایش کند و قطع نگردد چنانچه دوست داری و بپسندی خدای من اگر فرا گیری

بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي اخذتك

بجرم خود فرا میگیرم من ترا بعفو تو و اگر فرا گیری مرا بگناهان من فرا میگیرم ترا

بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها انّي

بآمرزش تو و اگر داخل کنی مرا در آتش اعلام میکنم اهل آتش را اینکه براستی من

احبّك الهي ان كان صغر في جنب طاعتك عملي

دوست میدارم ترا خدای من اگر بوده باشد که خورد باشد در پهلوی طاعت تو کردار من

فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف

پس بتحقیق بزرگ است در جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه

انقلب من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن

برگردم از نزد تو با زیانکاری محروم حال آنکه بتحقیق بوده نیکو

ظنّي بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت

گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی مرا با رستگاری رحم کرده شده و خدای من بتحقیق فانی ساختم

عمري في شرّة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة

عمر خود را در نشاط بی خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی

التباعد منك الهي فلم استيقظ ايّام اغتراري بك

دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزگار فریفتگی من بتو

حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللهِ

فرا گرفته آنرا از خود به بخشش و خوشنودی که بود رسول خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ

درود بفرستد خدا بر او و اولاد او کوشش مینمود در روزهٔ آن و ایستادن در شبهای

وَأَيَّامِهِ بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ

و روزهای را جهت فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن و تعظیم داشتن آن تا فرود آمدن مرگ

اَللّٰهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْاِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ

خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقهٔ او در آن و رسیدن شفاعت

لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَطَرِيقاً إِلَيْكَ

نزد او خداوندا پس گردان او را شفاعت کننده پذیرفته شده شفاعت او و راهی بسوی خود

مَهْيَعاً وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي

راه وسیع و بگردان مرا برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت از من

رَاضِياً وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِياً قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ

بوده باشی از من خوشنود و از گناهان من درگذرنده که بتحقیق واجب ساخته باشی برای من از لطف خود رحمت

وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ

و خوشنودی و فرود آوری مرا در سرای بقا و در جایگاه نیکوکاران

وسید بن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات

حضرت امیر المؤمنین و امامان که از فرزندان او است علیهم السلام که در ماه شعبان می خواندند

وَ طاعَتِکَ یا قَریباً لا یَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ یا جَواداً

فرمانبردار تو کرده شده ای نزدیکی که دور نمیگردد از فریفته بخود ای بخشنده

لا یَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ اِلهی هَبْ لی قَلْباً یُدْنیهِ مِنْکَ

بخل نمی ورزد از کسیکه امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا نفسی که نزدیک گرداند او را

شَوْقُهُ وَ لِساناً یُرْفَعُ اِلَیْکَ صِدْقُهُ وَ نَظَراً یُقَرِّبُهُ

آرزومندی او و زبانی که بالا برده شود بسوی تو راستگوئی او و نظری که نزدیک گرداند او را

مِنْکَ حَقُّهُ اِلهی اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ

بتو حق پرستی او خدای من بدرستیکه انکه شناخته شد بتو مجهول نماند

لاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ اَقْبَلْتَ عَلَیْهِ غَیْرُ مَمْلُوکٍ

پناه گرفته بتو نیست خوار کرده شده و انکه رو کردی تو بر او نیست مغلوب

اِلهی اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِکَ لَمُسْتَنیرٌ وَ اِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ

خدای من بتحقیق آنکه راه یافت بتو هر آینه روشنی یافته است و بتحقیق کسیکه چنگ زد بتو

لَمُسْتَجیرٌ وَ قَدْ لُذْتُ بِکَ یا اِلهی فَلا تُخَیِّبْ ظَنّی مِنْ

هر آینه امان جوینده است و بتحقیق که پناه گرفتم بتو ای خدای من پس ناامید مکن گمان مرا از

رَحْمَتِکَ وَ لا تَحْجُبْنی عَنْ رَأْفَتِکَ اِلهی اَقِمْنی فی اَهْلِ

رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود خدای من بر پا دار مرا در میان

وِلایَتِکَ مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّیادَةَ مِنْ مَحَبَّتِکَ اِلهی

دوستان خود در جایگاه کسیکه امید داشته باشد زیادتی از دوستی تو خدای من

رکونی الی سبیل سخطک الهی وانا عبدک و

و مایل بودنم بسوی راه خشم تو خدای من و من بنده تو و

ابن عبدک قائم بین یدیک متوسل بکرمک

پسر دو بنده توام ایستاده ام نزد تو توسل جوینده ام بکرم تو

الیک الهی انا عبد اتنصّل الیک ممّا کنت اواجهک

بسوی تو خدای من من بنده توام عذر خواهی مینمایم بسوی تو از آنچه بودم که مواجهه میکردم ترا

به من قلّة استحیائی من نظرک واطلب العفو منک

بآن از راه کمی شرم از اطلاع تو و سوال میکنم از تو درگذشتن را از تو

اذ العفو نعت لکرمک الهی لم یکن لی حول فانتقل

زیرا که درگذشتن وصفی است برای بزرگواری تو خدای من نیست مرا توانائی پس بگردم

به عن معصیتک الّا فی وقت ایقظتنی لمحبّتک وکما

بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بمحبت دوستی خود و چنانچه

اردت ان اکون کنت فشکرتک بادخالی فی

خواستی که بوده باشم بشوم پس شکر کنم ترا بسبب داخل کردن تو مرا در

کرمک ولتطهیر قلبی من اوساخ الغفلة عنک الهی

کرم خود و بجهت پاکیزه کردانیدن تو دل مرا از چرکهای بی خبری از تو خدای من

انظر الیّ نظر من نادیته فاجابک واستعملته بمعونتک

نگر بسوی من مانند نگریستن بکسیکه خوانده باشی او را پس اجابت کرده باشد ترا و بکار داشته باشی او را بیاری خود

العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعزّ قدسك الهي و
بزرگواری وبگردد نفوس ما در آویخته بعزت پاکی تو خدای من و
اجعلني ممّن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق
بگردان مرا از آنانکه خواندی ایشانرا پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بایشان پس بیهوش شدند
لجلالك فناجيته سرّا وعمل لك جهرا الهي لم اسلّط
بجهه بزرگواری تو پس راز گفتی ایشانرا و کار کردند آشکارا خدای من مسلط نساختم
على حسن ظنّي قنوط الاياس ولا انقطع رجائي من
بر نیکوئی اعتقاد خود شدت نومیدی را و بریده نشده امید من از
جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني
کرم نیک تو خدای من اگر بوده باشد گناهان که تحقیق انداخته باشد
لديك فاصفح عنّي بحسن توكّلي عليك الهي ان حطّتني
مرا نزد تو پس درگذر از من بسبب نیکوئی اعتقاد من بر تو خدای من اگر پست کرده باشند
الذنوب من مكارم لطفك فقد نبّهني اليقين
مرا گناهان از نوازشهای مهربانی تو پس تحقیق بیدار کرده است مرا یقین
الى كرم عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن
بسوی بزرگی لطف تو خدای من اگر خوابانیده مرا بی خبری از
الاستعداد للقائك فقد نبّهتني المعرفة بكرم آلائك
آماده شدن برای ملاقات تو پس تحقیق بیدار کرده مرا شناختن بزرگی نعمتها

إلهي وَأَلْهِمْنِي وَلَهاً بِذِكْرِكَ إلى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتِي

خدای من و بدل الهام نما مرا حرصی بسبب ذکر خود بسوی ذکر خود وبگردان آهنگ مرا

إلى رَوْحِ نَجاحِ أَسْمائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ إلهي بِكَ عَلَيْكَ

بسوی راحت فیروزی نامهای خود و جایگاه قدس خود خدای من بذات تو قسم بر تو

إلّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طاعَتِكَ وَالْمَثْوَى الصّالِحِ مِنْ

مگر آنکه برسانی مرا بجایگاه فرمان برداران خود . وجا نگاه شایسته از

مَرْضاتِكَ فَإِنِّي لا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً وَلا أَمْلِكُ لَها

خوشنودیهای خود زیراکه بتحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع مکروهی و مالک نیستم برای

نَفْعاً إلهي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ

نفع آن خدای من منم بندهٔ تو ناتوان گنهکار . و منم بندهٔ تو

الْمُنِيبُ الْمَعِيبُ فَلا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ

رجوع نماینده ناپسند پس مگردان مرا از آنکه گردانیده از ایشان روی خود را

وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ إلهي هَبْ لِي كَمالَ الاِنْقِطاعِ

و منع نموده ایشانرا غفلت ایشان از عفو تو خدای من بخش مرا کمال بریدگی

إِلَيْكَ وَأَنِرْ أَبْصارَ قُلُوبِنا بِضِياءِ نَظَرِها إِلَيْكَ حَتّى

بسوی تو و روشن گردان دیده‌های دلهای ما را بروشنائی نگریستن آنها بسوی تو تا آنکه

تَخْرِقَ أَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إلى مَعْدِنِ

گذر کند دیده‌های آن دلهای حجابها نور را پس برسد بسوی قرارگاه

واین از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است
و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله منقول است که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ

نیست خداوند پرستش کرده شده بجز خدا و نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کرده باشیم برای او دین را

وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُوْنَ

هر چند ناخوش دارند انرا شریک گیرندگان

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد و گناه هزار ساله از او محو کند و
از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و
بسند معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزه
رجب حضرت فرمود چرا غافل گردیده اید از روزه شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله
چه ثواب دارد کسیکه یک روز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست
گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش
کردن هر که در این ماه تصدق بکند حق تعالی آنرا تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه
خود را تربیت کند تا آنکه روز قیامت مانند کوه احد نصیبش رسد **فصل سیوم**
در بیان اعمال و فضائل ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام بیض بسندهای معتبر منقول
است از حضرت صادق علیه السلام که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت
او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است استحباب

إِلٰهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي

خدای من اگر بخواند مرا بسوی عقاب بزرگ تو پس بتحقیق میخواند مرا

إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ إِلٰهِي فَلَكَ أَسْئَلُ وَإِلَيْكَ

بسوی بهشت ثواب بیشمار خدای من پس سوال میکنم ترا و بسوی تو

أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

تضرع مینمایم و رغبت میکنم و سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ

محمد و اینکه بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا

وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ إِلٰهِي وَ

و غافل نشوند از سپاس گذاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا خدای من و

أَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفاً وَعَنْ

برسان مرا بروشنای عزت خود که بهجت بخش است پس اگر بوده باشم مر ترا شناسا و از

سِوَاكَ مُنْحَرِفاً وَمِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِباً يَا ذَا الْجَلَالِ

غیر تو میل کننده و از تو ترسان مراقب ای خداوند بزرگواری

وَالْإِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد فرستاده خود و خاندان او که پاکانند

وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً

و درود فرستد درود بسیار

مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا

از فرزندان خود پس از ظهور قایم ایشان و غیبت او تا آنکه دریابند

الْأَوْتَارَ وَيَثْأَرُوا الثَّارَ وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا

خونهای او و مطالبه کنند خون آن او و خشنود سازند خدای غالب را و بوده باشند

خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

بهترین یاوران رحمت فرستد خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز

اللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَأَسْئَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ

بار خدایا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و سوال میکنم مانند سوال گناه کننده

مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ

و اعتراف کننده بدکردار بسوی خود از تقصیری که کرده در این روز و دیروز

يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که در خواهد از تو عصمت را بسوی خوابگاه دفن خود بار خدایا رحمت بفرست بر محمد

وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ

و آل او و برانگیز ما را در گروه ایشان و مهیا کن از برای ما با او سرای

الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ اللّٰهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا

نوازش را و جایگاه درنگ را بار خدایا و چنانکه گرامی داشتی ما را

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ

بشناختن او پس گرامی دار ما را به نزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او

روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقول است که آنحضرت گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت
میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای
ایشانرا مستجاب گردان روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکست و موافق مشهور
روز ولادت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر ع فرمانی
بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین ع است پس روزه

بدارد و این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده در این روز وعده داده شده
بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَ وِلَادَتِهِ بَکَتْهُ السَّمَاءُ
بشهادت خود پیش از استهلال خود و ولادت خود گریست بر او آسمان
وَمَنْ فِیهَا وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْهَا وَلَمَّا یَطَأْ لَابَتَیْهَا
و آنکه در آسمانست و زمین و هرچه بر زمین است و حال آنکه حرکت نکرده بود
قَتِیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
در دو سنگستان شهید بسرشک دیده و بزرگ قوم مدد کرده شده بیاری
یَوْمَ الْکَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ
در روز رجعت عوض داده شده از کشته شدن خود آنکه پیشوایان از فرزندان
وَالشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیَاءَ
و شفا در خاک مدفن اوست و رستگاری با اوست در وقت بازگشت او و با او اوصیا

زیارت آنحضرت و غسل زیارت در این روز مستحب است و کیفیت زیارت بعد از این
مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ طوسی رحمه الله روایتی نقل کرده است
که حضرت امام حسین صلوات الله علیه روز پنجم این ماه متولد شده و اگر احتیاطا سه روز
را حرمت بدارند و اعمال را نیز در این روز بعمل آورند خصوصا زیارت آن حضرت
و شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است
چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت و سایر
اعمال خیر را در این روز بعمل آورند مناسب است فصل چهارم در اعمال ایام
بیض ماه شعبانست یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب
مذکور است سنت است که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت
و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک
الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سورها که از حفظ نبود غیر از
[illegible] قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال
شب نیمه زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه بسند صحیح
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون شب نیمه شعبان
شود شبش را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستی که خدا از اول
شب [illegible] بآسمان دنیا [illegible] از جانب حق تعالی که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش
کند که ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند

وَسابِقَتِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلٰوةَ

و پیشی گرفتن او و بگردان ما را از آنانکه گردن نهند برای فرمان او و بسیار فرستند رحمت

عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلىٰ جَميعِ أَوْصِيائِهِ وَأَهْلِ اصْطِفائِهِ

بر او نزد ذکر او و بر همه اوصیای او و برگزیدگان او که

الْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ

کشیده شده اند از لطف تو بعدد دوازده نجوم ستارگان

وَالْحُجَجِ عَلىٰ جَميعِ الْبَشَرِ اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا في هٰذَا

و حجت باشند بر همه آدمیان خداوندا ببخش ما را در این

الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَما

روز بهترین بخشش و برآور برای ما در این روز هر حاجتی را چنانچه

وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ

بخشیدی حسین را بمحمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او

فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ

پس ما پناه میگیریم بقبر او از بعد او حاضر می شویم قبر او را و

نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ

انتظار میکشیم رجعت او را بپذیر ای پروردگار جهانیان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ

درود بر تو باد ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای میراث برنده نوح پیمبر خدا سلام بر تو

يا وارِثَ اِبْراهيمَ خَليلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث

مُوسى كَليمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى

موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ

روح الله سلام بر تو ای وارث محمد حبیب دوست خدا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ اللهِ

سلام بر تو ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پسر محمد برگزیده سلام بر تو

يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ

ای پسر علی پسندیده سلام بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ الْكُبْرى

زهرا سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری

و ما روزی ایشان را فراخ گردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق
منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف
گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است
که هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند
حضرت امام حسین علیه السلام را در شب نصف ماه شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران
درین شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت می‌یابند
پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر
اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده
اند بمشرق و مغرب بر جنیان و آدمیان و از حضرت صادق منقول است
که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت کند در آن شب
و اقل زیارت آنحضرت آنست که ببام یا بصحرای گشاده درآید و بجانب راست آسمان
و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره بجانب قبر آنحضرت کند و بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

درود باد بر تو ای اباعبد الله درود باد بر تو

يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

ای فرزند رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

واگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها است

الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ

دین و رکنهای گروندگان و گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو پیشوای

الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ

نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک رهنمای راه یافته و گواهی میدهم

أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى

که بتحقیق پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأُشْهِدُ

و دست آویز محکم و حجت اند بر اهل دنیا و گواهی میگیرم

اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

خدای را و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را که من بشما تصدیق کننده ام

وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي

و برجعت شما یقین دارم بسنن و آداب دین خود و آخرهای کردار خود و دل من

لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ

مر دل شما را صلح است و امر من امر شما را پیروی کننده رحمتهای خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ

بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما

وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

و بر حاضر شما و بر پنهان شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا وای خون صاحب خون

اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَیْتَ الزَّکوٰةَ

گواهی میدهم انکه تحقیق تو بر پا داشتی نماز را و عطا فرمودی زکواة را

وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَاَطَعْتَ

و امر فرمودی بهر نیکی و منع نمودی از هر بدی و فرمان برداری

اللهَ وَرَسُولَهُ حَتّی اَتاکَ الْیَقِینُ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ

نمودی خدا و رسول او را تا انکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود گروهی را که کشتند ترا

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ

و دور کند خدا از رحمت خود گروهی که ستم کردند بر تو و دور کند خدا گروهی که شنیدند انرا

فَرَضِیَتْ بِهِ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ

پس خوشنود شدند بان ای آقای من ای ابوعبدالله گواهی میدهم انکه تحقیق

کُنْتَ نُوراً فِی الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ

تو بودی نور در صلبهای بارفعت و در رحمهای پاک

لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ

نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهائی خود و نه پوشانیده ترا از

مُدْلَهِمّاتِ ثِیابِها وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ

جامهای تیره خود وگواهی میدهم انکه تحقیق تو از ستونهای

دِینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ
دین خدا سلام برشما ای یاوران رسول خدا سلام
عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا
برشما ای یاوران امیرالمومنین سلام برشما ای
اَنْصارَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ
یاوران فاطمه زهرا بزرگ زنان جهانیان
اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَبی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ
سلام برشما ای یاوران ابی محمد حسن بن علی
الزَّکِیِّ النّاصِحِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَبی عَبْدِ
پاک پند نماینده سلام برشما ای یاوران ابی عبد
اللهِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتی فیها
الله پدرم و مادرم فدای شما باد پاکیزه شدید و پاکیزه گشت زمین که در آن
دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً فَیا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ
مدفون شده اید و رستگار شدید شما رستگاری بزرگ پس ای کاش من بودم با شما
فَاَفُوزَ مَعَکُمْ
پس رستگار میشدم با شما

(پس از) ... نیاز دهم شهر رجب و سیم و پنجم ماه شعبان و شبهای مبارک رمضان شبهای
... که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت آنحضرت

پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت کند نیز خوبست اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی ابن الحسین شهید علیه السلام بکند و بگوید

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند

نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ
پیغمبر خدا سلام بر تو ای فرزند پادشاه مومنان سلام

عَلَیْكَ یَا ابْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا
ای فرزند حسین شهید سلام بر تو ای

الشَّهیدُ وَابْنُ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ
شهید و پسر شهید سلام بر تو ای ستم رسیده

وَابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
و پسر ستم رسیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی

ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِیَتْ بِهِ
که ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بسبب آن

پس قصد زیارت سائر شهداء رض کند و بگوید

اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ یَا اَوْلِیاءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ
سلام بر شما ای یاوران خدا و دوستان او سلام بر شما

یَا اَصْفِیاءَ اللهِ وَاَوِدّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ یَا اَنْصارَ
ای برگزیدگان خدا و دوستداران او سلام بر شما ای یاوران

سَيْفُ اللهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو وَذُو

شمشیر خداست که سرکند نگردد و روشنائی اوست که ساکن نگردد و صاحب

الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو مَدَارُ الدَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ

حلمیست که میل نکند بجهل مدار زمانه و صاحب سرّ اهل عصر

وَوُلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَمَا يَنْزِلُ فِي

و صاحبان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شده برایشان ذکر و آنچه فرود می آید در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ

شب قدر و یاوران زنده کردن و برانگیختن بیان کنندگان وحی او

وَوُلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى خَاتَمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ

و والیان امر او و نهی او بند بارخدایا پس رحمت بفرست بر آخر ایشان و قایم ایشان

الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ وَأَدْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَ

که نهانست از عالمهای ایشان و برسان ما را بروزگار دولت او و ظاهر شدن او و

قِيَامَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ وَ

برپا شدن او و بگردان ما را از یاوران او و جمع کن خون ما را بخون او و

اكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ وَأَحْيِنَا فِي دَوْلَتِهِ

و بنویس ما را در زمره مدد کنندگان و خالصان او و زنده گردان ما را در زمان دولت

نَاعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ

او با نعمت ماندگان و صحبت او غنیمت گیرندگان و حق او را بر پا دارندگان و از بدی

میتوان کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه او در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که
خواهد بان کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب است که ولادت پر
السعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شده و باین سبب است که

در این شب این دعا را بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هٰذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا
بارخدایا بحق شب ما این شب و بحق متولد شده از آن و بحق حجت تو و وعده داده شده

الَّتِي قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلًا فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا
آن چنانکه رسانیدی بسوی فضل او فضلی بزرگ پس تمام شد کلمهای تو از روی راستی

وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ لِآيَاتِكَ
و انصاف نیست بدل کننده مر کلمهای ترا و نه باز پس دارنده مر نشانهای ترا

نُورُكَ الْمُتَأَلِّقُ وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ
و آن نور درخشنده تست و روشنائی روشن تست و نشان روشنی

فِي طَخْيَاءِ الدَّيْجُورِ الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ
در شب تیره و تار پنهان غایب پوشیده از نظرهای بزرگ ولادت او و

كَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلَائِكَةُ شُهَّدُهُ وَاللهُ نَاصِرُهُ
گرامی است اصل او و فرشتگان حاضران اویند و خدا یار و قوت دهنده

وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا آنَ مِيعَادُهُ وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ
او است هرگاه نزدیک شود زمان وعده ظهور او و فرشتگان مدد کنندگان اویند

بیق

لاتشمت بی اعدائی اعوذ بعفوك من عقابك واعوذ برحمتك

شاد گردان بمن دشمنان مرا پناه میگیرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میگیرم برحمت

من عذابك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ بك

تو از عذاب تو و پناه میگیرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم بتو

منك جل ثناء وجهك انت كما اثنيت على

از تو بزرگ است ستایش تو تو چنانکه ستوده ای بر

نفسك وفوق ما يقول القائلون فيك

خود را و بالای آنچه گویند گویندگان در باره تو

روایت دیگر باز چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد دو

بار یا ده مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه هر سوره بخواند و بعد از نماز این بخواند

اللهم انی الیك فقیر وانی من عذابك خائف وبك

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو

مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد

پناهنده ام پروردگارا بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا سخت مکن

بلائی اللهم انی اعوذ بعفوك من عقوبتك واعوذ

بلای مرا خداوندا بتحقیقیکه من پناه میگیرم بعفو تو از عقوبت تو و پناه میگیرم

برضاك من سخطك واعوذ برحمتك من عذابك لا

بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم برحمت تو از عذاب تو

سائلين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

سلامت یابندگان ای بخشاینده ترین بخشایندگان وسپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى

ورحمت فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و فرستادگان و بر

اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين والعن

خاندان او که راست گویند وخویشان او که سخن گویند بحق ولعنت کن

جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين

بر ستمکاران را وحکم کن میانه ما ومیانه ایشان ای نیکو حکم کننده ترین حکم کنندگان

ورئیه شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین علیه السلام همه او شب نیمه
شعبان نزد خود جمع میکرد وشب را سه حصه میکرد ودر ثلث اول نماز میکرد ودر
ثلث دوم دعا میکرد وما امین میگفتیم بر دعای او وثلث آخر را استغفار وطلب
آمرزش میکرد وما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نمازهای شب نیمه
نمازهای این شب بسیار است واز جمله آنها چهار رکعت است بدو رکعت یک
سلام وشیخ نقل از اصحاب حضرت صادق ع روایت کرده اند که در هر رکعت بعد
از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وبعد از نماز این دعا را بخواند

اللهم اني اليك فقير ومن عذابك خائف وبك مستجير

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم واز عذاب تو ترسانم وبتو پناه جوینده ام

رب لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي رب لا تجهد بلائي رب

پروردگار من بدل مکن نام مرا وتغییر مده بدن مرا پروردگار من بغایت مرسان بلای مرا پروردگار

الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته
او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد و در خصوص طلب نماید و خواه نماید
از وی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو
رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم
سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه
الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات
الله علیها بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوان

یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَأُ العِبادِ فِی المُهِمّاتِ وَ اِلَیْهِ یَفْزَعُ الخَلْقُ
ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او استغاثه نمایند از ...
فِی المُلِمّاتِ یا عالِمَ الجَهْرِ وَ الخَفِیّاتِ یا مَنْ لا یَخْفیٰ عَلَیْهِ
بلاهای سخت ای دانای آشکار و نهانیها ای آنکه پنهان نیست بر او
خَواطِرُ الاَوْهامِ وَ تَصَرُّفُ الخَطَراتِ یا رَبَّ الخَلائِقِ
... وهمها و گردش خیالات ای پروردگار خلایق
وَ البَرِیّاتِ یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الاَرَضینَ وَ السَّماواتِ
و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها
اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَمُتُّ اِلَیْکَ بِلا اِلٰهَ اِلّا
توئی خدا نیست خدائی مگر تو توسل میجویم بسوی تو بکلمه لا اله الا
اَنْتَ فَیا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اجْعَلْنی فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ
انت پس ای آنکه نیست خدائی مگر تو بگردان مرا در این شب از آنکه نظر کردی

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ

و پناه میگیرم بتو از تو نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگست ثنای تو و

لَا أُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ

نمی توانم شمرد ستایش ترا و نه ستودن ترا تو چنانی که خود ستوده با آن

عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلَى

خود را و بالای آنچه گوید گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

محمد و آل محمد و بکن با من چنان و چنان

و بجای کذا و کذا حاجات خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بجای آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المومنین علیه الصلوه و السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر روح تعالی فضل خود را در این شب ببندگان عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حق تعالی بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا تعالی برای ما اهلبیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید درین شب در دعا و ثنا کردن بر خدا تعالی بدرستیکه هر که درین شب صد مرتبه سبحان الله و الحمد لله

مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَفَازَ فَغَنِمَ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا أَسْلَفْتُ وَ

از آنانکه سلامتی یافتند پس مرفه شدند و فیروزی یافتند پس غنیمت گرفتند و دفع کن از من آنچه پیش در گذشته

اَعْصِمْنِي مِنَ الْازْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّبْ إِلَيَّ

نگاه دار مرا از زیادتی نمودن در نافرمانی تو و دوست گردان بسوی من

طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَيُزْلِفُنِي عِنْدَكَ

فرمان برداری خود و آنچه را که نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک نماید مرا نزد تو

سَيِّدِي إِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهَارِبِ وَمِنْكَ مُلْتَمَسُ الطَّالِبِ

ای آقای من بسوی تست پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن خواهنده

وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ أَدَّبْتَ عِبَادَكَ

و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را

بِالتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ

ببزرگواری و تو بزرگوار ترین بزرگوارانی و فرمان دادی بدرگذشتن

عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي

بندگان خود را و توئی بغایت آمرزنده مهربان بار خدایا پس محروم مکن مرا

مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ

از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل

نِعَمِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

خود و بی بهره مکن مرا از قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده در این شب

إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ

بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب گذشتن او را

فَأَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ

پس درگذشتی و تجاوز نمودی از گذشته گناه او و بزرگ

جَرِيرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ

جرم او پس تحقیق امان خواسته ام بتو از گناهان خود و پناه آورده ام بسوی تو

فِي سَتْرِ عُيُوبِي اللَّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَ

در پوشانیدن عیبهای خود خدایا پس بخشش کن بر من به بزرگواری خود و بخشش خود و

احْطُطْ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْنِي فِي هَذِهِ

فرو ریز گناهان مرا به بردباری خود و درگذشتن خود و بپوشان مرا در این

اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ

شب بسوابغ کامل خود و بگردان مرا در این شب از دوستان خود

الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ

که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را از برای عبادت خود

وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ

و گردانیدی ایشان را دوستان خالص خود و برگزیده خود بار خدایا بگردان مرا از آنانکه

سَعِدَ جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ وَاجْعَلْنِي

نیکو شده بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهره ایشان و بگردان مرا

أَسْعَدُ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ

بکلمت شوم نعمتهای کامل تو پس تحقیق پناه آورده‌ام بحرم تو و فراجش آمده‌ام

بِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ

بزرگواری ترا و پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو و ابر بردباری تو

مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ لِي بِمَا سَأَلْتُكَ وَأَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ

از غضب تو پس بخشش مرا آنچه سوال کردم ترا و عطا کن آنچه را خواستم

مِنْكَ أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ أَعْظَمَ مِنْكَ

از تو سؤال میکنم از تو بتو نه بسبب چیزی بزرگتر از تو

پس بسجده میروی و میگوئی يَا رَبِّ بیست مرتبه يَا اَللهُ هفت مرتبه لَا حَوْلَ

ای پروردگار ای خدا

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ

و نه توانائی مگر بتوفیق خدا هرچه خدا میخواهد می‌شود نه توانائی مگر بتوفیق خدا

ده مرتبه لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست

نه توانائی مگر بتوفیق خدا

آنچه خواهی حاجت خود را از خدا بطلب بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران

حاجت خواهی برساند بکرم و فضل خود و در روایت دیگر بعد از هفت مرتبه يَا اَللهُ هفت مرتبه بگو يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ و شیخ گفته پس بگو

ای خدا ای پدرد گار محمد

اِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ

خدایا من فراجش آمدند ترا درین شب فراجش آیندگان و قصد کردند ترا

لِأَهْلِ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ

برای اهل طاعت خود وبگردان مرا در حفظ از بدان خلق خود

رَبِّ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ

پروردگارا من اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بخشش

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا بِمَا

ودرگذشتن وآمرزشی وبخشش کن برمن بانچه تو سزاوار آنی نه بانچه

أَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ

من سزاوارم پس بتحقیق نیکو است گمان من وثابت امید من مرترا

وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ

ودرآویخته است نفس من به بزرگواری تو وتو بخشنده‌ترین بخشندگانی و

أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ اللَّهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ

بزرگوارترین بزرگوارانی ای خدایا ومخصوص گردان مرا از کرم خود بفراوان

قِسَمِكَ وَأَعِذْنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِي

قسمتهای خود وپناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود وبیامرز برای من

الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَنِّي الْخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ

گناهی را که باز میدارد از من خلق را وتنگ میکند برمن روزی را

حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ

تا آنکه برپا دارم شایسته خشنودی ترا وتنعم کنم به بسیاری عطای تو

ومعروفك يا رب العالمين وصلى الله على محمد

واحسان خود ای پروردگار جهانیان — و درود فرستاد خدا بر محمد

خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين أذهب الله

[illegible] پیغمبران و آل او که پاکانند آنانکه دور کرد خدا

عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وسلم تسليما إنك

از ایشان پلیدی را و پاک گردانید ایشان را پاک گردانیدنی و درود فرستاد درود فرستادنی بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم إني أدعوك كما أمرت فاستجب

ستوده و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده پس اجابت کن

لي كما وعدت إنك لا تخلف الميعاد

مرا چنانچه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

[illegible] دعا [illegible] این شب [illegible] از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] که خداوند عالم [illegible] که در شب نیمه شعبان [illegible] رکعت نماز بگذارد [illegible] بعد از [illegible] سجده [illegible] در سجده بگوید

اللهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل

[illegible] سجده کرده سیاهی من [illegible] سفیدی من [illegible]

عظيم اغفر لي ذنبي العظيم فإنه لا يغفر [illegible]

الْقَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ

قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا سوال کنندگان

وَلَكَ فِى هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ

و مر تراست در این شب عطیه‌ها و صله‌ها و عطاها و بخشش‌ها

تَمُنُّ بِهَا عَلٰى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ

که منت میگذاری بآنها بر هرکه میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه

لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ وَهَا اَنَا ذَا عُبَيْدُكَ

پیشی نگرفته او را عنایت از تو و اینک من بنده حقیر توام

الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

محتاج ام بسوی تو امید وارم فضل ترا و احسان ترا

فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَاىَ تَفَضَّلْتَ فِى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی در این شب

عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ

بر یکی از خلق خود و نفع رسانیده باشی براو ببعضی از

عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَىَّ بِطَوْلِكَ

پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود

کنندگان این ماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا
کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی
خدا بعبادت آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون نزد تو آمدم
جمیع ملائکه آسمانها پای خود را صف کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند
و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی مشغول
بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی
درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومنی که درینشب بیدار
باشد یا مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول بدعا باشد
و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب می شود و هر که سوال کند
باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه کند توبه اش
قبول میشود و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت
سلیمان جعفری منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار
مرتبه سوره قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزی که
دلها در آن روز مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن کنند از
عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر از آنها
ایمن کنند او را در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند و سی نفر از آنها باشند
در شب و روز برای او استغفار میکنند در ساعات شب و روز و ده نفر
حفظ میکنند او را از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول صلی الله

پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از و هفتاد هزار گناه را او
مثل آنچه در نامه عمل او نویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتصد هزار
گناه را دانماتی دیگر مرا نرسید که عامه و خاصه از حضرت رسول روایت کرده‌اند
که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل بر من نازل شد و گفت
ای محمد آیا خوابی [illegible] در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است
پس برخیز ای محمد مرا و برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان که
این شبی است که [illegible] درهای آسمان در این شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی
خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت
و درگاه جود و بخشش پس آمرزد حق تعالی بندگان را در این شب بعدد موهای چهارپایان
و شبهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله
والحمد لله و لا اله الا الله و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش
[illegible] بهشت و [illegible] جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او
آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون از نماز فارغ
شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید
حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری
در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان
او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران

دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است بهترین دعاهای
وارد دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا
ایراد مینمایم که در وقت خواندن بفهمند که معانی آن را بدانند تا فایده بخشش تمامتر و
ثواب بس عظیم باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که
کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که این شب را احیا
کند و دعای خضر علیه السلام بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون حضرت بمنزل [illegible]
آن شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیرالمؤمنین
بطلب دعای خضر علیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمایی در
هر شب جمعه یا در هر ماه یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت کرده شوی از شر دشمنان
و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل
خدمت تو موجب آن شد که ترا اینچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز گردانم

پس گفت بنویس و دعا را تلقین من نمود و دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا من بتحقیق [illegible]

اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت كل شیء

[illegible] سؤال میکنم ترا بحق رحمت تو آن رحمتی که فرا گرفته است هر چیز را

وبقوتك التی قهرت بها كل شیء وخضع لها كل

[illegible] قهر کرده بآن هر چیز را و خاضع و منقاد گردیده است برای [illegible]

اللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ

مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ

وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يُهَوِّنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا

اللّٰهُمَّ مَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا

وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا

وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي

دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

الذنوب التی تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب

گناهانی را که حبس میکند دعا را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی را

التی تقطع الرجاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل

که قطع میکند امید را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی را که نازل میکند

البلاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته وکل

بلا را بار خدایا بیامرز برای من هر گناه که کرده ام آنرا

خطیئة اخطاتها اللهم انی اتقرب الیک بذکرک

و هر خطائی که بجا آورده ام آنها را بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو

واستشفع بک الی نفسک واسئلک بجودک ان

و شفیع میگردانم ترا بسوی ذات تو و سوال میکنم بسبب بخشش تو که

تدنینی من قربک وان توزعنی شکرک وان

نزدیک گردانی مرا بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود و اینکه

تلهمنی ذکرک اللهم انی اسئلک سؤال خاضع

الهام نمائی مرا بذکر خود خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو مانند سوال کسی با خضوع

متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمک

متذلل خاشع که مسامحه نمائی با من و رحم کنی و بگردانی مرا به قسمت

راضیا قانعا وفی جمیع الاحوال متواضعا اللهم و

راضی کرده بخشش و قناعت کننده و در تمام احوال تواضع کننده خداوندا و

شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ

چیز و خوار و ذلیل شده است برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو که غالب گردیده بآن بر

شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ

هر چیزی را و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و بعظمت و بزرگواری تو که پر کرده است

كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ

هر چیزی را و بپادشاهی تو که بلند و برتر است بر هر چیز و بذات تو

الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ

که باقی است بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده است اجزاء و ارکان

كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ

هر چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته است هر چیزی را و بروشنی ذات تو

الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ

که روشن شده است برای آن هر چیز ای روشنی ای پاک و پاکیزه ای پیشتر از پیشینیان

وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

و ای پس‌تر از پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که می‌درد و برطرف میکند

الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اللَّهُمَّ

عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که فرود می‌آورد عذابها و بلاها را خداوندا

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را خداوندا بیامرز برای من

فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من

بسیار گران از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن وچه

مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له

بسیار ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار ثنای نیکو که من نبودم سزاوار آن

نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت

پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است بلای من و از حد گذشته است بی حالی من و کوتاه ساخت

بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد

از جانب من کردهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من و منع کرده است مرا از نفع خود دوری

امالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها و

آرزوهای من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و نفس بجنایت خود و

مطالي يا سيدي فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك

درنگ در حق کار من ای آقای من پس سؤال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو

دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده

عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته

بر آن از راز من و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا

في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي

در خلوتهای خود از بدی کردار خود و گناه خود و دوام بودن تقصیر خود

أسألك سؤال من اشتدت فاقته وأنزل بك عند

سوال میکنم از تو سوال کسیکه سخت شده است فقر او و فرود آورده است بتو نزد

الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم

سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تست از تو خواهش او خداوندا

عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر

بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان و منزلت تو و پنهان است مکر تو و هویداست

أمرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن

امر تو و غالب است قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست

الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا

گریختن از حکومت تو بار خدایا نمی یابم برای گناهان خود آمرزنده

ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن

و نه برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از عمل قبیح بعمل نیک

مبدلا غيرك لا إله إلا أنت سبحانك وبحمدك ظلمت

بدل کننده غیر تو نیست خدای بجز تو پاکی یاد میکنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم کردم

نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت إلى قديم ذكرك لي

بنفس خود را و بسیار جرات کردم بنادانی خود و اعتماد کردم براینکه همیشه یاد میکردی مرا

ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من

و انعام کردی بر من خداوندا ای آقای من چه بسیار قبیح که پوشانیدی آنرا

حُكْمِكَ وَبَلَائِكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

حكم تو وامتحان تو وبتحقیق آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود

وَإِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي مُعْتَذِراً نَادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً

واسیار ضرر رسانیده بر نفس خود عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو

مُسْتَغْفِراً مُنِيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً لَا أَجِدُ مَفَرّاً

طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده اعتراف کننده و نمی یابم گریزگاهی

مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ

از آنچه صادر شده از من و نه پناهی که رو کنم بسوی آن در کار خود بغیر

قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود

اللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي

خداوندا پس قبول کن عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا

مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ

از بستن بند سخت های مرا ای پروردگار من رحم کن ضعف بدن مرا و تنکی

جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَتِي

پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکسی که ابتدا کرد در آفریدن من و یاد کردن مرا و تربیت مرا

وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ

و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و برای گذشته

وَجَهالَتي وَكَثْرَةِ شَهَواتي وَغَفْلَتي وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ

و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا بعزت خود

لي في الأَحْوالِ كُلِّها رَؤوفاً وَعَلَيَّ في جَميعِ الأُمورِ عَطوفاً

برای من در احوال همه آنها رحم کننده . و بر من در همه امور مهربان

إِلهي وَرَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرّي

ای خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر تو که از و سوال کنم کشودن بدحالی خود را

وَالنَّظَرَ في أَمْري إِلهي وَمَوْلايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً

و نظر کردن در کار خود را ای خداوند من و آقای من جاری ساختی بر من حکمی را

اتَّبَعْتُ فيهِ هَوى نَفْسي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ

که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم خود را در آن حکم از زینت دادن

عَدُوّي فَغَرَّني بِما أَهْوى وَأَسْعَدَهُ عَلى ذلِكَ الْقَضاءُ

دشمن خود پس فریب داد مرا بانچه خواست و یاری او که در آن امر قضای خدا

فَتَجاوَزْتُ بِما جَرى عَلَيَّ مِنْ ذلِكَ بَعْضَ حُدودِكَ

پس در گذشتم بانچه جاری شد بر من از قضا پاره از حدهای ترا

وَخالَفْتُ بَعْضَ أَوامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ في جَميعِ ذلِكَ

و مخالفت کردم پاره امرهای ترا پس برای تو حمد لازم است بر من در جمیع این امور

وَلا حُجَّةَ لي فيما جَرى عَلَيَّ فيهِ قَضاؤُكَ وَأَلْزَمَني

و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم کرد

أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ

زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان و بشکر تو

مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَ

مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده اند بخدایی تو از روی یقین

عَلَى ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً

خاطرها که احاطه کرده اند از دانایی تو تا آنکه گردیده اند با خشوع

وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً

عضوهای چند که سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت

وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ

کرده اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان نیست چنین گمان

بِكَ وَلَا أُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

بتو خبر داده اند ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا

و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا

وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن از مکروهات

أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ

بر اهلش با آنکه این بلایی و ناخوشی است که اندک است ماندن آن

بِرَبِّكَ يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي

پس کرم کردی ای خدای من و آقای من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي

بآتش خود بعد از اقرار کردن من بیگانگی تو و بعد از آنچه پیچیده شده است بر آن دل من

مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ

از شناخت تو و گویا شده است زبان من بآن از یاد تو و محکم کرده است

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من

خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ

از روی خضوع برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریم تری از آنکه

تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ

ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور گردانی کسی را که نزدیک گردانیده او را یا برانی

مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

که جا داده یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و او را رحم کرده

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلٰهِي وَمَوْلَايَ أَتُسَلِّطُ

و کاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد

النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى

آتش را بر روها که در افتادند نزد عظمت تو سجده کنندگان و بر

لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ

برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها

مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلائِكَ وَ

با دشمنان خود و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و

فَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلٰهِي

جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود پس گرفتم ای خدای من

وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ

و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى نَارِكَ فَكَيْفَ

صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه

أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي

صبر کنم بر محرومی از نظر بسوی گرامی داشتن تو آیا چگونه ساکن شوم در

النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلايَ

آتش و حال آنکه امید من آن بود که عفو کنی از من پس بعزت تو ای آقای من و مولای من

أُقْسِمُ صَادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقاً لَأَضِجَّنَّ إِلَيْكَ

قسم میخورم براستی که اگر مرا واگذاری صاحب گویائی هر آینه خروش بر آورم بسوی تو

بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ

میان اهل جهنم خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم بسوی تو

يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلاءِ
و کمست بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای

الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ
آخرت را و بزرگی واقع شدن ناخوشیهای که در آن میباشد و حال آنکه آن

بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلا يُخَفَّفُ
بلائیست که طولانیست مدت آن و دایم است اقامت آن و سبک نمیشود

عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ
از اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام گرفتن تو

وَسَخَطِكَ وَهٰذَا مَا لا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ
و خشم تو و چنین امری نمیتواند در برابر آن ایستادن و تاب آن آوردن آسمانها و زمین

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ
ای آقای من پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام ناتوان

الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلٰهِي وَرَبِّي
و خوار و بیمقدار و شکسته و تنگدست و شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من

وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو
و سید من و ای آقای من برای کدام یک امور بسوی تو شکایت کنم

وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُّ وَأَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ
و برای کدام یک بخروشم و بگریم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن یا

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ

ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امید دارد آنچه پیش گذشت

مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ

از بردباری تو و مهربانی تو و رحم کردن تو آیا چگونه درد آورد او را

النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ

آتش و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه بسوزد او را

لَهِيبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ

زبانهٔ آتش و تو می‌شنوی صدای او را و می‌بینی جای او را آیا چگونه

يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ

مشتمل شود بر او زبانه‌های صاحب صدای آن و تو دانایی به ناتوانی او آیا چگونه

يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ

مضطرب شود در میان طبقات جهنم و تو دانایی به راستگویی او آیا چگونه

تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ

زجر نمایند او را زبانیهٔ جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار من آیا چگونه

يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ

امیدوار فضل ترا در آزاد کردن او از جهنم پس وا گذاری او را در آن ای بسا دور است این

الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ

گمان به تو و نه شناخته شده است از فضل تو و نه مشبه است

صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ

ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم بر محرومی از لطف و رحمت تو گریستن

الْفَاقِدِينَ وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

ایمانکه دوست خود را گم کرده باشند و البته فریاد برآورم و ندا کنم ترا که کجائی تو ای دوست مؤمنان

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ

ای دوست دلهای راست گویان و ای خداوند عالمیان

أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ

آیا یافته میشود منزه میگویم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای

عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

بنده مسلمی را که در بند او کرده باشند او را بسبب مخالفت او و چشیده باشد مزه عذاب را

بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

بنافرمانی خود و حبس کرده باشند او را در میان طبقات جهنم بجرم او و جنایت او

وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ

و او خروش کند بسوی تو خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد و ندا کند ترا

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بزبان یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو

إِلٰهِي وَسَيِّدِي فَأَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

ای الهٔ من و آقای من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی که مقدر کرده آنرا

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ

و بحکمی که حتم کرده آنرا و حکم کرده بر آن و غالب شده از کسیکه آنرا

أَجْرَيْتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذِهِ

بر او جاری کرده اینکه بخشی بمن در این شب و در این

السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

ساعت جرمی که کسب کرده ام آنرا و هر گناهی که مرتکب آن شده ام

وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ

و هر کار بدیکه پنهان کرده ام و هر نادانی که بعمل آورده ام خواه پنهان کرده ام آنرا

أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ

و خواه آشکار و خواه مخفی کرده باشم و خواه هویدا و هر بدیکه

أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ

امر کرده بنوشتن آنها بزرگواران نویسندگان را که موکل کرده ایشانرا

بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ

که حفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با

جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

اعضای بدن من که بر من گواهی خواهند داد و بوده تو مطلع بر من بغیر ایشان

لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَاِحْسَانِكَ

آنچه معامله کرده بان . با یگانه پرستان از نیکی تو و احسان تو

فَبِالْيَقِينِ اَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

پس بیقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده بان که عذاب کنی

جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

منکران خداوندی خود را و مقرر گردانیده که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ

هر آینه میگردانیدی آتش را همه آنرا سرد و سلامت و نه بود

لِاَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ

در آن احدیرا محل قرار و نه جای اقامتی ولیکن تو که مقدس است نامهای تو

اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَاَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و ادمیان

اَجْمَعِينَ وَاَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَاَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

همه و آنکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگست ستایش تو

قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا اَفَمَنْ

گفته ابتدا کننده و بخشش کرده نعمت دادن اکرم کننده با آنکه گفته آیا کسیکه

كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

بوده مؤمن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

مَوْصُولَةً وَاَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتّٰى تَكُونَ اَعْمَالِي وَ

پیوسته شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من و

اَوْرَادِي كُلُّهَا وِرْدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ

اوراد های من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ

پیوسته بی نهایت ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی تو شکایت کردم

اَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلٰى خِدْمَتِكَ

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من قوی کن در خدمت خود

جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي

اعضای مرا و سخت کن بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا

الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

جهد در ترس از تو و مداومت در متصل بودن در خدمت تو

حَتّٰى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ

تا آنکه روان شوم بسوی تو در میدانهای پیشی گیرندگان و بشتابم بسوی تو

فِي الْمُبَادِرِينَ وَاَشْتَاقَ اِلٰى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ وَ

در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در مشتاقان و

اَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَاَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

نزدیک شوم از تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن یقین داران

وَالشَّاهِدُ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ

و گواه بر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت خود پنهان کردی و براو

بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

بفضل خود پوشانیدی آنرا و آنکه فراوان گردانی بهره مرا از هر نیکی

تُنْزِلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ تُفَضِّلُهُ أَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ أَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ

که فرو فرستی یا احسانیکه تفضل نمائی یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گسترش دهی آنرا

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاءٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

یا گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائیکه بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكَ رِقِّي يَا مَنْ بِيَدِهِ

ای خدای من و ای آقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من ای آنکه بدست

نَاصِيَتِي يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يَا خَبِيراً بِفَقْرِي

موی پیش سر من است ای دانا بد حالی من و بیچارگی من ای مطلع بر فقر من

وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو

وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ

و پاکی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه بگردانی

أَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ

اوقات مرا در شب و روز بیاد خود آباد و بخدمت تو

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الاِجابَةَ فَاِلَيْكَ يا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهى

وضامن شده براى ايشان مستجاب كردن را پس بسوى تو اى پروردگار برداشتم روى خود را

وَاِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدى فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لى

وبسوى تو پروردگارا كشيده ام دست خود را پس بعزت تو سوگند ميدهم مستجاب كن براى من

دُعائى وَبَلِّغْنى مُناىَ وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائى

دعاى مرا ورسان مرا بآرزوى خود وقطع مكن از فضل خود اميد مرا

وَاكْفِنى شَرَّ الْجِنِّ وَالاِنْسِ مِنْ اَعْدائى يا سَريعَ الرِّضا

ودفع كن از من بدى جنيان وآدميان را از دشمنان من اى زود خشنود شونده

اِغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ اِلاَّ الدُّعاءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ لِما

بيامرز كسى را كه از دست او نمى آيد كارى بجز دعا پس بدرستيكه تو كننده انچه را

تَشاءُ يا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ وَذِكْرُهُ شِفاءٌ وَطاعَتُهُ غِنىً

ميخواهى اى آنكه نام تو دواى دردها و ياد او شفاى [illegible] وفرمان بردارى او توانگرى

اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ يا سابِغَ

رحم كن كسى را كه سرمايه اش اميد است وحربه اش گريه است اى صاحب

النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ يا نُورَ الْمُسْتَوْحِشينَ فِى الظُّلَمِ

نعمتهاى كامل اى دفع كننده عذابها اى روشنى وحشت يافتگان در تاريكيها

يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ

اى دانائى كه نياموخته از كسى درود فرست بر محمد وآل محمد وبكن

وَاَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرادَنِي

حشر گردانیم و بهم باشیم در قرب تو با مومنان بار خدایا و هر که اراده کند مرا

بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ

به بدی پس تو اراده کن او را به بدی هر که مکر کند با من بسوی تو بگردان مکر او را و بگردان مرا از

اَحْسَنِ عِبادِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً

نیکوترین بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیک ترین ایشان از منزلت

مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لا يُنالُ ذلِكَ

نسبت بتو و مخصوص‌ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه

اِلّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من به بزرگواری خود

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسانِي بِذِكْرِكَ

و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود

لَهِجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجابَتِكَ

گویا و دل مرا بدوستی خود شیدا و منت نه بر من به نیکی اجابت خود

وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَاِنَّكَ قَضَيْتَ

و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا در سرنوشت تو حکم کرده‌ای

عَلى عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ

بر بندگان خود به بندگی خود و امر کرده‌ای ایشان را به دعای خود

ـنیکه حق تعالی درانماه آزاد میکرداند بنده های بسیار از آتش جهنم برای حرمت
ـارک رمضان و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلم در شب آخر ماه
شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان این دعا میخواندند

ـمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِی اُنْزِلَتْ فِیهِ الْقُرْآنُ
ـرا بدرستیکه این ماه بابرکت که فرو فرستادی در آن قرآن را
ـدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ
ـتیکه راهنمای آدمیانست و آیتهای روشن از راه نمای و جدا کننده حق و باطل حاضر شده
ـنَا فِیهِ وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِی یُسْرٍ مِنْكَ وَ
ـلم دار ما را در آن و سالم دار آنرا برای ما و سالم دار آنرا از ما حال آنکه بوده باشیم با سانی
ـةٍ یَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِیلَ وَشَكَرَ الْكَثِیرَ اِقْبَلْ مِنِّی
ـ ای آنکه فرا گرفته عمل اندک را و جزا داده باشی بسیار به پذیر از برای من
ـرَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِی اِلٰی كُلِّ خَیْرٍ
ـک بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی
ـبِیلًا وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
ـ و از هرچه دوست نداری بازدارنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان
ـنْ عَفٰی عَنِّی وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّیِّئَاتِ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ
ـگذشته از من و آنچه پوشیده داشتم آنرا از گناهان ای آنکه مواخذه نکرده
ـكَابِ الْمَعَاصِی عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ یَا كَرِیمُ اِلٰهِی
ـن فرمایی ما طلب میکنم عفو ترا عفو ترا عفو ترا ای بزرگوار ای خدای من

بِیْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللهُ عَلی رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ
بمن آنچه توئی سزاوار آن و درود فرستاد خدا بر رسول خود و پیشوایان

الْمُبَارَکِینَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً
صاحب میمنت که آل او یند و سلام فرستاد سلام فراوان

فصل پنجم در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که هر که سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند
حقتعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت
کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم
حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر اینست پس
تدارک و تلافی کن در آنچه از این ماه مانده است از تقصیرا که در ایام گذشته اینها
کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار
بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حقتعالی از گناهان خود
تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار
در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون
و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار
امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را

اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِیمَا مَضَی مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا
بار خدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را در آنچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را

فِیمَا بَقِیَ مِنْهُ
در آنچه باقی مانده است از آن

وَكُلُّنَا فُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِكَ فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَ

و همه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و

اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ

بگردان مرا از شایسته خلق خود در کردار و امید و قضا

وَالْقَدَرِ إِلٰهِي أَبْقِنِي خَيْرَ الْبَقَاءِ وَأَفْنِنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ

و قدر خدای من زنده دار مرا زندگی نیکو و بمیران مرا مردن نیکو

عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ وَ

بر دوستی دوستان تو و دشمنی دشمنان تو و

الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَالْخُشُوعِ وَ

رغبت بسوی تو و ترس داشتن از تو و فروتنی کردن و

الْوَفَاءِ وَالتَّسْلِيمِ لَكَ وَالتَّصْدِيقِ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ

وفا نمودن و فرمان برداری کردن برای تو و باور داشتن بکتاب تو و پیروی کردن

سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ

سنت رسول تو رحمت تو باد بر او و بر اولاد او بار خدایا

مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِيبَةٍ أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ

آنچه هست در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی

أَوْ فَرَحٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ

یا شادی یا طغیان و یا تکبر یا ریا یا ...

وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ

پند دادی مرا پس پند نگرفتم ومنع کردی مرا از محرمات پس ممنوع نگشتم

فَمَا عُذْرِي فَاعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ

پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار میخواهم عفو ترا عفو ترا بارخدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ

بدرستیکه من سوال از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد

الْحِسَابِ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ

حساب بزرگست گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از

عِنْدِكَ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ

نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزش امیدوارم عفو ترا عفو ترا بارخدایا

إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ ضَعِيفٌ فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ

بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم محتاجم بسوی رحمت تو

وَأَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَى وَالْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبَادِ قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ أَحْصَيْتَ

و تو فرود آورنده بی نیازی و برکتی بر بندگان غالبی توانائی شمردی

أَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً أَلْسِنَتُهُمْ وَأَلْوَانُهُمْ

کردارهای ایشانرا وقسمت کردی روزیهای ایشانرا وگردانیدی ایشانرا که مختلفست زبانهای ایشان و رنگهای ایشان

خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ وَلَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ

گروهی پس از گروهی نمیدانند بندگان دانش ترا و اندازه نمیتوانند کرد بندگان اندازه ترا

وَآلِهِ صَلَوةً دَائِمَةً لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يُقَدَّرُ

وآل او رحمتی همیشه که دریافته نشود وشمرده نشود واندازه نکند

قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اندازه آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و اما نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده است علما ذکر کرده اند
شب اول صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد
دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک یک مرتبه سیم دو رکعت در هر رکعت
حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت و در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم
دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت
در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول
تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه
توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت
در هر رکعت حمد و آیة الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه سوره والتین چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره والعصر
پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و

أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ
یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا گناه یا نافرمانی یا
عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُبْدِلَنِي
بزرگی یا چیزی که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار من اگر بدل نمایی
مَكَانَهُ إِيمَاناً بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضاً بِقَضَائِكَ
بجای آن تصدیق کردن بوعده تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی بحکم تو
وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَأَثَرَةً وَطُمَأْنِينَةً
و بی رغبتی در دنیا و خواهشمند شدن در آنچه نزد تست و عطائی که [illegible]
وَتَوْبَةً نَصُوحاً أَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
و توبه خالص سؤال میکنم از تو این را ای پروردگار جهانیان
إِلَهِي أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصَى فَكَأَنَّكَ لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ
خدای من تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا تو نه دیده [illegible]
وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَأَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ
و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه نافرمانی نکرده ترا
سُكَّانُ أَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَيْرِ
ساکنان زمین تو اند پس باش بر ما بتفضل و عطیه بخشنده و به نیکی
عَوَّاداً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
بسیار بازگردنده ای بخشنده ترین بخشندگان و رحمت فرستاد خدا بر محمد

رمضان

بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید
و معوذتین ده مرتبه سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک
الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد باب سیم در بیان
مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن هشت فصل است

فصل اول در بیان فضیلت اینماه مبارکست باید دانست که ماه مبارک رمضان
ماه خداوند عالمیانست و شریفترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلم روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر ماه شعبان خطبه خواندند
و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو کرد بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش
ماهیست که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش
بهترین شبها است و ساعتهای آن بهترین ساعتها است اینماهیست که خوانده اند
شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن
مقبولست و دعاهای شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای
درست و به دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بد عاقبت کسی باشد که محروم گردد
از آمرزش خدا در اینماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی شما در اینماه گرسنگی و تشنگی روز
قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم
کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاهدارید زبانهای خود را

از نماز ده مرتبه

یَا رَبِّ اغْفِرْ لَنَا و ده مرتبه یَا رَبِّ ارْحَمْنَا و ده مرتبه یَا رَبِّ
ای پروردگار من بیامرز مرا — ای پروردگار من رحم کن ما را — ای پروردگار
تُبْ عَلَیْنَا و بیست یکمرتبه توحید و ده مرتبه سُبْحَانَ اللهِ الَّذِی
بپذیر توبه مرا — پاک است خدای که
یُحْیِی الْمَوْتیٰ وَیُمِیتُ الْاَحْیَاءَ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
زنده می‌کرداند مردگان را و می‌میراند زندگان را — و او بر همه چیز تواناست

پانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و شصت و یکمرتبه توحید و بعد از نماز پنجاه مرتبه استغفار هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجمرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجمرتبه آیه قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دویم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سیم سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه آمن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین

وهر که در این ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت
از و باز دارد و هر که درینماه یتیم بی پدر را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد
و هر که درین ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا او صلت کند او را برحمت خود
در قیامت و هر که درینماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای عز و جل در
قیامت قطع رحمت خود از و بکند و هر که نماز سنتی درینماه بکند حق تعالی برای او برات
بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که درینماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند او را
ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که درینماه بسیار صلوات
بفرستد بر من و آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوها
سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن درینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد
که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بتحقیق درهای بهشت درینماه
گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد
و درهای جهنم درینماه بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درینماه
غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله وسلامه علیه منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند
ایها الناس این ماهیست که خدا آنرا بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است
مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و درینماه گشوده می شود درهای آسمان
و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و درینماه شنیده میشود
[illegible] شما و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکنند گریه های ایشان را

از آنچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن
بسوی آنها و باز دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی
کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی حق از گناهان
خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت
نمازها بهترین ساعتها است نظر می کند حق تعالی درین اوقات برحمت بسوی بندگان خود
و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هرگاه او را
ندا کنند و مستجاب می گرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان بدرستیکه جانهای
شما در گرو کردهای شما است پس از گرو بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای
شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجدهها و بدانید
که حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگزارندگان و سجده
کنندگان او و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار
نماید روزه دار مومنی را درین ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد
کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفت یا رسول الله همه ما قدرت
بر آن نداریم حضرت فرمود بپرهیزید از آتش جهنم با فطار فرمودن روزه داران
اگر چه بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را
میدهد کسی را که چنین کند اگر چه قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را
درین ماه نیکو کند بر صراط بگذرد در روزیکه قدمها بر ان بلغزد و هر که سبک گرداند
درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حقتعالی در قیامت حساب او را بر او آسان گرداند

واگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد واگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها
و گناهان ترا نیامرزد و امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر خود را
که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر او خواهی گفت ای روزه دار تقرب
بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده
ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت می کند برای آنها که تلاوت
آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار
بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو مینویسند و
خواب تو در اینماه عبادتست و طاعت تو در اینماه مقبولست و گناهان تو در این ماه
آمرزیده است و آوازهای تو بدعا در این ماه شنیده شده است و بمناجات و زاری
که با خدا میگوئی بر تو رحم میکند بدرستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که خداوند عالمیان را در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردهاست
از آتش جهنم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند چون شب آخر ماه میشود در آن شب
می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرموده که هر که ماه مبارک رمضانرا
روزه بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته
از برای او واجب گردد و هر که در اینماه روزه بدارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار
نکند البته داخل بهشت شود پس حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که
شنیدم از حبیبم صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیا ...

و در اینماه شبی هست که دران شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان
و زنان روزه دار بحضرت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدرست که حق تعالی
مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم علیه السلم را خلق کند بدو
هزار سال عبادت آن شب بهترست از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهترست
از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه مبارک رمضان بر ماههای آن
طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و اینماه شما مانند ماههای دیگر نیست روزهایش
بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و دیوان و شیاطین در اینماه غل کرده
در زندان اند و زیاده میکرداند خدا در اینماه روزیها و عمرها می نویسند و قبض میکرداند
در اینماه حاجیان بیت الله الحرام را و در اینماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل ایمان با مرزش
و فیروزی رحمت و روزی و خشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار پس بسر کار
خود فکر کن بدرستیکه در اینماه مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خوابی در شب
خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود
نپسندی که شبها در خواب باشی و روزها غافل از یاد خدا باشی پس بیرون رود اینماه و گناهان
تو باقی بماند و باشی پیش سکامی که روزه داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران
باشی و در وقتیکه بکیرند آقایان خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند
گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده شدها باشی ای روزه دار اگر ترا
آقای تو از درگاه خود بیرون کرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند
ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت

ترک اینها کردن اول و دوم چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است و چیزی
که خوردن و آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد در این خلافی نیست که مبطل
صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد
مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکانند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین
خلاف در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن
آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد
و اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از این واجبست و احوط آنست که
اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد سیم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال
شود و خواه نشود و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود
روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر
بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته‌اند
و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر جنابت تا صبح و اظهر و اقوی آنست
که مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته‌اند و بعضی قضای
تنها واجب دانسته‌اند و احوط آنست که اگر زن حائض پاک شود پیش از
صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه
بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که
تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح بشود و خواب اول بعد از جنابت در حالی
که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن داشته باشد جایز است

پیغمبران و بهترین ماهها شهید خواهی شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین
اوصیا کیست فرمود بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم
یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه برانگیخته
میشود بدبخت‌ترین امت من چنانچه پی کنند ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد
که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و زاری و فغان کردند
حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است بسندهای
معتبر که فرمود که ایها الناس که وارد شود بر او ماه مبارک رمضان پس روزه دارد
روز آنرا و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شب آنرا و نمازها را در اوقات
فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد او بنماز عید آن چاشت شود
پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر او فایز میگردد بجایزه‌ها و بخششهای بزرگ خدا
و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دوم** در بیان حقیقت روزه است و آنچه
در آن معتبر است اول آنکه روزه نگاه داشتن خود است از چیزی چند که روزه را باطل میکنند
از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص
آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط
است با نیت قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف
بسیار است در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا اجمالا کافی باشد اما بهتر
آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی
باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه بعید عندهم مکروه باشد قصد ترک آنها
کند استحبابا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که واجب است

و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده
باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک
بتمام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قایلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی
گفته اند که بعد از زوال نیت نمیتواند کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت
کند ثواب روزه تمام روز را مییابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بنسبت
از نیت تا شام را مییابد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب
قضا و کفاره میدانند و بعضی قضای تنها و بعضی مفسد و مبطل نیست و احوط رعایت
مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ
را اگر از آن اجزا منفصل شود چون دود و تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلانست
و احوط اجتناب است حتی از دود تنباکو ششم استمنا است یعنی طلب نزول منی
کردن با حصول آن موجب قضا و کفاره است و مشهور است که هرگاه ملاعبه
کند و انزال شود روزه او باطل میشود و قضا و کفاره لازم است و بعضی درین تامل
نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و احوط
بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا
صدای آنرا شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و
قصد انزال هم داشته باشد و یا بآن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب
قضا و کفاراست هفتم قی کردن عمدا و اکثر موجب قضای تنها میدانند
و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند

ومشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب است و بعضی
واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت
غسل داشته باشد بر او قضا و کفاره لازم نیست و این احوط است اگرچه در دلیلش
سخنی هست و مشهور در خواب دویم وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی
در ان ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب سیم جنب هرگاه
بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی عدم وجوب کفاره است و
بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم
خواب دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه خالی
از قوتی نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که
آیا باید که صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان میباید صبح
جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین باشد
آن روز را روزه بدارد و اگر معین نباشد آن روز روزه بدارد و قضا نیز بکند
اما اگر عمداً کرده باشد و ظاهر نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بدهد احوط است
و در روزه سنت اگر عمداً در جنابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت
روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر شب عمداً نیت را
ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند
و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند
کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد

فرو برد تا گردن و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است
و بعضی گفته اند که اگر فرو برد مناقذ سر را دفعه هرچند منابت مو بیرون باشد باز
حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در روزه سنت هم سر در
آب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول
جواز ابتلاع آنچه بر دهن می آید از سینه ما دام که از دهن منفصل نشود و عدم
جواز آن قسم دیگر دویم جواز ابتلاع هر دو قسم ما دام که به دهن نرسد و تحریم
ابتلاع هر دو هرگاه به دهن برسد و سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن
ما دام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضا تنها
قایل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمع قایل شده اند
و گمان فقیر آنست که هیچ یک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای
دهن بیاید فرو نبرد دوازدهم مشهور میان علما آنست که مکروه است
که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه تا کمر در آب بنشیند
قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است
و در خائیدن قندران و مصطکی که آبش را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و
بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست که
اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز
است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده

و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی از قوتی نیست و مشهور نیست که هرگاه
قی بی اختیار آید بر او قضای نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف
است هشتم حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب
قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچیک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را
موجب قضا دانسته اند و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا
مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه مایع
نکند و اکر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در کوش موجب
فساد صوم نمی شود و سعوط در بینی هرکاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست
که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اکر بحلق برسد احوط
اجتناب است نهم دروغ کفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم است تا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بکوید بلکه کسیکه
اهلیت مسئله کفتن نداشته باشد مسئله بکوید و در حرمت آن شکی نیست
و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میکویند موجب فساد
صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اکر بکند قضا بکند و کفاره
بدهد دهم سر فرو بردن در آبست و جمعی از آن موجب قضا و کفاره
میدانند و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب
هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است و عدم
وجوب قضا و کفاره و بعضی کفته اند که اکر سر را بآب

رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش نبوید و گرد غلیظ

بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه است که صائم جامه

که ملاصق بدنست تر کند و مکروه است زن صائمه را که در آب بنشیند چنانکه گذشت

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه داری میباید

روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از

محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز افطار

تو نباشد و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود روزه نه همین از

خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان

خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع

مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند مخورید نه دروغ

بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و جفا

مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید

از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و

اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن و

و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و مشرف بر آخرت

دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و آماده سفر

آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما

باد آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و ذلت بنده

آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و نخورده باشد قضا واجب
نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی
مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق رود قضا بر او واجب نیست
و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه
کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم
وجوب است مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را
بیندازد و این احوط است

فصل سیم

در سنتها و آداب روزه است مکروه
است روزه دار را بوسیدن زنان و دست بدن ایشان مالیدن و دست بازی
کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهت مخصوص بصورتیست که اینها محرک
شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است سرمه بچشم
کشیدن چیزی که آن را طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهت
بیرون آوردن خونست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط
بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که باعث ضعف باشد و مکروه است
بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک را هم نبوید و سایر بوهای
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز
خود را خوشبو کند عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوئیدن
رائحه غلیظه مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رائحه غلیظ که بجوف

تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب
ای خوشا خواب زیرکان که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا افطار
کردن زیرکان که بهتر است از روزه بی خبران نیست زیرا که خواب مقربان با
نیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان
در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر
بسیاری عبادات مطلع میگردند و درهای از راههای قرب الهی نشسته و افطار
خردمندان چون بر وجهی ... باشد بوجهی که حقتعالی خواسته افطار عبادت
بهتر است از ... احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی کرده ...
عجب و غرور و ریا ... باشد بهتر است ... **فصل چهارم** در بیان آداب
دخول ماه مبارک رمضان است سنت است طلب هلال ماه رمضان بعضی واجب
دانسته‌اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
هلال ماه رمضان را ببینی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها
را بسوی خدا بلند کن و خطاب بماه کن و بگو

رَبِّی وَرَبُّکَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ
پروردگار من و پروردگار تو خداوند است که پروردگار عالمیان است خداوندا طالع گردان هلال را
عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ
بر ما با ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام
وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰی مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِکْ
و شتافتن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا برکت ده

از آقای خود ترسنده و ترسان باشید از عذاب او و امیدوار باشید رحمت او را
و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه
باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه
ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی
نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار
ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز
وجل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و
یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است با آن و خوانده
است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است
بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از اینها که بیان
کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن
و بدرستی که پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی
در روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را
گفت بخور زن گفت من روزه ام حضرت گفت چگونه روزه‌ای جاریه خود را
دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که حقتعالی
روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار و گفتار بد چه
بسیار کمند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه بغیر

برمی‌خیزد با طهارت معنوی پس شکر ماه رمضان را بنده و در حدیث دیگر فرمود
که هر که در شب اول ماه رمضان [illegible] در آن سال بد نرسد
وایضاً منقول است که چون ماه رمضان [illegible] حضرت صادق علیه السلام
فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام [illegible] سعی نمائید در این ماه در
عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاج
در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که [illegible] با دو در ماه رمضان با استغفار و دعا
پس دعا دفع میکند بلا را از شما [illegible] استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه سنت است و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان
یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان
و از گناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و
عمره خدا او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در شب
اول ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد
و بروایت دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه مبارک
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام
بخواند و سوال کند که حقتعالی از او کفایت شر و رکند خدا او را کفایت
کند از آنچه می‌ترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه می‌ترسد و از بلاها

لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف

برای ما در ماه ما این ماه و روزی کن مرا نیکوئی آن و مدد کردن آن و بگردان

عنا ضره وشره وبلاءه وفتنته

از ما بدحالی آنرا و شر آنرا و بلای آنرا و آشوب آنرا

و بهترین دعاهای هلال دعای صحیفه کامله است و ابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت رویت هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته

الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدر منازلک

سپاس مر خدای را که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا

وجعلک مواقیت للناس اللهم اهله علینا

و گردانید ترا نشانهای اوقات برای آدمیان خداوندا داخل گردان آنرا برما

اهلالا مبارکا اللهم ادخله علینا بالسلامة

داخل گردانیدنی با برکت خداوندا داخل کن آن برما با سلامتی

والاسلام والیقین والایمان والبر والتقوی

و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری

والتوفیق لما تحب وترضی

و توفیق برای آنچه دوست داری و پسندی آنرا

و در شب اول ماه چند سنت است اول غسل شب اول است و از حضرت صادق علیه السلم منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری سی کف آب

صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

روزه داشتن آنرا و فرستادی آن قرآن را در حالیکه راه نما است مر مردمانرا و

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ

آیتهای روشن هست از راه نمودن و جدا کننده حق از باطل بار خدایا مدد کن ما را بر روزه داشتن آن

وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ

و بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در آسانی از خود و

عَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عافیت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

وایضا از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول صلی الله علیه وآله این دعا می خواندند

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ

بار خدایا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بار خدایا ای پروردگار ماه

رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ

رمضان که فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی آنرا

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ فَبَارِكْ

حجتهای روشن از راهنمائی و جدا کردن حق از باطل خداوندا پس برکت ده

لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ

بجهة ما در ماه رمضان و مدد کن ما را بر روزه داشتن آن و نماز آن

و دیدها و ترسها و این نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن
میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزه تمام ماه را بکند و باز هر شب
نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که روزه فردا از روزه ماه رمضان میدارم
واجب قربة الی الله و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب
جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در
تمام سال ایمن باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول
این ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد
و اگر بر سر و ریزد در آن روز از بلاها ایمن گردد و هر یک کف از
گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن
گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که
هر که روز اول هر ماه دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از
حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سوره
انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق بکند با آنچه میسر شود سلامتی
ماه را خریده است و در روز اول این دعا خواند

اللّٰهمّ قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا
خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما

شیء وبقوتك التی خضع لها کل شیء وبجبروتك

چیز را و بتوانائی تو که پستی نموده برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو

التی غلبت بها کل شیء وبعلمك الذی احاط بکل شیء

که غلبه نموده هر چیز را و بدانش تو که فرو گرفته هر چیز را

یا نور یا قدوس یا اول قبل کل شیء ویا باقی

ای نور ای بیعیب پاک ای اول پیش از هر چیز وای باقی

بعد کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل

بعد از هر چیز ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واغفر لی الذنوب التی تغیر النعم و

محمد و بیامرز برای من گناهان را که تغییر میدهد نعمتها را و

واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی

و بیامرز برای من گناهانی را که فرو می آورد عذابها را و بیامرز برای

الذنوب التی تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب

گناهانی را که می برد امید را و بیامرز برای ما گناهانی را

التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی ترد

که غالب میگرداند دشمنانرا و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگرداند

الدعاء واغفر لی الذنوب التی یستحق بها

دعا را و بیامرز برای ما گناهانی را که سزاوار گردیده میشود بان

وتقبله منا

[illegible]

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در داخل
شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در
رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد
بخواند حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد
تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین
دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال
یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخواند و فرمود که هر که این
دعا را از برای رضای خدای تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن
سال هیچ فتنه و گمراهی و آفتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی
او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست

اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه ذلیل شده برای او هر

شیء و برحمتک التی وسعت کل شیء و بعظمتک

چیز و برحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بعظمت تو

التی تواضع لها کل شیء و بعزتک التی قهرت کل

که فروتنی کرده برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نموده

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ

وانچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و ای پروردگار عرش بزرگ و ای پروردگار

السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ اِسْرَافِيلَ وَ

سبع مثانی و قرآن بزرگ و ای پروردگار اسرافیل و

مِيكَائِيلَ وَجَبْرَائِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

میکائیل و جبرئیل و ای پروردگار محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او

سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَسْئَلُكَ بِكَ وَبِمَا

که بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران درخواست میکنم از تو بحرمت تو و بحرمت آنچه

سُمِّيتَ بِهِ يَا عَظِيمُ اَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ

نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه نعمت میبخشی بخشش بزرگ و دفع میکنی

كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ

هر محذوری را و عطا میفرمائی هر عطای وافر را و چندین برابر میکنی نیکیها را

بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اَللهُ

در مقابل عمل کم و مقابل عمل بسیار و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا

يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ

ای بخشنده رحمت بفرست بر محمد و خاندان او و بپوشان مرا در آینده

سَنَتِي هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاَحِبَّنِي

سال من این سال به پرده خود و درخشان کن روی مرا به روشنائی خود و دوست دار

نُزُولَ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ

فرود آمدن بلا و بیامرز برای ما گناهانی را که بازمیدارد باران

السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ

آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که زایل میکند پرده را

وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

و بیامرز برای من گناهانی را که بشتاب می آورد نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را

الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ

که تیره می سازد جهان را و بیامرز برای ما گناهانی را که در عقب دارد

النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی را که میدرد پرده های عصمت را و

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرْفَعُ الْقِسَمَ وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ

بیامرز برای من گناهانی را که زایل میکند روزی را و بپوشان مرا زره

الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أُحَاذِرُ

محکم خود را که قصد کرده نشود و عافیت بخش مرا از شر آنچه میترسم

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ

در شب و روز در آینده سال من این سال خداوندا

رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ

ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفت گانه

فِی هٰذِهِ السَّنَةِ کُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یُبَاعِدُنِی

درین سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی که دور سازد مرا

مِنْکَ وَاجْلِبْنِی اِلٰی کُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یُقَرِّبُنِی

از تو و بکشان مرا بسوی عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا

مِنْکَ فِی هٰذِهِ السَّنَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَامْنَعْنِی

بتو درین سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و باز دار مرا

مِنْ کُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یَکُوْنُ مِنِّی اَخَافُ ضَرَرَ

از هر عملی یا قول یا فعلی که باشد از من که بترسم ضرر

عَاقِبَتِهٖ وَاَخَافُ مَقْتَکَ اِیَّایَ عَلَیْهِ حِذَارَ اَنْ

عاقبت او را و بترسم دشمنی کردن تو مرا با آن بحذر از آنکه

تَصْرِفَ وَجْهَکَ الْکَرِیْمَ عَنِّی فَاَسْتَوْجِبَ بِهٖ

بگردانی روی لطف گرامی خود از من پس مستحق گردم بسبب آن

نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِی عِنْدَکَ یَا رَؤُوْفُ یَا رَحِیْمُ اَللّٰهُمَّ

کم کردن از بهره که مراست نزد تو ای مهربان ای مهربان بارخدایا

اجْعَلْنِی فِی مُسْتَقْبَلِ سَنَتِی هٰذِهٖ فِی حِفْظِکَ وَ

بگردان مرا در آینده سال من این سال در حفظ خود و

فِی جِوَارِکَ وَفِی کَنَفِکَ وَجَلِّلْنِی سِتْرَ عَافِیَتِکَ

در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا پوشش عافیت خود

بِحُبِّكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوانَكَ وَشَرِيفَ كَرامَتِكَ وَجَسِيمَ

بدوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و بزرگواری بلند پایه خود

عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ ما عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ

عطیه بزرگ مرتبه خود و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد توست و از بهترین

ما أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَأَلْبِسْنِي مَعَ

آنچه تو عطا فرمائی آنرا بیکی از آفریدگان خود و بپوشان مرا با

ذٰلِكَ عافِيَتَكَ يا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَيا شاهِدَ

وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت و ای دانای

كُلِّ نَجْوىٰ وَيا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيا دافِعَ ما تَشاءُ مِنْ

هر راز و ای دانای هر پنهان و ای دفع کننده آنچه خواهی از

بَلِيَّةٍ يا كَرِيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ تَوَفَّنِي عَلىٰ

بلا ای کرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر

مِلَّةِ إِبْراهِيمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد رحمت فرستد خدا بر او

وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَعَلىٰ خَيْرِ الْوَفاةِ فَتَوَفَّنِي مُوالِياً

و بر آل او و طریقه او و بر بهترین میراندن پس بمیران مرا دوست دارنده

لِأَوْلِيائِكَ مُعادِياً لِأَعْدائِكَ اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي

مر دوستان ترا و دشمن دارنده مر دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا

كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خانچه دفع کردی از پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او

هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ

شدت دشمن او را و گشودی اندوه او را و زایل گردانیدی غم او را و راست نمودی

وَعْدَكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي

وعده خود را و وفا کردی برای او عهد خود را خدایا پس بسبب آن پس کفایت کن

هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامِهَا وَفِتْنَتِهَا

خوف این سال را و بلاهای آنرا و بیماری آنرا و آشوب آنرا

وَشُرُورِهَا وَأَحْزَانِهَا وَضِيقِ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي

و گزندهای آنرا و اندوههای آنرا و تنگی معاش را در آن و برسان

بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي

مرا بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت نزد من

إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ

تا آخر مدت عمر من سؤال میکنم ترا مانند سؤال کسیکه بد کرده و ستم نموده

وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

و فروتنی کرده و اعتراف نموده بگناه و تقصیر و درخواست میکنم از تو که بیامرزی برای من

مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَ

آنچه گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نویسندگان تو و

وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ

و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و

لَا إِلٰهَ غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِ مَنْ مَضَى

نیست خداوند و پرستش غیر تو خداوندا بگردان مرا پیرو نیکوکار آنکه گذشته است

مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّماً لِمَنْ

از دوستان تو و در رسان مرا بایشان و بگردان مرا تسلیم کننده مر آنکه

قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ

گویا شده براستی بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو خداوندا

أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي

از آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی

لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَ

هوای خود و مشغول شدن من بشهوتهای خود پس حایل شود آن میان من

بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ

میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم فراموش کرده شده نزد تو

مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ

در پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا برای هر

عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى اللّٰهُمَّ

کردار نیک که خوشنود شوی بسبب آن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود نزدیک شدنی خداوندا

وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ

واین ماه هست که بزرگ گردانیدی او را و گرامی و گرامی داشتی او را و بزرگوار گردانیدی او را و برتری دادی او را

عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ

بر همه ماهها و آن ماهی است که واجب کردی روزه داشتن

عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ

بر من و آن ماه رمضان است که فرستادی در او قرآن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

[illegible] و [illegible] و بیان است از هدایت و جدا کننده میان حق و باطل

وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ

و گردانیدی در او شب قدر را و گردانیدی آن شب را بهتر از

أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ

هزار ماه پس ای خداوند اعطا و حال آنکه منت نهاده نشود بر تو بخشش کن بر من به آزاد

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ

کردن من از آتش در زمره آنانکه بخشش نمائی بر ایشان و داخل کردان مرا در بهشت

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

و دعای بسیار خوبیست اقلا شبی یکمرتبه خوب است که خوانده شود و بسند صحیح منقول

هست که هر که در شب اینماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود

أحصتها كرام ملائكتك عليّ وأن تعصمني إلهي

نمرده آنرا بزرگواران فرشتگان تو برمن و آنکه نگاه داری مرا خدای من

من الذنوب فيما بقي من عمري إلى منتهى أجلي يا الله

از گناهان وآنچه باقیمانده از عمر من تا آخر اجل من ای خدا

يا رحمن يا رحيم صلّ على محمد وأهل بيت محمد

ای بخشاینده ای مهربان رحمت بفرست بر محمد و خانواده محمد

وآتني كلّ ما سألتك ورغبت إليك

و عطا کن مرا آنچه سوال کردم از تو و رغبت [illegible]

فيه فإنك أمرتني بالدعاء وتكفّلت لي بالإجابة

دران زیرا که تحقیق امر کردی بدعا و ضامن اجابت کردن دعای

لي يا أرحم الراحمين

مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز از ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخواند

يا عليّ يا عظيم يا غفور يا رحيم أنت الربّ

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار

العظيم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير

بزرگ مرتبه که نیست مانند او چیزی و او شنوای بینا

که هر که سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت
ثواب کسی دارد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد
و گفته‌اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و اول شب هم
نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد دارد که فردا روزه میدارد و از برای
خدا میگیرد بس است و اما آداب افطار پس سنت است که اول نماز شام را بکند و بعد
از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی او را بر غالب شده باشد
که مانع حضور قلب باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است
و در وقت افطار سوره انا انزلنا خواندن سنت است چنانچه روایت از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که در افطار بگوید

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْتَ إِلٰهِي لَا إِلٰهَ لِي غَيْرُكَ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ
ای بزرگوار ای بزرگوار توئی خدای من نیست خدای مرا غیر تو بیامرز برای من گناه
الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ
بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از حضرت
امام حسن علیه السلام منقولست که هر روزه داری در وقت افطار دعائی
مستجاب است پس باید در لقمه اول بگوید

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي
بنام خدای بخشاینده مهربان ای فراخ آمرزش بیامرز مرا

اللهم رب هذا الشهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن

خداوندا ای پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادی در آن قرآن را

وافترضت علی عبادک فیه الصیام صل علی

و واجب ساختی بر بندگان خود در آن روزه داشتن را رحمت بفرست

محمد وآل محمد وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی

بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در امسال

هذا وفی کل عام واغفر لی تلک الذنوب

این سال و در هر سالی و بیامرز برای من آن گناهان

العظام فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علام

بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشنده ای دانا

و ایضا هر شب سه مرتبه سوره انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه
سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک سنت
است و از حضرت رسول صلعم منقول است که ترک نکنید امت من سحور خوردن
را اگرچه بیک دانه خرمای بوده باشد و ایضا از آنحضرت منقول است که
حقتعالی و ملائکه صلوات می فرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور
میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحور خرما و سویق است
و ایضا فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات
و رحمت می فرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است

بهلیه صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
را افطار کردن بآب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام دوست میداشت که افطار بشیر نماید و از حضرت امام رضا علیه
السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند
بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان
اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای مبارک
رمضان تلاوت قرآن است بسیار باید خواند چون در این ماه نازل شده است
در حدیث آمده است که هر چیزی را بهاری است بهار قرآن ماه مبارک رمضان است
و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوبست و در
حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم و زیاده میکردند اگر هر ختمی
ثوابش را بروح مقدس یکی از ائمه علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله
علیهما هدیه میکند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد
و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و دعا
در شب و روز ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است
خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه
آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی اشاره
شده است که در همه ماه هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که در وقت افطار بگوید

اَللّهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَ عَلی رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ

بارخدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو توکل داشتم کار خود را

تا خدای تعالی عطا کند باو ثواب هر کس را که درین روز روزه داشته است

و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت

افطار بدو زانو می نشستند و چون شروع بافطار می کردند می گفتند

اَللّهُمَّ لَکَ صُمْنا وَ عَلی رِزْقِکَ اَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا اِنَّکَ

بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس قبول کن آن را از ما بدرستیکه

اَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ

توئی شنوای دانا

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

افطار می کردند بر خرما و آب یا رطب و آب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت

در وقت افطار ابتدا بحلوا می نمودند و اگر نمی یافتند بنبات یا قند یا خرما افطار

می کردند و اگر حاضر نبود بآب نیمگرم افطار می کردند و میفرمودند که آب نیمگرم

پاک می کند معده را و قوت می دهد حدقه را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را

می شوید و عرق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع می کند

[illegible] و اطفای حرارت می کند و صداع را برطرف می کند و ایضا از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر [illegible] افطار کند ثواب [illegible]

بلاءٍ قد فکّها الحمد لله الذی لم یتّخذ صاحبةً ولا

بلاکه بتحقیق گشودی او را سپاس خدای را که فرا نگرفت هیچ زنی

ولداً ولم یکن له شریکٌ فی الملک ولم یکن له ولیٌّ

فرزندی و نیست برای او هیچ انباری در پادشاهی و نیست او را دوستی

من الذّلّ وکبّره تکبیراً الحمد لله بجمیع محامده کلّها

بجهت ذلت و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی سپاس مر خدا را بهمه ستایشهای او همه

علی جمیع نعمه کلّها الحمد لله الذی لا مضادّ له

بر همه نعمت های او همه سپاس مر خدا را که نیست مخالفی مر او را

فی ملکه ولا منازع له فی امره الحمد لله الذی

در پادشاهی و نه خصومت کننده برای او در امر او سپاس مر خدا را

لا شریک له فی خلقه ولا شبیه له فی عظمته الحمد

نیست انباری برای او در آفرینش و نه مانندی برای او در بزرگی او سپاس

لله الفاشی فی الخلق امره وحمده الظاهر بالکرم مجده

مر خدا را که فاش است در خلق امر او و سپاس او هویدا است بجود شان او

الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه ولا تزیده

گشاینده است بجود دست او آنکه کم نمیگردد خزانه های او و نمیافزاید

کثرة العطاء الّا جوداً وکرماً انّه هو العزیز الوهّاب

بسیاری عطا مگر بخشش و کرم بدرستیکه او است عزیز بخشنده

مسلم منقولست که بشیعیان نوشته اند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را

بخوانند که دعائی است که ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست

اللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ

خداوندا ابتدا میکنم ستایش را بستایش تو و تو توفیق دهنده ای برای صواب

بِمَنِّكَ وَاَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فی مَوْضِعِ

ببخشش خود و باور کردم آنکه تحقیق تو بخشنده ترین بخشایندگانی در جایگاه

الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبینَ فی مَوْضِعِ النَّكالِ

عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگانی در جایگاه نکال

وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرینَ فی مَوْضِعِ الْكِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ

و نقمت و بزرگ ترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت

اللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِكَ وَمَسْاَلَتِكَ فَاسْمَعْ

خداوندا دستوری دادی مرا در دعای خود و خواستن از خود پس بشنو

یا سَمیعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ یا رَحیمُ دَعْوَتی وَاَقِلْ یا غَفُورُ

ای شنوا ستایش مرا و بپذیر ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده

عَثْرَتی فَكَمْ یا اِلٰهی مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ

از لغزش من پس چه بسیار ای خدای من از اندوه که گشودی آنرا و غمها که بتحقیق

كَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ

گشودی آنها را و لغزشها که درگذشتی از آنها و رحمت که بتحقیق پهن کردی و حلقه

عَلَيَّ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر دیر نماید از من

عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ

عتاب نمودم بنادانی خود بر تو و شاید که آنچه دیر کرد از من آن

خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى كَرِيماً

بهتر باشد برای من بجهة علم تو بعاقبت کارها پس ندیدم آقای کریمی صبورتر

أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي

بر بنده لئیم از تو بر من ای پروردگار پس بدرستیکه تو میخوانی مرا

فَأُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ

پس رو میگردانم از تو و دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی

إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ

بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا مرا احسانی است بر تو

فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ

پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان بسوی من

وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ

و بخشش بر من بجهت بخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده

الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ

خود را و بخشش کن بر او بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِی

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با احتیاج من

اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِی كَثِيرٌ

بسوی آن بسیار و بی نیازی تو از آن دیرینه است و او نزد من بسیار است

وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِی

و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من

وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِی وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِی وَسَتْرَكَ

و تجاوز تو از خطای و درگذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو

عَلٰی قَبِيحِ عَمَلِی وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِی عِنْدَ مَا كَانَ

بر کردار زشت من و بردباری تو از گناه بسیار من نزد آنچه یافت شده

مِنْ خَطَائِی وَعَمْدِی اَطْمَعَنِی فِی اَنْ اَسْئَلَكَ مَا لَا

از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در آنکه سوال کنم ترا آنچه را که مستحق نیستم

اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِی رَزَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَرَيْتَنِی

سزاوار آن از تو و آنچیزی که روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا

مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِی مِنْ اِجَابَتِكَ فَصِرْتُ اَدْعُوكَ

از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم که میخوانم ترا

اٰمِنًا وَاَسْئَلُكَ مُسْتَاْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا

با ایمنی و در می خواهم ترا با انس دارنده نه ترسان و نه بیمناک ناز کننده

وَلاَ ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ وَتَوَاضَعَ

[illegible]

لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ اَلْحَمْدُ

[illegible] بزرگان [illegible]

لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ

[illegible]

وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلاَ أُجَازِيهِ

[illegible] نعمت را بر من [illegible]

فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةٍ

پس بسیار از بخشش گوارا که بخشید مرا [illegible]

مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي وَبَلِيَّةٍ

[illegible]

مُوبِقَةٍ قَدْ دَرَأَ عَنِّي فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ

[illegible]

مُسَبِّحًا اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لاَ يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلاَ يُغْلَقُ بَابُهُ وَلاَ

[illegible]

يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلاَ يُخَيَّبُ آمِلُهُ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَ

[illegible]

كريم ثم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق

بزرگوار سپاس مر خدا را که خداوند پادشاهیست و آن سازنده کشتی های روان سازنده بادها شکافنده

الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد

صبح جزا دهنده روز جزا پروردگار جهانیان است سپاس

لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه

مر خدا را بر بردباری او بعد از علم او و سپاس خدا را بر عفو او

بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه

پس از توانائی او و سپاس خدا را بر درازی مدارای او در غضب او

وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق

و حال آنکه او تواناست بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدا را آفریننده خلق

باسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال و

و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری

الاكرام والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى

و گرامی داشتن و بخشش و نعمتها آنکه دور است پس دیده نمیشود

وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله

و نزدیک است پس آگاه است به رازها منزه است خدا و برتر است سپاس مر خدا را

الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله

که نیست برای او ستیزنده که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او را

ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي

لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم

صل على محمد عبدك ورسولك وامينك

وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك و

حافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن

واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب

واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت

وترحمت وتحننت وسلمت على احد من

عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك

بندگان خود و پیغمبران خود و فرستادگان خود و برگزیدگان خود

يُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ

میرهاند شایستگان را و برمیدارد ناتوانان را و پست سازد

الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكاً وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ

گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ

و سپاس مر خدا را درهم شکننده متکبران را هلاک سازنده ستمکاران را دریابنده

الْهَارِبِينَ وَنَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيخِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ

گریزندگان و عذاب کننده ستمکاران دادرس دادخواهان قرارگاه

حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده گروندگان سپاس مر خدا را که

مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ

از ترس او مضطرب است آسمان و قرار گرفتگان او و می لرزد زمین

وَعُمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ

و ساکنان او و آشوب میکند دریاها و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس مر خدا را

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ

که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ

سپاس مر خدا را که آفریند و آفریده نشده و روزی دهد و روزی داده نشده و میخوراند

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ

محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن

عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي

علی و علی بن محمد و حسن بن علی و جانشین راه نما

الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَنَائِكَ فِي

راه یافته حجت های تو بر بندگان تو و امانت داران تو در

بِلَادِكَ صَلٰوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ

شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست

عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

بر خداوند امر خود بر پا ایستاده امید داشته شده و داد خواه انتظار کرده شده

وَحُفَّهُ بِمَلٰئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

و فرو گیر او را بفرشتگان خود که نزدیکانند و قوت ده او را بروح القدس

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ

ای پروردگار جهانیان خداوندا گردان او را خواننده بسوی کتاب خود

وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا

و بر پا دارنده دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانچه

اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي

خلیفه گردانیدی آنرا که بودند پیش از وی جای ده برای او دین او را که

وَأَهْلِ الْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

و اهل کرامت بر تو از خلق تو خداوندا

صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

رحمت بفرست بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار

الْعالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَ

جهانیان بنده تو و دوست تو و برادر رسول تو و

حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرىٰ وَالنَّبَإِ

حجت تو بر آفریدگان تو و نشان بزرگ تو و خبر

الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ

بزرگ و رحمت بفرست بر راست گوی پاک فاطمه

الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ وَصَلِّ عَلىٰ

زهرا بزرگ زنان عالمیان و رحمت بفرست بر

سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَإِمامَيِ الْهُدىٰ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

دو فرزندزاده رحمت و دو پیشوای راه نمای حسن و حسین

سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلىٰ أَئِمَّةِ

دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست بر پیشوایان

الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ

مسلمانان سید الساجدین زین العابدین علیه السلام و عالم علوم باطن و ظاهر امام محمد باقر و حق ناطق امام جعفر صادق ع

إلى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم

بسوی راه خود و روزی کن ما را بسبب آن کرامت این جهان و آن جهان خداوندا

ما عرّفتنا من الحق فحمّلناه وما قصرنا عنه

آنچه شناسانیدی ما را از حق پس توفیق ده تحمل آن را و آنچه باز ماندیم از آن

فبلّغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا

پس برسان ما را بآن خداوندا فراهم آور بسبب او پراکندگی ما را و بهم آور بسبب او شکافتهٔ ما را

وارتق به فتقنا وكثّر به قلّتنا وأعزز به ذلّتنا

و التیام ده بسبب او جدائی ما را و بسیار کن بسبب او کمی ما را و ارجمند ساز بسبب او خواری ما را

وأغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به

و بی نیاز کن عیال ما را و ادا کن بسبب او قرض ما را و تدارک کن

فقرنا وسدّ به خلّتنا ويسّر به عسرنا وبيّض به

احتیاج ما را و مسدود کن حاجت ما را و آسان کن بسبب او مشکل ما را و سفید کن بسبب او

وجوهنا وفكّ به أسرنا وأنجح به طلبتنا وأنجز

روهای ما را و دور کن بسبب او گرفتاری ما را و روا کن بسبب او حاجت ما را و روا کن

به مواعيدنا واستجب به دعوتنا وأعطنا به

بسبب او وعده های ما را و بپذیر بسبب او دعای ما را و عطا کن

سؤلنا وبلّغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا

مسئول ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت بآرزوهای ما

ارتضیته له أبدله من بعد خوفه أمنا یعبدك

پسندیدی او را برای او بدل گردان برای او پس از بیم او ایمنی را می پرستد ترا

لا یشرك بك شیئا اللهم أعزه وأعزز به وانصره

شریک نمی گرداند با تو چیزی را خداوندا عزیز گردان او را و عزیز گردان بسبب او و نصرت بده او را

وانتصر به وانصره نصرا عزیزا وافتح له فتحا یسیرا

و انتقام کش بسبب او و یاری کن او را یاری عزیز و بگشا برای او گشودن آسان

واجعل له من لدنك سلطانا نصیرا

و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده

اللهم أظهر به دینك وسنة نبیك حتى

خداوندا ظاهر کن بسبب او دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا اینکه

لا یستخفی بشیء من الحق مخافة أحد من الخلق اللهم

خداوندا

پنهان ندارد چیزی از حق بجهت بیم کسی از آفریدگان

إنا نرغب إلیك فی دولة کریمة تعز بها

بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی که عزیز داری بآن

الإسلام وأهله وتذل بها النفاق وأهله

اسلام و اهل اسلام را و خوار گردانی بآن نفاق را و اهل نفاق را

وتجعلنا فیها من الدعاة إلى طاعتك والقادة

و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود و پیشروندگان

لَهُ بِنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ

کہ ببشتابی آوردی او را که گرفتندی که رفع نمائی آن را و یاری که غالب گردانی او را و پادشاهی

تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ

که ظاهر سازی او را و رحمت از خود که فرو گیری ما را بآن و عافیتی از خود

تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که بپوشانی ما را بآن بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وبسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السّلام منقول است

که هر شب این ماه مبارک این دعا بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی در جمله آنچه حکم کرده و تقدیر نموده

مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي

از امر واجب کرده در امر موافق حکمت از آن حکمی که

لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

گردانیده نشود و بدل کرده نشود و آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

گناهان ایشان درگذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی

وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ

وعطا کن ما را بحرمت او بالای خواهش ما ای بهترین سوال شدگان و فراگیرنده ترین

الْمُعْطِينَ اِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهِ

بخشندگان شفا ده بسبب او سینهای ما را و ببر بسبب او

غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ

خشم دلهای ما را و راه نمای کن ما را بآنچه اختلاف کرده شده است دران از

الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

امر حق برخصت تو بدرستیکه تو هدایت میکنی آنرا که خواهی بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا

راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود و دشمن ما

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا

ای خدای بحق دعای ما را بپذیر خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو نیافتن پیغمبر خود

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا

رحمتهای تو براو و برآل او و نهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما

وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ

و کمی شمار ما و سخت شدن آشوبهای ما و یاری دادن زمانه

عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ

بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را بر آن بگشایش از خود

فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً فِي

پس بپوشان ما را و برای دریافت شب قدر و حج خانهٔ محترم خود و کشته شدن در

سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ

راه قرب خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال ما را بپذیر

لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

برای ما و هرگاه فراهم آوری پیشینیان و پسینیان را در روز رستخیز

فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ

پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در دوزخ

فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ

پس غل مکن ما را و در عذاب خود و خواری از خود پس مبتلا مکن ما را و از

الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا

درخت زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و با دیوان پلید پس مگردان ما را

وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ

و در آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از جامه‌های آتش و

سَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ

پیراهنهای قطران مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدای

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا ۵ اما دعای سحر بسیار

مگر تو بحق لا اله الا انت پس برهان ما را ۵ معتبر وارد شده است

وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيْلَ عُمْرِيْ فِيْ خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَ
و اندازه کنی آنکه دراز کنی عمر مرا در نیکوی و عافیت و
تُوَسِّعَ فِيْ رِزْقِيْ وَتَجْعَلَنِيْ مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِيْنِكَ
آنکه کشاده کنی در روزی من و بکردانی مرا از آنانکه انتقام کشی بسبب ایشان برای دین خود
وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِيْ غَيْرِيْ وابيند هاى عالية المضامين نيز در هر
و بدل مکن از من غیر مرا شب وارد شده است
اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِيْنَ فَاَدْخِلْنَا وَفِيْ
خداوندا برحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن مارا و در
عِلِّيِّيْنَ فَارْفَعْنَا وَبِكَاْسٍ مِنْ مَعِيْنٍ مِنْ عَيْنٍ
علیین پس بلند کن مارا و بجامی از شراب شیرین از چشمه
سَلْسَبِيْلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ بِرَحْمَتِكَ
سلسبیل پس آب ده مارا و از دیدگان فراخ چشم برحمت خود
فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِيْنَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ
پس زن ده مارا و از کودکان جاوید مانند کان گویا ایشان مروارید
مَكْنُوْنٌ فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُوْمِ الطَّيْرِ
پوشیده اند پس خادم بخش مارا و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ
فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيْرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ
پس بخوران مارا و از جامه های دیبای فاخر نازک و ابریشمی و دیبای سطبر

اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ببزرگی تو سرابسر کی خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهٖ وَکُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ

سوال میکنم ترا از نور تو بروشن ترین آن و هر نور تو روشن است

اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنور تو سراسر نوری خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِاَوْسَعِهَا وَکُلُّ رَحْمَتِکَ

سوال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و هر رحمتی از تو

وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّهَا اَللّٰهُمَّ

فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا برحمت تو سراسر رحمتی خداوندا

اِنّیٓ اَسْئَلُکَ مِنْ کَلِمَاتِکَ بِاَتَمِّهَا وَکُلُّ کَلِمَاتِکَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمات تو

تَامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ بِکَلِمَاتِکَ کُلِّهَا

تمام است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکلمه های تو هر یک از آنها

اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ مِنْ کَمَالِکَ بِاَکْمَلِهٖ وَکُلُّ

[illegible] سوال میکنم ترا از صفات کمال تو بکاملترین آن و هر

کَمَالِکَ کَامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُکَ بِکَمَالِکَ کُلِّهٖ

کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکمال تو هر کمالی

که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائی است که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام در سحر میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت
این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا
با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است
راست گفته ام پس چون این دعا را بخوانند با هتمام تمام و تضرع بخوانید
و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ
بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو
بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
نیکو است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکوئی تو هر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من
اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ
سوال میکنم از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکوئی تو به هر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از
مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم
بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ
به بزرگواری هر بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به توانائی تو همه توانائی خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهٖ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ

سوال میکنم ترا از دانش تو به روان ترین آن و همه دانش تو روانست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بعلم تو همه علمی خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ

سوال میکنم ترا از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَكُلُّ

سوال میکنم ترا از سوالهای تو به دوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از

مَسَائِلِكَ اِلَيْكَ حَبِيْبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

سوالهای تو بسوی تو دوست است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ

بسوالهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از رفعت تو

بِاَشْرَفِهٖ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيْفٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

به رفیع ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستیکه من

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمٰائِكَ بِاَكْبَرِهٰا وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نامهای تو بزرگترین آنها و هر یک

اَسْمٰائِكَ كَبیرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمٰائِكَ

از نامهای تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنامهای تو

كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهٰا

هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن

وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزیزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ

و هر ارجمندی تو ارجمندست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بارجمندی تو

كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ

هر ارجمندی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خواهش تو

بِاَمْضٰاهٰا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مٰاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ

بگذرنده‌ترین آن و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بخواهش تو همه آنها خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِی اسْتَطَلْتَ

سوال میکنم ترا از توانایی تو بآن توانایی که [illegible]

بِهٰا عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطیلَةٌ

[illegible] بر همه چیز و هر توانایی از تو مستولی است

مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي

از نشانهای تو بگرامی ترین آن و هر یکی از نشانهای تو گرامی است خداوندا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا

سوال میکنم ترا بنشانهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بآنچه

أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ

تو در آنی از بزرگی و بزرگواری و سوال میکنم ترا بهر

شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

کاری که یگانه است آن و بزرگواری که یگانه است خداوندا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ

سوال میکنم ترا بآنچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته برآورده می شود و از جمله دعاهای

مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی ره و دیگران از ابوحمزه ثمالی روایت کرده اند

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را

بنماز بسر می آوردند و چون سحر میشد این دعا میخواندند

إِلٰهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ

خدایا ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من در مکر خود

مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

از کجاست خیر مرا ای پروردگار من و حال آنکه یافت نمی شود مگر از نزد تو

اَسْئَلُکَ بِشَرَفِکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ

سوال میکنم ترا برفعت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از

سُلْطانِکَ بِاَدْوَمِهِ وَکُلُّ سُلْطانِکَ دائِمٌ اَللّهُمَّ

سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است خداوندا

اِنّی اَسْئَلُکَ بِسُلْطانِکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

مِنْ مُلْکِکَ بِاَفْخَرِهِ وَکُلُّ مُلْکِکَ فاخِرٌ اَللّهُمَّ

از ملک و غلبه تو به بزرگترین او و هر غلبه از تو بزرگست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُکَ بِمُلْکِکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بغلبه تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

مِنْ عُلُوِّکَ بِاَعْلاهُ وَکُلُّ عُلُوِّکَ عالٍ اَللّهُمَّ اِنّی

از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُکَ بِعُلُوِّکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

سوال میکنم ترا بانعام تو سرانعامی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

مِنْ مَنِّکَ بِاَقْدَمِهِ وَکُلُّ مَنِّکَ قَدیمٌ اَللّهُمَّ

از انعام تو بدیرینه ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا

اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانعام تو سرانعامی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي

[illegible]

بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا أَدْعُو

[illegible]

غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي

[illegible]

دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ

[illegible]

رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

[illegible]

وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

[illegible]

فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ

[illegible]

عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ

[illegible]

لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللّٰهُمَّ

[illegible]

وَمِنْ اَیْنَ لِیَ النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ اِلَّا بِكَ لَا الَّذِی
و از کجا است مرا رستگاری و حال آنکه مقدور نیست مگر بلطف تو نه آنکه
اَحْسَنَ اسْتَغْنٰی عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِی
نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه
اَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَیْكَ وَلَمْ یُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ
گناه کرده و دلیری نموده بر تو و خشنود نساخته ترا بیرون است از قدرت تو

یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
آنقدر بگوید که نفس منقطع شود و بعد از آن بگوید

بِكَ عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَنِی عَلَیْكَ وَدَعَوْتَنِی
بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا
اِلَیْكَ وَلَوْلَا اَنْتَ لَمْ اَدْرِ مَا اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
بسوی خود و اگر نمی بود راهنمائی تو نمیدانستم چیستی تو و سپاس مر خدا را که
اَدْعُوهُ فَیُجِیبُنِی وَاِنْ كُنْتُ بَطِیْئًا حِیْنَ یَدْعُوْنِی
میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه بودم کند هنگامیکه میخواند مرا
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَسْئَلُهُ فَیُعْطِیْنِی وَاِنْ كُنْتُ بَخِیْلًا
و سپاس مر خدا را که میخواهم از او پس می بخشد مرا اگر چه بخیل باشم
حِیْنَ یَسْتَقْرِضُنِی وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اُنَادِیْهِ كُلَّمَا
هنگامیکه وام خواهد از من و سپاس مر خدا را که میخوانم او را هر گاه

دونك وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجهت

بغیر تو وتحقیق آهنگ کردم بسوی تو بحاجت خود و روی آوردم بسوی

اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك

تو برای حاجت خود وگردانیدم بتو دادخواهی خود را وبخواندن تو

توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا

وسیله خود را بی آنکه سزاوار باشم بپذیرفتن ترا از من ونه از

استيجاب لعفوك عني بل للثقة بكرمك وسكوني

مستوجب باشم در گذشتن ترا از من بلکه بجهة اعتماد من ببزرگواری تو وآرام گرفتن

الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك

بسوی راستی وعده تو وپناه آوردن ازگناه بسوی تصدیق بیگانگی تو

ونفسي بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا

وجزم داشتن من بشناخت تو از من اینکه نیست پروردگاری مرا بغیر تو ونیست

اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انت

سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا توئی

القائل وقولك حق ووعدك صدق واسئلوا

گوینده وگفته تو درست ووعده تو راست است اینکه سؤال کنید

الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من

خدا را از بخشش او بدرستیکه خدا است بشما مهربان ونیست از



رَاجِیاً خَائِفاً اِذَا رَأَیْتُ مَوْلَایَ ذُنُوبِی فَزِعْتُ وَاِذَا

امیدوار ترسان هرگاه می بینیم ای آقای من گناهان خود را بترسم و هرگاه

رَأَیْتُ کَرَمَكَ طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَیْرُ رَاحِمٍ وَاِنْ

می بینیم بزرگواری ترا امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندهٔ و اگر

عَذَّبْتَ فَغَیْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِی یَا اللّٰهُ فِی جُرْأَتِی عَلٰی مَسْأَلَتِكَ

عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من ای خدا در دلیری من بر سوال کردن از تو

مَعَ اِتْیَانِی مَا تَکْرَهُ جُودُكَ وَکَرَمُكَ وَعُدَّتِی فِی

با بجا آوردن من چیزی را که ناخوش داری [illegible] بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیره من در

شِدَّتِی مَعَ قِلَّةِ حَیَائِی رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ

حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست و بتحقیق

رَجَوْتُ اَنْ لَا تَخِیبَ بَیْنَ ذَیْنِ وَذَیْنِ مُنْیَتِی فَحَقِّقْ

امیدوارم که نا امید نگردانی میانه این و آن آرزوی مرا پس ثابت دار

رَجَائِی وَاسْمَعْ دُعَائِی یَا خَیْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَاَفْضَلَ

امید مرا و بشنو دعای مرا ای نیکوترین کسیکه خوانده است او را خواننده و بهتر

مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ یَا سَیِّدِی اَمَلِی وَسَاءَ عَمَلِی فَاَعْطِنِی

[illegible] امیدوار [illegible] بزرگ است ای آقای من آرزوی من و بد است کردار من پس

مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ اَمَلِی وَلَا تُؤَاخِذْنِی بِاَسْوَءِ عَمَلِی

از گذشت خود باندازه آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من

صِفاتِكَ يا سَيِّدي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

خصلتهاى تو اى بزرگ من اينكه امر كنى بسوال و باز دارى بخشش را

وَاَنْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِيّاتِ عَلى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعائِدُ

و توئى بسيار بخشنده به بخششها بر اهل مملكت خود و منفعت رساننده

عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ اِلهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ

برايشان بزيادتى مهربانى خود خداى من پرورده مرا در نعمتهاى خود و احسان خود

صَغيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمي كَبيراً فَيا مَنْ رَبّاني فِي

هنگاميكه خورد بودم و بلند كردى نام مرا در حال بزرگى من پس اى آنكه پرورد مرا در

الدُّنْيا بِاِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاَشارَ لي فِي الْآخِرَةِ

دنيا بنيكوئى خود و بخشش خود و نعمتهاى خود و اشاره كرد مرا در آخرت

اِلى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ

بسوى درگذشتن خود و بزرگوارى خود شناختن تو اى آقاى من دليل من است بر تو

وَحُبّي لَكَ شَفيعي اِلَيْكَ وَاَنَا واثِقٌ مِنْ دَليلي

و دوستى من ترا شفاعت كننده من است بتو و من اعتماد دارم از دليل خود

بِدَلالَتِكَ وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي اِلى شَفاعَتِكَ

بدلالت تو و اطمينان دارم از شفيع خود

اَدْعُوكَ يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ اَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ

ميخوانم ترا اى بزرگ من بزبانى كه بتحقيق

اُناجيكَ بِقَلْبٍ قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ اَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً

راز ميگويم ترا بدل كه بتحقيق هلاك كرده است آنرا گناه او ميخوانم ترا اى پروردگار بيمناك

بل لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين

بلکه بجهت آنکه تحقیق تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و محکم کننده ترین حکم کنندگانی

واكرم الاكرمين ستار العيوب غفار الذنوب

و کریم ترین بزرگواران [illegible] بسیار پوشنده عیبهائی بغایت آمرزنده گناهانی

علام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر

بسیار دانای نهانیها می پوشانی گناهان را به بزرگی خود و پس می اندازی

العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد

عقوبت را به بردباری خود پس مر تراست سپاس بر بردباری تو بعد از

علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني

[illegible]

ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني

[illegible] بردباری تو از من [illegible] و میخواند مرا

الى قلة الحياء سترك علي ويسرعني الى التوثب

[illegible]

على محارمك معرفتي بسعة رحمتك و

[illegible]

[illegible] يا حي يا قيوم يا غافر

[illegible] ای پاینده ای آمرزنده

فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاتِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمُكَ

زیرا که بتحقیق بزرگواری تو بزرگوار است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو

يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقَصِّرِينَ وَاَنَا يَا سَيِّدِى عَائِذٌ

بزرگست از پاداش دادن تقصیر کنندگان و من ای آقای من پناه گیرنده ام

بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ

بخشش تو گریزانم از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرمودی

مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا اَنَا يَا رَبِّ وَ

از درگذشتن از آنکه نیک داشته بتو گمان را و چیستم من ای پروردگار من

مَا خَطَرِى هَبْنِى بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ

چیست قدر من ببخش مرا ببخشش خود و تصدق کن بر من بعفو خود

اَىْ رَبِّ جَلِّلْنِى بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِى بِكَرَمِ

ای پروردگار من بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من بکرم [illegible]

وَجْهِكَ فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِى غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ

[illegible] اگر آگاه شد امروز [illegible] غیر تو نمیکردم آنرا

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ لَا لِاَنَّكَ

و اگر میترسیدم شتاب نمودن بعقوبت [illegible] میکردم [illegible]

اَهْوَنُ النَّاظِرِينَ اِلَىَّ وَاَخَفُّ الْمُطَّلِعِينَ عَلَىَّ

[illegible] اطلاع دارندگان بر من

عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

بر کردارهای خود بلکه بخشش تو بر ما زیرا که بخشش تو اهل پرهیزکاری

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسَانِ نِعَماً وَتَعْفُو

و اهل آمرزشی پیشی میگیری به بخشیدن نعمتها و در میگذری

عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجَمِيلَ مَا

از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که چه چیز را شکر کنیم آیا بخشش نیکو را که

تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَ

پهن میکنی آیا کردار زشتی را که میپوشی آیا بلای عظیم بزرگی را که عطا فرمودی

أَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ

بخشش فرمودی آیا بلای بسیار که از آن نجات دادی و عافیت بخشیدی ای دوست

مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَاذَ بِكَ وَانْقَطَعَ

آنکه دوستی کند بسوی تو و ای روشنی دیده آنکه پناه گیرد بتو و بریده شود

إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ

بسوی تو تو نیکوکاری و ماییم بدکرداران پس درگذر

يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ

ای پروردگار از زشتی که نزد ماست به نیکویی آنچه نزد تست و کدام

جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ

نادانی ای پروردگار که فرا نگرفته است آنرا بخشش تو یا کدام زمان است درازتر

الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان

أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَمِيلُ أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجُكَ

کجاست پوشیدن نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش

الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ

نزدیک تو کجاست فریادرسی شتابان تو کجاست رحمت فراگیرنده تو

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ

کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای گوارای تو

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ

کجاست کرامتهای بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو

أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ

کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان دیرینه تو کجاست

كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي

بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بمحمد و آل محمد پس رهائی ده مرا

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ

و برحمت خود پس خلاصی بخش مرا ای احسان کننده ای نیکوکار ای نعمت دهنده

يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى

ای فزونی بخشنده نیستم من که اعتماد کنم در رستگاری از عقاب تو بر

وَلا تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلا تُنازَعُ فى

وسؤال کرده نمیشوی از کردار خود وخصومت کرده نمیشوی در

مُلْكِكَ وَلا تُشارَكُ فى اَمْرِكَ وَلا تُضادُّ فى حُكْمِكَ

پادشاهی خود وشریک کرده نمیشوی در کار خود ونه دشمنی کرده نمیشوی در حکم خود

وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ اَحَدٌ فى تَدْبيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ

واعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش وفرمان

تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ يا رَبِّ هٰذا مَقامُ مَنْ

برکت ده خدا پروردگار جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی است

لاذَ بِكَ وَاسْتَجارَ بِكَرَمِكَ وَاَلِفَ اِحْسانَكَ وَ

که پناه برد بتو وزنهار جست به بزرگواری تو وخو گرفته احسان ترا و

نِعَمَكَ وَاَنْتَ الْجَوادُ الَّذى لا يَضيقُ عَفْوُكَ

نعمت های ترا وتویی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو

وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ

وکم نمیگردد فضل تو واندک نمیگردد رحمت تو وتحقیق که

تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ

اعتماد کردیم از تو به چشم پوشی قدیم وبخشش بزرگ

وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ اَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ

ورحمت فراخ آیا می بینی خود را ای پروردگار که خلاف کنی

مِنْ آلائِكَ وَمَا قَدْرُ اَعْمالِنا فى جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ

از نعمتهای تو و چیست قدر کردارهای ما در مقابل نعمتهای تو و چگونه

نَسْتَكْثِرُ اَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضيقُ

بسیار شماریم کردارهایی را که مقابل سازیم با آن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد

عَلَى الْمُذْنِبينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يا واسِعَ

بر گناهکاران آنچه فراگرفته ایشان را از بخشش تو ای فراگیرنده

الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ يا سَيِّدى

آمرزش ای گشاده دستها به بخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من

لَوْ نَهَرْتَنى ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ

اگر منع کنی مرا دور نگردم از درگاه تو و نه باز ایستم از

تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهى اِلَىَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

تملق تو بسبب آنکه منتهی شده بسوی من از شناختن بخشش تو

وَكَرَمِكَ وَاَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ تُعَذِّبُ

و بزرگواری تو و توئی کننده [illegible] عذاب میکنی آنرا

مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَ

که خواهی بآنچه خواهی [illegible]

تَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ

[illegible] آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه که خواهی

عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَامْنُنْ عَلَيْنَا

بر ما و بر گناهکاران بزیادتی کرم بینش خود احسان کن بر

بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى

بآنچه تو سزاوار آنی و بخشش نما بر ما زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی

نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ

عطا بخشش تو ای بسیار آمرزنده بسبب روشنائی تو راه یافتیم و ببخشش تو

اسْتَغْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبُنَا

بی نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان

بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللّٰهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ

پیش روست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان و رجوع میکنیم

إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَ

نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالارونده است و

لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا فِي كُلِّ

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود فرشته بزرگواری که می آید ترا از ما در هر

يَوْمٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذٰلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا

روز با کردار زشت پس باز نمیدارد ترا آن از آنکه فراگیری ما را

ظُنُونَنَا اَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا كَلّا يا كَرِيمُ فَلَيْسَ هذا

گمانهای ما را یا قطع کنی آرزوهای ما را حاشا که چنین کنی ای بزرگوار پس نیست این

ظَنُّنا بِكَ وَلا هذا طَمَعُنا فِيكَ يا رَبِّ اِنَّ

گمان ما بتو و نه اینست طمع ما از لطف تو ای پروردگار بدرستیکه برای

لَنا فِيكَ اَمَلاً طَوِيلاً كَثِيراً اِنَّ لَنا فِيكَ رَجاءً

ماست در لطف تو آرزوی دراز بسیار بدرستیکه برای ماست در بخشش تو امید

عَظِيماً عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا

بزرگی نافرمانی کردیم و حال آنکه امید داریم آنکه بپوشی بر ما

وَدَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَجِيبَ لَنا فَحَقِّقْ

و میخوانیم ترا و حال آنکه امید داریم آنکه بپذیری برای ما پس درست کن

رَجاءَنا يا مَوْلانا فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ

امید ما ای آقای من پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم

بِاَعْمالِنا وَلكِنْ عِلْمُكَ فِينا وَعِلْمُنا بِاَنَّكَ

بسبب کردهای خود و لیکن دانش تو در ما و دانش ما بآنکه بتحقیق تو بر

لا تَصْرِفُنا عَنْكَ حَثَّنا عَلَى الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَاِنْ

نمی گردانی ما را از خود [illegible] ما را بر خواهش بسوی تو و اگر

كُنّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَاَنْتَ اَهْلٌ اَنْ تَجُودَ

نباشیم که مستحق نباشیم بخشش [illegible] پس تو سزاواری که بخشش نمائی

قبر نبيك صلواتك ورحمتك ومغفرتك

قبر پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو و آمرزش تو

ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب

و خوشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستیکه تو نزدیکی اجابت کننده

وارزقنا عملاً بطاعتك وتوفنا على ملتك و

و روزی کن ما را عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود

سنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي

و طریقه پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بیامرز مرا

ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيراً واجزهما

و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند مرا وقتیکه خورد بودم و جزا ده ایشان را

بالاحسان احساناً وبالسيئات غفراناً اللهم

در مقابل نیکوئی نیکوئی و مقابل بدیها آمرزش خداوندا

اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم

بیامرز مردان گرونده و زنان گرونده را زندگان ایشان را

والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات

و مردگان ایشان را و پیوسته دار میان ما و میان ایشان به نیکیها

اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا

خداوندا بیامرز گرونده ما را و مرده ما را و حاضر ما را و غایب ما را

بنعمك وتفضّل علينا بالآلاء سبحانك ما

بنعمتهای خود و بخشش نما بر ما بعطاها ای [illegible] پاکی تو چه

احلمك واعظمك واكرمك مبدئاً ومعيداً

بردباری تو و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالیکه پدید آورنده و بازگرداننده

تقدّست اسماؤك وجلّ ثناؤك وكرم

پاک است نامهای تو و بزرگست ستایش تو و کرامت

صنائعك وفعالك انت الهى اوسع فضلاً

عطیه ها تو و کار نیک تو تو ای خدای من فراگیرنده تر از روی بخشش

واعظم حلماً من ان تقايسنى بفعلى وخطيئتى

و بزرگتری از روی بردباری از انکه مقابله کنی مرا بکردار و خطاهای من

فالعفو العفو العفو سيّدى سيّدى سيّدى

پس درگذر درگذر درگذر ای آقای من ای آقای من ای آقای من

اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك و

بار خدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از غضب خود و

اجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم

و امان ده ما را از عذاب خود و روزی بده ما را از [illegible] خود و بخشش کن

علينا من فضلك وارزقنا حجّ بيتك وزيارة

بر ما از فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت

بِكَلَائَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا
نگاهداری خود و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال ما
هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ
همین سال و در هر سالی و زیارت قبر پیغمبر خود و پیشوایان
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ
بر ایشان باد درود و خالی مکردان مرا ای پروردگار من از فیوضات
الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ
آن مشاهد با رفعت و موقفهای گرامی بار خدایا
تُبْ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيَكَ وَأَلْهِمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ
توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا خیر و عمل کردن
بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
بآن و ترس از خود در شب و روز همیشه تا وقتیکه باقی داری مرا
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ
ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من هرگاه گفتم که تحقیق
تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ يَدَيْكَ
مهیا شدم و آماده گشتم و ایستادم بجهت نماز در پیش تو
وَنَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ
و راز گفتم ترا افکندی بر من پینکی را هنگامیکه من نماز میکردم

ذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا

مرد مارا وزن مارا خورد مارا وبزرگ مارا آزاد مارا وبنده مارا

كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

کاذب اند شریک گردانندگان از برای خدا وگمراه شدند گمراهی دوری

وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وزیان کردند زیان روشنی بارخدایا رحمت بفرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ

وآل محمد وختم کن برای من بنیکی وکارگذاری کن برای من آنچه مهم ساخت مرا از

اَمْرِ دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

امر دنیای من وآخرت من ومسلط مده بر من از آنکه رحم نکند در

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي

وبگردان بر من از جانب خود سپری نگاه دارنده پاینده ودور مکن از من

صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

نیک بخشش نمودی بآن بر من وروزی کن مرا از فضل خود

رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا اَللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي

روزی فراخ حلال پاکیزه خداوندا ونگهبانی کن مرا

بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي

بنگهبانی خود ونگهدار کن مرا بحفظ خود ونگهدار مرا

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

یا شاید که تو نیافته باشی مرا در مجالس علما پس خوار گذاشته باشی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود

آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلَفُ مَجَالِسَ الْبَطَّالِينَ

نا امید کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت میگیرم مجلس بیکاران

فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ

پس میان من و میان ایشان وا گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دوست نداشته باشی

أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي

که بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه من

وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ

و خیانت من پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو

جَازَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ

سزا داده باشی مرا پس اگر درگذری ای پروردگار من پس بسا درگذشتی عفو نمودی

عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ

گنهکاران پیش از من زیرا که بخشش بزرگواری تو ای پروردگار من

يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ

برتر است از سزا دادن گنهکاران و بردباری تو بزرگست

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا جِئْتُكَ مَا لِي كُلَّمَا

و رفع کردی از من رازگوئی خود را هنگامیکه من راز گفتم ترا چیست مرا که هرگاه

قُلْتُ قَدْ صَلَحَتْ سَرِيرَتِي وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِينَ

گفتم که بتحقیق نیک شده امر نهانی من و نزدیک شد از مجالس توبه کنندگان

مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ

مجلس من عارض شد بلائیکه زایل کرد قدم مرا وحایل شد

بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ

میان من ومیان خدمت تو آقای من شاید که تو از

بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

درگاه خود رانده باشی مرا واز خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

دیده باشی مرا روگردان از خود پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي

یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس واگذاشته باشی مرا

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي

یا شاید که تو دیده باشی مرا ناسپاس گذار نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی

الذی هدیته وانا الوضیع الذی رفعته و

که راه نمودی اورا ومنم آن پستی که بلند کردی اورا و

انا الخائف الذی امنته وانا الجائع الذی

منم آن ترسانی که ایمن کردی اورا ومنم آن گرسنه که

اشبعته وانا العطشان الذی ارویته وانا العاری

سیر کردی اورا ومنم آن تشنه که سیراب نمودی اورا ومنم برهنه

الذی کسوته والفقیر الذی اغنیته والضعیف

که پوشیدی اورا و نیازمندی که بی نیاز کردی اورا و ناتوانی

الذی قویته والذلیل الذی اعززته والسقیم

که توانا کردی اورا و ذلیل و خواری که ارجمند کردی اورا و بیماری

الذی شفیته والسائل الذی اعطیته

که شفا بخشیدی اورا و درخواسته که عطا فرمودی اورا

والمذنب الذی سترته والخاطی الذی اقلته

و گناهکاری که پوشانیدی اورا و خطاکاری که درگذشتی از او

وانا القلیل الذی کثرته والمستضعف

ومنم اندک که بسیار و بیاری کردی اورا و ضعیف شمرده

الذی نصرته وانا الطرید الذی اویته انا

که یاری دادی اورا ومنم آن رانده شده که جا دادی اورا منم

عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقَصِّرِينَ وَاَنَا عَائِذٌ بِفَضْلِكَ

از سزا دادن تقصیر نمایندگان ومن پناه گیرنده ام ببخشش تو

هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ

گریزانم از تو بسوی تو خواهانم آنچه را که وعده دادی

مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا اِلٰهِي اَنْتَ

از آنچه درگذشتن خود از آنکه نیکو کرده گمان را خدای من تو

اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ تُقَايِسَنِي

فراخ کننده تری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا

بِعَمَلِي اَوْ اَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا اَنَا يَا سَيِّدِي

بکردار من و آنکه بخواهی لغزش مرا بگناه من وچیستم من ای آقای من

وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ

وچیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من وصدقه کن

عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْنِي بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي

برمن بعفو خود وبپوشان مرا بپوشش خود ودرگذر از سرزنش کردن من

بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدِي اَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي

ببزرگواری ذات خود بزرگ من منم آن خوردی که

رَبَّيْتَهُ وَاَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَاَنَا الضَّالُّ

پرورش دادی او را ومنم آن نادانی که دانا کردی او را ومنم آن گمراهی

حَتّٰى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِى وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِى

تا آنکه گویا واگذاشتی مرا و از بادافره گناهان

جَنَّبْتَنِى حَتّٰى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِى إِلٰهِى لَمْ أَعْصِكَ

دور کردی مرا تا بحدیکه گویا شرم کردی از من خداوندا نافرمانی نکردم

حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ

ترا هنگامی که نافرمانی کردم ترا در حالیکه بودم به پروردگاری تو انکار نماینده و نه فرمان ترا

مُسْتَخِفٌّ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِوَعِيدِكَ

سبک شمارنده و نه عقوبت ترا در پیش آینده و نه وعید ترا

مُتَهَاوِنٌ وَلٰكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ

خوار دارنده و لکن خطایی عارض شد و بیاراست مرا

لِى نَفْسِى وَغَلَبَنِى هَوَاىَ وَأَعَانَنِى عَلَيْهَا شِقْوَتِى

نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وَغَرَّنِى سِتْرُكَ الْمُرْخٰى عَلَىَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ

و بفریفت مرا پرده تو که فرو گذاشته شده است بر من پس بتحقیق نافرمانی ترا ورزیدم

وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِى فَالْآنَ مِنْ عَذَابِكَ

و مخالفت کردم ترا بکوشش خود پس حالا از عذاب تو

مَنْ يَسْتَنْقِذُنِى وَمِنْ أَيْدِى الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ

... و از دستهای دشمنان فردا

يارَبِّ الَّذي لَمْ اَسْتَحْيِكَ فِي الخَلاءِ وَلَمْ اُراقِبْكَ

اى پروردگار من كه شرم نكردم ترا در خلوت ونترسيدم ترا

فِي المَلاءِ اَنَا صاحِبُ الدَّواهِي العُظْمى اَنَا الَّذي

در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنكه

عَلى سَيِّدِهِ اجْتَرى اَنَا الَّذي عَصَيْتُ جَبّارَ

بر آقاى خود دليرى نمود منم آنكه نافرمانى نمودم جبار

السَّماءِ اَنَا الَّذي اَعْطَيْتُ عَلَى المَعاصِي الجَليلَ

آسمان را منم آنكه بخشش نمودم بر گناهان بزرگ

الرُّشى اَنَا الَّذي حينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ اِلَيْها

رشوه را منم آنكه هنگاميكه مژده داده شدم بگناهان بيرون رفتم بسوى او

اَسْعى اَنَا الَّذي اَمْهَلْتَنِي فَما ارْعَوَيْتُ وَ

سعى كنان منم آنكه مهلت دادى مرا پس پشيمان نشدم

سَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالمَعاصِي

وپوشيدى بر من پس شرم نكردم وعمل نمودم بگناهان

فَتَعَدَّيْتُ وَاَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ

پس تعدى كردم وانداختى مرا از چشم خود پس باك نكردم

فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي

پس بحلم خود مهلت دادى مرا وبپوشش خود پوشيدى مرا

استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد

خو گرفتن ایمان مرا و مگردان پاداش مرا مانند پاداش آنکه پرستند

سواك فان قوما آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به

غیر ترا زیرا که بتحقیق گروهی گرویدند بزبانهای خود تا آنکه باز دارند

دماءهم فادركوا ما املوا وانا آمنا بك بألسنتنا

خونهای خود را از ریخته شدن پس رسیدند بانچه امید داشتند و بتحقیق گرویدیم بزبانهای خود

وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما املنا وثبت

و دلهای خود تا آنکه درگذری از ما پس برسان ما را بانچه امیدواریم و ثابت دار

رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

امیدواری خود را در دلهای ما میل مده دلهای ما را پس از آنکه هدایت نمودی ما را

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب

و ببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا

پس قسم بعزت تو اگر منع کنی مرا دور نمیگردم از درگاه تو و

كففت عن تملقك لما الهم قلبي من المعرفة بكرمك

باز نمی ایستم از دست کردن بتو بجهة آنچه الهام شده در دلم از شناختن بزرگواری تو

وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى

و فراخی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی

يُخَلِّصُنى وَبِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ

نجات میدهد و بریسمان که در پیوندم اگر تو ببری

حَبْلَكَ عَنّى فَوا سَوْاَتاهُ عَلى ما اَحْصى كِتابُكَ

ریسمان خود را از من پس ای رسوایی من بر آنچه شمرده کتاب تو

مِنْ عَمَلِىَ الَّذى لَوْلا ما اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

از کردار من آن کرداریکه اگر نبود آنچه امیدوارم از بزرگواری تو و فراخی

رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ اِيّاىَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ

بخشش تو و منع تو مرا از نومیدی مرا نه نامید میشدم

عِنْدَ ما اَتَذَكَّرُها يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَاَفْضَلَ

نزد یاد آوردنی آنها ای بهترین از کسیکه خوانده او را خواننده و بهترین

مَنْ رَجاهُ راجٍ اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الْاِسْلامِ اَتَوَسَّلُ

کسیکه امید دارد او را امیدواری خداوندا بامان اسلام وسیله میجویم

اِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُبّى

بسوی تو و بحرمت قرآن اعتماد میکنیم بر تو و بدوستی من

لِلنَّبِىِّ الْاُمِّىِّ الْقُرَشِىِّ الْهاشِمِىِّ الْعَرَبِىِّ التِّهامِىِّ

مر پیغمبر را که امی قرشی هاشمی عربی تهامی

الْمَكِّىِّ الْمَدَنِىِّ اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلا تُوحِشَنّا

مکی مدنی است امیدوارم نزدیکی را نزد تو پس وحشت مده مارا

الْمُصْطَفى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ

مصطفی وال او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلى دَرَجَةِ

محمد رحمت فرستد خدا بر او وال او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه

التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكاءِ عَلى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ

توبه بسوی تو و یاری کن مرا بگریستن بر نفس خود پس تحقیق بپایان بردم

بِالتَّسْوِيفِ وَالْآمالِ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ

بدرنگی و تأخیر و آرزوها عمر خود را و تحقیق فرود آمدم در فرودگاه

الْآيِسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَءَ حالاً مِنِّي إِنْ

ناامیدان از خیر من پس که میباشد بدحال‌تر از من

أَنَا نُقِلْتُ عَلى مِثْلِ حالِي إِلى قَبْرٍ لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِي

من نقل کرده شوم بر مانند حالم بسوی قبری که نیاراستم از برای خفتن خود

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتِي وَما لِي لا أَبْكِي وَلا

و نگسترانیدم آن را بعمل شایسته بجهت خوابیدن خود و چیست مرا که نمی‌گریم و نمی‌دانم

أَدْرِي إِلى ما يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرى نَفْسِي تُخادِعُنِي

بسوی چه خواهد شد بازگشت مرا و می‌بینم نفس خود را که مکر میکند با من

وَأَيّامِي تُخاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و روزگار خود را که حیله میکند مرا و تحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ

مولاه والى من يلتجى المخلوق الا الى خالقه الهى

آقای خود و بسوی که پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریدگار خود خدای من

قرنتنى بالاصفاد ومنعتنى سيبك من بين

به بندی مرا بغلها و باز داری از من عطای خود را از میان

الاشهاد ودللت على فضائحى عيون العباد

حاضران و دلالة نمای بر رسوائی های من دیده های بندگان را

وامرت بى الى النار وحلت بينى وبين الابرار

و فرمان دهی مرا بسوی آتش و حایل شوی میان من و میان نیکوکاران

فما قطعت رجائى منك وما صرفت وجه

نمی برم امید خود را از تو و نمیگردانم روی

تاميلى للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبى

امید خود را از عفو تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من

انا لا انسى اياديك عندى وسترك على فى

من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا که نزد منست و پوشانیدن ترا بر من در

دار الدنيا يا سيدى صل على محمد وآل محمد

سرای دنیا ای آقای من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واخرج حب الدنيا من قلبى واجمع بينى وبين

و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان

تعلقی تصیب برحمتک من تشاء وتهدی بکرامتک

در او بکش تا می رسانی برحمت خود از آنکه خواهی و راه مینمائی به بزرگواری خود

من تحب فلک الحمد علی ما نقیت من الشرک قلبی

از آنکه دوست داری پس مر تراست سپاس بر پاک کردن تو از شرک دل مرا

ولک الحمد علی بسط لسانی أفبلسانی هذا الکال

و مر تراست سپاس بر گشادن زبان من پس آیا بزبان خود این کند

أشکرک أم بغایة جهدی فی عملی أرضیک

سپاس گذاری کنیم ترا یا بنهایت کوشش در کردار خود خشنود میکنم ترا

وما قدر لسانی یا رب فی جنب شکرک وما قدر

و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گذاری تو و چیست

عملی فی جنب نعمک واحسانک الهی الا ان

کردار من در پهلوی نعمتهای تو و نیکوئی نمودن تو بسوی من مگر آنکه بتحقیق

جودک بسط أملی وشکرک قبل عملی سیدی

بخشش تو گشایش داده امید مرا و جزا دادن تو پذیرفت کردار مرا ای آقای من

الیک رغبتی ومنک رهبتی والیک تأمیلی

بسوی تست رغبت من و از تست بیم من و بسوی تست امید داشتن من

وقد ساقنی الیک أملی وعلیک یا واحدی

و براند مرا بسوی تو امید من و بر تست ای یگانه من

فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي

پس چیست مرا که نگریم بگریم بجهت بیرون شدن نفس بگریم بجهت تاریکی قبر خود

أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ

بگریم بجهت تنگی قبر خود بگریم بجهت سوال کردن منکر و نکیر مرا

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَاناً ذَلِيلاً حَامِلاً

بگریم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بردارنده

ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى

بار گران خود را بر پشت خود حال آنکه نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر

عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ

از جانب چپ خود هنگامیکه آفریدگان باشند در حالت غیر حالت من برای هر

امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

مردی از ایشان در آن روز حالتیست که تنها نیست او را در غم و اندوه چهره‌ها

مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

گروهی در آن روز نورانی خندان شادان و روها گروهی در آن روز

عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ

بر آنها است گرد و غم و اندوه فرا گیرد آنها را غبار و خواری ای آقای من بر تست

مُعَوَّلِي وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ

تکیه من و اعتماد من و امید من و واگذاشتن کار خود را و برحمت تو

منك الرّأفة والرّحمة والأمر لك وحدك لا شريك

ومهربانی وبخشش است و فرمان مر تو راست در حالیکه یگانهٔ تو نیست انباز

لك والخلق كلّهم عيالك وفي قبضتك وكلّ

برای تو آفریدگان همه ایشان عیال تو و در دست تو اند و هر

شيء خاضع لك تباركت يا ربّ العالمين

چیزی فروتنی کننده است برای تو پاکی تو ای پروردگار عالمیان

إلهي ارحمني إذا انقطعت حجّتي وكلّ عن جوابك

خدای من رحم کن مرا هرگاه بریده شود حجت من و کند شود از جواب تو

لساني وطاش عند سؤالك إيّاي لبّي فيا عظيم

زبان من و بند شود نزد سوال کردن تو مرا عقل من پس ای بزرگ

رجائي لا تخيّبني إذا اشتدّت فاقتي إليك و

امید من ناامید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و

لا تردّني لجهلي ولا تمنعني لقلّة صبري أعطني

برمگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا بجهت کم بودن شکیبایی من ببخش مرا

لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك

برای فقیری من و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای بزرگ من بر تست

معتمدي ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك

اعتماد من و [illegible] و امید من و توکل من و برحمت تو

عَكَفَتْ هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي

رو کرد و پیوسته همت من و در آنچه نزد تست پهن کردیده رغبت من

وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتِي

و مر تراست خالص امید من و ترس من و با تو خو گرفته دوستی من

وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ

و بسوی تو افکندم دست خود را و بریسمان طاعت تو کشیدم

رَهْبَتِي يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ

ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زنده گان کرده دلمن و براز گفتن تو

بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمَّلِي

سرد کردم درد ترس ترا از خود پس ای آقای من و ای امیدگاه من

وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ

و ای منتهای خواهش من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جدائی افکن

بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمَانِعِ مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا

میان من و میان گناه من که باز دارنده است مرا از پیوستن بطاعت تو پس جز این نیست

أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ

که سؤال میکنم از تو بجهت امید دیرینه ام در تو ... بسوی تو

و امید ... بزرگ از تو ... بر نفس خود

فَهَبْنِي إِلٰهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ
پا بخش ای خدای من اگر بوده باشد که تحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده مرا
عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الاِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ
کردار من پس تحقیق گردانیدم اقرار کردن را بسوی تو بگناه خود وسیلهای
عِلَلِي إِلٰهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ
مرضهای خود ای خدای من اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و
وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ ارْحَمْ
اگر عذاب کنی پس کیست منصف‌تر از تو در حکم رحم کن
فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي
در این جهان بیکسی مرا و نزد مردن اندوه مرا
وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ
و در قبر تنهایی مرا و در لحد رسیدن مرا هنگامی که برانگیخته شوم
لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفِي وَاغْفِرْ لِي مَا
بجهت حساب در پیش تو خواری ایستادن مرا و بیامرز برای من آنچه را
خَفِيَ عَلَى الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي
که پنهان است بر آدمیان از کردار من و همیشه دار برای من آنچه را بآن پوشیدی
وَارْحَمْنِي صَرِيعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي
مرا و رحم کن مرا در حالیکه بوده باشم افتاده بر بستر بگرداند مرا دستهای

تَعَلُّقِي وَبِفِنَائِكَ أَحُطُّ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

چسبیدن و در پیش درگاه تو فرود می‌آورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم

طَلِبَتِي وَبِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ أَسْتَفْتِحُ دُعَائِي

حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار من طلب میکنم گشایش دعای خود را

وَلَدَيْكَ أَرْجُو سَدَّ فَاقَتِي وَبِغِنَاكَ أَجْبُرُ

و نزد تو امید دارم حاجت خود را و به بی‌نیازی تو تدارک میکنم

عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ

نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو تو است ایستادن من و بسوی بخشش تو

وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ

و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم

نَظَرِي فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي

نظر خود را پس مرا نسوزان به آتش و تو قرارگاه امید منی

وَلَا تُسْكِنِّي الْهَاوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي

و ساکن مکن مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق تو روشنی دیده منی ای آقای من

لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ

غلط مکن گمان مرا با احسان جناب خود و عطای خود زیرا که بتحقیق تو

ثِقَتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ

معتمد و تکیه‌گاه منی و ناامید مکن مرا از پاداش خود زیرا که بتحقیق تو شناسنده

بِرَحْمَتِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَبِفَضْلِ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ

رحم کند مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش کرا آرزو کنم اگر نیابم

فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنِ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز از گناهان

إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ

هرگاه بپایان رسد اجل من بزرگ من عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا

اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَآمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ

خداوندا درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بتحقیق بسیاری

ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا

گناهان من امید ندارم در باره آنها مگر عفو ترا آقای من من

أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ

درمیخواهم آنچه را که سزاوار نیستم و تو سزاوار پرهیزکاری و

أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَأَلْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً

سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از لطف خود جامه

يُغَطِّي عَلَيَّ التَّبِعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا أُطَالَبُ

که بپوشند بر من دنبالها را و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم

بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوُزٍ

بآنها بدرستیکه صاحب عطائی دیرینه و درگذشتن بزرگ و تجاوز

أجبني وتفضل على محمد ودا على المتعبل العلل

دوستان من و بخشش کن بر من در حالیکه بود و باشم رسیده شده بر جایگاه علل ها را

صالح خيراني وتحنن على محول قد تناول الأوله

شایسته همسایگان من و مهربانی کن بر من حال آنکه بوده باشد سختی بر آتیه فرا گرفته باشند خویشان

أطراف جنازتي وجد على منقول قد نزلت بك

کنارهای جنازه مرا و بخشش کن بر من در حالیکه نقل کرده شوم تحقیق که فرود آمده ام بتو

وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد

تنها در قبر خود و رحم کن در آن خانه تازه

غربتي حتى لا أستأنس بغيرك يا سيدي فإنك

بی‌کسی مرا تا آنکه انس نگیرم بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو

إن وكلتني إلى نفسي هلكت سيدي فمن

اگر واگذاری مرا بسوی نفس خودم هلاک خواهم شد ای آقای من پس بکه

أستغيث إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع

استغاثه نمایم اگر درگذری از لغزش من و بسوی که استغاثه کنم

إن فقدت عنايتك في ضجعتي وإلى من ألتجي

اگر نیابم یاری ترا در حال خوابیدن خود و بسوی که پناه بگیرم

إن لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن

اگر زایل نکنی اندوه مرا ای آقای من کیست مرا و که

بِهٰذَا الدُّعَاءِ وَاَنَا اَرْجُوا اَنْ لَا تَرُدَّنِی مَعْرِفَتِی

باین دعا و من امید وارم اینکه برنگرداند مرا شناسائی من

بِرَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اِلٰهِی اَنْتَ الَّذِی لَا يُحْفِيكَ

بمهربانی تو و بخشش تو خدای من توئی آنکه نمی رنجاند ترا

سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ اَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ

سؤال کننده و کم نمی نماید ترا عطا تو چنانی که خود میگوئی و بالای

مَا نَقُولُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا

آنچه میگوئیم خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از شکیبائی نیکو و گشایش

قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَاَجْرًا عَظِيمًا وَاَسْئَلُكَ يَا

نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ و درمیخواهم از تو ای

رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَعْلَمْ

پروردگار من از خیر همه آن آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام از آن

اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَئَلَكَ مِنْهُ

سؤال میکنم خداوندا از بهترین آنچه سؤال کرده ترا از آن

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَاَجْوَدَ

بندگان شایسته تو ای بهتر کسیکه سؤال کرده شده و بخشنده تر

مَنْ اَعْطٰى اَعْطِنِی سُؤْلِی فِی نَفْسِی وَاَهْلِی وَوَالِدِی

کسیکه بخشش کرده عطا کن بمن درخواسته مرا در نفس من و اهل من و پدر و مادر

كَرِيمٌ إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيْبَكَ عَلَى مَنْ

گرامی خدای من توئی آنکه روان سازی عطای خود را بر آنکه

لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجَاحِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ

سوال نکند از تو و بر آنانکه انکار کننده پروردگاری ترا پس چگونه

سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ

آقای من نسبت بآنکه سوال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق آفرینش مر تراست

وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ

و مرکاری بسوی تست پاکی تو و بلندی تو ای پروردگار

الْعَالَمِينَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ

جهانیان خدای من و بزرگ من بنده تست بدرگاه تو

أَقَامَتْهُ الْخَصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ

بر پا داشته او را احتیاج در پیش تو میکوبد در

إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ

احسان ترا بدعای خود و طلب مهربانی میکند از نیک

نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِهِ فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ

نظر تو باامید پوشیده خود پس بگردان روی بزرگوار

الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ

خود را از من و قبول کن از من آنچه میگویم پس بتحقیق خواندم

وَلَا أَشَرًا وَلَا بَطَرًا وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

ونه [illegible] ونه طغیان وبگردان مرا از برای خود از جمله فروتنی کنندگان

اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ

خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی وامنیت در وطن

وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ

وروشنی دیده در اهل ومال وفرزندان ودر بنگاه [illegible]

فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي

در نعمتهای تو که نزد من است وصحت در جسد وتوانائی در

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

بدن وسلامتی در دین وبکار وادار مرا بطاعت خود

وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَأَهْلِ

وطاعت رسول خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او وبر

بَيْتِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ

خاندان او همیشه مادام که زنده داری مرا وبگردان مرا از وافرترین

عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

بندگان خود نزد خود از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا

وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا

ووفرستی آنرا در ماه رمضان در شب قدر وآنچه

وَوُلْدِی وَاَهْلِ حُزَانَتِی وَاِخْوَانِی فِیكَ وَاَرْغِدْ
و فرزندان من و عیال من . و برادران من در راه تو و خوش کن
عَیْشِی وَاَظْهِرْ مُرُوَّتِی وَاَصْلِحْ جَمِیعَ اَحْوَالِی وَ
زندگانی مرا و ظاهر ساز مروت مرا و اصلاح آور همه حالتهای مرا و
اجْعَلْنِی مِمَّنْ اَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَاَتْمَمْتَ
بگردان مرا از آنانکه دراز کرده عمر ایشانرا و نیک کردانیدی کردار ایشانرا و تمام کردی
عَلَیْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِیتَ عَنْهُ وَاَحْیَیْتَهُ حَیٰوةً
بر ایشان نعمت خود را و خشنود گشتی از ایشان و زنده داشتی ایشانرا زندگانی
طَیِّبَةً فِی اَدْوَمِ السُّرُورِ وَاَسْبَغِ الْكَرَامَةِ
پاکیزه در پیوسته ترین شادی و کامل ترین نوازش
وَاَتَمِّ الْعَیْشِ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ
و تمام ترین زندگانی هر آینه تو میکنی آنچه خواهی و نمی کند
مَا یَشَاءُ غَیْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَخُصَّنِی مِنْكَ بِخَاصَّةِ
آنچه خواهد غیر تو خداوندا و مخصوص گردان از جانب خود بذکر
ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَیْئًا مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ اِلَیْكَ
خاص خود و مگردان هیچ چیز را از آن چیزها که نزدیکی میجویم بآن بسوی تو
فِی اٰنَاءِ اللَّیْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ رِیَاءً وَلَا سُمْعَةً
در ساعتهای شب و طرفهای روز ریاء و نه سمعه

قلبي واجعل لي من همّي وكربي فرجا ومخرجا

دل مرا و بگردان برای من از غم من و اندوه من گشایش و بیرون شدنی

واجعل من ارادني بسوء من جميع خلقك

و بگردان هر کرا که آهنگ کند مرا ببدی از همه خلق تو

تحت قدميّ واكفني شرّ الشيطان وشرّ

زیر قدمهای من و دفع کن از من گزند شیطان و گزند

السلطان وسيّئات عملي وطهّرني من

پادشاه و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از

الذنوب كلّها واجرني من النار

گناهان همه آنها و زنهار ده مرا از آتش

بعفوك وادخلني الجنّة برحمتك وزوّجني

بعفو خود و درآور مرا در بهشت برحمت خود و بزنی ده مرا

من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك

از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و درپیوند مرا بدوستان خود

الصالحين محمّد وآله الابرار الطيّبين

شایسته محمد و آل او که نیکانند پاکیزگانند

الطاهرين الاخيار صلوات الله عليهم

پاکیزگانند نیکوکارانند رحمتهای خدا بر ایشان باد

انت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية

تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کنی آنرا و عافیتی

تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها و

که بپوشانی آنرا و بلایی که دفع کنی آنرا و نیکیهایی که بپذیری آنرا و

سيئات تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك الحرام

بدیهایی که درگذری از آنها و روزی کنی مرا حج خانه محترم خود را

في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا

در سال ما این سال و در هر سالی و روزی کن مرا روزی فراخی

من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي

از بخشش فراگیرنده خود و بگردان از من ای آقای من

الاسواء واقض عني الدين والظلامات حتى

بدیها را و قضا کن از من قرض را و ستمها را تا آنکه

لا اتاذى بشيء منه وخذ عني باسماع اضدادي

ضرر نیابم به هیچ چیز از آن و فراگیر از من گوشهای مخالفان مرا

وابصار اعدائي وحسادي والباغين علي

و دیده‌های دشمنان مرا و بدخواهان مرا و آنانکه ستم کنند بر من

وانصرني عليهم واقر عيني وحقق ظني وفرج

و یاری ده مرا بر ایشان و روشن ساز دیده مرا و درست کن گمان مرا و بگشا

إلهي إن أدخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك

خدای من اگر در آوری مرا در آتش پس در آن شادی دشمن تست

وإن أدخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك

واگر در آوری مرا در بهشت پس در آن شادی پیغمبر تست

وأنا والله أعلم أن سرور نبيك أحب إليك

ومن قسم بخدا میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو

من سرور عدوك اللهم إني أسألك أن تملأ

از شادی دشمن تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو که پر کنی

قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك

دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن کتاب خود

وإيمانا بك وفرقا منك وشوقا إليك يا ذا الجلال

وگرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگواری

والإكرام حبب إلي لقاءك وأحبب لقائي

وگرامی داشتن دوست گردان بسوی من ملاقات خودرا و دوست دار ملاقات مرا

واجعل لي في لقائك الراحة والفرج والكرامة

وبگردان برای من در ملاقاتم ترا آسایش و گشادگی و نوازش

اللهم ألحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح

بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکار آنکه گذشته وبگردان مرا از جمله نیکوکار

وَعَلَى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وبر نفوس ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ اِلٰهِىْ وَسَيِّدِىْ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ

و برکتهای او خدای من و بزرگ من قسم بعزت و بزرگواری تو

لَئِنْ طَالَبْتَنِىْ بِذُنُوْبِىْ لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

هرآینه اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من هرآینه مطالبه کنم ترا بعفو تو

وَلَئِنْ طَالَبْتَنِىْ بِلُؤْمِىْ لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

واگر مطالبه کنی مرا بدنائت من هرآینه مطالبه کنم ترا به بزرگواری تو

وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِى النَّارَ لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ

واگر درآوری مرا در آتش هرآینه آگاه کنم اهل آتش را

بِحُبِّىْ لَكَ اِلٰهِىْ وَسَيِّدِىْ اِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ

بدوست داشتنم ترا خدای من و آقای من اگر بوده باشی که نیامرزی

اِلَّا لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلٰى مَنْ

مگر دوستان خود را و فرمان برداران خود را پس بسوی که

يَفْزَعُ الْمُذْنِبُوْنَ وَاِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ

پناه گیرند گناهکاران واگر بوده باشی که گرامی نداری

اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ لَكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيْثُ الْمُسِيْئُوْنَ

مگر آنانرا که وفا کردند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران

بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَاَبْرِاْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَ

برانگیزی مرا بران وخالی کن دل مرا از ریا کردن وشک نمودن و

وَالسُّمْعَةِ فِي دِيْنِكَ حَتّٰى يَكُوْنَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

سمعه کردن در دین تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بَصِيْرَةً فِي دِيْنِكَ وَفَهْمًا فِي

خداوندا ببخش مرا بینایی در دین خود ودریافتی در

حُكْمِكَ وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

حکم خود ودانشی در علم خود ودو نصیب از رحمت خود

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيْكَ وَبَيِّضْ وَجْهِي

وپرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانی تو وسفید کن روی مرا

بِنُوْرِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي

بروشنایی خود وبگردان رغبت مرا در آنچه نزد تست وبمیران مرا

فِي سَبِيْلِكَ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در راه خود وبر دین فرستاده خود رحمت فرستاد خدا براو

وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ

وبرآل او بخداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از کاهلی وناتوانی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذِّلَّةِ

واندوه وبددلی وبخیلی وبیخبری وسختدلی وخواری

مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى
انکه باقی مانده وبدار مرا براه شایستگان ویاری کن مرا بر
نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَا
برنفس من بانچه یاری میکنی بآن شایستگانرا بر نفسهای ایشان و نه
تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ وَاخْتِمْ
گردان مرا در بدیهای که خلاصی ونجات دادی مرا ازان وختم کن
عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ
کردار مرا به نیکوترین آن وبگردان پاداش مرا ازان بهشت را
بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا
برحمت خود ای پروردگار عالمیان ومدد کن مرا بر شایسته آنچه
أَعْطَيْتَنِي وَثَبِّتْنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي
عطا کردی مرا وثابت دار مرا ای پروردگار من وبرمگردان مرا در
سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
ناخوشی که رهانیدی مرا ازان خداوندا بدرستیکه من در میخواهم از تو
إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي
ایمانی که نباشد نهایتی ازبرای آن سوای ملاقات تو زنده دار مرا تا وقتیکه زنده داری
عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا
بر آن وبمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بران وبرانگیز مرا هرگاه

عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي

عذاب خود و بر مگردان مرا بهلاکت و بر مگردان مرا

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ ذِكْرِي

بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من و بلند کن ذکر مرا

وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطَّ وِزْرِي وَلَا تَذْكُرْنِي

و رفیع کن مرتبه مرا و فرو گذار بار گران مرا و نه یاد کن مرا

بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ

بخطای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب

مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

گفتار مرا و جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت را

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي

و ببخش مرا ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم از تو و زیاد کن مرا

مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

از بخشش خود بدرستیکه من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَأَمَرْتَنَا

خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادی در کتاب خود عفو را و امر کردی ما را

أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ

آنکه درگذریم از آنکه ستم کرده ما را و بتحقیق ستم کردیم بانفس خود پس درگذر

وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ
و بفا چیزی دما جهندی و تنگدستی و هر رنجی
وَالْفَوَاحِشِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
و هر زشتی همه آن آنچه آشکار باشد از آن وانچه پنهان باشد
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ
و پناه میگیرم بتو از نفسی که قناعت نورزد و شکمی که سیر نگردد
وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ
و دلی که پستی و تذلل ننماید و دعایی که پذیرفته نگردد و کرداری که سود نبخشد
وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَاَعُوْذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلٰى نَفْسِيْ
و نمازیکه بالا برده نشود و پناه میگیرم بتو ای پروردگار من بر نفس خود
وَوَلَدِيْ وَدِيْنِيْ وَمَالِيْ وَعَلٰى جَمِيْعِ مَا رَزَقْتَنِيْ
و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر همه آنچه روزی کردی مرا
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ
از شیطان رانده شده بدرستیکه تو تویی شنوای دانا
اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُجِيْرُنِيْ مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَجِدُ مِنْ
خداوندا بتحقیق امان نمیدهد مرا از تو هیچ کس و نمی یابم از
دُوْنِكَ مُلْتَحَدًا فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِيْ فِيْ شَيْءٍ مِنْ
غیر تو پناهی پس نگردان نفس مرا در چیزی از

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

بدرستیکه توئی مهربان آمرزنده خداوندا بدرستیکه در می خواهم از تو

إِيمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِيناً صَادِقاً حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ

ایمانی که مباشر آن کنی دل مرا و یقین راست درستی تا اینکه بدانم اینکه

لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ

نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود مسازم از زندگی

بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مختصرترین دعاهای سحر است

بانچه قسمت کرده برای من ای بخشنده ترین بخشندگان .

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من

إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَبِكَ لُذْتُ

سوی تو پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و بتو التجا آورده ام

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

التجا نمی برم بغیر تو و طلب نمی کنم گشایش مگر از تو

فَأَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو

پس بفریاد رس مرا و بگشا از من ای آنکه . می پذیرد اندک عمل را و در میگذرد

عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي

از گناه بسیار . بپذیر از من اندک را و عفو کن از من

عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلٰى بِذٰلِكَ مِنَّا وَاَمَرْتَنَا اَنْ لَا نَرُدَّ

از ما زیراکه بتحقیق تو سزاوارتری بدرگذشتن از ما وامر کردی ما را انکه برنگردانیم

سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِيْ

درخواهنده را از درهای خود وبتحقیق آمده ام ترا درخواهنده پس برمگردان مرا

اِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِيْ وَاَمَرْتَنَا بِالْاِحْسَانِ اِلٰى

مگر بروا کردن حاجت من وامر کردی ما را به نیکوی کردن بسوی

مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَنَحْنُ اَرِقَّاؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقَابَنَا

آنچه مالک است دست راست ما وما بندگان توئیم . پس ازاد کن گردنهای ما را

مِنَ النَّارِ يَا مَفْزَعِيْ عِنْدَ كُرْبَتِيْ وَيَا غَوْثِيْ عِنْدَ

از آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد

شِدَّتِيْ اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ

سختی من بسوی تو پناه آورده ام وبتو استغاثه نموده ام وپناه گرفتم

وَلَا اَلُوْذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ

وپناه نمیگیرم بغیر تو وسوال نمیکنم گشایش را مگر از تو

فَاَغِثْنِيْ وَفَرِّجْ عَنِّيْ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيْرَ وَيَعْفُوْ

پس بفریاد رس مرا وزایل کن از من ای انکه می پذیرد اندک را ودر میگذرد

عَنِ الْكَثِيْرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيْرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيْرَ

از گناه بسیار بپذیر از من اندک را ودرگذر از گناه بسیار

اللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ

بارخدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را

هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ

در حالی که راهنمای آدمیان است ونشانهها می روشن است از راه نما و جدا کننده حق از باطل

وَهٰذَا شَهْرُ الصِّیَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْقِیَامِ وَهٰذَا

واین ماه روزه داشتن است واین ماه به پا خاستن است واین

شَهْرُ الْاِنَابَةِ وَهٰذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ

ماه بازگشتن است واین ماه توبه است واین ماه آمرزش

وَالرَّحْمَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ

وبخشایش است واین ماه آزادی از آتش و رستگاری به بهشت

وَهٰذَا شَهْرٌ فِیْهِ لَیْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِیْ هِیَ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ

واین ماهی است که در آن شب قدری است که آن بهتر است از هزار

شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّیْ عَلٰی صِیَامِهِ وَقِیَامِهِ

ماه خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن و برخاستن در آن

وَسَلِّمْهُ لِیْ وَسَلِّمْنِیْ فِیْهِ وَاَعِنِّیْ عَلَیْهِ بِاَفْضَلِ عَوْنِكَ

وسلامت دار آنرا برای من وسالم دار مرا در آن و مدد کن مرا بر آن به نیکوترین مدد خود

وَوَفِّقْنِیْ فِیْهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ وَ

وبنیکی مهیا کن برای من اسباب طاعت خود را و طاعت رسول خود را

الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی

گناه بسیار بدرستیکه توئی آمرزگار مهربان خداوندا بدرستیکه

اسئلک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا صادقا

من در میخواهم از تو ایمانی که مباشر آن کنی دل مرا و یقینی راست

حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی و

تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر کرده برای من و

رضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

خوشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان

یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدتی

ای ذخیره من در اندوه من وای یار من در سختی من

ویا ولیی فی نعمتی ویا غایتی فی رغبتی انت

وای کفایت کننده من در نعمت من وای منتهی مطلب من در خواهش من توئی

الساتر عورتی والامن روعتی والمقیل

پوشاننده عورت مرا وایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده

عثرتی فاغفرلی خطیئتی یا ارحم الراحمین

لغزش مرا پس بیامرز گناه مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

واما دعاهای [illegible] در ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز ماه مبارک این دعا میخواندند

الْأَحْزَانَ وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا

و اندوه‌ها و حوادث و مرض‌ها و خطاها

وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ

و گناهان را و بگردان از من در آن هر بدی و زشتی

وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ

و مشقتی و بلائی و رنجی و رنجوری را بدرستیکه تو اجابت کننده

الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي

دعائی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا

فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ

در آن از دیو رانده شده و بدگوئی و عیب جوئی او و دمیدن او

وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَ

و سحر او و وسوسه او و کاهلی گردانیدن او و حمله کردن او و حیله او و

مَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَأَمَانِيِّهِ وَغُرُورِهِ

مکر او و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او و فریبندگی او

وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَأَحْزَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ

و آشوب او و دامهای او و یاران او و تابعان او و پیروان او

وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او بار خدایا رحمت بفرست

أَوْلِيَائِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَفَرِّغْنِي

دوستان خود را رحمتهای خدا براو وبرایشان وفارغ دار مرا

فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ

دران بجهة عبادت خود دخواندن خود دخواندن کتاب خود

وَعَظِّمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَةَ وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ

وبزرگ کن برای من دران برکت را ونیکو گردان برای من دران عافیت را

وَأَحْرِزْ لِي فِيهِ التَّوْبَةَ وَأَصِحَّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَأَوْسِعْ

ونگاهدار برای من دران توبه را وسالم دار برای من دران بدن مرا وفراخ کن

لِي فِيهِ رِزْقِي وَاكْفِنِي فِيهِ مَا أَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ

برای من دران روزی مرا ودفع کن از من دران آنچه غمگین نماید مرا. وبپذیر

فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

دران دعای مرا وبرسان مرا دران بامید من خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ

محمد وآل محمد وببر از من دران خواب سبک وکاهلی

وَالسَّآمَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ

وتنگدلی وسستی وسخت دلی وبیخبری وفریفتگی را

وَجَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَ

ودور گردان از من دران علتها وبیماریها وغمها و

وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ

و راستی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا

وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ

و توکل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بتو و پرهیزیدن از

مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ

محرمات تو با کلام شایسته و حرکت پذیرفته

وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ وَلَا تَحُلْ

و عمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده شده و حائل مگردان

بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَ

میان من و میان هیچ چیز از آنچه درخواستم من عارضه و نه بیماری و

لَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ

نه اندوهی و نه غمی و نه علتی و نه بیخبری و نه فراموشی

بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ

بلکه معامله بکن با من بتوفیق ملاحظه کردن و خود را نگاهداشتن برای تو و در راه تو و رعایت کردن

لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ

حق تو و وفا نمودن به پیمان تو و وعده تو برحمت تو

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَ صِيَامَهُ وَ
بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را نماز آن و روزه آن و
بُلُوغَ الْاَمَلِ فِيهِ وَ فِي قِيَامِهِ وَ اسْتِكْمَالَ
رسیدن بآرزو و در آن و در نماز آن و تمام کردن
مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَ احْتِسَابًا وَ اِيمَانًا وَ يَقِينًا
آنچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی و خالص گردانیدن قصد کردن و یقین
ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنِّي بِالْاَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَ الْاَجْرِ
پس بپذیر آنرا از من باضعاف بسیار و مزد
الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ
بزرگ ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ الْجِدَّ وَ الْاِجْتِهَادَ وَ
محمد و روزی کن مرا حج و عمره و سعی کردن و کوشش نمودن و
الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ وَ الْاِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ
توانائی و خرمی و بازگشت و توبه و نیک مهیا کردن اسباب طاعت
وَ الْقُرْبَةَ وَ الْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَ الرَّهْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ
و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهشمندی
وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوعَ وَ الرِّقَّةَ وَ النِّيَّةَ الصَّادِقَةَ
و زاری نمودن و فروتنی و نرم نهادی و عزیمت درست

وَحَظِّي فِيهِ الْاَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وبهره من دران تمام . خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلىٰ اَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ

وتوفيق ده مرا دران از براى شب قدر بر بهترين حالتيكه دوست ميدارى

اَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا اَحَدٌ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَرْضَاهَا

آنكه بوده باشد بران حال يكى از دوستان تو . وپسنديده ترين آن

لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي

براى تو پس بگردان آن شب را براى من بهتر از هزار ماه وروزى كن مرا

فِيهَا اَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ اَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِيَّاهَا

درآن شب بهتر از آنچه روزى كرده كسى را از آنكه رسانيدى ايشانرا بشب قدر

وَاَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ مِنْ

وگرامى داشتى ايشانرا بآن شب وبگردان مرا دران شب از آزاد شدگان خود از

جَهَنَّمَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ

دوزخ ورهاكردگان خود از آتش ونيكبختان خلق خود

بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بآمرزش خود وخوشنودى خود اى بخشاينده ترين بخشايندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل خود وروزى كن ما را دراين ماه ما

وَاَقْسِمْ لِى فِيهِ اَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

وقسمت کن مرا در این ماه بهترین آنچه قسمت کنی آنرا برای بندگان شایسته خود

وَاَعْطِنِى فِيهِ اَفْضَلَ مَا تُعْطِى اَوْلِيَائَكَ الْمُقَرَّبِينَ

وببخش مرا در آن بهترین آنچه بخشش فرمائی دوستان نزدیک خودرا

مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ

از رحمت و آمرزش و مهربانی و اجابت و درگذشتن و آمرزش همیشگی

الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ

همیشه و عافیت و معافات و آزادی از آتش

وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و رستگاری به بهشت و خیر اینجهان و آنجهان خداوندا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِى فِيهِ اِلَيْكَ

بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا در آن بسوی خود

وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ اِلَىَّ فِيهِ نَازِلًا وَ

رسنده و رحمت خودرا و خیر خودرا بسوی من در آن فرود آینده و

عَمَلِى فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِى فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِى

کردار مرا در آن پذیرفته و کوشش مرا در آن جزا داده شده و گناه مرا

فِيهِ مَغْفُورًا حَتّٰى يَكُونَ نَصِيبِى فِيهِ الْاَكْبَرَ

در آن آمرزیده تا آنکه بوده باشد نصیب من در آن بزرگتر

وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ

وبحق بزرگ تو برایشان مگر آنکه رحمت بفرستی براو وآل او وبرایشان

أَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضَى بِهَا عَنِّي

همه ایشان ونظر افکنی بسوی من نظر با شفقت که خوشنود شوی بسبب آن از من

رِضًى لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَداً وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي

خوشنودی که نباشد غضبی بر من پس از آن هرگز وعطا کنی مرا تمام خواسته مرا

وَرَغْبَتِي وَأُمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا

وخواهش مرا وآرزوی مرا ومقصود مرا وبگردانی از من آنچه

أَكْرَهُ وَأَحْذَرُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ

ناخوش دارم وبیم نمایم وترسم بر نفس خود وآنچه نترسم

وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَذُرِّيَّتِي

واز خاندان من ومال من وبرادران من وخواهران من واولاد من

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَآوِنَا تَائِبِينَ

خداوندا بسوی تو گریختیم ما از گناهان خود پس جا بده ما را حال آنکه بوده باشیم توبه کنندگان

وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ

وبپذیر توبه را بر ما حینیکه بوده باشیم طلب آمرزش نمایندگان وبیامرز ما را از آنکه بوده باشیم پناه گیرندگان

وَأَعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَأَجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا

وپناه ده ما را حال آنکه بوده باشیم پناه جویندگان وزنهار ده ما را حال آنکه بوده باشیم گردن نهندگان

هٰذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ
این ماه سعی بکوشش وتوانائی وخرمی وانچه دوست داری
وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ
وپسندی خداوندا ای پروردگار سپیده دم وشبهای دهگانه وشفع
وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ
ووتر وصاحب ماه رمضان وانچه فرو فرستادی
فِيهِ مِنَ الْقُرْاٰنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ
دران کہ قران است وپروردگار جبرئیل ومیکائیل
وَاِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
واسرافیل وعزرائیل وهمه فرشتگان نزدیکان
وَرَبَّ اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ
وپروردگار ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب
وَرَبَّ مُوسٰى وَعِيسٰى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
وپروردگار موسی وعیسی وهمه پیغمبران وفرستادگان
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
وپروردگار محمد اخر پیغمبران رحمتهای تو باد براو وبرال او
وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ
وبرایشان همه ایشان ودر میخواهم از تو بحق ایشان بر تو

يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ
ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوْبِي وَعُيُوْبِي
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناهان مرا و عیبهای مرا
وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي
و بدی مرا و ستم نمودن مرا و گناه مرا و زیاده‌روی نمودن مرا بر نفس خود
وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا
و روزی ده مارا از فضل خود و بخشش خود زیراکه بتحقیق مالک نیست آنهارا
غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ
غیر تو و درگذر از من و بیامرز برای من همه آنچه را گذشته از
ذُنُوْبِي وَاعْصِمْنِي فِيْمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ
گناهان من و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده از عمرم و بپوشان بر من
وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي
و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خویشان من و اهل غمخواری من
وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيْلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و آنکه بوده باشند از من در راهی از مردان گرونده و زنان گرونده
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ
در اینجهان و در آنجهان زیراکه بتحقیق همه بدست تست و تو

رَاهِبِينَ وَاٰمِنَّا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَ

حال آنكه بوده باشيم ترسندگان وايمنى بخش ما را حال آنكه بوده باشيم خواهشمندان وقبول شفاعت كن ما را حال آنكه

اَعْطِنَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

وببخش ما را بدرستيكه تو پذيرنده دعائى نزديكى اجابت كننده خداوندا تو

رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَحَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبُّهُ

پروردگارى مرا ومن بنده توام وسزاوارترين كسيكه سوال كند از و بنده پروردگار او است

وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ

وسوال نكردند بندگان مانند ترا در بزرگوارى وبخشش اى قرارگاه

شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ

شكايت درخواهندگان واى منتهى حاجت خواهشمندان

وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

واى فرياد رس فرياد خواهان واى پذيرنده دعاى درماندگان

وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ

واى پناه گريزندگان واى دادرس دادخواهان واى پروردگار

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ

ناتوانان واى رفع نماينده اندوه اندوهناكان

وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

واى كشاينده غم غمناكان واى رفع نماينده اندوه بزرگ

الشُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي

دیوان نیکبختان ونفس مرا با شهیدان ونیکویی مرا

فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي

در علیین وبدی مرا آمرزیده واگر ببخشی مرا

يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَ

یقینی که مباشرت کند بان دل من وایمانی که نیامیزد آنرا هیچ شکی و

رِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

خوشنودی بانچه قسمت کرده برای من وبده مرا درین جهان نیکویی ودر

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ

آنجهان نیکویی ونگاهدار مرا از عذاب آتش واگر نبوده باشی

قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

که حکم کرده باشی در این شب فرود آمدن ملائکه وروح را

فِيهَا فَأَخِّرْنِي إِلَى ذٰلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ

دران پس باز پس دار مرا تا آن شب وروزی کن مرا دران شب یاد نمودن خود و

شُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى

سپاس گذاری خود وفرمانبرداری خود ونیکو پرستیدن خود پس رحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

محمد وآل محمد به بهترین رحمتهای خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلاَ تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلاَ تَرُدَّ
فراگیرنده آمرزشی پس نا امید مکن مرا ای آقای من و برمگردان

دُعَائِي وَلاَ تَرُدَّ يَدِي إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ
دعای مرا و برمگردان دست مرا بسوی سینه من تا آنکه بکنی آنرا که درخواستم

بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَئَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي
با من و بپذیری برای من همه آنچه سوال کردم از تو و زیاده کنی مرا

مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ
از بخشش خود زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و ما بسوی تو

رَاغِبُونَ اَللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ
خواهشمندیم خداوندا مر تراست نامهای نیک و داستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلاَءُ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو بنام تو

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي
بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده باشی که حکم کرده باشی در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا
این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا در

بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِيَآءِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

بعدل از اوصیاء محمد رحمتهای تو براو باد وبرایشان

اَعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ

بگردان برایشان یاری خود را ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

لااله الا انت رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

وَاجْعَلْنِى مَعَهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ

وبگردان مرا با ایشان در دنیا وآخرت وبگردان

عَاقِبَةَ اَمْرِى اِلٰى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

آخر کار مرا بسوی آمرزش خود وبخشش خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ وَكَذٰلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِى

بخشایندگان وهمچنین نامیده ذات خود را ای آقای من

بِاللُّطْفِ بَلٰى اِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بمهربانی بلی بدرستیکه تو مهربانی کننده پس رحمت بفرست بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ بِى اِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَآءُ اَللّٰهُمَّ

محمد ولطف کن با من بدرستیکه تو لطف کننده آنچه را که خواهی خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِى الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وروزی کن مرا حج وعمره

يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِغْضَبِ الْيَوْمَ

ای یگانه ای پناه نیازمندان ای پروردگار محمد و آل محمد خشم گیر در این روز

لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ أَعْدَاءَهُمْ بَدَداً وَ

بجهت محمد و بجهت نیکوکاران از گروه او و بکش دشمنان ایشان را مال آنکه متفرق باشند

أَحْصِهِمْ عَدَداً وَلَا تَدَعْ عَلَىٰ ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ

و دریاب ایشان را بشمار و وامگذار بر پشت زمین از ایشان

أَحَداً وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَداً يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ

کسی را و میامرز ایشان را هرگز ای نیکو مصاحبت ای خلیفه

النَّبِيِّينَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ

پیغمبران تو بخشنده ترین بخشایندگانی آفریدگاری پدید آورنده

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَالدَّائِمُ غَيْرُ الْغَافِلِ وَ

که نیست مانند او هیچ چیز و همیشه موجودی که نیست غافل

الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ أَنْتَ

زنده که نمیرد تو هر روز در کاری تو

خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُكَ

خلیفه محمد و یاور محمد و زیادتی دهنده محمدی سوال میکنم از تو

أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ

اینکه یاری کنی وصی محمد و جانشین محمد و آنرا که بر پا است

الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

بزرگوار آمرزنده گناه بزرگ ورجوع میکنم بسوی او

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً سه مرتبه

طلب آمرزش میکنم از خدا بدرستیکه خدا هست آمرزنده مهربان

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بدرستیکه من درخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ

وآنکه بگردانی در جمله آنچه حکم میکنی وتقدیر میکنی از امر بزرگ

الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

واجب گردیده در شب قدر از آن حکمی که گردانیده نشود

وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

وبدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود

الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ

که پذیرفته میشود حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان

الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان وآنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی

وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ

وتقدیر میکنی آنکه دراز کنی عمر مرا وفراخ کنی روزی مرا وادا کنی

فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ

در سال ما این سال و در هر سالی و احسان کن بر من

بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس بگوی أَسْتَغْفِرُ

بهمه حاجتهای من که بجهة دنیا و آخرت است طلب آمرزش میکنم

اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

از خدای پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیکست اجابت کننده است

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ

طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و بازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان

وَدُودٌ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ

و دوست است طلب آمرزش میکنم خدایرا که پروردگار من است و رجوع مینمایم بسوی او

غَفَّارًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

آمرزکار خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشایندگانی

رَبِّ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي

پروردگار من بدرستیکه من کرده ام بدی را و ستم کردم بنفس خود را پس بیامرز مرا

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ لَا

بدرستیکه شان اینست که نمی آمرزد گناهانرا کسی سوای تو طلب آمرزش میکنم خدایرا که نیست

إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ

سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده بردبار بزرگ دانا

الْحَبِّ وَالنَّوىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ

دانه و هسته‌ها خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است

اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرىٰ وَمَا لَا يُرىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ

خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود و تنزیه میکنم خدارا بشمار

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا

السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعَ مِنْهُ يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ

شنوای که نیست هیچ چیز شنواتر از او میداند از بالای

عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرَضِينَ وَيَسْمَعُ مَا فِي

عرش خود آنچه را که در زیر زمین‌های هفتگانه است و میداند آنچه را در

ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْأَنِينَ وَالشَّكْوىٰ

تاریکیهای بیابان است و دریا و میشنود ناله و شکایت را

وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَأَخْفىٰ وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ

و میشنود هر رازی را و پنهان‌تر از آن را و میداند اندیشه‌های سینه را

وَلَا يُصِمُّهُ سَمْعُهُ صَوْتٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ

و کر نمی‌سازد گوش او را صدای پاک است خدا پدید آورنده هر ذی حیات

سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدا صورت دهنده پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات

عَنِّي أَمَانَتِي وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

از جانب من امانت مرا و قرض مرا بپذیر ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي

بارخدایا بگردانی برای من از امر من گشادگی و بیرون شدنی و روزی ده مرا

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ

از انجا که گمان می برم و از انجا که گمان نمی برم

وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ

و نگهبانی کن مرا از انجا که خود را نگه دارم و از انجا که خود را

لَا أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ

نگه ندارم و رحمت کناد خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستاد

تَسْلِيماً كَثِيراً و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق صلوات

درود بسیار الله علیه منقول است که در هر روز این ماه بخوانند

سُبْحَانَ اللّٰهِ الْبَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه انها پاک است خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ

خلق کننده تاریکیها و روشنیها پاک است خدا شکافنده

بِسِتْرٍ وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ

به پرده و نمی پوشاند از او دیوار و پنهان نیست از او

بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا يَكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا قَلْبٌ

بیابانی ونه دریا و پنهان نمیدارد از او کوهی آنچه را که در بیخ اوست و نه دلی

مَا فِيهِ وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ

آنچه را که در وست ونه پهلوی آنچه را که در دل اوست و پوشیده نشود از او خوردی

وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

ونه بزرگی و پنهان نیست براو چیزی در زمین

وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

ونه در آسمان اوست آنکه بصورت در می آورد شما را در رحم ها

كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ

هر روشی که خواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب با است گفتار درست کردار پاک است

اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

خدا پدید آورنده آدمیان پاک است خدا که بخشنده صورت است پاک است

اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ

خدا آفریننده جفتها همه آنها پاک است خدا پدید آورنده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

ظلمت ها ونور پاک است خدا شکافنده دانه و هسته ها

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

همه آنها پاک است خدا خلق کننده ظلمتها و روشنی پاک است

اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر

شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ

چیز پاک است خدا خالق آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللّٰهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ

پاک است خدا بینای که نیست هیچ چیز بیناتر از او

يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرَضِينَ

می بیند از بالای عرش خود آنچه را در زیر زمینهای هفتگانه است

وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ

و می بیند آنچه را که در ظلمتهای بیابان و دریاست نیابد او را

الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

دیده ها و او دریابد دیده ها را و او است

الْخَبِيرُ لَا تُغْشِي بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يُسْتَرُ مِنْهُ

مهربان آگاه نمی پوشاند چیزی را از دیده او تاریکی و پوشیده نشود از او

الأرضِ وَلا فِي السَّماءِ وَلا أصغَرَ مِن ذلِكَ

زمین ونه در آسمان ونه خردتر ازان

وَلا أكبَرَ إلّا فِي كِتابٍ مُبِينٍ سُبحانَ الله

ونه بزرگتر مگر آنکه در کتابی است روشن پاک است خدا

بارِئِ النَّسَمِ سُبحانَ اللهِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ

پدید آورنده هر نوعی روح پاک است خدا صورت بخشنده پاک است خدا

خالِقِ الأزواجِ كُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ

آفریننده انواع آفریده کانا همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها

وَالنُّورِ سُبحانَ اللهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى سُبحانَ اللهِ

در روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا

خالِقِ كُلِّ شَيءٍ سُبحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى

آفریننده هرچیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده میشود وآنچه دیده نشود

سُبحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ رَبِّ العالَمِينَ

تنزیه میکنم خدارا بشمار سواد کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان

سُبحانَ اللهِ الَّذِي يَعلَمُ ما تَحمِلُ كُلُّ أُنثى وَما تَغِيضُ

پاک است خدا که میداند آنچه بر میدارد رحم هر زنی وآنچه بکاهد آنرا

الأرحامُ وَما تَزدادُ وَكُلُّ شَيءٍ عِندَهُ بِمِقدارٍ

رحمها . وآنچه میفزاید آنرا رحمها وهرچیز نزد او باندازه ایست

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ
پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده
مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ
آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي
پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدا که
يُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ
بر می انگیزاند ابرهای گران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او
وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ
و فرشتگان از بیم او و میفرستد صاعقه ها را
فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًى بَيْنَ
پس میرساند آنرا بهر که خواهد و میفرستد بادها را در حالتی که مژده دهندگانست
يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ
پیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود
وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ
و میرویاند گیاه را بتوانائی خود و فرو ریزاند برگهای درخت را بعلم خود
سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي
پاک است خدا آن خدائیکه پنهان نیست از او قدر مورچه خوردی در

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

شکافندهٔ دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ سُبْحَانَ

پاک است خدا. آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود تنزیه میکنم

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا

مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ

خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را بآنکه خواهی و میگیری پادشاهی را

مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

از آنکه میخواهی و عزیز میداری آنرا که میخواهی و خوار میسازی آنرا که میخواهی بدست تست هر نیکی

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی در می آوری شب را در روز

وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ

و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و

تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار

سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ

دانای هر پنهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبه است یکسانست نزد دانش او از شما

مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ

آنکه پنهان دارد سخنی و هر که آشکار کند و آنکه او پوشاننده عمل خود است

بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ

در شب و آنکه آشکار نماینده است در روز مر آنکس راست فرشتگانی از پیش

يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ سُبْحَانَ

روی او و از پس سر او که نگاه دارند کردهای او را بسبب امتثال فرمان خدا پاک است

اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا

خدا که می میراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه

تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ

کم میکند زمین از ایشان و ثابت میدارد در رحمها آنچه خواهد

إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ

تا مدت معینی پاک است خدا پدید آورنده صاحبان ارواح پاک است

اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع خلایق همه آنها

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک است خدا آفریننده ظلمتها - و نور - پاک است خدا

اللهِ المصوّر سبحان اللهِ خالق الأزواج كلّها

خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

پاک است خدا خالق ظلمت ها و نور پاک است خدا

فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيء

شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان

پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم

الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون

پاک است خدائیکه نشمارند ستایش او را ستایندگان

ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون وهو

و شکر کنند در مقابل نعمتهای او سپاس گذاران و پرستندگان و او

كما قال وفوق ما يقول القائلون والله سبحانه

چنان است که خود گفته و بالای آنچه گویند در وصفش گویندگان و خدا پاک است او

كما أثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من

چنان است که خود ستوده خود را و فرا نگیرند ایشان بچیزی از

الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل

خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

ظلمتها ونور پاک است خدا شکافنده دانه وهستهای خرما

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما

پاک است خدا آفریننده هرچیز پاک است خدا پیداکننده آنچه

يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

دیده شود وآنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدارا بشماره کلمهای او پاک است

الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده

خدائیکه پروردگار جهانیان است پاک است خدا که نزد اوست

مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر

کلیدهای خزانهای غیبی نمیداند آنهارا مگر او ومیداند آنچه راکه در خشکی

والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة

ودریا است ونمی افتد هیچ برگی از درختی مگرآنکه میداند آنرا ونه دانه

في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا

در تاریکیهای زمین ونه تر وتازه ونه خشکی مگرآنکه

في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان

در کتابی است روشن پاک است خدا پدید آورنده جاندار پاک است

وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ

وانچه بالا رود دران وباز نمیدارد درانچه داخل شود در زمین

مَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

انچه بیرون می آید ازان ازانچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا رود دران

وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا

وباز نمیدارد اورا انچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا رود دران ازانچه

يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ

داخل شود در زمین وانچه بیرون آید ازان وباز ندارد اورا دانش

شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ

چیزی از دانش چیزی وباز ندارد اورا آفرینش چیزی از آفرینش

شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ

چیزی ونه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی ومساوی نیست اورا

شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ

چیزی وبرابری نمیکند اورا چیزی نیست مانند او هیچ چیز واوست شنوای

الْبَصِيرُ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ

دانا پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورتها

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ

پاک است خدا آفریننده همه اقسام مخلوقات همه آنها پاک است خدا

عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

دانشهای او مگر بانچه خواسته خدا و اگر فته کرسی او آسمانها وزمین را

وَلَا يَؤُدُهٗ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ

و گران نیاید او را نگاهبان آنها و او رفیع الشان بزرگ مرتبه است پاک است خدا

بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

پدیدآورنده هر ذی روحی پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده

الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

اقسام خلایق همه آنها پاک است خدا آفریننده ظلمت‌ها

وَالنُّوْرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ

و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است

اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى

خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده شود

وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ سُبْحَانَ

وانچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را بشمار کلمهای او پاک است

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِيْ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ

خدا پروردگار عالمیان پاک است خدائیکه میداند آنچه را که داخل میشود

فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ

در زمین وانچه بیرون می آید از آن وانچه فرود می آید از آسمان

الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله

خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا

خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات

آفریننده ازواج همه آنها پاک است . خدا آفریننده ظلمتها

والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله

و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا

خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری

آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود

سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب

تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا که پروردگار

العالمین سبحان الله الذی یعلم ما فی السموات

عالمیان است پاک است خدا که میداند آنچه را که در آسمانها است

وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلثة الا

و آنچه در زمین است نباشد از رازگفتن هیچ سه تنی مگر آنکه

هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم

او چهارم ایشان است و نه پنج تنی مگر آنکه او ششم ایشان است

ولا ادنی من ذلک ولا اکثر الا هو معهم اینما

و نه کمتر . از آن و نه بیشتر مگر آنکه او با ایشان است هر جا که

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ

آفریننده ظلمتها ونور پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ

وهستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا

خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ

آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدایرا بشماره کلمهای او

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق نماینده آسمانها

وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا اُولِي

وزمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان

اَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا

بالهای دو دو وسه سه وچهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه

يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ

خواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست آنچه بگشاید خدا

لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ

برای آدمیان از بخشش پس نیست باز دارنده مرآنرا وآنچه باز دارد

فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ

پس نیست فرستنده مرآنرا پس از وی واوست غالب راست گفتار درست کردار پاک است

كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ

همچنانکه درود فرستادی بر نوح در میان عالمیان خداوندا بخشش نما بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ اللّٰهُمَّ

وآل محمد چنانکه بخشش نمودی بر موسی وهارون خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد چنانکه راه نمائی کردی ما را باو خداوندا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر محمد وآل محمد چنانکه شرافت دادی ما را بسبب او خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ

محمد وآل محمد وبرانگیز او را در جایگاه ستوده که رشک برند او را بسبب آن

الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

پیشینیان وپسینیان بر محمد وآل او باد درود هرگاه

طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

برآید آفتاب یا فرو رود بر محمد وآل او باد درود هرگاه

طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرِقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

برهم زند پلک را چشم یا خیره شود بر محمد وآل او باد درود هرگاه

طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ ذَرَفَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

برهم زند پلک ها را دیده یا اشک ریزد بر محمد وآل او باد درود هرگاه

كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء

بوده باشند پس آگاه كند ايشان را بانچه كرده اند در روز رستخيز بدرستيكه خدا بهمه چيز

عليم   وايضا مستحب است كه اين صلوات را در هر روز ماه

دانا است   مبارك و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند

ان الله وملائكته يصلون على النبي

بدرستيكه خدا و فرشتگان او درود ميفرستند بر پيغمبر

يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

اى گروهى كه   گرويده ايد رحمت بفرستيد براو و درود بفرستيد درود فرستادنى

لبيك يا رب وسبحانك اللهم صل على محمد و

مى ايستم اى پروردگار من و پاكى تو   خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

ال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت على ابراهيم

آل محمد و بركت ده بر محمد و آل محمد   چنانكه رحمت فرستادى و بركت دادى بر ابراهيم

وال ابراهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم

و آل ابراهيم بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى خداوندا ترحم كن

محمدا وال محمد كما رحمت ابراهيم وال ابراهيم

بر محمد و آل محمد   چنانچه ترحم نمودى بر ابراهيم و آل ابراهيم

انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وال محمد

بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَفْضَلَ مَا تُعْطِي اَحَدًا
وشفاعت کردن نزد تو در روز رستخیز بهتر از آنچه عطا کنی کسی

مِنْ خَلْقِكَ وَاَعْطِ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ
خلق خود را وعطا کن محمد را بالای آنچه عطا کنی آفریدگاران را

مِنَ الْخَيْرِ اَضْعَافًا كَثِيْرَةً لَا يُحْصِيْهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ
از هر نیکی اضعاف بسیار که نشمارد آنها را غیر تو خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَزْكٰى
رحمت فرست بر محمد وآل محمد پاکیزه تر وطاهرتر وپاک تر

وَاَنْمٰى وَاَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ
وافزایش کننده تر وبهتر از آنچه رحمت فرستادی بر کسی از پیشینیان

وَالْاٰخِرِيْنَ وَعَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
وپسینیان وبر کسی از خلق خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ
خداوندا رحمت فرست بر علی پادشاه گروندگان ودوست دار آنکه دوست داشت او را

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ
ودشمن دار آنرا که دشمن دارد او را وچندین برابر کن عذاب را بر آنکه

شَرِكَ فِيْ دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ
شریک شد در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود

ذُكِرَ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما سَبَّحَ اللهَ

ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را

مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ

فرشته یا تنزیه کند او را درود بر محمد و آل او در زمره پیشینیان

السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلامُ عَلى

درود بر محمد و آل او در زمره پسینیان درود بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

محمد و آل او در این جهان و آن جهان درود بر محمد و آل او

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اللّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ

و رحمت خدا و برکتهای او بار خدایا ای پروردگار بلد محترم

وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ أَبْلِغْ

وای پروردگار رکن و مقام ابراهیم وای پروردگار حل و حرم برسان

نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلَهُ عَنَّا السَّلامَ اللّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً

به پیغمبر خود محمد و آل او از ما درود خداوندا ببخش محمد را

مِنَ الْبَهاءِ وَالسُّرُورِ وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرامَةِ وَالْغِبْطَةِ

از نکوئی و شادی و تازگی و بزرگواری و خوشحالی

وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقامِ وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ

و وسیله و رتبه و جایگاه و شرافت و بلندی

لِلْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

اطاعت کنندگان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ

بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دار د او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

عذاب را بر آنکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر علی بن موسی

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ

و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد

بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ

و مضاعف گردان عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر علی

بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ

محمد بر او و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی را که آزرد پیغمبر را

فِيهِمَا اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيِ

درباره او خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین دو پیشوای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا

مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا

و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شراکت نموده در خون ایشان

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای گردن نهندگان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ

عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر جعفر بن محمد پیشوای

نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اُخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ

پیغمبر خود خداوندا خلیفه باش پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده

لَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ

ایشان را در زمین خداوندا بگردان ما را از شماره ایشان و یاوران ایشان

وَاَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اَللّٰهُمَّ

و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهانی و آشکارا خداوندا

اُطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَكُفَّ عَنَّا وَ

طلب کن خون ایشان را و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و

عَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَاْسَ كُلِّ بَاغٍ وَ

از ایشان و از هر مرد گرونده و زن گرونده ترس هر ستم کننده و

طَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ اَنْتَ

از حد گذرنده و هر جنبنده را که تو فراگیرنده موی پیش سر او را بدرستیکه تو

اَشَدُّ بَاْساً وَاَشَدُّ تَنْكِيلاً

توانا تری از روی عذاب کردن و توانا تری از روی عقوبت نمودن

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی من ظلمهم نسبت علی من ستر کب فی دمه واز جمله دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعای است که سید بن طاوس فضیلت بسیار

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

وضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِینَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

حسن بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار

مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف گردان عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ اِمَامِ الْمُسْلِمِینَ

خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از وی پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و بشتاب در گشایش او را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ اِبْنَیْ نَبِیِّكَ اَللّٰهُمَّ

خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود خداوندا

صَلِّ عَلَى رُقَیَّةَ بِنْتِ نَبِیِّكَ وَالْعَنْ مَنْ آذَى

رحمت بفرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد

نَبِیَّكَ فِیهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِیِّكَ

پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت فرست برام کلثوم دختر پیغمبر تو

وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِیَّكَ فِیهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّیَّةِ

و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان

وَعَدْتَنِی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم تو از بزرگی تو

بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ

ببزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ

ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ

بروشن ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهَا وَ

همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و

كُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

هر رحمت تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا برحمت تو

كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِی

هر یک از آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا

فَاسْتَجِبْ لِی كَمَا وَعَدْتَنِی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ

پس بپذیر برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی

از صفات کمال تو بکاملترین آن و هر صفت کمالی از تو کامل است خداوندا بدرستیکه من

از جهة آن روایت کرده است و در استجابت دعوات

مجرب است و به مضامین عالیه مشتمل است و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه

وَعَدْتَنِیْ سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ

وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن

وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهٖ

وهر نکوئی تو نیک است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به نیکوئی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهٖ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن وهمه

جَلَالِكَ جَلِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهٖ

بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به بزرگواری تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهٖ وَكُلُّ جَمَالِكَ

بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از جمال نیکوئی تو به نیکوترین آن وهر نکوئی تو

جَمِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهٖ پس سه مرتبه بگوید

نیک است بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به نکوئی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخواست تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

بِقُدْرَتِکَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها عَلی کُلِّ شَیْءٍ وَکُلُّ

بقدرت تو که استیلا داری بآن بر هر چیز و همه

قُدْرَتِکَ مُسْتَطِیلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِقُدْرَتِکَ

قدرت تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بتوانائی تو

کُلِّها پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی

همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

مِنْ عِلْمِکَ بِاَنْفَذِهِ وَکُلُّ عِلْمِکَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی

از علم تو بروان‌ترین آن و هر علمی از تو روان است خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُکَ بِعِلْمِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ

سوال میکنم از تو بعلم تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از

قَوْلِکَ بِاَرْضاهُ وَکُلُّ قَوْلِکَ رَضِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی

گفتار تو به پسندیده‌ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُکَ بِقَوْلِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ

سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از

آسْئَلُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ کَلِماتِکَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از کلمهای تو همه آن بکمال تو سوال میکنم ترا از تو

بِاَتَمِّها وَکُلُّ کَلِماتِکَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِکَلِماتِکَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکلمهای تو بتمامترین آنها و هریک از کلماتی تو تمام است

کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ اَسْمائِکَ بِاَکْبَرِها

هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نامهای تو بزرگترین آنها

وَکُلُّ اَسْمائِکَ کَبیرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنامهای تو و هر یک از نامهای تو بزرگ است

کُلِّها پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا هریک آنها

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا

مِنْ عِزَّتِکَ بِاَعَزِّها وَکُلُّ عِزَّتِکَ عَزیزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی

خداوندا بدرستیکه من ارجمند است و هر عزتی از تو ارجمندترین آنها از عزت تو

اَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از همه آن بعزت تو سوال میکنم از تو

مَشِیَّتِکَ بِاَمْضاها وَکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَةٌ

گذرنده است و هر خواستن تو بگذرندهترین آن خواستن تو

پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّی ادعوك كما امرتنی فاستجب

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی پس بپذیر

لی كما وعدتنی پس بگوید اللّهمّ انّی اسئلك من

برای من چنانچه وعده کردی مرا بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از

علائك باعلاه وكلّ علائك عالٍ اللّهمّ انّی

بلندی تو به بلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من

اسئلك بعلائك كلّه اللّهمّ انّی اسئلك من

سؤال میکنم از تو به بلندی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از

منّك باقدمه وكلّ منّك قديم اللّهمّ

انعام تو به دیرینه‌ترین آن و همه انعام تو دیرینه است بار خدایا

انّی اسئلك بمنّك كلّه اللّهمّ انّی

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بانعام تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اسئلك من آياتك باعجبها وكلّ آياتك

سؤال میکنم از تو از نشانهای قدرت تو شگفت‌آورترین آنها و هر یک از نشانهای قدرت تو

عجيبة اللّهمّ انّی اسئلك بآياتك كلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ

شگفت آورنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنشانهای قدرت تو همه آنها خداوندا

انّی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی

بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کردی پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی

مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ حَبِيبَةٌ

سوالهای تو به دوست داشته ترین آنها بسوی تو و همه یک از سوالهای تو دوست داشته است

إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا پس

بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو همه آن

سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ

برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگی

شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ

بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ببزرگواری تو همه آن

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از سلطنت تو به همیشه ترین آن و همه

سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِسُلْطَانِكَ

سلطنت تو همیشه است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ

همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک و غلبه تو به عظیم ترین آن و همه

مُلْكِكَ فَاخِرٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ

غلبه تو عظیم است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بغلبه تو همه آن

حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

نیکو است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو با حسان تو همه آن خداوندا

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ بِهٖ حِیْنَ اَدْعُوْكَ فَاَجِبْنِیْ

بدرستیکه من سوال میکنم از تو بانچه اجابت میکنی مرا هنگامیکه من میخوانم ترا پس اجابت کن مرا

یَا اَللّٰهُ نَعَمْ دَعَوْتُكَ یَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا

ای خدا بلی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه

اَنْتَ فِیْهِ مِنَ الشُّئُوْنِ وَالْجَبَرُوْتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

تو در آن از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَاْنٍ وَجَبَرُوْتٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

سوال میکنم ترا بهر کار و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِشَاْنِكَ وَجَبَرُوْتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

سوال میکنم ترا بکار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِیْبُنِیْ حِیْنَ اَسْئَلُكَ بِهٖ فَاَجِبْنِیْ

سوال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا بان هنگامیکه سوال میکنم ترا بآن پس اجابت کن مرا

یَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب کند پس بگو

ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّابْعَثْنِیْ عَلَی الْاِیْمَانِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن

پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از فضل تو با فزون ترین آن

وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ

و هر فضل تو افزون است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفضل تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ وَكُلُّ

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از روزی تو بفراگیرنده ترین آن و هر

رِزْقِكَ عَامٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ

روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بروزی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین آن و هر

عَطَائِكَ هَنِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ

بخشش تو گوارا است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نیکی تو بشتاب کننده ترین آن و هر نیکی تو

عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

شتابان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسَانِكَ

سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر احسان تو

أَنَّهُ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ

رحمتی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین

فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا

در این ساعت و در این شب و در این

الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

روز و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ

بر محمد و آل محمد و بخش ده مرا از هر شادی و از

كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ

هر نکوئی و از هر اعتدالی و از هر گشایشی و از

كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ

هر عافیتی و از هر سلامتی و از هر نوازشی

وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ

و از هر روزی فراخ حلال پاک و از هر

نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

نعمت و از هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان

إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

بسوی زمین در این ساعت و در این شب

بِكَ وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ

بتو وباور داشتن برسول تو ودوستی علی بن

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْإِئْتِمَامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ

ابیطالب براو باد درود واقتداء بپیشوایان از

آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ

خاندان محمد وبیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستیکه من بتحقیق خوشنودم

بِذَلِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بآن ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ

ودرمیخواهم از تو بهتر بهتری خوشنودی ترا وبهشت را وپناه میبرم

بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بتو از بدتر بدتری که غضب تواست وآتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ

وآل محمد ونگاهدار مرا از هر مکروهی واز هر

بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ

رنجی واز هر عقوبتی واز هر آشوبی واز هر

بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ

بلائی واز هر گزندی واز هر ناخوشی واز هر

تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَاَنْ تَقْضِيَ لَنَا الْحَاجَاتِ

ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته وانکه بر آوری برای ما حاجتها را

وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ

وکارهای سخت را وشایسته از دعا وسوال را پس بپذیر

لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

برای ما بحق محمد وآل محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

آمِينَ آمِينَ آمِينَ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ

بپذیر بپذیر بپذیر آنچه خواسته خدا میشود ونیست هیچ طاقتی

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

وقدرتی مگر بخدا پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

می ستایند ودرود بر فرستادگان وسپاس مر خدایرا که پروردگار

الْعَالَمِينَ پس دستها را بسوی آسمان بلند کن ومیل ده گردنت را بسوی

جانب راست دوش چپ خود وگریه بکن واگر نیاید خود را بگریه بدار پس بگو

يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ

ای نیست سزاوار پرستش مگر تو میخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو

عَظِيمٌ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهَاءِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

بزرگ است ببرکت کلمه طیبه لا اله الا انت سوال میکنم ترا بنیکوی لا اله الا

وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ

و در این روز و در این ماه و در این سال

اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ

خداوندا اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو

وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ غَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ

و حایل باشد میان من و میان تو یا تغییر داده باشد حال مرا نزد تو

فَإِنِّي أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي

پس بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که

لَمْ يُطْفَأْ وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ

فرو نشانیده نشده و بجاه دوست تو محمد برگزیده و بجاه

وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ

دوست تو علی پسندیده و بحق دوستان تو که

انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

برگزیدی ایشان را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من

وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ

و برای پدر و مادر من و آنکه زائیده‌اند ایشان و برای مردان گروندگان و زنان گرونده و

مَا تَوَالَدُوا ذُنُوبَنَا كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ

آنکه زائیده‌اند ایشان گناهان ما را همه گناهان را خورد آنها و بزرگ آنها و اینکه

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

الا انت   ای آنکه نیست خدای مگر تو   سوال میکنم از تو بحرمت لااله الا انت

يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ

ای آنکه نیست خدای مگر تو   ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

آنقدر بگوید که یک نفس وفا کند پس بگوید بهمان حالتی که بود گردن
کج کرده بسوی دوش چپ آن قدر که یک نفس وفا کند

أَسْئَلُكَ يَا سَيِّدِي پس بگوید يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ

سوال میکنم از تو ای بزرگ من   ای خدا ای پروردگار من

آنقدر که یک نفس وفا کند پس بگوید يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ

ای بزرگ   ای آقا   ای فریادرس

يَا مَلْجَئَاهُ يَا مُنْتَهىٰ غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای پناه گاه   ای منتهای فایده و نهایت خواهش ای بخشاینده ترین بخشایندگان

أَسْئَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَسْئَلُكَ

سوال میکنم از تو   پس نیست مانند تو هیچ چیز   و سوال میکنم ترا

بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ

بهر دعای   پذیرفته شده که خوانده ترا بآن   پیغمبر مرسلی   یا

مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ

فرشته مقربی   یا بنده   گرونده که آزموده دل او را

أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلٰهَ

انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو ببزرگواری لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِجَمَالِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به نیکوی لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِنُورِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو بروشنائی لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِكَمَالِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو بتمامی لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بعزت لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِعَظَمَةِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو ببزرگی لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِقَوْلِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بوسیله گفتن لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو بشرافت لا اله

إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْئَلُكَ بِعَلَاءِ لَا إِلٰهَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مگر تو سوال میکنم از تو به بلندی لا اله

لَا تَنَامُ وَاَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ

نمی خوابد وسوال میکنم از تو خداوندا بحق آنکه حق او بر تو

عَظِيْمٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

بزرگ است اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد . پیش از هر چیز

وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

و بعد از هر چیز وبشماره هر چیز وبسنجش هر چیز و

مِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

پری هر چیز خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفٰى وَرَسُوْلِكَ الْمُرْتَضٰى

محمد بنده برگزیده تو و رسول پسندیده تو

وَاَمِيْنِكَ الْمُصْطَفٰى وَنَجِيِّكَ دُوْنَ خَلْقِكَ

ومعتمد برگزیده تو واختیار کرده شده تو نزد خلق تو

وَحَبِيْبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعِيْنَ

ودوست تو واختیار کرده شده تو از خلق تو همه

النَّذِيْرِ الْبَشِيْرِ السِّرَاجِ الْمُنِيْرِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ

بیم نماینده مژده دهنده چراغ روشن . وبر خاندان او

الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ الْاَخْيَارِ الْاَبْرَارِ

که پاکیزگانند پاکان پاک کردیدگان نیکان نیکوکارانند

لِلْإِيمَانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَأَتَوَجَّهُ

برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از او و رو می‌آورم

إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ

بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت و پیش میدارم او را در پیش

حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

حاجتهای خود ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر من و مادر من

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَأُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ

رو می‌آورم بوسیله تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش

حَوَائِجِي يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ

حاجتهای خود ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار میخواهم از تو بحق تو

فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ

پس نیست مانند تو هیچ چیز و رو می‌آورم بسوی تو بوسیله محمد دوست تو

وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

و بوسیله خویشان نزدیک او که راه نمایندگانند و پیش میدارم آنها را پیش حاجتهای خود

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ

و سوال میکنم از تو خدا و خدا بهستی تو که زایل نمیشود

بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَبِعَيْنِكَ الَّتِي

بروشنائی ذات تو که فرو نشانیده نمیشود و بدیده تو که

أَنْ تُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً

اینکه رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه بابرکت

زَاكِيَةً نَامِيَةً طَاهِرَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا

پاک فزایش کننده طاهر بارفعت نیکو که ظاهر سازی بآن

فَضْلَهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

زیادتی ایشان را بر پیشینیان و پسینیان خدا وندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي

اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وَتُنْجِحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَقْبَلَ قِصَّتِي وَتُنْجِزَ لِي

و بر آوری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا یا حکایت مرا و روا کنی برای من

مَا وَعَدْتَنِي وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي

آنچه را که وعده دادی مرا و درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من

وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي وَتُقْبِلَ عَلَيَّ

و درگذری از ستم من و عفو کنی از گناه من و رو کنی بر من

وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِيَنِي

و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا

وَلَا تَبْتَلِيَنِي وَتَرْزُقَنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ

و مبتلا نسازی مرا و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراگیرنده ترین آن

وَعَلٰى مَلٰئِكَتِكَ الَّذِيْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

وبر فرشتگان تو که خالص کردانیده ایشانرا برای ذات خود

وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلٰى اَنْبِيَائِكَ الَّذِيْنَ

وباز داشته ایشانرا از خلق خود و بر پیغمبران تو که

يُنْبِئُوْنَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلٰى عِبَادِكَ

خبر دهند براستی از تو و بر بندگان تو

الصَّالِحِيْنَ الَّذِيْنَ اَدْخَلْتَهُمْ فِيْ رَحْمَتِكَ الْاَئِمَّةِ

که شایسته اند آنکه درآورده ایشانرا در رحمت خود که پیشوایان

الْمُهْتَدِيْنَ الرَّاشِدِيْنَ الْمُطَهَّرِيْنَ وَعَلٰى جَبْرَئِيْلَ

راه یافتگان . . پاک کرده کانند وبر جبرئیل

وَمِيْكَائِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ

ومیکائیل واسرافیل وملک موت ورضوان

خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوْحِ

خزانه دار بهشت ومالک خزانه دار دوزخ وروح

الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيْرٍ وَعَلٰى

القدس وبردارندگان عرش ومنکر ونکیر وبر

الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلٰوةِ الَّتِيْ تُحِبُّ

آن دو فرشته که موکلند بر حفظ اعمال من بان رحمتی که دوست میداری

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ قَلِیْلًا مِنْ كَثِیْرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِیْ اِلَیْهِ
بدرستیکه من سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با نیاز من بسوی آن

عَظِیْمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِیْمٌ وَهُوَ عِنْدِیْ كَثِیْرٌ
بسیار و بی نیازی تو از آن دیرینه است و آن نزد من بسیار است

وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ یَسِیْرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَیَّ اِنَّكَ عَلٰی
و آن بر تو سهل و اندک است پس بخشش کن آن بر من بدرستیکه تو بر

كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِی الصَّالِحِیْنَ
هر چیز توانائی خداوندا برحمت خود در زمره نیکو کاران

فَاَدْخِلْنَا وَفِیْ عِلِّیِّیْنَ فَارْفَعْنَا وَبِكَاْسٍ مِنْ
پس درآور ما را و در علیین پس بلند کن ما را و بجامی از

مَعِیْنٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیْلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُوْرِ
شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوریان

الْعِیْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنْ وِلْدَانٍ مُخَلَّدِیْنَ
فراخ چشم برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان

كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُوْنٌ فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ
که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت

وَلُحُوْمِ الطَّیْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ
و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبای نازک

وَاَهْنَأَهِ وَاَمْرَئِهِ وَاَسْبَغِهِ وَاَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي
دگوارا ترین آن وسبکتر ین آن برمعده وتمامترین آن وبیشترین آن وناامید مکن مرا
يَا رَبِّ النَّظَرَ اِلٰى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ
ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو وازرسیدن به بهشت
وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَ
وازآزادی ازآتش وقضا کن ازمن ای پروردگار من قرض مرا و
اَمَانَتِي وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ
امانت مرا وبگذار ازمن بارگران مرا وبار مکن مرا آنچه نیست توانائی
لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَاَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ
مرا بآن ای صاحب اختیار من ودرآور مرا در هر نیکی که درآوردی
فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَهُمْ
درآن محمد وآل محمد را وبیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان
مِنْهُ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا فِي
ازان وجدائی میفکن میانه من ومیانه ایشان بقدر بهم زدن چشم هرگز در
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي دَعَوْتُكَ
اینجهان وآنجهان بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا
كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اَللّٰهُمَّ
چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا بارخدایا

النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تُكِبَّنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ

آتش بر روهای ما پس مفکن ما را و از جامهای آتش

وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ

و پیراهن های قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی

يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس رهایی ده ما را

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ وَأَرْغَبُ

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا و درخواسته نشده است مانند تو و رغبت میکنم

إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْضِعُ

بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی مثل تو ای پروردگار تو قرارگاه

مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

سوال خواهندگانی و منتهای رغبت خواهشمندانی

أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَأَنْجَحِهَا

در میخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَصُونِ

ای خدا ای بخشاینده و بحرمت نام تو که پنهان داشته نگاه داشته

الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ

ارجمندتر بزرگوارتر بزرگتر است آن نامیکه دوست میداری آنرا

وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ

وابریشمین و دیبای سطبر پس بپوشان مارا وبرای دریافت شب قدر و

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ

حج خانه محترم خود وکشته شدن در راه خود با دوستان خود

فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا

پس توفیق ده مارا وشایسته دعا وسوال را پس بپذیر برای ما

يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ

ای آفریننده ما بشنو واجابت کن مارا وهرگاه جمع کنی

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا وَ

پیشینیان وپسینیان را درروز رستخیز پس رحم کن مارا و

بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا

بیزاری از آتش وایمنی از عذاب پس بنویس برای ما

وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي

ودر دوزخ پس مگردان مارا وبا دیوان پلید در

النَّارِ فَلَا تَقْرِنَّا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا

آتش پس ثابت مدار مارا ودر خواری از خود وعذاب خود پس

تُقَلِّبْنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي

مگردان مارا واز میوه زقوم وخار خشک زهردار پس مخوران مارا ودر

هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ

حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده بتو پرستش کننده مر ترا

مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وَلَا

عار ندارنده از عبادت تو و نه گردن کش و نه صاحب ماندگی و نه

مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ

صاحب کبر و نه نخوت نماینده بلکه بوده باشد بد حال محتاج ترسان

مُسْتَجِيرٌ أَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

امان جوینده در میخواهم از تو ای خدا ای بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده

يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً

آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاک

مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً شَرِيفَةً أَسْئَلُكَ

با برکت فزایش نماینده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اَللّٰهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هٰذَا وَتَرْحَمَنِي

خداوندا آنکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کن مرا

وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ

و آزاد کنی گردن مرا از آتش و عطا کنی مرا دران بهتر

وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَآءَهُ وَ

و خوشنود میشوی از آنکه بخواند ترا بان و می پذیری برای او دعای او را و

حَقٌّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ اَنْ لَا تُخَيِّبَ سَآئِلَكَ اَللّٰهُمَّ

لازم است بر تو ای پروردگار من آنکه نا امید نسازی سوال کننده خود را خداوندا

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهِ عَبْدٌ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر نامی که آن برای تست خوانده ترا بان بنده

هُوَ لَكَ فِیْ بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَوْ عِنْدَ

که او برای تست در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد

بَيْتِكَ الْحَرَامِ اَوْ فِیْ شَیْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَاَدْعُوكَ

خانه حرم محترم تو یا در چیزی از راه های قرب تو پس میخوانم ترا

يَا رَبِّ دُعَآءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ

ای پروردگار من مانند خواندن کسیکه بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بزرگ باشد

جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ وَاَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ

گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت

نَفْسُهُ وَلَمْ يَثِقْ بِشَیْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيْهِ

او و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد برای آنچه او در آنست

سَادًّا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ

بازدارنده و نه برای گناه خود آمرزنده و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو

تَبِعَةٍ أَوْ ذَنْبٍ أَوْ خَطِيئَةٍ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا

وبالی یا گناهی یا خطائی که خواهی انکه در شفاعت کنی بان

أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ

یا مواخذه نمائی مرا بان یا برپا داری مرا بسبب ان در جایگاه خواری

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ أَلْقَاكَ

در دنیا و آخرت و انکه عذاب کنی مرا در روزیکه ملاقات نمایم ترا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ

ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بجهة غمی

لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ

که نمی گشاید انرا غیر تو و بجهة بخشش که رسیده نمیشود مگر بتو و بجهة اندوهی

لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ

که زایل نمیکند آنرا مگر تو و بجهة خواهشی که رسیده نمیشود مگر بخواست تو

وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا دُونَكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ

و بجهة حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو بارخدایا پس چنانچه بوده

مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ

از کار تو انکه قصد کردی مرا بآن از سوال کردن تو

وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

و ترحم نمودی مرا بان از یاد کردن خود پس باید که بوده باشد از کار تو

مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ

از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر از آنچه تو

مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ

عطا فرمائی آنرا و مگردان آنرا آخر ماه رمضان

الَّذِي صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي أَرْضَكَ إِلَى

که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن گردانیدی مرا در زمین خود تا

يَوْمِي هٰذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً

روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فرو گیرنده ترین

وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَاهُ اللّٰهُمَّ

و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن و گواراترین آن خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ

بدرستیکه من پناه میگیرم بتو و بذات بزرگوار تو و پادشاهی

الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هٰذَا

بزرگ مرتبه تو از اینکه غروب کند آفتاب از روز من این روز

أَوْ تَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ

یا بپایان رسد باقی مانده این روز یا بر آید صبح از

لَيْلَتِي هٰذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هٰذَا الشَّهْرُ وَلَكَ قِبَلِي

شب من این شب یا بیرون رود این ماه و حال آنکه باشد مر ترا نزد من

وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ

وکم میشود دران راه چاره . وخوار میکردد دران دوست

وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ وَأَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ

وشماتت می نماید دران دشمن و فرود آوردم آنرا بدرگاه تو وشکایت نمودم از آن

إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ

بسوی تو ازراه رغبت من . دران بسوی تو از غیر تو

فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ

پس کشودی تو آنرا وزایل کردی انرا ودفع نمودی آنرا پس تو خداوند هر

نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ

نعمتی وصاحب هر نیکے . ومنتهای هر رغبتی

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

پناه میگیرم بکلمات . خدا که تمام وکامل اند از گزند آنچه آفریده

مِنْ شَيْءٍ اللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هٰذَا حَتّٰى أُمْسِيَ

از چیزی . خداوندا عافیت بخش مرا در روز من این روز تا آنکه شام کنم

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَمَا نَزَلَ

خداوندا بدرستیکه من سوال می کنم از تو برکت روز مرا این روز وآنچه فرود آمده

فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ

در این روز از عافیت و آمرزش وبخشش وخوشنودی

الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما

اجابت کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و رستگاری برای من در آنچه

فزعت اليك منه يا ملين الحديد لداود عليه

استغاثه نمودم بسوی تو از آن ای نرم سازنده آهن بجهت داود بر او باد

السلام ای کاشف الضر والکرب العظام

درود ای رفع نماینده بدحالی و اندوه های بزرگ

عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب

از ایوب ای گشاینده غم یعقوب وای زایل کننده اندوه

يوسف صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما

یوسف رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه

انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة

تو سزاوار آنی زیرا که بتحقیق تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی

اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي

بارخدایا تو معتمد منی در هر اندوهی وامیدگاه منی

في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي

در هر سختی و تو برای من در هر امری که فرود می‌آید بمن

ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد

معتمد و ذخیره چه بسیار اندوه که ناتوان میشود از برداشتن آن دل

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا براو و آل او

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ اِنَّ

که هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه

نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ وَحَبِيبَكَ وَخِيَرَتَكَ

پیغمبر تو و رسول تو و دوست تو و برگزیده تو

مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى بِاَنْ تُعَذِّبَ اَحَدًا مِنْ

از خلق تو خشنود نمیشود بآنکه عذاب کنی یکی از

اُمَّتِهِ دَانَ لَكَ بِمُوَالَاتِهِ وَمُوَالَاةِ الْاَئِمَّةِ مِنْ

امت او را که گرویده شده ترا بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از

اَهْلِ بَيْتِهِ وَاِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا فِي نَارِ

خاندان او اگرچه بوده باشد گنهکار خطاکار در آتش

جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا

دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن

وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا

وببخش مرا بمحمد و بآل محمد ای بخشنده ترین بخشایندگان ای جمع کننده

بَيْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَاَلُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ

میان اهل بهشت بنا بر استحکام دل‌ها و شدت

وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ

و روزی فراخ حلال که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من

وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ

و فرزندان من و عیال من و خاندان من و آنکه غمخوری او نمایم و آنکه

أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اَللّٰهُمَّ

دوست دارم من و دوست دارد مرا و زائیدم من و زائید مرا خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ

بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و بدخواهی

وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ

و ستم کردن و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای

السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَ

هفت گانه و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در ایشان است و

مَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آنچه میان ایشان است و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد

وَآلِهِ وَاكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ

و آل او و کارگذاری کن برای من مهم از امر مرا بآنچه خواهی و هر روشی

شِئْتَ پس بخواند سوره حمد و آیة الکرسی را و بگو

که خواهی

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَلَا بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ

محمد وآل محمد از من ونه بسبب بریدگی دیدن من از ایشان

فَبِكُلِّ مَسَائِلِكَ يَا رَبِّ أَدْعُوكَ إِلٰهِي فَاسْتَجِبْ

پس بهمه سوالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من پس بپذیر

دُعَائِي إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي

خواندن مرا مر ترا ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه

أَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ حُجَّتِي وَوُجُوبِ حُجَّتِكَ

درخواهم از تو بسبب بریدگی دلیل من ولازم بودن حجت تو

أَنْ تَغْفِرَ لِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِ

اینکه بیامرزی مرا. بارخدایا بدرستیکه پناه میگیرم بتو از خواری درروز

الْمَحْشَرِ وَمِنْ شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ

محشر واز شر آنچه باقی مانده از زمانه واز گزند

الْأَعْدَاءِ وَصَغِيرِ الْفَنَاءِ وَعُضَالِ الدَّاءِ وَخَيْبَةِ

دشمنان ونیستی خورد ودرد عاجز کننده وبی بهره شدن

الرَّجَاءِ وَزَوَالِ النِّعْمَةِ وَفُجَاءَةِ النَّقِمَةِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ

امید وزایل شدن نعمت وناگاه دررسیدن عقوبت خداوندا بگردان

لِي قَلْبًا يَخْشَاكَ كَأَنَّهُ يَرَاكَ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاكَ

برای من دلی که بترسد ترا بحدیکه گویا او می بیند ترا تا بروزی که ملاقات نمایم ترا

الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ

دوستی وای برکننده کینه از سینه ای ایشان وگرداننده ایشان

إِخْوَاناً عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ

برادران برکرسیهای روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل

طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا مُفَرِّجَ حُزْنِ

طاعت خود ومیان آنکه خلق نموده آنها را برای او وای زایل کننده اندوه

كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي

هر اندوهناکی وای چشمه هر بیکسی ای رحم کننده من در

غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ أَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكَلَاءَةِ

بیکسی من و در همه حالات من به نیک محافظت نمودن و نگهبانی کردن

لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى

مرا ای گشاینده آنچه با من است از تنگی و بیم رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّتِي وَقَادَتِي

محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و کشندگان من

وَسَادَتِي وَهُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفاً بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ

و پیشوایان من و راه نمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت افکننده میان دوستان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن

یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی ده ملک فرستد بسوی او که دفع کنند از وضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند که او را بشارت دهند به بهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب به بیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکی است و در آن شب لشکر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام شد و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید اِنّا اَنزَلناهُ فی لَیلَةِ القَدرِ یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در این شب بشود یا زمین تنگ بشود از بسیاری نزول ملائکه وَما اَدراکَ ما لَیلَةُ القَدرِ و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر

و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجت
ضروری باشد این دعا را توان خواند * **فصل ششم** *
در اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است
و در روایتی وارد شده که انجیل بر حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
در سیم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبره
دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز
ششم این ماه مامون خاین ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام
بیعت کرد و در روایت شده است که هر که در ان روز دو رکعت نماز
بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنجمرتبه قل هو الله احد بخواند شکر
نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم
اینماه ده رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس
و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار
رکعت بدو سلام باین صفة و در شب پانزدهم شش رکعت بسه
سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است در آن چنانچه مذکور شد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت
رسول فرمود که هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند

شیعه امامیه اجماع کرده‌اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
بیرون نیست و بعضی بر دو میان شب بیست و یکم و بیست و سیم میدانند و بسیاری
از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه ازین سه شب بیرون نیست و این
سه شب را یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت
شب قدر دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم
وارد شده است و در بعضی تعیین بیست و سیم واقع شده است و منقول است
که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله
عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و میخواهم شبی را برای من تعیین
کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب
بیست و سیم برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب با خیل
و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می‌شد و چون صبح میشد برمیگشت
و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر
امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی تغیر یابد و در
شب سیم تتمیم میشود و تغیر نمی‌یابد یا بسیار کم تغیر می‌یابد بلا تشبیه مانند ارقام
پادشاهان که اول تعلیقه می‌شود و تغیرش آسان است بعد از آن
ثبت دفاتر میشود و تغیرش دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار نرسیده
باز ممکن است تغیر یابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله حتم است و تغیرش
در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست

لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی
عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلٰٓئِکَةُ وَالرُّوْحُ
فِیْهَا فرود می آیند ملایکه و روح که از همه ملایکه اعظم است بِاِذْنِ
رَبِّهِمْ مِّنْ کُلِّ اَمْرٍ برخصت پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر امری
احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح بر امام زمان نازل
میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام علیه
السلام عرض می کنند سَلٰمٌ هِیَ حَتّٰی مَطْلَعِ الْفَجْرِ سلامتی است این شب را
از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام می کنند بر امام و بر مومنان که در این
شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر
اختلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان
حضرت رسول صلی الله علیه وآله بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر
ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی گفته اند در تمام
ماه پنهان است و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را
دریابند و بعضی گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان پنهان است و
بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است
و بعضی گفته اند شب نیمه این ماه است و بعضی گفته اند شب هفدهم و بعضی
بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند
و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای

سیفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت
وصحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور درین شب میشود و اصلاح احوال تمام
سال خود را درین شب کرده خواهد بود و ممکنست که نام او در دیوان اشقیا
نوشته بود و درین شب تغیر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود
چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه
چون امام او حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه
مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند
و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض مینمایند پس سزاوار
آنست که در چنین شبی تأسی با امام خود بکند و بغفلت بسر نیاورد و از حضرت
رسول منقول است که چون شب قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدرة
المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها می
آورد و یک علم را بر سر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را
در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مومن و زن مومنه را مگر آنکه
بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت را هر سال
از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه
میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که آنرا مثیره میگویند بصدا می آورد درختان
و حلقه های درهای بهشت را پس نغمه از وی میشنوند که هرگز شنوندگان
از آن خوشتر آینده تر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفه های بهشت

مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست
و ساعت استجابت دعا در هر شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان
اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همه اسمای
مقدسهٔ الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات
شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همهٔ اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول
گردد و همچنین در شب قدر شبهایی که احتمال آن دارد همه را احیا کند
و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بداند
گاه باشد بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله حصول مطالب دنیه کنند
چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر
بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضررهای عظیم
نسبت بعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب
گردد دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این
رساله گنجایش آنها ندارد و پس باید که مؤمن این سه شب را احیا کند
و اهتمام در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در شب
آخر اهتمام بیشتر بکند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبره بسیار در
تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکنند و فواید عبادت شب قدر
بسیار است از آنجمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده
از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر

میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین آید
با لشکر عظیمی از ملیکه و با خود علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه معظمه
نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بالش را نمی گشاید مگر در شب قدر
و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرند
و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را درین شب در اطراف زمین پس سلام
میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند
و با ایشان مصافحه می کنند و چون ایشان دعا می کنند ملائکه
آمین میگویند و پیوسته مشغول این کار اند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع
میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه
میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوایج مومنان از امت محمد جبرئیل میگوید
خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد
یا قطع رحم کند یا با مومنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود آنرا شب
جوایز گویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک رمضان را بی حساب و چون
بامداد روز عید میشود حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بر
زمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد
بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد
و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی بیرون میروند برای نماز عید
حقتعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزدور هرگاه عمل خود را بکند

بیرون می آیند وندا می کنند که ایا کسی هست که ما را خواستگاری کند
از خدا با عمال صالحه خود پس رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب
است رضوان میگوید لبیک ای نکورویان نیکوکاران این شب اول ماه رمضان
است درهای بهشت کشوده شده است برای روزه داران امت محمد پس حق تعالی
میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را ای مالک ببند درهای جهنم
را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل بسوی زمین در زنجیر کن
شیاطین متمرد را وغلها برکردن ایشان کذار وایشان را در
لجه های دریا بیفکن تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای
ایشانرا وحضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که ایا سوال کننده هست که سوال
کند او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم ایا استغفار
کننده هست که کناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالدار
که هرکز پریشان نمیشود وفا کننده است بوعده های خود وستم
نمی کند وفرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان
در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند
وچون شب جمعه وروز جمعه می شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد می کند که هریک مستوجب عذاب شده باشند
ودر شب آخر وروز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد

دیگری چند بفرستند که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی چند
بفرستند بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند
ونهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه را ببیند و غسل
در این شب سنت موکده است و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب
کردن بهتر است که نماز عشا را با غسل بکند و مستحب است در این شبها که قرآن
مجید را بدست گیرد و بگشاید و این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِکِتَابِکَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِیْهِ وَفِیْهِ
بار خدایا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو بحق کتاب فرو فرستادهٔ تو و آنچه در آن است و در آن
اِسْمُکَ الْاَکْبَرُ وَاَسْمَاۤؤُکَ الْحُسْنٰی وَمَا یُخَافُ وَیُرْجٰی
نام بزرگ تو است و نامهای نیکوی تست و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود
اَنْ تَجْعَلَنِیْ مِنْ عُتَقَاۤئِکَ مِنَ النَّارِ وَتَقْضِیَ حَوَاۤئِجِیْ
اینکه گردانی مرا از آزاد کردگان خود از آتش و روا کنی حاجتهای مرا
اِلدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید
که بجهت دنیا و آخرت است که ان شاء الله تعالی بر آورده است و این دعا
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که مصحف را بگیرد و برسر بگذارد و بگوید

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَبِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهٖ وَبِحَقِّ
خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستادی قرآن را با او و بحق

ملائکه میکویند ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود
حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را کواه میکیرم که ثواب ایشان از روزه
روزهای ماه رمضان و عبادت شبها آن عطا کردم که از ایشان راضی
شدم و کناهان ایشانرا آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنان را که در آن مجمع
حاضر بوده اند که ای بندکان من هرچه خواهید از من سوال کنید بعزت
و جلال خود سوکند یاد میکنم که از ین مجمع شما هر حاجت که برای آخرت
و دنیای خود سوال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم
تا از من روکردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را
در میان کنهکاران رسوا نمیکنم برکردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود
کردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیکر
را مبارکباد میکویند بانچه حقتعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر منقول است که هر که احیا کند شب قدر را کناهان او آمرزیده شود
هرچند بعدد ستارهای آسمان و سنکینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما اعمال
این سه شب پس دو نوع است اول آنکه در هر شب باید کرد دوم آنکه مخصوص است
بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد
بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بکوید
از جای خود بر نخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد

از روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه
یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا می توان کرد و احادیث بسیار در فضیلت
آن صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر نافلهٔ شب بوده
باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال درین
شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است
و دعا در حق خویشان خود و برادران مومن زنده و مرده ایشان و اذکار
و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است
که دعای جوشن کبیر را در هر یک ازین سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال
مخصوصهٔ شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد مرتبه
طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگارم و رجوع میکنم بسوی او
اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
خداوندا دور کن از رحمت خود کشندگان پادشاه گروندگان را
و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ
خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از
الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ
امر واجب گردیده و در آنچه جدا کنی از امر موافق حکمت در شب
الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي
قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا

كُلَّ مُؤْمِنٍ مَدْحَتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ

هر گوینده که ستوده اورا در آن و بحق تو براایشان پس نیست هیچکس

أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس ده مرتبه بگو بِكَ يَا اَللّٰهُ

شناسا تر بحق تو از تو

و ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِعَلِيٍّ و ده مرتبه بِفَاطِمَةَ و ده مرتبه

بِالْحَسَنِ و ده مرتبه بِالْحُسَيْنِ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه

بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى و ده مرتبه

بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و ده مرتبه بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت

امام حسین ع در هر یک ازین سه شب سنت موکده است و در هر یک خصوصا

شب نیمه صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام

و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند و در بعضی

که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد
رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز نافله شب و نافله صبح و تا صبح
بیدار باش مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستیکه امید
شب قدر در یکی ازین ها است و شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است
از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر
میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است
و در آن دو غسل سنت است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن
شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها
و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر
آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت
و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیده های خود
ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر
محروم نگردد انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند
در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که
که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق
یکدیگر قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که بپذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان

وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ

وبگردان در آنچه حکم میکنی وتقدیر مینمایی آنکه دراز کنی عمر مرا و

تُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتُقَدِّرَ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه امور من

مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده‌ترین بخشایندگان

پس حوایج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه همه بعمل آورد و در این آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دعای استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق مرویست

بدست راست و میدهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم را و
گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شو بی حساب و در بهشت
او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو
رفیقانند ایشان و دعای این شب از جمله دعاها ی است آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاَصِحَّ

خداوندا درازی بخش برای من در عمر من و گشایش ده برای من در روزی من و سالم دار

جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي

بدن مرا و برسان مرا بآرزوی من اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا

مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ

از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیک بختان زیرا که بتحقیق تو گفته

فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

در کتاب خود که فرود آورده شده است بر پیغمبر تو رحمت های تو بر او و بر آل او باد

يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ

محو میکند خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد آنچه را میخواهد و نزد اوست اصل کتاب

و ایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا

بار خدایا بگردان مرا از وافرترین بندگان خود از روی بهره

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَاَنْتَ مُنْزِلُهُ

از هر نیکی که فرود فرستادی او را در این شب و تو فرود آورنده آن هستی

روزه را افطار کند برست کنند و یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سورهٔ عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم دران احدیرا و نمی ترسم که خدا درین سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین بسیار شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها درین شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سورهٔ حم دخان را نیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و دران هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب رخصت میطلبند از حق تعالی در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک را و صد رکعت نماز بکند حقتعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را از و کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند از و هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را

ومنقول است که خدای عز و جل درین شب دفع میکند بدیها و گناهان جمیع
انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی
بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز
غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین
صلوات الله علیه وعلی آباءه الطاهرین درین شب مکرر این دعا میخواندند

از اول شب تا آخر شب

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ

بار خدایا روزی کن مرا کناره کردن از سرای فریبندگی و بازگشت

إِلَىٰ دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ

بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مردن پیش از فرود آمدن موت

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر
غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است
و وداع ماه رمضان سنت موکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادت
این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فوائد
آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد
پس باید که این ماه کثیر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در
هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای

مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ

از روشنائی که رهنمائی میکنی بآن یا رحمتی که پراکنده سازی آنرا یا روزیی که

تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي

قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا گزندی که زایل کنی آنرا و بنویس برای من

مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا

آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ

از تو پاداش نیک و ایمن گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو

الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَافْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وبکن با من آنرا ببخشایش تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

وهر مقدار که از قرآن ممکن باشد درین شب بخوانید و دعاهای صحیفه را بخوانید خصوصا دعاهای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل آن وارد شده است

فاسئلك بوجهك الكريم وكلماتك التامة ان كان

پس درمیخواهم از تو بحق ذات بزرگوار تو و کلمهای تمام کامل تو اگر بوده باشد

بقي علي ذنب لم تغفره لي او تريد ان تعذبني عليه

که باقی بوده باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی از برای من یا خواسته باشی که عذاب کنی مرا بر آن

او تقايسني به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم

یا عوض کنی مرا بآن یا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود

هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين

این ماه مگر اینکه بتحقیق بیامرزی آنرا برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان

اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها واخرها

خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها اول آنها و آخر آنها

ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق

آنچه خود گفته برای ذات خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان

الحامدون المجتهدون المعددون الموقرون

سپاس گذاران کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان

في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء

در یاد کردن تو و سپاس گذاری برای تو آنانکه مدد کردی ایشانرا برادا کردن

حقك من اصناف خلقك من الملائكة

حق تو از اقسام خلق خود از فرشتگان

خوشنود و خوشحال نباشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بان راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوب است و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام این دعای وداع منقول است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِیْ کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلٰی لِسَانِ

بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو د آورده شده است بر لغت

نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ صَلَوٰتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَقَوْلُکَ حَقٌّ

پیغمبر فرستاده تو رحمتهای تو براو و آل او باد و سخن تو راست و درست است

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْ اُنْزِلَ فِیْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًی

که این ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده است در آن قرآن در حالیکه راه نمای

لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا

آدمیان است و نشانهای روشن است از آنچه راه نماست بسوی حق و جدا کننده حق از باطل و این

شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَیَّامُهُ وَلَیَالِیْهِ

ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزهای آن و شبهای آن

قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ

پذیرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود و آمرزش خود

وَحَقِيقَةِ رِضْوَانِكَ حَتّٰى تُظْفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ

و خوشنودیهای ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را در و بهر نیکی

مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ وَتُؤْمِنَنَا

که طلب کرده شود و عطاهای وافری که بخشیده شود و ایمن گردانی ما را

فِيهِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ

در آن از هر امری که ترسیده شود و گناهی که کسب کرده شود

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ

خداوندا بدرستیکه من سوال کنم از تو بحرمت بزرگ آنچه سوال کرده ترا یکی

مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ

از آفریدگان تو از نامهای گرامی تو و ثنای بسیار تو

وَخَاصِّ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و دعای خاص تو بآنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ

و آنکه گردانی ماه ما را این ماه بزرگترین ماه رمضانی

مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ

که گذشته بر ما از آن وقتی که فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی برکت در نگاهداشتن

الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ

نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و انواع ستایندگان

الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا

تنزیه کنندگان مر ترا از همه عالمیان بر آنکه تحقیق تو رسانیدی ما را

شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ

بماه رمضان و حال آنکه بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از

جَزِيلِ قِسَمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِكَ

بخششهای وافر تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام تو

بِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاكِدِ

با نیجهة مر تراست منتهای سپاس جاوید پیوسته ثابت

الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طُولَ الْأَبَدِ جَلَّ

جاوید مانده همیشه که بپایان نرسد تا دراز مدت بزرگ است

ثَنَاؤُكَ أَعَنْتَنَا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ

ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن آنرا

وَقِيَامَهُ مِنْ صَلَوٰةٍ وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ

و ایستادن آنرا بجهة نماز و آنچه یافت شده از ما در آن ماه از نیکی

أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ

یا سپاس گذاری یا ذکر خداوندا پس بپذیر آنرا از ما به نیکوترین

حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلٰى اَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِىْ

تاانکه برسانی ما را این از سال آینده به نیکوترین حالتی وبشناسانی این

هِلَالَهُ مَعَ النَّاظِرِيْنَ اِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِيْنَ لَهُ فِىْ

هلال آنرا با نظرکنندگان بسوی او وشناسندگان مرآنرا در

اَعْفٰى عَافِيَتِكَ وَاَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَاَوْسَعِ رَحْمَتِكَ

بزرگترین عافیت خود وتمام ترین نعمت خود وفراگیرنده ترین رحمت خود

وَاَجْزَلِ قِسَمِكَ اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّىَ الَّذِىْ لَيْسَ لِىْ

ووافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگارکه نیست مرا

رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُوْنُ هٰذَا الْوَدَاعُ مِنِّىْ وَدَاعَ

پروردگاری غیر او نباشد این ... از من وداع

فَنَاءٍ وَلَا اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقَاءِ حَتّٰى تُرِيَنِيْهِ

نیستی ونه آخر ملاقاتی از ملاقات من تاآنکه بنمای بمن آنرا

مِنْ قَابِلٍ فِىْ اَسْبَغِ النِّعَمِ وَاَفْضَلِ الرَّخَاءِ وَاَنَا

از سال آینده درتمام ترین نعمتها وبهترین فراخی وحال آنکه من

لَكَ عَلٰى اَحْسَنِ الْوَفَاءِ اِنَّكَ سَمِيْعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ

بوده باشم بر نیکوترین وفائی بدرستیکه تو پذیرنده دعائی خداوندا

اِسْمَعْ دُعَائِىْ وَارْحَمْ تَضَرُّعِىْ وَتَذَلُّلِىْ لَكَ

بپذیر دعای مرا ورحم کن زاری مرا وپستی نمودن مرا بما بتو

دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي

دین من ورهایی نفس من وروا کردن حاجت من وانکه بپذیری شفاعت

فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ

در سوالهای من وتمام شدن نعمت بر من وگردانیدن هر بدی

عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ

از من وپوشش عافیت مرا وانکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا

از آنانکه روان ساخته برای ایشان شب قدررا وگردانیدی آنرا برای او بهتر

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ

از هزار ماه در بزرگترین مزدی وگرامی ذخیره

وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ

ودرازی عمر ونیک سپاس گزاری وهمیشه تونگری باآسانی

اَللّٰهُمَّ وَأَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَ

خداوندا وسوال میکنم ترا بوسیله رحمت تو واحسان تو ودرگذشتن تو و

نَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ

نعمتهای تو وبزرگواری تو ودیرینه احسان تو وانعام تو

أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ

انکه نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه رمضان را

وَآلِهِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِيْ

آل او آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مگردان وداع نمودن من

شَهْرَ رَمَضَانَ وَدَاعَ خُرُوْجِيْ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا

ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا ونه

وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ فِيْهِ وَلَا اٰخِرَ صَوْمِيْ لَكَ

وداع آخر عبادت تو دران ونه آخر روزه داشتن من برای تو

وَارْزُقْنِيَ الْعَوْدَ فِيْهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيْهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيْهِ

و روزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت دران پس بازگشت دران

بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِلَيْلَةِ

برحمت خود ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا دران برای دریافت شب

الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِيْ خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ رَبِّ

قدر و بگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار ماه

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ

شب و روز و کوه‌ها و دریاها و تاریکیها و روشنائیها

وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ

و زمین و آسمان ای آفریدگار ای صورت بخش ای بعنایت مهربان

يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای زنده ای بذات خود موجود

وَاسْتِكَانَتِي لَكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَاَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ
وفروتنی مرا بجهت تو واعتماد مرا به تو ومن برای تو منقادم
لَا اَرْجُو نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا
امید دارم رستگاری را ونه عافیت را ونه گرامی را ونه
تَبْلِيغًا اِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ
رسانیدن را مگر بتو واز تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو
وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ
وپاک است نامهای تو برسانیدن من بماه رمضان
وَاَنَا مُعَافًا مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ
وحال آنکه من عافیت یافته‌ام از ناخوش و ترسیده شده واز
جَمِيعِ الْبَوَائِقِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ
همه سختیها سپاس مر خدایرا که مدد کرد ما را بر روزه داشتن
هٰذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتّٰى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ
این ماه و ایستادن درآن تا آنکه رسانید ما را بآخر شبی ازان
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ
بار خدایا بدرستیکه من درخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شدی بان
وَاَرْضٰى مَا رَضِيتَ عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وپسندیده‌ترین چیزی که خوشنود شدی بان از محمد رحمت فرستاد خدا براو

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

از عذاب آتش سوزان خداوندا بگردان در جملهٔ آنچه حکم میکنی

وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ

و اندازه میکنی از امر لازم گردیده و در آنچه جدا میکنی از امر

الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

محکم در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود

وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

و بدل کرده نشود و تغیر داده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

محترم تو که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

گناه ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی

وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ فِي عُمْرِي وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي

و تقدیر می نمائی اینکه دراز کنی عمر مرا و آنکه آزاد کنی گردن مرا

مِنَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

از آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو

وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُودًا وَكَرَمًا وَاَرْغَبُ

و سوال نکردند بندگان مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت میکنم

يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى

اى تو پديد آورنده آسمانها وزمين مر تراست نامهاى نيك

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ

وداستانهاى بلند وبزرگوارى ونعمتها درخواهم از تو

بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

بنام تو بنام خداى بخشاينده مهربان آنكه رحمت فرستى بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

محمد وآل محمد وآنكه بگردانى نام مرا در اين شب

فِي السُّعَدَآءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَآءِ وَ

در ديوان نيكبختان وروح مرا با شهيدان و

اِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ

نيكويى مرا در عليين وبدى مرا آمرزيده وآنكه

تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ

بخشى مرا يقينى كه مباشر آن كنى دل مرا وايمانى كه نياميزد آنرا

شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاَنْ تُؤْتِيَنِي فِي

شكى وخشنودى بآنچه قسمت كردى براى من وآنكه بدهى مرا در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَاَنْ تَقِيَنِي

اين جهان نيكى ودر آن جهان نيكى وآنكه نگاه دارى

وَأَسْرَعِهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ

وشتابنده‌ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده و پنهان داشته شده

الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ

زنده پاینده بزرگتر بزرگوارتر است آن نامیکه دوست میداری او را و میخواهی او را

وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ

وخشنود میگردی بسبب او از آنکه خواند ترا بآن و می پذیری بجهة او دعای اورا

وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ وَأَسْأَلُكَ

و لازم است بر تو آنکه نا امید نگردانی سوال کننده سوال خود را و میخواهم از تو

بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

بحرمت هر نامیکه او برای تست در توریة و انجیل و زبور

وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ

و فرقان و بهر نامیکه خوانده‌اند ترا بآن بردارندگان عرش تو

وَمَلَائِكَةُ سَمَاوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْأَصْنَافِ مِنْ

و فرشتگان آسمانها تو و همه اقسام از

خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ

خلق تو از پیغمبری یا راستگوی یا شهیدی و بحق

الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ

رغبت کنندگان بسوی تو ترسناکان از تو پناه گیرندگان

إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مَوْضِعُ

بسوی تو ورغبت کرده نشده بسوی مانند تو تو محل

مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

سوال سوال کنندگانی ومنتهای رغبت نماینده‌گانی

أَسْئَلُكَ بِأَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَأَفْضَلِهَا وَ

سوال میکنم از تو بزرگترین سوال‌ها همه آنها وبهترین آنها و

أَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يَسْئَلُوكَ بِهَا

روا شده‌ترین آنها که سزاوار است مر بندگان را آنکه سوال کنند از تو بآنها

يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِأَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَ

ای خدا ای بخشاینده وبنامهای تو آنچه دانسته‌ام از آنها و

مَا لَمْ أَعْلَمْ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا

آنچه ندانسته‌ام وبنامهای نیک تو ودداستانهای بلند تو

وَبِنِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ

وبنعمتهای تو که شمرده نشود وبگرامی‌ترین نامهای تو بر تو

وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ

وبدوست داشته‌ترین آنها بسوی تو وبلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و

أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَابًا

نزدیکترین آنها از روی وسیله بودن ووافرترین آنها بتو از روی پاداش

خَائِفًا بَآئِسًا فَقِيرًا مُسْتَجِيرًا بِكَ اَسْئَلُكَ

بلکه باشد ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سوال میکنم از تو

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ

بارجمندی تو و بزرگی تو و غلبه تو و سلطنت تو

وَبِمُلْكِكَ وَبَهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَ

و پادشاهی تو و نیکوئی تو و بخشش تو و بزرگواری تو و

بِآلَائِكَ وَحُسْنِكَ وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى

بنعمتهای تو و خوبی تو و نیکوئی تو و بتوانائی تو بر

مَا اَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَدْعُوكَ يَا رَبِّ

انچه اراده نمائی از مخلوقات خود میخوانم ترا ای پروردگار من

خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعًا وَ

از روی بیم و امید و ترس و خواهش و فروتنی و

تَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَاِلْحَافًا وَاِلْحَاحًا خَاضِعًا لَكَ

دوستی و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن حال انکه فروتنی کننده ام برای تو

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

نیست سزاوار پرستش جز تو حال آنکه یگانه نیست انباز برای تو

يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای خدا ای خدا

بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجاً
بتو وبحق همسایگان خانه محترم تو حال آنکه باشند حج کنندگان
وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي
و عمره گزاران و تنزیه کنندگان و کارزار نمایندگان در
سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ
راه رضای تو و بحق هر بنده پرستنده مر ترا
فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ
در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن
مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ
کسی که بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و
عَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا
بزرگ باشد جنایت او و سست باشد کوشش او دعای کسی که نه
يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادّاً وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً وَلَا
یابد بجهة نفس خود باز دارنده و نه بجهة ناتوانائی خود قوت دهنده و نه
لِذَنْبِهِ غَافِراً غَيْرَكَ هَارِباً إِلَيْكَ مُتَعَوِّذاً
بجهة گناه خود آمرزنده غیر تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد
بِكَ مُتَعَبِّداً لَكَ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنْكِفٍ
بتو و عبادت کننده باشد مر ترا نه گردنکش و نه ننگ دارنده

وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَ

وبگردان آخر ماه رمضان که روزه داشتم او را برای تو

عَبَدْتُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِي إِيَّاهُ وَدَاعَ

عبادت کردم ترا دران و مگردان وداع کردن من آن را وداع

خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنْ

بیرون شدن من از دنیا خداوندا واجب کن برای من از

رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ

بخشش خود وامرزش خود وخشنودی خود و ترس از خود

أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِمَّنْ عَبَدَكَ فِيهِ

بهتر از آنچه بخشیدی یکی از آنانرا که پرستیدند ترا دران

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي أَخْسَرَ مَنْ سَأَلَكَ فِيهِ

خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسی که سوال کرد ترا دران

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ

وبگردان مرا از آنانکه آزاد کردی او را در این ماه از آتش

وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ

وآمرزیدی برای او آنچه را که پیش گذشته باشد از ذنبها و آنچه پس مانده

أَوْجَبْتَ لَهُ أَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَأَمَّلَ مِنْكَ

واجب ساختی برای او بهترین آنچه امید داشت ترا و امید داشت از تو

يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ

ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان

يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

أَعُوذُ بِكَ يَا اللهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْوِتْرُ

من پناه میگیرم بتو ای خدای یگانه یکتا پاک از همه آلایشها بی مانند

الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعَالِ وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ

بزرگوار بلند مرتبه و در میخواهم از تو بهمه آنچه خواندم من ترا

بِهِ وَأَسْمَائِكَ الَّتِي تَمْلَأُ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ

بآن و بحرمت نامهای تو که پر می کنند اطراف مملکت ترا همه آنها را آنکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَارْحَمْنِي

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناه مرا و رحم کن مرا

وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي

و گشایش ده بر من از بخشش خود که بزرگ است و بپذیر از من

شَهْرَ رَمَضَانَ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَفَرْضَهُ

ماه رمضان را و روزه آنرا و نماز آنرا و واجب آنرا

وَنَوَافِلَهُ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي

و مستحبات آنرا و بیامرز مرا و رحم کن مرا و در گذر از من

وَلَا عُرْيَانًا إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا

ونه برهنه‌ای را مگر آنکه بپوشانی او را ونه بیماری را مگر آنکه شفا بخشی او را ونه

دَاءً إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا

دردی را مگر آنکه ببری آنرا ونه حاجتی را از حاجتهای این جهان

وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَى أَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي

وآنجهان مگر آنکه روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من وامید من

فِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ

در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بارخدایا میچان دلهای ما را پس

إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ إِذْ أَعْزَزْتَنَا وَلَا

از آنکه راه نمودی ما را وخوار مکن ما را پس از آنکه عزیز کردی ما را و

تَضَعْنَا بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ إِذْ أَكْرَمْتَنَا

پست مکن ما را پس از آنکه بلند کردی ما را وذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ إِذْ

ونیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را ومنع مکن ما را پس از آنکه

أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ

بخشش نمودی ما را ونا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را وتغییر مده ما را

شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ إِلَيْنَا لِشَيْءٍ

هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما واحسان خود را بسوی ما بجهة چیزی که

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ
ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا بازگردیدن
فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي
در روزه داشتن آن برای تو و عبادت تو در آن و بگردان مرا
مِمَّنْ كَتَبْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
از آنکه نوشتی او را در این ماه از حج کنندگان خانه
الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذَنْبُهُمْ
محترم خود که مقبول باشد حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناه ایشان
الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
پذیرفته شود برای ایشان کردار ایشان بپذیر بپذیر ای پروردگار جهانیان
اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا
خداوندا وامگذار برای من در آن گناهی را مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه
خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا
خطائی را مگر آنکه زایل کنی آنرا و نه لغزشی را مگر آنکه درگذری از آن
وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا
و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه بی نیاز گردانی آنرا
وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا
و نه اندوهی را مگر آنکه بگشائی آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه به بستی آنرا

وَلَا عُرْيَاناً إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا

و نه برهنه ای را مگر آنکه بپوشانی او را و نه بیماری را مگر آنکه شفا بخشی او را و نه

دَاءً إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا

دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان

وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَى أَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي

و آنجهان مگر آنکه روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من و امید من

فِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ

در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان. خدایا میل مده دلهای ما را پس

إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ إِذْ أَعْزَزْتَنَا وَلَا

از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه عزیز کردی ما را و

تَضَعْنَا بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ إِذْ أَكْرَمْتَنَا

پست مکن ما را پس از آنکه بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ إِذْ

و نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را منع مکن ما را پس از آنکه

أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ

بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده

شَيْئاً مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ إِلَيْنَا لِشَيْءٍ

هیچ چیز از نعمتهای خود را و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی که

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ
اى بخشاينده ترين بخشايندگان خداوندا روزى كن مرا بازگرديدن
فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي
در روزه داشتن آن براى تو و عبادت تو در آن و بگردان مرا
مِمَّنْ كَتَبْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
از آنكه نوشتى او را در اين ماه از حج كنندگان خانه
الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذَنْبُهُمُ
محترم خود كه مقبول باشد حج ايشان آمرزيده شده باشد براى ايشان گناه ايشان
الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
پذيرفته شود براى ايشان كردار ايشان بپذير بپذير اى پروردگار جهانيان
اَللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا
خداوندا وامگذار براى من در آن گناهى را مگر آنكه بيامرزى آنرا و نه
خَطِيئَةً إِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَقَلْتَهَا
خطائى را مگر آنكه زايل كنى آنرا و نه لغزشى را مگر آنكه درگذرى از آن
وَلَا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا أَغْنَيْتَهَا
و نه قرضى را مگر آنكه ادا كنى آنرا و نه نيازمندى را مگر آنكه بى نياز گردانى آنرا
وَلَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً إِلَّا سَدَدْتَهَا
و نه اندوهى را مگر آنكه بگشائى آنرا و نه حاجتى را مگر آنكه ببندى آنرا

كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ

هر نزدیک را یا دور را و شر هر خردی را یا بزرگی را

وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي

و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستیکه پروردگار من

عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي

بر راه راست است خداوندا آنچه بود در دل من

مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ

از شک یا تهمت یا انکار یا ناامیدی یا شادی

اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ

یا زیادتی یا حیرانی یا گردن کشی یا کبر یا ریا یا

سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ

سمعه یا بدبختی یا دوروی یا ناسپاسی یا فسق

اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ

یا عصیان یا چیزیکه دوست نداری برآن دوستی را برای خود

فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

پس سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ

محو کنی آنرا از دل من و بدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن را بوعده

كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَإِنَّ
یافت شده از گناهان ما و نه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که بتحقیق
فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ
در بزرگواری تو و در گذشتن تو و فضل تو هست گشایشی بجهت آمرزش
ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا
گناهان ما پس بیامرز مارا و در گذر از ما و عقوبت مکن مارا
عَلَيْهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَكْرِمْنِي فِي
بر گناهان ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در
مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِنِّي بَعْدَهَا أَبَدًا
مجلس من این مجلس گرامی داشتنی که خوار نکردانی مرا پس از آن هرگز
وَأَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ أَبَدًا وَعَافِنِي عَافِيَةً
عزیز کن مرا به بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی
لَا تَبْتَلِينِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا
که مبتلا نکنی مرا بعد از آن هرگز و بلند کن مرا به بلندیکه
تَضَعُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ
پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند هر
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ
شیطان سرکشی را و شر هر متکبر ستیزه کری را و شر

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ

بار خدایا مگردان آنرا آخر عهدی از روزه داشتن ما آنرا پس اگر

جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا

گردانیده باشی آنرا پس بگردان مرا بخشیده شده و مگردان مرا ناامید

زیرا که هر که این دعا را درین روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر میابد

یا برسیدن تا ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت بی انتها

و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب

آخر ماه رمضان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ

بار خدایا مگردان آنرا آخر رسیدنی از روزه داشتن من مر ماه رمضان را

وَاَعُوذُ بِكَ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اِلَّا وَقَدْ

و پناه میگیرم بتو از آنکه طلوع کند صبح این شب مگر آنکه بتحقیق

غَفَرْتَ لِي حق تعالی پیش از طلوع صبح او را بیامرزد او را

آمرزیده باشی مرا توبه وانابه روزی کند و ایضا سنت است که این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضَى

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بدوست داشته ترین آنچه خوانده شدی بآن

مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

و پسندیده ترین آنچه خشنود شدی بسبب آن از محمد و از خانواده محمد بر او

وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً
وخشنود بودن بحکم تو و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن
مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ
از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست
وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحاً
و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص
إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَإِلَّا فَأَخِّرْ
بسوی تو بار خدایا اگر بوده باشی که رسانیده باشی ما را بآن پس آنچه نشد
عَنَّا آجَالَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ
از ما اجل های ما تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن فراخی
مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى
از تو باشد و عافیتی ای بخشنده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد
اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيراً وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار و رحمت خدا و برکتهای او
در جمعه آخر نیز وداع جمعه ها بدنیست و از جابر بن عبد الله انصاری
منقول است که گفت رفتم بخدمت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون
نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه است از ماه رمضان
پس وداع کن او را و بگو

تا بیست نفر روز زیاده و مهر [illegible] در شب آخر ماه رمضان آزاد میفرمود و میفرمود که شماها را آزاد کردم تا امید آنکه خدا مرا میدهد رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کرداند و چون روز عید میشد جایزه های عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز [illegible] آزاد میفرمود [illegible] و ایضا وارد شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ *

فصل هفتم *

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

در دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام منقول است که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا می خواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي

بارخدایا بدرستیکه تو گفته در

كِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

کتاب خود که این ماه رمضانی است که فرو فرستاده شده در آن قرآن

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا

و بر ایشان باد درود آنکه رحمت بفرستی بر او و بر ایشان و

تَجْعَلَ وَدَاعَ شَهْرِيْ هٰذَا وَدَاعَ خُرُوْجِيْ مِنَ

نگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون شدن من از

الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ

دنیا و نه وداع آخر عبادت کردن ترا و توفیق ده مرا در آن

لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِيْ خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ

برای دریافت شب قدر و بگردان آنرا برای من بهتر از هزار ماه

مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ

با مضاعف شدن مزد و اجابت کردن و درگذشتن از

الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ

گناه بخشنودی پروردگار

و از جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده ها است زیرا که شبی است که حق تعالی بنده های بسیار از آتش جهنم آزاد میکند هرگاه بنده ضعیف فرمایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید است که خداوند قادر بی زوال با آن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جریده عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت زین العابدین علیه السلام بنده ها که در عرض سال تحصیل مینمود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

محمد وآل محمد و آنکه رها کنی گردن مرا از آتش

وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ

و در آوری مرا در بهشت برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من

بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ

ایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده آنرا

لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ إِلٰهِي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ

برای روز رستخیز خدای من و پناه میگیرم بذات بزرگوار تو و

بِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ

به بزرگواری بزرگ تو از آنکه بپایان رسد روزهای ماه رمضان

وَلَيَالِيهِ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي

و شبهای آن در حالیکه بوده باشد برای تو نزد من وبالی و گناهی که مواخذه کنی

بِهِ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ

بآن یا خطائی که اراده کنی آنکه قصاص کنی از من نه

تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

آمرزیده باشی آنرا برای من ای آقای من ای آقای من ای آقای من

أَسْئَلُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِذْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

سوال میکنم از تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو زیرا که نیست خدائی مگر تو

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقَانِ

حال آنکه راه نمای آدمیان است و آیتهای روشن است از آنچه راه نماست و جدا کننده

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ

پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان بسبب آنکه فرو فرستادی در آن

الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا

قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا بشب قدر و گردانیدی آنرا

خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ

بهتر از هزار ماه بارخدایا واین روزهای ماه

رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ

رمضان بتحقیق بپایان رسید وشبهای آن بتحقیق منقطع شد

وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلٰهِي مِنْهُ إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

وبتحقیق گردیدم ای خدای من ازان بسوی آنچه داناتری بآن از من

وَأَحْصَىٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَأَسْأَلُكَ

وضبط نماینده تری مر شمار آنرا از همه آفریدگان پس سوال میکنم از تو

بِمَا سَأَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُكَ

بآنچه سوال کرده ترا بآن فرستادگان مقرب تو وپیغمبران

الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ

مرسل تو وبندگان شایسته تو آنکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ

بر محمد وال محمد چنانچه تو سزاوار آنی رحمت بفرستی برایشان

أَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي

همه وبکن بامن آنچه تو سزاوار آنی و مکن بامن

مَا أَنَا أَهْلُهُ وبسند معتبر از آنحضرت علیه السلام منقولست

آنچه من سزاوار آنم که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي

پناه می برم بهبزرگواری ذات بزرگوار تو ازاینکه بسر آید ازمن

شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلِي

ماه رمضان یا طلوع کند صبح از شب من این شب و باقی باشد

لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ أَلْقَاكَ

برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بان در آن روزیکه ملاقات کنم ترا

وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیست و یکم

يَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَيَا مُولِجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ

ای در آورنده شب در روز وای در آورنده روز در شب

ِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّيْ فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ

گر بوده باشی که خشنود گشته باشی از من در این ماه پس افزون کن

عَنِّيْ رِضًا وَاِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّيْ فَمِنَ

خشنودی خود را از من واگر نبوده باشی که خشنود گشته باشی از من پس

الْاٰنِ فَارْضَ عَنِّيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا اَللّٰهُ

اینک خشنود شو از من ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای خدا

يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ

ای یگانه ای پناه نیازمندان ای آنکه نزاده وزائیده نشده و نیست

لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ وبسيار مى گفت يَا مَنْ اَلَانَ

برای او مانند هیچکس ای نرم سازنده

الْحَدِيْدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ

آهن برای داود که براو باد سلام ای دفع نماینده

الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوْبَ عَلَيْهِ

بدحالی واندوه های بزرگ از ایوب براو باد

السَّلَامُ اَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوْبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

درود ای زایل کننده اندوه یعقوب براو باد سلام

اَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ

ای گشاینده غم یوسف براو باد سلام رحمت بفرست

يماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي

و ایمانی که ببرد شک از من و اینکه خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برایم

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و بده مارا در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

و سپاس گذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ

و توفیق برای چیزی که توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد بر او و

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بست و دوم يَا سَالِخَ

برایشان باد درود ای بازکننده

النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ

روز از شب پس ناگهان ما در تاریکی در آییم وای روان سازنده

الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَ

آفتاب تا بجائیکه قرارگاه اُست باندازه کردن خود ای غالب ای دانا و

مُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ

تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهائی معلوم تاآنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرما

تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

ای بیرون در آورنده زنده از مرده و ای بیرون آورنده مرده از زنده

یا رازِقَ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ یا اَللهُ

ای روزی دهنده هر که خواهی بیشمار ای خدا

یا رَحْمنُ یا اَللهُ یا رَحیمُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ

ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا

یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ لَکَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی

ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْاَمْثالُ الْعُلْیا وَالْکِبْرِیاءُ وَالْآلاءُ اَسْئَلُکَ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی فی

آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا در

هذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ وَرُوحی مَعَ

این شب در دیوان نیک بختان و روح مرا با

الشُّهَداءِ وَاِحْسانی فی عِلِّیّینَ وَاِسائَتی

شهیدان و نیکوکاری مرا در علیین و بدکرداری مرا

مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَ

آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و

بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

بانچه بهره داده مرا وبده مارا در اینجهان نیکی ودر

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

آنجهان نیکی ونگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان وروزی کن مارا

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ

در این شب یاد کردن خود وسپاس گذاری وخواهش بسوی خود وبازگشت

وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

وتوبه وتوفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بست وسیم

براو وبرایشان درود

يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

ای خداوند شب قدر وگرداننده آن بهتر از هزار ماه

وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ

وپروردگار شب وروز وکوه‌ها ودریاها وتاریکیها

وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ

وروشنیها وزمین وآسمان ای آفریدگار ای نگاهدارنده

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قَيُّومُ

ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده

الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَ
ای نور هر نور و منتهی هر خواهش و
وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا قُدُّوسُ
خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاک
يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ
ای یگانه ای یکتا ای بی‌همتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری
وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
و نعمتها درخواهم از تو رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او
وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ
وآنکه بگردانی نام مرا در این شب از زمره نیک‌بختان
وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ
و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین
وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ
و بدی مرا آمرزیده وآنکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کنی
بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي
دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من وآنکه خشنود سازی مرا

وَشُكْرِكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
وسپاس گزاری خود ورغبت نمودن بسوی جناب تو وبازگشت ونه
وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰتُكَ
وتوفیق برای آنچه توفیق داری برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بست وچهارم يَا فَالِقَ
براو و بر ایشان باد ای شکافنده
الْاِصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ
سپیده دم وای گرداننده شب موجب آرام وآفتاب وماه
حُسْبَاناً يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ
وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام واحسان وتوانائی
وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
وقدرت وبخشش ونعمت دادن ای خداوند بزرگواری و
الْاِكْرَامِ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللهُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ
گرامیداشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای یکتا
يَا اَللهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
ای خدا ای هویدا ای پنهان ای بذات خود موجود نیست سزاوار پرستش کر تو
يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَ
ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و

يَا اَللّٰهُ يَا بَدِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْاٰلَاءُ اَسْئَلُكَ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمت ها سوال میکنم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

این شب در زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان

وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَ

و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و

اَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ

ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

شک را از من و اینکه خشنود کنی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا در این شب یاد کردن خود

وَالتَّوْفِيقِ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

و توفیق برای آنچه توفیق داده بران محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و پنجم

براو و بر ایشان درود

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ مَعَاشاً وَالْأَرْضِ

ای گرداننده شب را پوشش و روز را وقت کسب معیشت و زمین

مِهَاداً وَالْجِبَالِ أَوْتَاداً يَا اللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا اللّٰهُ

فراشی گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا

يَا جَبَّارُ يَا اللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اللّٰهُ يَا قَرِيبُ يَا اللّٰهُ

ای بزرگوار ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا

يَا مُجِيبُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ

ای اجابت کننده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای

الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

نیک و داستانهای بلند پایه و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي

گردانی نام مرا در این شب در زمره نیک بختان و روح

الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْئَلُكَ
داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا
فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ
در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَ
و نکوهی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و
أَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ
اینکه بجشی مرا یقینی که بباشد آن کس دل مرا و ایمانی که بدر کند
الشَّكَّ عَنِّي وَرِضاً بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا
شک را از من و خشنودی بانچه بهره داده مرا و بده ما را
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
در اینجهان نیکوی و در آخرت نیکی و نگاهدار مرا
عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
از عذاب آتش سوزنده روزی کن مرا در این شب ذکر خود
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
و سپاس گذاری خود و خواهشمندی بسوی خود و بازگشت و رجوع

اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا

شب را وگرداننده نشان روز را بینش تا طلب کنند را

فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا

بخشش را ازو وخوشنودی را ای تمیز دهنده هر چیز تمیز دادنی

يَا اللَّهُ يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ

ای خدا ای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشاینده ای خدا

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک وداستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

بلند وبزرگواری ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب

فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي

در زمره نیک بختان وروح مرا با شهیدان ونیکی را

فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ

در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه ببخشی

لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ

بمن یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد شک را

مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي
با شهیدان واحسان مرا در علیین وبدی مرا
مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي
آمرزیده وآنکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا
وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ
وایمانی که ببرد شک را از من وخوشنودی بآنچه قسمت کرده
لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
برای من وبده مارا در اینجهان نیکی ودر آخرت نیکی
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا
ونگاهدار مارا از عذاب آتش سوزنده وروزی ده مرا در این شب
ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ
یادآوری خود وسپاس گذاری خود وخواهش نمودن بسوی خود وبازگشت
وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ
وتوبه وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست وششم
رحمتهای تو براو وبرایشان باد سلام
يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ
ای گرداننده شب وروز دو نشانه قدرت ای آنکه زائل گردانیدن

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا

دانای هر پنهان و آشکار بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر

اَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ

تو ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده ای دانا بهر چیز

يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ

ای غالب ای کارفرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای پدیدآورنده

يَا مُصَوِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

ای نگارنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست اسمهای نیک

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ

و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر گردانی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

دور کن ... و خشنود گردان مرا بآنچه قسمت کردی و بده ما را در اینجهان

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ

نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب

النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ

آتش سوزنده و روزی ده ما را در این شب یاد کردن تو و سپاس گذاری تو

وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ

و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق

لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

از برای آنچه توفیق دادی آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد سلام

دعای شب بیست و هفتم يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ

ای گسترانندهٔ سایه و اگر میخواهی

جَعَلْتَهُ سَاكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً

میگردانی آنرا ساکن و گردانیدی آفتاب را بر وجود سایه دلیل

ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً يَا ذَا الْحَوْلِ

پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک ای خداوند

وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

زیادتی و انعام و بزرگواری تو و نعمتها نیست سزاوار پرستش مگر تو

يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

اى برانگیزنده آنها که در قبرهایند اى خدا اى خدا اى خدا

لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ

مر تراست نامهاى نيك و داستانهاى بلند و

الْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ

بزرگوارى و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب

فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي

در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا

فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ

در علیین و بدى مرا آمرزیده و اینکه ببخشی

لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

از من و اینکه خشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده براى من و بده ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

دنیا نیکی و در آخرت نیکی

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش

الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

سوزنده و روزی کن ما را در این شب ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای

برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و بر ایشان

شب بیست و هشتم يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَخَازِنَ

ای نگاهدارنده ظلمت شب در هوا و نگاهدارنده

النُّورِ فِي السَّمَاءِ وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى

روشنائی در آسمان و منع کننده آسمان از اینکه فرود آید بر

الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا

زمین مگر بدستوری خود و بازدارنده آن دو از اینکه ناچیز شوند

يَا عَلِيمُ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللهُ يَا وَارِثَ

ای دانا ای بزرگ ای آمرزگار ای همیشه موجود ای خدا ای میراث برنده

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْاٰلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

بزرگواری و نعمتها سوال میکنم اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ

محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان

وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ وَ

و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و

اِسَاءَتِيْ مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ

بدی من آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقین که مباشر آن کنی

بِهٖ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّيْ وَتُرْضِيَنِيْ بِمَا

دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خشنود سازی مرا به آنچه

قَسَمْتَ لِيْ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ

قسمت کرده برای من و بده ما را در اینجهان نیکی و در آن جهان

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيْقِ وَارْزُقْنِيْ

نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن ما را

فِيْهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ

در این شب ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی بسوی خود و توبه

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي
ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده درروزی کن مرا
فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ
درین شب ذکر خود وشکر خود ورغبت
إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ
بسوی خود وترس از خود وتوبه درباز گشت
وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ
وتوفیق برای انچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ دعای شب
رحمتهای تو براو وبرایشان همه ایشان
بعثت ونهم يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوِّرَ
ای درآورنده شب دررروز ودرآورنده
النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا رَبَّ
روز درشب ای دانا ای درست کردار ای پروردکار
الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
پروردکاران وبزرگ بزرکان نیست سزاوار پرستش مکر تو
يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ
ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ کردن ای خدا

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد واینکه بگردانی نام مرا در

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

این شب در زمره نیک بختان وروح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ

و نیکی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه

تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ

ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

شک را از من وخشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من وبده ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ

وسپاسگذاری خود وخواهشمندی بسوی خود وتوبه وبازگشت

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو.

وَالْاِنَابَةِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ

و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلَوٰتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب سیم

محمد را رحمتهای تو براو و برایشان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

سپاس مر خدا را که نیست انبازی برای او و سپاس مر خدا را چنانکه سزاوار کرم بزرگی

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ

ذات او را و ارجمندی بزرگواری او را و چنانچه او سزاوار است ای پاک

يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ

ای هویدا ای نور پاک ای منزه ای منتهای تنزیه

يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ

ای بخشاینده ای کننده بخشش ای خدا ای دانا ای بزرگ

يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ

ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای خدا ای شنوا

يَا بَصِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ

و داستانهای بزرگ و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت
پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در
دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت
حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول
حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام
صد مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و
پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه
اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخوانند زیرا که
مشکل است به یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت الارض خواندن
بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم
در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر
رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش
رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید
و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم
دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات

علیه و علیهم اجمعین فصل ششم

براو و برایشان همه

در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزها بجهت آنکه مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند از آن جمله حضرت نبی است شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه سیم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید

وَوَفِّقْنِی فِیهِ لِقِرَاءَةِ آیَاتِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ
وتوفیق ده مرا دران برای تلاوة آیتهای کتاب خود برحمتهای خود ای بخشاینده ترین
الرَّاحِمِینَ دعای روز سیم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ
بخشایندگان خدا وندا روزی کن مرا درین ماه
الذِّهْنَ وَالتَّنْبِیهَ وَبَاعِدْنِی فِیهِ مِنَ السَّفَاهَةِ
زیرکی وآگاه کردانیدن و دور کردان مرا دران از کم خردی
وَالتَّمْوِیهِ وَاجْعَلْ لِی نَصِیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تُنْزِلُ
وپوشانیدن حق و بگردان بجهة من بهره از هر نیکی فرو فرستی
فِیهِ بِجُودِکَ یَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِینَ دعای روز
دران ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان
چهارم اَللّٰهُمَّ قَوِّنِی فِیهِ عَلَی إِقَامَةِ أَمْرِکَ وَ
یا خدایا توانائی بخش مرا درین ماه برای آنکه برپا دارم فرمان ترا و
أَذِقْنِی فِیهِ حَلَاوَةَ ذِکْرِکَ وَأَوْزِعْنِی فِیهِ
و بچشان مرا دران شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا دران
لِأَدَاءِ شُکْرِکَ بِکَرَمِکَ وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِکَ
برای بجا آوردن شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا بنگاهداری خود
وَسِتْرِکَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ دعای روز پنجم اَللّٰهُمَّ
و به پرده خود ای بیناترین نگرندگان خداوندا

بر محمد و آل محمد واین نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده‌اند و ما با صل دعاها اکتفا می نمایم

دعای روز اول اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیَامِیْ فِیْهِ

خدا وندا بگردان روزه مرا درین ماه

صِیَامَ الصَّآئِمِیْنَ وَقِیَامِیْ فِیْهِ قِیَامَ الْقَآئِمِیْنَ

مانند روزه داشتن روزه داران وایستادن مرا دران مانند ایستادن ایستادگان

وَنَبِّهْنِیْ فِیْهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِیْنَ وَهَبْ لِیْ

وبیدار کن مرا دران از خواب بیخبران وببخش بمن

جُرْمِیْ فِیْهِ یَا اِلٰهَ الْعَالَمِیْنَ وَاعْفُ عَنِّیْ یَا عَافِیًا

گناه مرا درآن ای خدا جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده

عَنِ الْمُجْرِمِیْنَ دعای روز دوم اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِیْ فِیْهِ

از گناهکاران خداوندا نزدیک گردان مرا درین

اِلٰی مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِیْ فِیْهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ

بسوی خوشنودیهای خود و دور گردان مرا دران از غضب خود و عقوبتهای خود

ذِكْرِكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ

یاد کردن خود همیشگی آن بتوفیق خود ای راهنمای گمراهان

دعای روز بیستم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْأَيْتَامِ

بارخدایا روزی مرا در این ماه مهربانی یتیمان

وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ وَمُجَانَبَةَ

و خورانیدن طعام و ظاهر ساختن سلام و پرهیز کردن

اللِّئَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَأَ الْآمِلِينَ

از لئیمان و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه امیدواران

دعای روز نهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ

خداوندا بگردان برای من در اینجا بهره از

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِبَرَاهِينِكَ

بخشش فراگیرنده خود و راهنما مرا در آن بدلایل

السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ

بلند خود و فراگیری موی پیش سر را حال آنکه برسانی ابسوی خشنودی جامع خود

بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ دعای روز دهم

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي

خداوندا بگردان مرا در این ماه از توکل کنندگان بر تو و بگردان مرا

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ

بگردان مرا در این ماه از جملهٔ آمرزش طلبان وبگردان مرا در آن

مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي

از بندگان نیکوکاران خود که فرمان بردارند وبگردان مرا

فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ

در آن از دوستان مقرب خود بمهربانی خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ دعای روز ششم اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ

بخشایندگان خداوندا خوار مگذار مرا در این ماه

لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسِيَاطِ

بجهة فرا پیش آمدن معصیت ونافرمانی ترا ومزن مرا بتازیانهای

نَقِمَتِكَ وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ

عقوبت خود ودور مگردان مرا در آن - از اموریکه واجب میکرداند غضب ترا

بِمَنِّكَ وَأَيَادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

ببخشش خود ونعمتهای خود ای منتهای خواهش خواهشمندان

دعای روز هفتم اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَ

بار خدا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه وایستادن در آن و

جَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَآثَامِهِ وَارْزُقْنِي فِيهِ

دور گردان مرا در آن از لغزشهای آن وگناهان او وروزی کن مرا در این

يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ دعای روز سیزدهم اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ

ای نگاهدارنده ترسناکان بارخدایا پاک گردان مرا در آن ماه

مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلٰى كَائِنَاتِ

از هر چرکی و همه قاذورات و شکیبائی ده مرا دران بر تقدیرات

الْاَقْدَارِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلتُّقٰى وَصُحْبَةِ الْاَبْرَارِ

کناهست و توفیق ده مرا دران برای پرهیزکاری وصحبت نیکوکاران

بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ دعای روز چهاردهم

بیاری خود ای روشنائی دیده بیچارگان

اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَاَقِلْنِي فِيهِ

بارخدایا مواخذه مکن مرا در این ماه بلغزشها و درگذر از دران

مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ

از گناهان ولغزشهای و مگردان مرا دران

غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْاٰفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ

نشانه برای تیرهای بلا وآفتها بعزت خود ای ارجمندی گردن نهندگان

دعای روز پانزدهم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ

بارخدایا روزی کن مرا دراین ماه فرمانبرداری فروتنی کنندگان

وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِاِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِاَمَانِكَ

وگشایش ده دران سینه‌ای مرا ببازگشت فروتنی کنندگان بامان دادن خود

فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ

ودران از رستگاران نزد خود وبگردان مرا درانجاه از

الْمُقَرَّبِينَ اِلَيْكَ بِاِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ

نزدیک گشتگان بسوی تو به نیکوی خود ای منتهای مطلب طلب کنندگان

دعای روز یازدهم اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيهِ الْاِحْسَانَ

خداوندا دوست دار بسوی من درانجا نیکوکاری را

وَكَرِّهْ اِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ

ودشمن گردان بسوی من دران بدکرداری ونافرمانی را وحرام گردان بر من

فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

درآن غضب وآتشها را بیاری خود ای فریادرس دادخواهان

دعای روز دوازدهم اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي فِيهِ بِالسِّتْرِ وَ

خداوندا آراسته کن مرا درانجاه از پوشش خود و

الْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَ

پرهیزکاری وبپوشان مرا دران بجامه قناعت و

الْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْاِنْصَافِ

روزی کفاف وبازگردان مرا دران بر عدالت وانصاف

وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا اَخَافُ بِعِصْمَتِكَ

وایمن گردان مرا دران از هرچه می ترسم نگاهداری خود

اِتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

پیروی نشانهای آن بروشنائی خود ای روشن گرداننده دلهای شناسندگان

دعای روز نوزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ

خداوندا وافر کن درابماه بهره مرا از برکتهای آن

وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ

وآسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن وناامید مکن مرا از پذیرفتن

حَسَنَاتِهِ يَا هَادِياً إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ دعای روز بستم

نیکیهای آن ای راه نمای بسوی دین حق روشن

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجِنَانِ وَأَغْلِقْ عَنِّي

بارخدایا بگشا برای من درابماه درهای بهشت را و ببند از من

فِيهِ أَبْوَابَ النِّيرَانِ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ

درآن درهای دوزخ را وتوفیق ده مرا درآن برای تلاوت

الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

قرآن ای فرود آورنده آرام در دلهای گروندگان

دعای روز بیست و یکم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ

بارخدایا بگردان برای من درابماه بسوی خشنودیهای خود

دَلِيلاً وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلاً

راهنمائی و مگردان برای شیطان درآن برمن راهی

يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ دعای روز شانزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي

ای ایمنی بخش ترسناکان خداوندا توفیق ده مرا

فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ

در این ماه برای موافقت نیکوکاران و دور گردان مرا در آن از همراهی

الْأَشْرَارِ وَآوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ

بدکرداران و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوی سرای درنگ

بِإِلٰهِيَّتِكَ يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ دعای روز هفدهم اَللّٰهُمَّ

بخدای خود ای خدای جهانیان بار خدایا

اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ

راهنمایی کن مرا در آن ماه بکردارهای شایسته و روا کن بجهت من در آن

الْحَوَائِجَ وَالْآمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ

حاجتها و آرزوها را ای آنکه محتاج نیست بسوی اظهار کردن

وَالسُّؤَالِ يَا عَالِماً بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ دعای روز هجدهم

و سوال نمودن ای دانا بآنچه در دلهای جهانیان است

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ

خدایا بیدار کن مرا در این ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن در آن

قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى

دل مرا بروشنایی روشنیهای آن و بدار همه اعضای مرا بسوی

وَأَعُوذُ بِكَ مَا يُؤْذِيكَ وَأَسْئَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ

وپناه میبرم بتو انچه ازرده نماید ترا وسوال میکنم از تو توفیق را دران

لِأَنْ أُطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيَكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ

برای آنکه فرمان برداری کنم ترا و نافرمانی نورزم ترا ای بخشش کننده سوال کنندگان

روز بیست وپنجم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ

خداوندا بگردان مرا دراین ماه دوستدار مر دوستان را

وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنًّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ

ودشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه آخر پیغمبران تو

يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ روز بیست وششم اَللّٰهُمَّ

ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خداوندا

اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا

بگردان کوشش مرا دراین ماه جزا داده شده وگناه مرا دران آمرزیده

وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا أَسْمَعَ

وکردار مرا دران پذیرفته وعیب مرا دران پوشیده ای شنواترین

السَّامِعِينَ روز بیست وهفتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ

شنوندگان خداوندا روزی کن بامن دراین ماه

فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ

فضیلت شب قدر وبگردان کارهای مرا دران از دشواری

وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلاً وَمَقِيلاً يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ

و بگردان بهشت را برای من محل فرود آمدن و آرامگاه ای برآورنده حاجتهای

الطَّالِبِينَ ، و زیست و دوم اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ

سوال کنندگان خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای

فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ

فضل خود را و فرود آور بر من در آن زیادتیهای خود را و توفیق ده مرا در آن

لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَأَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَةَ

برای اموریکه واجب سازند خوشنودیهای تو و ساکن کن مرا در آن در میانهای

جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ بیست و سیم

بستانهای خود ای اجابت کننده دعای درماندگان

اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي

خداوندا بشوی مرا در این ماه از گناهان و پاک گردان مرا

فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى

در آن از عیبها و آزمایش کن دل مرا در آن به پرهیزکاری

الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ

دلها ای درگذرنده از لغزشهای گناهکاران

و بیست و چهارم اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو در این ماه آنچه را که خشنود سازد ترا

تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةٌ فُرُوعُهُ

به پسندی آنرا و به پسند دانرا رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن

بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

باصلها بحق بزرگ ما محمد وآل او که پاکانند

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مؤلف گوید که در تقدیم و تاخیر

وسپاس مرخدا یراکه پروردگار عالمیان است

دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر ندیدم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیوم خواندن دور نیست که آنشب باشد والله اعلم **باب چهارم**

در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آنشب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که

الی الیسر واقبل معاذیری وحطّ عنّی الوزر
بسوی آسانی و بپذیر عذرهای مرا و فرود آورده از من بارگران را
یا رؤفاً بعباده الصالحین روز بیست و هشتم
ای مهربان به بندگان نیکوکار خود
اللهم وفّر حظّی فیه من النوافل واکرمنی فیه
خداوندا کامل گردان بهره مرا در این ماه از زیادتیها و گرامی دار مرا در آن
باحضار المسائل وقرّب فیه وسیلتی الیک
بحاضر ساختن سوالها و نزدیک گردان مرا در آن وسیله مرا بسوی خود
من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحّین
از میان وسیلها ای آنکه باز نمیدارد او را مبالغه مبالغه کنندگان
روز بیست و نهم اللهم غشّنی فیه بالرحمة وارزقنی
خداوندا بپوشان مارا در این ماه برحمت و روزی کن مرا
فیه التوفیق والعصمة وطهّر قلبی من غیاهب
در آن توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای
التهمة یا رحیماً بعباده المؤمنین روز سی ام
دروغ بربستن ای مهربان به بندگان گرونده خود
اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر والقبول علی ما
خداوندا بگردان روزه مرا در این ماه مقرون بسپاس گذاری و بپذیرائی بر وجهیکه

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

ای خداوند انعام وبخشش ای خداوند انعام واحسان ای برگزیده محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رحمت فرستاد خدا براو وآل او رحمت بفرست بر محمد وآل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبید پس سر از سجده برمیداشتند وميفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کند واگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا تعالی او را بیامرزد وبعد از نماز سنت است که این دعا را بخواند

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا مَلِكُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک

يَا اللهُ يَا سَلَامُ يَا اللهُ يَا مُؤْمِنُ يَا اللهُ يَا مُهَيْمِنُ يَا اللهُ

ای خدا ای سالم از هر نقص ای خدا ای امان دهنده ای خدا ای دانا بهر چیز ای خدا

يَا عَزِيزُ يَا اللهُ يَا جَبَّارُ يَا اللهُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللهُ يَا خَالِقُ

ای ارجمند ای خدا ای کارفرما بقهر ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار

يَا اللهُ يَا بَارِئُ يَا اللهُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللهُ يَا عَالِمُ

ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگاه دارنده ای خدا ای دانا

يَا اللهُ يَا عَظِيمُ يَا اللهُ يَا كَرِيمُ يَا اللهُ يَا حَلِيمُ

ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار

مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد و ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر را مزد دستش نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است راوی گفت چه کار است مرا و آرا است که در آن شب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ

ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد و یاری دهنده او

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی را

اَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

که شمرده تو آنرا و او نزد تو در کتابی است روشن

پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ

پس هر حاجت که داری از حق تعالی بطلب که انشاء الله تعالی بر آورده است و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم یک مرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ پس می گفتند

یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا وَدُودُ

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست

یا اللّٰهُ یا نُورُ یا اللّٰهُ یا دافِعُ یا اللّٰهُ یا مانِعُ یا اللّٰهُ یا فاتِحُ

ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای باز دارنده ای خدا ای کشاینده

یا اللّٰهُ یا نَفّاعُ یا اللّٰهُ یا جَلِیلُ یا اللّٰهُ یا جَمِیلُ یا اللّٰهُ

ای خدا ای سود بخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نیکو ای خدا

یا شَهِیدُ یا اللّٰهُ یا شاهِدُ یا اللّٰهُ یا حَبِیبُ یا اللّٰهُ

ای دانا ای خدا ای دانا ای خدا ای دوست ای خدا

یا فاطِرُ یا اللّٰهُ یا مُطَهِّرُ یا اللّٰهُ یا مالِکُ یا اللّٰهُ یا مُقْتَدِرُ

ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا

یا اللّٰهُ یا قابِضُ یا اللّٰهُ یا باسِطُ یا اللّٰهُ یا مُحْیِی یا اللّٰهُ

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گستراننده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا

یا مُمِیتُ یا اللّٰهُ یا مُجِیبُ یا اللّٰهُ یا باعِثُ یا اللّٰهُ یا مُعْطِی

ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای بخشنده

یا اللّٰهُ یا مُفْضِلُ یا اللّٰهُ یا مُنْعِمُ یا اللّٰهُ یا حَقُّ یا اللّٰهُ

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا ای ثابت ای خدا

يَا اَللّٰهُ يَا حَلِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا بَصِيرُ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای راست گفتار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا

يَا قَرِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا

يَا وَاجِدُ يَا اَللّٰهُ يَا وَلِيُّ يَا اَللّٰهُ يَا وَفِيُّ يَا اَللّٰهُ يَا مَوْلَىٰ

ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا ای وفا کننده ای خدا ای آقا

يَا اَللّٰهُ يَا قَاضِي يَا اَللّٰهُ يَا سَرِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا شَدِيدُ

ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا

يَا اَللّٰهُ يَا رَؤُفُ يَا اَللّٰهُ يَا رَقِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ

ای خدا ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده

يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ يَا مَاجِدُ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيُّ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا

يَا حَفِيظُ يَا اَللّٰهُ يَا مُحِيطُ يَا اَللّٰهُ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ

ای نگهدارنده ای خدا ای فراگیرنده ای خدا ای بزرگ بزرگان

يَا اَللّٰهُ يَا اَوَّلُ يَا اَللّٰهُ يَا آخِرُ يَا اَللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا

يَا بَاطِنُ يَا اَللّٰهُ يَا فَاخِرُ يَا اَللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ

ای نهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای صاحب قهر و غلبه ای خدا ای پروردگار

يَا غَفُورُ يَا اَللّٰهُ يَا شَكُورُ يَا اَللّٰهُ يَا نُورُ يَا اَللّٰهُ يَا حَنَّانُ

ای آمرزکار ای خدا ای جزاء دهنده ای خدا ای هویدا آکی خدا ای بغایت مهربان

يَا اَللّٰهُ يَا قَدِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ

ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردکار ای خدا ای پروردکار ای خدا

يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ

ای پروردکار ای خدا ای پروردکار ای خدا ای پروردکار ای خدا ای پروردکار

يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

ای خدا ای پروردکار ای خدا ای خدا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضَاكَ وَتَعْفُوَ عَنِّي

بر محمد و آل محمد ومنت گذاری بمن بخوشنودی خود ودر گذری از من

بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقَكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبَ

به بردباری خود وفراخی بخش بر من از روزی حلال پاک خود

مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ

از انجا که کمان برم وازانجا که کمان نبرم

فَاِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ لِي اَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا اَحَدٌ

زیرا که بتحقیق من بنده توام نیست مرا هیچکس غیر تو ونه احدی که

اَسْئَلُهُ غَيْرَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ

درخواهم از غیر تو ای بخشنده ترین بخشندکان انچه خواسته خدا میشود نیست توانائی

يا مُبِينُ يا اَللهُ يا طَيِّبُ يا اَللهُ يا مُحْسِنُ يا اَللهُ يا مُبْدِئُ

ای پیدا و هویدا ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکوکردار ای خدا ای ابتدا کننده

يا اَللهُ يا مُعِيدُ يا اَللهُ يا بارِئُ يا اَللهُ يا بَدِيعُ يا اَللهُ

ای خدا ای بازگرداننده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا

يا هادِي يا اَللهُ يا كافِي يا اَللهُ يا شافِي يا اَللهُ يا عَلِيُّ

ای راه نما ای خدا ای کارگزار ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه

يا اَللهُ يا حَنّانُ يا اَللهُ يا مَنّانُ يا اَللهُ يا ذَا الطَّوْلِ

ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای خداوند بخشش

يا اَللهُ يا مُتَعالِي يا اَللهُ يا عَدْلُ يا اَللهُ يا ذَا الْمَعارِجِ

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای دادخواه بانصاف ای خدا ای خداوند بلندیها

يا اَللهُ يا صادِقُ يا اَللهُ يا دَيّانُ يا اَللهُ يا باقِي يا اَللهُ

ای خدا ای راستگو ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای بی زوال ای خدا

يا ذَا الْجَلالِ يا اَللهُ يا ذَا الْاِكْرامِ يا اَللهُ يا مَعْبُودُ

ای خداوند بزرگوار ای خدا ای خداوند گرامی داشتن ای خدا ای پرستیده شده

يا اَللهُ يا مَحْمُودُ يا اَللهُ يا صانِعُ يا اَللهُ يا مُعِينُ يا اَللهُ يا مُكَوِّنُ

ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مددکننده ای خدا ای ایجاد کننده

يا اَللهُ يا فَعّالُ يا اَللهُ يا لَطِيفُ يا اَللهُ يا جَلِيلُ يا اَللهُ

ای خدا ای بغایت توانا ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگوار ای خدا

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید چند مرتبه تیر وارد شده است
وایضا سنت موکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز
عید این تکبیرات را بخواند اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

نیست سزاوار پرستش بجز خدا و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است و مر خدای راست سپاس

اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا

خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را

واما اعمال روز عید پس زکوة فطر واجب موکد است و ترکش با تحقق شرایط
وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تمامی روزه دادن زکوة
است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که
هرکه روزه بگیرد و زکوة فطر ندهد روزه اش مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند
واگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا
زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ
مَنْ تَزَكّٰى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى یعنی بتحقیق رستگاری یافت
هرکه زکوة فطره را داد و پروردگار خود را یاد کرد بآن تکبیرات که مذکور شد
پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس سجده میروی و میگوئی

مگر بتوفیق خدا بلند آمد بزرگ مرتبه

يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَبُّ يَا اَللهُ يَا رَبُّ يَا اَللهُ يَا رَبُّ

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

يَا اَللهُ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حَاجَةٍ

ای خدا ای فرودآورنده برکتها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی

اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اِسْمٍ فِي مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهان است در خزانهٔ غیب نزد تو

وَالْاَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلٰى

و نامهای فاش کرده شده نزد تو که نوشته شده است بر

سُرَادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سراپرده عرش تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَقَبَّلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي فِي

و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در

الْوَافِدِينَ اِلٰى بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ

زمره وارد شدگان بسوی خانهٔ محترم و درگذری برای من از گناهان

الْعِظَامِ وَتَسْتَخْرِجَ يَا رَبِّ كُنُوزَكَ يَا رَحْمٰنُ

بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من دفینه‌های خود را ای بخشاینده

که در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آنجا [illegible] و افطار [illegible]
در شب عید در خانهٔ او [illegible] و اگر بعد از شام و [illegible]
از مال او کند یا نکند واجب نیست بر صاحبخانه و اگر پیش از شام داخل
و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان به
اذن دیگری به مستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه
و کسوهٔ او را بدهد و در خانهٔ دیگر باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب
عید پیش از شام از جهت همسایه طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی
بدهد یا شخصی که در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار
کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانهٔ او آید یا چیزی نخورده باشد و
و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت
آخر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد که بهتر است
و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام عید است تا ظهر روز عید
و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کنند
و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح جدا کنند نیز خوب است و اگر پیش از
نماز جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق
یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست
که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید بگذرد و بقصد قربت بدهد
و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من

از تلف شدن محفوظ می‌ماند چنانچه منقول است که هیچ مالی در دریا و صحرا
تلف نمی‌شود مگر به ندادن زکوة و همچنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه
میکند از [illegible] معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند
چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت صادق ع با معتب وکیل خرج خود
فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را
ترک مکن که زکوة ایشان را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی می‌ترسم که در عوض
مال بمیرد و بدانکه زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی‌شود
و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است که فطره ایشان را
بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال
دیگری باشد و مشهور و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط
است و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته
باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال او کند و بعضی گفته‌اند
اگر در شب عید زیاده بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد
بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک صاع فطره را
با عیال خود دست بدست بگرداند بعد از آن بفقیر دیگر بدهد همه ثواب
فطره می‌یابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب
النفقه او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد که اگر عیال
دیگری باشد بر او واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس

و احتیاط آنست که فقیری را کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس [illegible]
می توان داد و فطره را بواجب النفقه نمی توان داد و بخویشان غیر واجب النفقه
دادن بهتر است و بعد از ان بهمسایگان پریشان و بعد از ان بکسانیکه فاضلتر
و صالحتر و پریشان تر باشند و فطره غیر سید را بسید نمی توان داد و
فطره سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که در
روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کند و سنت است که بر خرما افطار
کند و غسل روز عید سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند و از
حضرت صادق منقول است که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن
و پیش از غسل بگو اَللّٰهُمَّ اِيْمَاناً بِكَ وَتَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ
بار خدایا تصدیق نموده ام بتو و یاد دارم کتاب ترا و
اِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو
و پیروی نموده ام طریقه پیغمبر ترا رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او
و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
خداوندا بگردان این غسل را
كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَطَهِّرْ دِينِي اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ
محو نماینده مر گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک را
و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موکده است و ثواب
بسیار دران وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام

واجب باشد فطره باشد واولی تصدق باشد بپدر و مادر و جد و جده و
فرزندان و فرزندان [illegible] کان هرگاه فقیر باشند [illegible] ایشان برادر و
است پس اگر [illegible] خورند فطره بر او است واگر عیال شخص دیگر باشند
بر آن شخص دیگر است و از عیال آن دیگر می بر نباشند اشهر واحوط آنست
که او فطره ایشانرا بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب او
باشد می تواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد
و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز و بعد از آن هرچه قوت غالب
باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان نان گندم است
بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دیهات که غالباً نان جو میخورند
جو بدهند و در حدیث است که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوستتر
میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم و اما مقدار فطره و از هر شخصی یکصاع
باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یک من تبریز و چهارده مثقال
و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط
آنست که یک من شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و
عیال خود را نداشته باشد و سایل بکف خود نباشد و احوط آنست که متظاهر
بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه
السلام بمجتهد جامع الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند
چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند

وَاَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً

و اینکه درآوری مرا در هر نیکی که درآوردی درآن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ

وآل محمد را و اینکه بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی

مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

ازان محمد وآل محمد را رحمتهای تو براو و برایشان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ

بارخدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو بهترین چیزی که سوال کردند ترا بان بندگان

الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ

شایسته تو و پناه میگیرم بتو از انچه پناه جستند ازان بندگان

الْمُخْلِصُونَ و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده

مخلص تو و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند

صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السّلام منقول است که در روز جمعه

و عید فطر و عید قربان وقتیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید

میشوی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّاَ

بارخدایا انکه مهیا کردیده دراین روز یا ساخته خودرا

اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ

یا اماده کردیده و مستعد شده برای وارد شدن بسوی آفریده بجهة امید بخشش او

و جمعه واجبست و در زمان غیبت امام اکثر علما سنت میدانند و بعضی بجماعت
کردن سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کرد و بگمان فقیر واجب
است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند
حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است در رکعت
اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت می خواند
و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند
و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی او را نداند آنچه در نماز [illegible]
میخواند بخواند و هرگاه بجماعت کنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز میخواند
و قنوت مخصوص نماز عید اینست اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیٰاءِ وَالْعَظَمَةِ

بار خدایا ای سزاوار بزرگواری و عظمت

وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

و ای سزاوار بخشش و جبروت و ای سزاوار درگذشتن و بخشش

وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ

و ای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سؤال میکنم از تو بحق این روزی

الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

که گردانیده آنرا برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستاد خدا

وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِیدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و آل او ذخیره و زیادتی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا

نمی‌آمرزد گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدایی مگر

اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

و در حدیث معتبر از حضرت امام صاحب العصر علیه السلام منقول است که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِي وَ عَلِيٍّ

بارخدایا بوسیله من رو کرده‌ام بسوی تو بوسیله محمد از پیش روی خود و علی

مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ اَئِمَّتِي عَنْ يَسَارِي

از پس خود و از جانب راست خود و پیشوایان از جانب چپ خود

اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفَى

پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی می‌جویم بسوی تو نزدیکی

لَا اَجِدُ اَحَدًا اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتِي

نمی‌یابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان منند

فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَ سَخَطِكَ وَ

پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترسیدن مرا از عقوبت تو و خشم تو و

اَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

درآور مرا برحمت خود در زمره بندگان شایسته خود

نَوافِلِه وَفَواضِلِه وَعَطاياه فَاِنَّ اِلَيكَ يا سَيِّدي

زیادتیهای او و نیکیهای او و عطاهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من

تَهْيِئَتي وَتَعْبِئَتي وَاِعْدادي وَاسْتِعْدادي رَجاءَ رِفْدِكَ

مهیا گشتن من و ساز شدن و خود سازی من و آماده شدن من بجهة امید بخشش تو

وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَفَواضِلِكَ وَفَضائِلِكَ

و صله‌های تو و زیادتیهای تو و نیکیهای تو و مزایای تو

وَعَطائِكَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلى عيدٍ مِنْ اَعْيادِ

و بخششهای تو و بتحقیق بامداد آمدم بسوی عیدی از عیدهای

اُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ

امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو بر او و بر آل او و فرود نیامده‌ام

اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ اَثِقُ بِه قَدَّمْتُه وَلا

بسوی تو در این روز با کردار نیکی که اعتماد کنم بآن پیش داشته باشم آنرا و نه

تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُه وَلكِنْ اَتَيْتُكَ خاضِعاً

رو کردم بمخلوقی که امید داشته باشم او را و لکن آمدم ترا فروتنی کننده

مُقِرّاً بِذُنُوبي وَاِساءَتي اِلى نَفْسي فَيا عَظيمُ

اقرار نماینده بگناهان خود و بدکرداری بسوی نفس خود پس ای بزرگ

يا عَظيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظيمَ مِنْ ذُنُوبي فَاِنَّه

ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من زیرا که بتحقیق

أَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي

میجویم آنچه که نزد تست پس آسان کن او را برای من و روا کن برای من حاجتهای

فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ

پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود و گفتار تو راست و درست است ماه

رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى

رمضانیست که فرو فرستاده شده در ان قرآن حال آنکه راه نمای

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

آدمیان است و نشانهای روشن است از راه نمای و جدا کردن حق از باطل

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ

پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی

فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ

در آن که قرآن است و مخصوص گردانیدی آنرا و بزرگ کردی آنرا

بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

بگردانیدن تو در ان شب قدر را پس گفتی که شب قدر

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ

بهتر است از هزار ماه فرو می آیند فرشتگان و روح

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى

دران شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری سلامتی است آن شب تا وقت

أَصْبَحْتُ بِاللهِ مُؤْمِناً مُوقِناً مُخْلِصاً عَلَى دِينِ

صبح کردم در حالتی که بخدای ایمان آورنده یقین دارنده خالص کننده بر دین

مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى

محمد و طریقه او و بر دین علی و طریقه او و بر

دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ

دین اوصیا و طریقه ایشان تصدیق نمودم به پنهان ایشان و

عَلَانِيَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اللهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ

آشکارای ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نمود در آن

إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بسوی آن محمد و علی و همه اوصیا و نیست قدرتی و نه توانائی

إِلَّا بِاللهِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا

مگر بتوفیق خدا و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنتی مگر

لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ تَوَكَّلْتُ عَلَى

مخصوص خدای یگانه غلبه دارنده ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر

اللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ

خدا و آنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا

بَالِغُ أَمْرِهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدْنِي

رساننده فرمان او خدایا بدرستیکه من آهنگ میکنم ترا پس آهنگ کن مرا

عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ

بر من برستگاری بهشت و ایمنی روز ترس از

كُلِّ فَزَعٍ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ

هر ترسی و از هر شدتی که آماده کرده آنرا برای روز رستخیز

أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ

پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو و حرمت پیغمبر تو

وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ أَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمُ وَ

و حرمت نیکوکاران از آنکه بپایان رسد این روز حال آنکه

لَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا أَوْ ذَنْبٌ

بوده باشد مرترا نزد من وبال که اراده کنی آنکه مواخذه کنی مرا بسبب آن یا گناهی

تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهِ وَتُشْقِيَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ

که قصد کنی آنکه بسنجی مرا بآن و بدبخت سازی و رسوانمائی مرا بآن

أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا

یا خطائی که اراده کنی آنکه مقایسه کنی بآن و بگیری آنرا

مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَأَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

از من نیامرزیده باشی آنرا برای من و سوال میکنم از تو بحرمت ذات

الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الَّذِي تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ

بزرگوار تو که بجا آورنده است هر کردنی که خواهد که میگوئی برای هر چیزی باش پس میباشد

مَطْلَعِ الْفَجْرِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيّٰامُ شَهْرِ رَمَضٰانَ

طلوع صبح بار خدایا این روزهای ماه رمضان

قَدِ انْقَضَتْ وَلَيٰالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ

تحقیق بپایان رسید وشبهای آن بتحقیق منقطع گردید وبتحقیق گردیدم

مِنْهُ يٰا اِلٰهِى اِلىٰ مٰا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّى وَاَحْصىٰ

از آن ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری بآن از من و داناتری

بِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدى فَاَسْئَلُكَ يٰا اِلٰهى بِمٰا

بشمار آن از شمار من پس سوال میکنم از تو ای خدای من بآنچه

سَئَلَكَ بِهِ عِبٰادُكَ الصّٰالِحُونَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلىٰ

سوال کرده اند بآن بندگان شایسته تو آنکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتَقَبَّلَ مِنّى

محمد وآل محمد وخاندان محمد واینکه بپذیری از من

مٰا تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِتَضْعيفِ

آنچه را که نزدیکی جستم بآن بسوی تو واینکه بخشش کنی بر من بدو چندان گردانیدن

عَمَلى وَقَبُولِ تَقَرُّبى وَقُرُبٰاتى وَاسْتِجٰابَةِ دُعٰائى

کردار من وپذیرفتن نزدیکی جستن من وموجبات قرب من واجابت کردن دعای

وَهَبْ لى مِنْكَ عِتْقَ رَقَبَتى مِنَ النّٰارِ وَمُنَّ

وببخش مرا از جانب خود آزاد نمودن گردنم از آتش ومنت گذار

عَبَدْتُكَ فِيهِ وَصُمْتُهُ لَكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مُنْذُ

عبادت کرده ام ترا در روزه داشتن آنرا از برای تو و نزدیکی جستم بسوی تو از آنوقت

أَسْكَنْتَنِي فِيهِ أَعْظَمَهُ أَجْراً وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ

که ساکن کردی مرا در آن بزرگترین آن از روی مزد و تمام ترین آن از روی نعمت و فراگیرنده

مَغْفِرَةً وَأَكْمَلَهُ رِضْوَاناً وَأَقْرَبَهُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

از روی آمرزش کاملترین آن از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری و پسندی

اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ

خداوندا مگردان آنرا آخر ماه رمضانیکه روزه داشتم آنرا بجهت تو

وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ

و روزی کن مرا بازگشت در آن پس بازگشت تا آنکه خشنود شوی و پس از

الرِّضَا وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً وَأَنْتَ

خوشنودی و تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو

عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا

از من خشنود باشی و من برای تو پسندیده باشم خداوندا بگردان در آنچه

تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم گردیده که رد و دیگر

وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و مبدل نمیشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود

لا اله الا هو اللهم اني اسئلك بلا اله الا انت

نیست سزاوار پرستش مگر او خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا انت

ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيد

اگر بوده باشی که خشنود باشی از من در این ماه زیاده کنی

فيما بقي من عمري رضى فان كنت لم ترض

در آنچه باقیمانده از عمر من خشنودی را پس اگر نبوده باشی که خشنود شده باشی

عني في هذا الشهر فمن الآن فارض عني

از من در این ماه پس از حالا خوشنود شو از من

الساعة الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي

در این ساعت در این ساعت و بگردان مرا در این ساعت

في هذا المجلس من عتقائك من النار وطلقائك

در این مجلس از آزاد کردگان خود و از آتش و از رها کردگان خود

من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك

از دوزخ و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و بخشش خود

يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك

ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت ذات

الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر رمضان

بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا اینماه بهترین ماه رمضانی که

أَبَدًا وَلَا رَهْبَةً يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

هرگز و نه ترسیدنی ای پروردگار پروردگاران خداوندا بدرستیکه من

أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ

سوال میکنم از تو اینکه بگردانی از جمله آنچه خواسته و اراده نموده و حکم کرده

وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي

و تقدیر نموده و واجب ساخته و روان ساخته اینکه دراز کنی عمر مرا

وَتُنْسِئَ فِي أَجَلِي وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ

و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی

فَقْرِي وَأَنْ تَجْبُرَ فَاقَتِي وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي وَ

نیازمندی مرا و اینکه تدارک کنی احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و

أَنْ تُعِزَّ ذُلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعَتِي وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي

اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا

وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي وَأَنْ تُكْثِرَ قِلَّتِي وَأَنْ تُدِرَّ

و اینکه رام کنی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی

رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي

روزی مرا در عافیت و توانگری و رفاهیت و اینکه کفایت کنی از من

مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى

آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و عقبای من و وا مگذاری مرا بسوی

فِي هٰذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ

در این سال و در هر سالی آنانکه پذیرفته باشد حج ایشان

الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ

جزا داده باشد حرکت ایشان آمرزیده باشد گناهان ایشان زایل کرده باشد از ایشان

سَيِّئَاتُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ مَنَاسِكُهُمُ الْمُعَافَيْنَ عَلَى

بدیهای ایشان قبول کرده باشد عبادتهای ایشان عافیت بخشیده بر

اَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمُ الْمَحْفُوظِينَ

سفرهای ایشان روآورنده بر اعمال حج خود نگاهداشته شده

فِي اَنْفُسِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِيهِمْ وَكُلِّ مَا

در نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و در هر چه

اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمُ اللّٰهُمَّ اقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هٰذَا

انعام کرده بآن بر ایشان بارخدایا بازگردان از مجلس من این مجلس

فِي شَهْرِي هٰذَا فِي يَوْمِي هٰذَا فِي سَاعَتِي هٰذِهِ

در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت

مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا ذَنْبِي

فیروز رستگار پذیرفته برای من دعای من آمرزیده شده گناه من

مُعَافًا مِنَ النَّارِ وَمُعْتَقًا مِنْهَا عِتْقًا لَا رِقَّ بَعْدَهُ

عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده از آن آزادیی که نباشد بندگی پس از آن

طَمَعِي وَرَجَائِي فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق رو آورده ام بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد

وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي وَأَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَتِي وَتَضَرُّعِي

و پیش کردم ایشانرا بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت خود و مطلب خود و زاری کردن خود

وَمَسْئَلَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و سوال کردن خود پس بگردان مرا بحرمت ایشان روشنای در اینجهان و در آنجهان

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لِي

و از نزدیکان زیرا که بتحقیق تو منت کذاشتی بر من بسبب ایشان پس ختم کن برای من

بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَ

به نیک بختی و بسلامتی و ایمنی و ایمان و

الْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا اَللهُ

آمرزش و خشنودی و سعادت و نگهداری ای خدا

أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا

توی برای هر حاجتی که ماراست پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و عافیت بخش مرا

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ

و دست مده بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد توانائی

لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

مارا باو و کارگذاری کن برای ما هر امری از امر دنیا و عقبی

نَفْسِي فَاَعْجِزَ عَنْهَا وَلَا اِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي وَ

نفس خود پس عاجز شوم از وی و نه بسوی آدمیان پس وا گذارند مرا

اَنْ تُعَافِيَنِي فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَ

بکه عافیت بخشی مرا در دین من و بدن من و جسد من و روح من و

وُلْدِي وَاَهْلِي وَاَهْلِ مَوَدَّتِي وَاِخْوَانِي وَجِيرَانِي

و فرزندان من و اهل من و دوستان من و برادران من و همسایگان من

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

از مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلم

اَلْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ

زندگان از ایشان و مردگان و اینکه منت گذاری بر من

بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ مَا اَبْقَيْتَنِي فَاِنَّكَ وَلِيِّي وَ

بامنیت و ایمان مدام که باقی داری مرا زیرا که بتحقیق توئی یاور من و

مَوْلَايَ وَثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَعْدِنُ مَسْئَلَتِي

آقای من و معتمد من و امیدگاه من و قرارگاه سوال من

وَمَوْضِعُ شَكْوَايَ وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي فَلَا تُخَيِّبْنِي

و جایگاه شکایت من و منتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا

فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَثِقَتِي وَلَا تُبْطِلْ

در امید من ای بزرگ من و آقای من و معتمد من و ناچیز مکن

یاد فرمود روایت است که ماههای حرام ذی قعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است
و درین ماهها ابتدا به قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید و غیر او
از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که هرکه در یکی از ماههای حرام
پنجشنبه و جمعه و شنبه را پی در پی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت
برای او نوشته شود و در روایتی از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب
پانزدهم ماه ذیقعده حق تعالی بسوی بندگان مومن نظر رحمت می کند
کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد صواب صد عابد با و عطا کند
که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشند و چون نصف شب بگذرد
شروع کن در دعا و عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی طلب کن
که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سیوم
ماه ذیقعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است
در روز بیست و پنجم ذیقعده روز دحو الارض است یعنی پهن شد زمین از کعبه
معظمه بر روی آب روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبدالله روایت
کرده که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم
ذی قعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز
روزه ام گفتیم فدایت شویم امروز چه روز است فرمود روزی است که رحمت
درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن شده است و کعبه درین روز
نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز به زمین فرود آمده

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای خدا وند بزرگواری و کرامت بفرست رحمت بر محمد و آل محمد

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن بر محمد و آل محمد

وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

و درود بفرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین رحمت که فرستادی و برکت دادی

وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری

و استحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است و نهی از آن نیز وارد شده است و ظاهر آن روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شد و از بعضی روایات کراهیت معلوم میشود اگر خصوص شوال را احتراز کنند بهتر است واما اعمال ماه ذیقعده بدانکه اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن

روز و شش بار در سه بار نه و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند

و بعد از سلام این دعا را بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ

نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه ای درگذرنده

الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ

لغزشها درگذر از لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن

دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي

دعای مرا ای شنونده دعاها بشنو آواز مرا و رحم کن مرا

وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و شیخ ره گفته است

و درگذر از بدیهای من ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن که مستحب است

که درین روز این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ

خداوندا ای گستراننده کعبه و شکافنده

الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ أَسْئَلُكَ

دانه و گرداننده سختی و زایل کننده هر اندوه سوال میکنم از تو

فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَ

در این روز از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا و

و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم
در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذیقعده
پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر کسیکه روزش را روزه بدارد چنانست
که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قایم علیه السلام درین روز
ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول ص منقول است که حق تعالی رحمت خود را
درین روز بر بندگان فرستاده است و روزه اش مثل روزه هفتاد سال
است و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب نازل شده است
و تعظیم کعبه بر آدم علیه السلام درین روز نازل شده هر که درین روز روزه
دارد هر چه درمیان آسمان و زمین است از برای او استغفار کنند و طلب
آمرزش نمایند و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که اول
رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعده
بود هر که درین روز روزه دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برای
او عبادت صد ساله نوشته شود و کسی که درین روز روزه داشته باشد و شبها را
بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتیکه درین روز جمع شوند برای ذکر پروردگار
خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجات ایشان بر آورده شود و درین روز
هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه
رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول شوند

ما لطفت بی لطفك واسعدنی بعفوك وایدنی
مهربانی کن بمن بلطف خود ونیکبخت کن مرا بعفو خود وقوت ده مرا
بنصرك ولا تنسنی كريم ذكرك بتولية امرك
بیاری خود وفراموش مکن از من یاد کردن گرامی خود بجهت متولی امور
وحفظة سرك واحفظنی من شوائب الدهر الی
ونگهدارندگان حوائج خود نگاهدار مرا از آلودگیهای زمانه تا
یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیائك عند
روز برانگیختن وپراکنده گردانیدن وحاضر گردان برای من دوستان خود در اثر
خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وا
بیرون شدن روح من وفرود آوردن من در قبر خود وبریدگی کردار من و
انقضاء اجلی اللهم واذكرنی علی طول البلی اذا
منقضی شدن زندگی من بار خدایا ویاد کن مرا بر درازی زمان پوسیدگی هرگاه
حللت بين اطباق الثری ونسینی الناسون من
فرود آیم میان طبقهای خاک وفراموش کنند مرا فراموش کنندگان از
الوری واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل
خلق وفرود آور مرا در سرای اقامت وجای ده مرا در جایگاه
الكرامة واجعلنی من مرافقی اولیائك واهل
نوازش وبگردان مرا از رفقای دوستان خود

قَدَّمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ ذَرِيعَةً

پیش داشتی پیشی آنرا وگردانیدی آنرا نزد گروندگان آماده

وَاِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ

وبسوی خود وسیله وبرحمت فراگیرنده تو آنکه رحمت بفرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ

بر محمد بنده خود که برگزیده شده است در روز پیمان نزدیک در روز

التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ اِلٰى كُلِّ حَقٍّ وَعَلٰى

بهم رسیدن گشاینده هر بسته و خواننده خود بسوی هر امر حقی و بر

اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ

خانواده او که پاکانند راه نمایانند نشانهای هدایت اند ستونهای بزرگ

وَوُلَاةِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا

ووالیان اهل بهشت و دوزخ اند وعطا کن مارا در روز ما این روز

مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ

از عطای پنهان داشته خود حال آنکه نباشد بریده شده ونه منت نهاده شده

تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ

که فراهم کنی برای ما بسبب آن توبه ونیکویی بازگشت را ای بهترین کسیکه خوانده شود

وَاَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ

وبزرگوارترین کسیکه امید داشته شود ای کارگزار ووفاکننده ای آنکه لطفش پنهان است

وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ وَضَيِّقْ

ودرهلاک ایشان بشتاب وباز گیر از ایشان مملکت های ایشانرا وتنگ کن

عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ

برایشان راه های ایشانرا ولعنت کن بر هم قماران ایشانرا وشریکان ایشانرا

اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَآئِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ

خداوندا بشتاب بانکشایش دوستان خود را وبرگردان برایشان حقهای ایشانرا

وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَآئِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا

وظاهر ساز براستی ودرستی قایم ایشانرا وبگردان او را بجهة دین خود انتقام کشنده

وَبِاَمْرِكَ فِيْ اَعْدَآئِكَ مُؤْتَمِرًا اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ

وبفرمان خود در باره دشمنان خود فرمان بردار خداوندا فروگیرا ورا

بِمَلٰٓئِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِيْ

بفرشتگان یاری وبانچه بفرستی براو از امری در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّٰى تَرْضٰى وَيَعُوْدَ دِيْنُكَ

شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خشنود شوی وبرگردد دین تو

بِهٖ وَعَلٰى يَدَيْهِ جَدِيْدًا غَضًّا وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضًا

بسبب آن وبدستهای او نو تازه ۔ وخالص نماید حق را خالص نمودنی

وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

وبراندازد باطل را براندا ختنی خداوندا رحمت بفرست براو وبرآل او

اجتبائك واصطفائك وبارك لي في لقائك

و برگزیدگان گردان [برگزیدگان خود] و برکت ده مرا در ملاقات خود که

وارزقني حسن العمل قبل حلول الأجل بريئاً

و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل حال آنکه بوده باشم بیزار

من الزلل وسوء الخطل اللهم وأوردني حوض

از لغزش و زشتی سخن خداوندا وارد ساز مرا در کنار حوض

نبيك محمد صلى الله عليه وآله واسقني منه مشرباً

پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بیاشامان مرا از آن حوض آشامیدنی

روياً سائغاً هنيئاً لا أظمأ بعده ولا أحلأ ورده

کامل آسان گوارا که تشنه نگردم پس از آن و منع کرده نشوم از وارد شدن آن

ولا عنه أذاد واجعله لي خير زاد وأوفى ميعاد

و نه از آن را نده شوم و بگردان آن را برای من بهترین توشه و وفا کرده شده ترین وعده

يوم يقوم الأشهاد اللهم والعن جبابرة الأولين

در روزی که بر پا شوند حاضران خداوندا لعنت کن تسلط دارندگان پیشینیان

والآخرين وبحقوق أوليائك المستأثرين

و پسینیان را و بحقوق دوستان تو اختیار کنندگان را

اللهم واقصم دعائمهم وأهلك أشياعهم وعاملهم

بار خدایا و بر هم شکن ستونهای ایشان را و نیست گردان تابعان ایشان را و دانای ایشان را

[illegible] دوری کردن از گوشت چهارپایان که گاو و گوسپند و شتر
و غیره است و در احادیث معتبره بسیار از اهل بیت صلوات الله علیهم
منقول است که ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات
روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوبتر نیست
از ده روز اول ماه ذیحجه چون این ماه داخل می‌شد علمای صحابه و تابعین
اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که پدرم امام محمد باقر علیه السلام با من گفت ای فرزند گرامی
البته در هر شب از ده شب اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آور و در میان نماز شام
و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه را بخوان
وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ
رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي
فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون
چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود و هر چند حج نروی
روز اول ذیحجه روز مبارکی است در روایتی وارد شده است که حضرت
ابراهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز
حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلام منقول است که هر که روز اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد

وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ

بر ایشان و دیگران مارا از یاران او و گروه او ... و

وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ

برانگیز مارا در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از

أَعْوَانِهِ اَللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَأَشْهِدْنَا

یاوران او خدایا برسان ... بر پا شدن او و حاضر گردان مارا

أَيَّامَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ

در روزهای دولت او و رحمت بفرست بر او و بگردان بسوی ما سلام او را و درود

عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است

و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضائل ماه ذیحجه است

و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکت اند

و حق تعالی میفرماید وَاذْكُرُوا اللهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ

یعنی یاد کنید خدا را در روزهای چند شمرده شده یعنی کم و بازفرموده

است وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ

مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند

منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در روزهای چند معلوم برای آنکه

الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ

بزرگواری بلندمرتبه بزرگ پاک است خداوند پادشاهی عظیم

الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ

دیرینه پاک است کسی که می بیند نشانهٔ مورچه را در سنگهای هموار پاک است

مَنْ يَرَىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ

آنکه می بیند فرود آمدن مرغ را در هوا پاک است کسیکه او

هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ

چنین است و نیست چنین غیر او

مولف گوید که بعد ازین انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد

در روز اول ذی حجه بگوید

حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی
علیه السلام منقول است که هر که نه روز اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد
حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد و شیخ طوسی علیه
الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است و اگر
نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه
روزه قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت
چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات
که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمول است بر تقیه
چنانچه در کتب مبسوطه دلایل آنرا اینجا ذکر کرده ام و باز شیخ ره گفته است
که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و
روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو
الله احد می خواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
می خواند و تسبیح اینست

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی
پاک است خداوند عزت بارفعت بلند پایه پاک است خداوند

وَتَرْضیٰ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ یَا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوَیٰ

و می‌پسندی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای قرارگاه هر شکایتی

وَیَا سَامِعَ کُلِّ نَجْوَیٰ وَیَا شَاهِدَ کُلِّ مَلَاءٍ وَیَا عَالِمَ

وای شنونده هر رازی و ای حاضر هر جمعی وای داناى

کُلِّ خَفِیَّةٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَکْشِفَ

هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی

عَنَّا فِیهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِیبَ لَنَا فِیهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّیَنَا

از ما درآنها بلا را و بپذیری برای ما درآنها دعا را و قوت دهی ما را

فِیهَا وَتُعِینَنَا وَتُوَفِّقَنَا فِیهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضیٰ

درآنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را درآنها برای آنچه دوست میداری ای پروردگار ما و می‌پسندی

وَعَلٰی مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنَا مِنْ طَاعَتِکَ وَطَاعَةِ

و بر آنچه واجب کرده بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری

رَسُولِکَ وَاَهْلِ وِلَایَتِکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ

رسول خود و دوستان خود خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

ای بخشنده ترین بخشایندگان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَهَبَ لَنَا فِیهَا الرِّضَا اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ وَلَا تَحْرِمْنَا

ببخشی ما را درآنها خوشنودی را بدرستیکه تو پذیرنده دعائی و نا امید مکن ما را

حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤَالِی عِلْمُکَ بِحَالِی

بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سوال نمودن دانائی تو بحال من

حق تعالی بکفایت شر آن ظالم میکند و شیخ و تلعکبری و سید ابن طاوس

بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه در عقب نماز صبح و در وقت

غروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْاَیَّامُ الَّتِی فَضَّلْتَهَا عَلٰی غَیْرِهَا مِنَ الْاَیَّامِ

بارخدایا این روزها است که زیادتی دادهٔ آنها را بر غیر آنها از روزها

وَشَرَّفْتَهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِیهَا بِمَنِّکَ وَرَحْمَتِکَ فَاَنْزِلْ

و بلند کرده پایه آنها را و رسانیدی مرا باینها بانعام خود و رحمت خود پس فرو فرست

عَلَیْنَا مِنْ بَرَکَاتِکَ وَاَسْبِغْ عَلَیْنَا فِیهَا مِنْ نَعْمَائِکَ

بر ما از برکتهای خود و تمام کن بر ما در اینها از نعمتهای خود

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِیهَا

بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد در اینها

وَاَنْ تَهْدِیَنَا فِیهَا سَبِیلَ الْهُدٰی وَتَرْزُقَنَا فِیهَا

و اینکه راه نمائی کنی ما را در آنها براه هدایت و روزی کنی ما را در آنها

التَّقْوٰی وَالْعَفَافَ وَالْغِنٰی وَالْعَمَلَ فِیهَا بِمَا تُحِبُّ

پرهیزگاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بآنچه دوست داری

وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ

وبگردان ما را در این عشر از آزاد کردیدگان خود و رها کرده شدگان خود از آتش

وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ النَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و فیروزی یافتگان به بهشت تو رستگاران برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً

و رحمت فرستاد خدا به محمد و آل او همه و درود فرستاد درود فرستادنی

شیخ و سید ابن طاوس روایت کرده‌اند بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که جبرئیل علیه السلام

از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج دعا هدیه آورد

و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستیکه

هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از عبادت کردن در این دهه اول

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او و مر او راست

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پادشاهی و مر او راست سپاس بدست او است نیکی و او بر همه چیز توانا است

دوم أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او

أَحَداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً سيم

یکتا است پناه نیازمندان فرا نگرفته است هیچ زنی و نه فرزندی

خَيْرَ مَا نَزَلَ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ

از خير آنچه فرود آمد در آنها از آسمان و پاك كن ما را از گناهان

يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ

اى داناى هر پنهان و واجب گردان براى ما در آنها سراى هميشگى را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و وامگذار براى ما در آنها گناهى را

إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ

مگر آنكه بيامرزى آنرا و نه غمى را مگر آنكه بگشائى آنرا و نه قرضى را مگر آنكه ادا كنى آنرا

وَلَا عَائِبًا إِلَّا أَدَّيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا

و نه پنهانى مگر آنكه برسانى آنرا و نه حاجتى از حاجتهاى اينجهان

وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و آنجهان مگر آنكه سهل كنى آنرا و آسان گردانى آنرا بدرستيكه تو بر هر چيز توانائى

اَللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُجِيبَ

بارخدايا اى داناى پنهانيها اى رحم كننده سرشك ديده‌ها اى پذيرنده

الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ يَا مَنْ

دعاها اى پروردگار زمين‌ها و آسمان‌ها اى آنكه

لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مشتبه نميشود براو آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد



عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در این و در روز قیامت
حسنات او زیاده از همه کسی باشد و هرکه دعای دوم صد مرتبه بخواند چنان
باشد که ده هزار ده مرتبه توریت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها داده باشد و
حضرت عیسیٰ گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریت و انجیل چیست جبرئیل
گفت طاقت ندارم نوشتن یکحرف توریت و انجیل نداشت هرکه در آسمانهای
هفت کاینه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که
اسرافیل اول بنده بود که گفت لاحول ولا قوة الا بالله و هرکه دعای
سیوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او بیند عاده هزار
هزار حسنه و محو کند از او هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار هزار
درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند
و صلوات فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسیٰ
گفت که ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت
که هرکه ایمان آورد با نچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغیری ندهد
شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبرانرا با و عطا میفرماید و هرکه دعای
چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی و بالا برد بسوی
حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هرکه خدا
نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسیٰ گفت یا جبرئیل
ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی امر

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش بجز خدا در حالتیکه یگانه است نیست شریکی برای او

أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

یگانه است مقصود محتاجان است نزاده و نزائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس

چهارم أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش بجز خدا در حالتیکه یگانه است نیست

لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا

مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده

يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر همه چیز تواناست

پنجم حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفَىٰ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ

بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مر آنرا که خواند و جناب ورا

وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهَىٰ أَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَا وَأَنَّهُ بَرِيءٌ

غیر خدا منتهای گواهی میدهم برای خدا بانچه خوانده خدا و بانکه بیزار

مِمَّنْ تَبَرَّأَ وَأَنَّ لِلّٰهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ

از انانکه بیزار می جوید و انکه بتحقیق برای خداست آنجهان و این جهان

پس چار یون گفتند تا وح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را

بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هر که دعای اول صد مرتبه بخواند

ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را می خواندی در دنیا و این شهر و آنچه بود در آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب نیست بخواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا بهترین ازین ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلای و غمی و مکروهی در آن نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از و منقطع نمیگردد

و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش مگر خدا

عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ

شمار شورشهای دریاها نیست سزاوار پرستش مگر خدا و رحمت او بهتر است

مِمَّا يَجْمَعُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ

از آنچه جمع کنند مردم نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار خارها و درختها

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ

نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار مو و پشم شتر نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار

الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُوْنِ لَا اِلٰهَ

سنگ و کلوخ نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار نگریستن چشمها نیست سزاوار پرستش

اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ

مگر خدا در شب چون تاریک گردد و صبح هرگاه بدمد

نداده است که شود. آنرا بگویم مولف گوید که اگر هر روز هریک از این دعا
را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز
هریک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید ابن طاوس
رضی الله عنهم از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که
در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی
عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان
هر درجه تا درجه دیگر صد ساله راه باشد برفتار سواری که تیز تاز و در هر درجه
شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یک جوهر که در آن فصلی
نباشد و در هر شهری از آن شهرها از انواع جواهر غرفها و خانها
و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و متکاها و خاتونها و خدمتکاران
و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف
آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد
و مبادرت نمایند بسوی آن هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب
راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل
بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری
برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز در آن
شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس با او گویند
ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند

اَللّٰهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی وَمَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی

بار خدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکوه

وَعالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَمُنْتَهی کُلِّ حاجَةٍ یا مُبْتَدِئاً

و دانای هر پنهان و منتهای هر حاجت ای ابتدا کننده

بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبادِ یا کَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ

بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز

یا جَوادُ یا مَنْ لا یُواری مِنْهُ لَیْلٌ داجٍ وَلا بَحْرٌ

ای بخشنده ای آنکه نمی پوشاند از او شب تار و نه دریای

عَجّاجٌ وَلا سَماءٌ ذاتُ اَبْراجٍ وَلا ظُلَمٌ ذاتُ

پر آب و نه آسمان که خداوند برجهاست و نه تاریکیهای که صاحب

ارْتِتاجٍ یا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِیاءٌ اَسْئَلُکَ

بستگی است ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سوال میکنم از تو

بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَریمِ الَّذی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ

بروشنای ذات بزرگوار تو که تابان نمودی آنرا بر کوه

فَجَعَلْتَهُ دَکّاً وَخَرَّ مُوسی صَعِقاً وَبِاسْمِکَ الَّذی

پس گردانیدی آن کوه را خورد و خرد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو نام که

رَفَعْتَ بِهِ السَّماواتِ بِلا عَمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ

بلند کردی بسبب آن آسمانها را بی ستون و گستردی بسبب آن زمین را

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِيِّ وَالصُّخُورِ

نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار بادها در بیابانها و کوهها

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلٰى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ

نیست سزاوار پرستش بجز خدا از این روز تا روزیکه دمیده شود در صور و از بعضی روایات مستفاد میشود که یکمرتبه نیز اکتفا بخواندن کرد و الله تعالی اعلم

فصل دوم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی حجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت ساله گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی

کتابت نسخ اصب نیا مرزد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ

رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و بر همه پیغمبران و همه

الْمَلَائِكَةِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخِضْرُ عَلَى قُلَلِ

فرشتگان و بحرمت آن نامی که حرکت نمود بسبب او خضر بر اعالی

الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي

آب چنانچه حرکت نمود بسبب او بر روی زمین و بحرمت نام تو آن نامیکه

فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ

شکافتی بسبب او دریا را بجهة موسی و غرق نمودی فرعون و گروه او را

وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ وَ

و رهانیدی بسبب آن موسی ابن عمران را و آنرا که با او بود و

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ

بحرمت نام نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن موسی بن عمران را

مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ

از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی او را و افکندی

عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي أَحْيَى بِهِ

بر او محبتی از جانب خود و بحرمت نام تو آن نامیکه زنده کرد بسبب او

عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتَى وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

عیسی بن مریم مردگان را و سخن گفت در گهواره حال آنکه کودک بود

عَلَىٰ وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ

بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو که پوشیده است پنهان داشته شده

الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی باو اجابت کنی

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ

و هرگاه سوال کرده شوی باو بخشش نمای و بنام تو که پاک است

الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَىٰ كُلِّ نُورٍ

بغایت منزه است دلیل روشن است آن نامی که او نور است بر هر نوری

وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ إِذَا بَلَغَ

و نوری است از نور روشن شود ازو هر نوری چون برسد

الْأَرْضَ انْشَقَّتْ وَإِذَا بَلَغَ السَّمٰوَاتِ فُتِحَتْ

زمین را شگافته شود و هرگاه برسد آسمانها را گشوده شود

وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ

و چون برسد عرش را بحرمت در آید بنام تو آن نامی که لرزان شوند

مِنْهُ فَرَائِصُ مَلٰئِكَتِكَ وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ

از رگهای گردن فرشتگان تو و سوال میکنم از تو بحق جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ

و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد برگزیده

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

پس بپذیرفتی دعای او را و رهانیدی او را از اندوه و همچنین میرهانی گروندگان را

وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَخَرَّ لَكَ

و بنام بزرگ تو آن نامی که خواند ترا باو داود و افتاد برای تو

سَاجِدًا فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ

سجده کنان پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو آن نامی که خواند ترا

بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ

باو آسیه زن فرعون هنگامیکه گفت پروردگار من بنا کن

لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ

برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و

عَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا

کردار او خلاص بخشی مرا از گروه ستمکاران پس پذیرفتی برای او

دُعَاءَهَا وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ

دعای او را و بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن ایوب هنگامیکه

حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ

فرود آمد باو بلا پس عافیت بخشیدی او را و دادی باو خاندان او را و مانند ایشان

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ

با ایشان بجهت بخشایشی از نزد خود و پند دادنی عبادت کنندگان

وَاَبْرَأَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِكَ وَبِاسْمِكَ

وعافیت بخشید کوری و پیسی را بدستوری تو و بنام تو

الَّذِیْ دَعَاكَ بِهٖ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجِبْرَئِیْلُ

آن نامیکه خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و جبرئیل

وَمِیْكَائِیْلُ وَاِسْرَافِیْلُ وَحَبِیْبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّی

و میکائیل و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَمَلٰٓئِكَتُكَ الْمُقَرَّبُوْنَ وَ

خدا بر او و آل او و فرشتگان مقرب و

اَنْبِیَآئُكَ الْمُرْسَلُوْنَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ

پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو

مِنْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِیْنَ وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ

از اهل آسمانها و زمینها و بحرمت نام تو آن نامیکه

دَعَاكَ بِهٖ ذُوالنُّوْنِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ

خواندند ترا باو خداوند ماهی چون رفت از میان قوم خشمگین پس گمان کرد

اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ

که هرگز تنگ نگیریم براو پس خواند ترا در تاریکیها بآنکه

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ

نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران

وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى

وبحرمت نام تو آن نامی که فرود آمد باستعانت او جبرئیل بر محمد رحمت فرستاد

اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ

خدا بر او و آلش و بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن آدم

فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَأَسْأَلُكَ

پس آمرزیدی برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و سوال میکنم ترا

بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

بحق قرآن بزرگ مرتبه و بحق محمد آخر پیغمبران

وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ وَبِحَقِّ

و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل در روز حکم کردن و بحق

الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ

ترازوهای عمل هرگاه برپا کرده شوند و نامههای اعمال هرگاه پراکنده کرده شوند

وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ وَمَا أَحْصَى

و بحق قلم و آنچه روان شده بآن و لوح و آنچه شمرده آنرا

وَبِحَقِّ الِاسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ

و بحق آن نامیکه نوشتهٔ آنرا بر سراپرده عرش

قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

پیش از آفریدن تو خلق را و دنیا و آفتاب را و ماه را

وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ

وبحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا باو یعقوب پس برگردانیدی

عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ

براو دیده اورا و روشنی دیده او یوسف را وفراهم آوردی پراکندگی اورا

وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَوَهَبْتَ لَهُ

وبحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی اورا

مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

پادشاهی که سزاوار نیست هیچکس را پس از و بدرستیکه توئی بغایت بخشنده

وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

وبحرمت نام تو آن نامی که رام کردی بسبب آن براق را بجهة محمد رحمت فرستاد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَالَ تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي

براو وآل او و درود چون گفت خدا که برتر است پاک است آنخدای که

أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

برد بنده خود را در اندکی از شب از مسجد الحرام تا مسجدیکه

الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

بالاتر است از همه مساجد و قول رسول خدا که پاک است آنکه رام گردانیده برای ما این را

وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

ونبودیم ما مرآنرا طاقت داران و بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود هرآینه بازگردندگانیم

طٰهٰ وَيٰسٓ وَكٓهٰيٰعٓصٓ وَحٰمٓعٓسٓقٓ وَبِحَقِّ

طه ویس وکهیعص وحمعسق وبحق

تَوْرٰيةِ مُوسٰى وَاِنْجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ دَاوُدَ

تورات موسی وانجیل عیسی وزبور داود

وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلٰى جَمِيعِ

وفرقان محمد رحمت فرستاد خداوند براو وآل او وبر همه

الرُّسُلِ وَبِاٰهِيًّا شَرَاهِيًّا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

پیغمبران وبحرمت خداوند ازلی بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَ

بحق راز گوئی که بود میانه تو و

بَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ

میان موسی پسر عمران بالای کوه طور سینا

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ

وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامیکه آموختی آنرا بملک موت

لِقَبْضِ الْاَرْوَاحِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بجهة گرفتن جانها وسوال میکنم از تو بحرمت آن نامیکه

كُتِبَ عَلٰى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ النِّيرَانُ

نوشته شد بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمودند آتشها

بِأَلْفَيْ عَامٍ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

به دو هزار سال و گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است

لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ

نیست انباز برای او و اینکه بتحقیق محمد بنده او و رسول او است و

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي

سوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامیکه پنهان است در خزانهای تو آن نامیکه

اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَظْهَرْ

منحصر صدا اشته آنرا در جمله علم نهانی که نزد تست مطلع نگردیده

عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ

بر او هیچکس از خلق تو و نه فرشته مقربی و نه پیغمبر

مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُصْطَفًى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

مرسلی و نه بنده برگزیده و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو

الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ

آن نامیکه شکافتی بسبب او دریاها را و برپا است بسبب آن کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي

و آمد و شد کرده بسبب او شب و روز و بحق سوره فاتحه

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ كِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَبِحَقِّ

و قرآن بزرگ مرتبه و بحق بزرگواران نویسندگان و بحق

وَمَا جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ

وانچه روان کردیده اند بر آن وبحق هر حقی که آن بر تو ثابت ولازم است

وَبِحَقِّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ

وبحق فرشتگان نزدیکان وروحانیان وکروبیان

وَالْمُسَبِّحِينَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ

وتسبیح کنندگان ترا در شب وروز وحال آنکه سست نمیشوند وبحق

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ

ابراهیم دوست تو وبحق هر دوستی که میخواند ترا

بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ يَا مُجِيبُ

میانه صفا ومروه ومی پذیری برای او دعای اورا ای پذیرنده

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ

سوال میکنم از تو بحرمت این نامها وبحرمت این دعاها

أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا

اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم وآنچه باز پس داشتیم وآنچه پنهان کردیم

وَمَا أَعْلَنَّا وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ

وآنچه آشکار نمودیم وآنچه ظاهر ساختیم وآنچه خفا نمودیم وآنچه تو

أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ

داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ببخشایش خود

لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

برای آن برگ پس گفتی ای آتش باش سرد و سلامت

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ

وسوال میکنم از تو بحرمت نام توآن نامیکه نوشتی سراپرده

الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ

بزرگواری وکرامت ای آنکه نمیرنجاند او را سوال کننده وکم نمیکند از خزانه او را

نَائِلٌ يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ أَسْأَلُكَ

عطائی ای آنکه باو استغاثه کرده شود وبسوی او پناه آورده شود سوال میکنم ترا

بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ

بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو ونهایت بخشایشی که ظاهر است

مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَدِّكَ الْأَعْلَى

از کتاب تو وبحرمت نام توآن نامیکه بزرگ است وعظمت تو که بلندتر است

وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَاحِ

وکلمهای کامل بلند پایه تو خداوندا ای پروردگار بادها

وَمَا ذَرَتْ وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ وَالْأَرْضِ

وانچه پراکنده نمود آنرا وآسمان وانچه سایه فکنده است برآن وزمین

وَمَا أَقَلَّتْ وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ وَالْبِحَارِ

وانچه برداشته ودیوان پلید وانچه گمراه نموده اند آنرا ودریاها

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ يَا أَجْوَدَ

اى پروردگار جهانيان اى جزا دهنده روز جزا اى بخشنده ترين

الْأَجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَسْمَعَ

بخشايندگان اى بزرگوارترين بزرگواران اى شنواترين

السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ

شنوندگان اى بيناترين نگرندگان اى تواناترين توانايان

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

بيامرز براى من گناهانى را كه تغيير ميدهد نعمتها را و بيامرز براى من گناهانى را

الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

كه باعث مى شود پشيمانى را و بيامرز براى من گناهانى را كه

تُورِثُ السَّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

در عقب دارد بيمارى را و بيامرز براى من گناهانى را كه مى دردپرده‌هاى

الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ

عصمت را و بيامرز براى من گناهانى را كه برميگرداند دعا را

وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ

و بيامرز براى من گناهانى را كه باز ميدارد باران آسمان را

وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِي

و بيامرز براى من گناهانى را كه بشتاب مى آورد نيستى را و بيامرز براى

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ

ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاهدارنده هر بیکسی ای انس دهنده

كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ

تنهای ای توانای هر ناتوانی یاور هر

مَظْلُومٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُونِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ

ستم رسیده ای روزی دهنده هر ناامیدی ای انیس وحشت زده

يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا غَافِرَ

ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده

كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

هر گناهی وخطای ای فریادرس فریادجویان

يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ

ای دادرس دادخواهان ای زایل کننده اندوه

الْمَكْرُوبِينَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ يَا بَدِيعَ

اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان ای نوپدید آورنده

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ

آسمانها وزمینها ای منتهای نهایت درخواهندگان

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای پذیرنده دعای درماندگان ای بخشنده ترین بخشایندگان

شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَيَسِّرْ لِيَ السَّبِيلَ

جانب چپ من واز بالای سر من واز زیر پای من وآسان کن برای من راه را

وَأَحْسِنْ لِيَ التَّيْسِيرَ وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ

ونکو گردان برام من آسان نمودن را وخوار مگذار مرا در امر مشکل من

وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي

وراه نمایی کن مرا ای بهترین راه نمایان ووا مگذار مرا بسوی نفس من در

الْأُمُورِ وَلَقِّنِي كُلَّ سُرُورٍ وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي

کارها وپیش آور مرا هر شادی وباز بگردان مرا بسوی اهل خود

بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ

با فیروزی ورستگاری شاد گردیده در دنیا وآخرت

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَارْزُقْنِي مِنْ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی وروزی کن مرا از

فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ

بخشش خود وگشایش ده بر من از روزیهای پاکیزه خود

وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ

وبکار دار مرا در فرمان برداری خود وپناه ده مرا از عذاب خود

وَنَارِكَ وَاقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ

وآتش خود وبگردان مرا هرگاه بمیرانی بسوی بهشت خود

الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

گناهانی را که برانگیزد بدبختی را و بیامرز برای من گناهانی را

الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ

که تاریک کند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را که زایل کند

الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ

پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را غیر تو

يَا اللَّهُ وَاحْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

ای خدا و بردار از جانب من هر وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو

وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِكَ فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً

و بگردان برای من از امر خود گشایش و بدر رفتن و آسانی

وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي

و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من

حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي

تا آنکه امید ندارم غیر ترا خداوندا نگاهدار مرا و عافیت بخش مرا

فِي مَقَامِي هَذَا وَاصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي

در جایگاه من این جایگاه و یار باش مرا در شب من و روز من

وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ

و از پیش روی من و از عقب من و از جانب راست من و از

وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ
وروزی کن مرا رفاقت پیغمبران درنشستگاه پسندیده
عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ
نزد پادشاهی صاحب اقتدار خداوندا پس مرتراست سپاس بر نیکوئی
بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ
انعام تو وبآفرینش تو ومعروف تو ومرتراست سپاس بر منقاد بودن
السُّنَّةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ
قیام نمودن بطریقه پیغمبرای پروردگار من چنانچه راه نمودی ایشانرا بدین خود وآموختی ایشانرا
كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ
کتاب خود پس راه نمای کن مارا وبیاموزان مارا ومرتراست سپاس بر نیکوئی
بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي
انعام تو ومعروف تو نزد من بخصوص چنانچه آفریدی مرا
فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَ
پس نیکو نمودی آفرینش مرا وآموختی مرا پس نیکو کردی آموختن مرا
هَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى
راه نمودی مرا پس نیکو کردی راه نمای مرا پس مرتراست سپاس بر
إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ
انعام تو برمن بر انعام قدیم وجدید پس بسیار از اندوه

بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ

برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت تو

وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ

واز گردانیدن تو عافیت خود را واز فرود آمدن عقوبت تو

وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ

واز نازل شدن عذاب تو وپناه میگیرم بتو از مشقت

الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ

بلا ودریافتن بدبختی واز بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

وشادی کردن دشمنان واز گزند آنچه فرود می آید از آسمان

وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنْزَلِ اَللّٰهُمَّ

واز بدی آنچه هست در کتاب فرو فرستاده شده خداوندا

لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْاَشْرَارِ وَلَا مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ

مگردان مرا از بدان ونه از یاران آتش

وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْاَخْيَارِ وَاَحْيِنِي حَيٰوةً

وناامید مکن مرا از صحبت نیکوکاران وزنده دار مرا زندگی

طَيِّبَةً وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْاَبْرَارِ

پاکیزه وبمیران مرا مردنی پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران

تَنشُرُهَا اَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

پراکنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا ازبراکه بتحقیق تو بر هر چیز توانائی

وَبِيَدِكَ خَزَآئِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ

وبدست تست خزانهای آسمانها و زمین و تو

الْوَاحِدُ الْكَرِيْمُ الْمُعْطِي الَّذِيْ لَا يُرَدُّ سَآئِلُهٗ

یگانه بزرگوار بخشنده که برگردانیده نشود سوال کننده او

وَلَا يَخِيْبُ اٰمِلُهٗ وَلَا يَنْقُصُ نَآئِلُهٗ وَلَا يَنْفَدُ مَا

وناامید نگردد امیدوار او وکم نگردد عطای او وبپایان نرسد آنچه

عِنْدَهٗ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيْبًا وَعَطَآءً وَجُوْدًا

نزد او است بلکه زیاده می‌شود به بسیاری وپاکیزگی وبخشش وجود

وَارْزُقْنِيْ مِنْ خَزَآئِنِكَ الَّتِيْ لَا تَفْنٰى وَمِنْ

وروزی کن مرا از خزانهای خود که فانی نگردد واز

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ اِنَّ عَطَآءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوْرًا

رحمت خود که فرا گیرنده است همه را بدرستیکه عطای تو نیست ممنوع

وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

وتو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشاینده‌ترین

الرَّاحِمِيْنَ ٥ واحادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه

بخشایندگان السّلام در شب وروز عرفه وارد شده است

يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي

ای آقای من که تحقیق گشودی آنرا وبسیار از غم ای آقای من

قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ

که تحقیق زایل کردی آنرا وبسا اندوه ای آقای من که تحقیق رفع نمودی آنرا

وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ

وبسا از بلا ای آقای من که بتحقیق گردانیدی آنرا وبسا از

عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى

ناپسندی ای آقای من که تحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست سپاس بر

كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ

هر حالتی در هر ارامگاهی وزمانی وبازگشتن گاهی

وَمُقَامٍ وَعَلَى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ اَللّٰهُمَّ

وجای درنگی وبر این حالت وبر هر حال خداوندا

اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هٰذَا

بگردان مرا از افزون ترین بندگان خود در بهره در این

الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ سُوءٍ

روز از نیکی که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمایی آنرا یا بدیی

تَصْرِفُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ أَوْ رَحْمَةٍ

که بگردانی آنرا یا بلایی که دفع کنی آنرا یا خیری که برانی آنرا یا رحمتی که

باشد نخواهد بود بلکه زیاده بر طاقت چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه در روز عرفه
بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعة
داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبوله و دو هزار
جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب
وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه
بنده مومن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات
غسل کند و متوجه زیارت آنحضرت شود بهر گامی که بر میدارد ثواب یک حج و یک عمره
بجهة او نوشته میشود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق سبحانه
و تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام می کند
و گناهان ایشان را می آمرزد و حاجات ایشانرا بر می آورد و بعد از آن متوجه
اهل عرفات میشود زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست
و در میان عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها نیافته باشد باید که در
سایر بلاد غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و
اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند
و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه
از حضرت صادق علیه السلام منقول است و احادیث در باب روزه روز
عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند
که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نکرداند سنت است

و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و زیارت دیگر انشاء الله تعالی بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شده اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار وارد شده است و بهترین اعمال در این روز دعا است حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبدالله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت موسی کاظم علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا از برای او میرسد که از برای تو صدهزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از صدهزار برابر دعای ملک که البته مستجاب است برای یکدعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات

بهترین چیزی که گفتیم من و پیغمبران پیش از من کلمه ای است که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

نیست سزاوار پرستش مگر خدا جل جلاله یگانه است

لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ

نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

زنده است که نمیرد بدست او است هر نیکی و او بر هر چیز توانا است

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ

خداوندا برتر است سپاس مانند آنچه میستائی و بهتر از آنچه میستائیم

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِي

و بالای آنچه می ستایند ستایندگان بار خدایا برای تست نماز من

وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ بَرَائِي وَبِكَ حَوْلِي

و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای تست بیزاری من و بتست قدرت من

وَمِنْكَ قُوَّتِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ

و از تست توانائی من بار خدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از احتیاج و

مِنْ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْاَمْرِ وَ

از اندیشه باطل سینه و از پراکندگی کار و

مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ

از عذاب قبر بار خدایا بدرستیکه من درخواهم از تو بهترین بادها

والا مکروه است بعضی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است
که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباهی در ماه
باشد یا بروزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه
دعا شود دو رکعت نماز بکند در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا
بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات و
گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و شیخ مفید این نماز را بعد
از نماز عصر ذکر کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف
باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد
مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه
قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر مذکور است
که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید
و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین
دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تانی و رقت بخواند
که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول
بحضرت امیر المؤمنین گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعا

بِدَانِی بِالْعِصْیَانِ فَاَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ وَكَمَا
بخشی کرفتی مرا به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش وچنانچه
اَكْرَمْتَنِی بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهَا بِمَغْفِرَتِكَ وَكَمَا
کرامی داشتی مرا بشناخت خود پس جفت کن او را بآمرزش خود وچنانچه
عَرَّفْتَنِی وَحْدَانِیَّتَكَ فَاَكْرِمْنِی بِطَاعَتِكَ وَكَمَا
شناسانیدی بمن یکانکی خود را پس کرامی دار مرا بفرمان برداری خود وچنانچه
عَصَمْتَنِی مِمَّا لَمْ اَكُنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ
نکاهداشتی مرا از انچه بوده من که بازدارم خود را از ان مکر بنکاهداری تو
فَاغْفِرْ لِی مَا لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنِی مِنْهُ یَا جَوَادُ یَا كَرِیمُ
پس بیامرز برای من انچه را که اکر میخواستی نکاه میداشتی مرا از ان ای بخشنده وای بزرکوار
یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ۞ و از حضرت امام موسی علیه السّلام
ای خداوند بزرکواری وکرامی داشتن ۞ این دعا منقول است
اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اِنْ تُعَذِّبْنِی
خداوندا بدرستیکه من بنده تو و پسر بنده توام اکر عذاب کنی مرا
فَبِاُمُورٍ قَدْ سَلَفَتْ مِنِّی وَاَنَا بَیْنَ یَدَیْكَ بِرُمَّتِی
پس باعتبار کارهائیست که بتحقیق پیش کذشته از من و من پیش توام بتمام اعضای خود
وَاِنْ تَعْفُ عَنِّی فَاَهْلُ الْعَفْوِ اَنْتَ یَا اَهْلَ الْعَفْوِ
واکر درکذری از من پس سزاوار درکذشتن توئی ای سزاوار درکذشتن

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيْءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَاَسْئَلُكَ

و پناه میگیرم بتو از گزند آنچه می آورد آنرا بادها و درمیخواهم از تو

خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي

نیکی شب و نیکی روز را بارخدایا بگردان در دل من

نُوْرًا وَفِي سَمْعِي نُوْرًا وَفِي بَصَرِي نُوْرًا وَفِي لَحْمِي نُوْرًا

روشنائی و در گوش من روشنائی و در چشم من روشنائی و در گوشت من روشنائی

وَفِي دَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوْقِي وَمَقَامِي وَمَقْعَدِي

و در خون من و استخوان من و در رگهای من و ایستادنگاه من و نشستنگاه من

وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُوْرًا وَاَعْظِمْ لِيَ النُّوْرَ نُوْرًا

و جای درآمدن من و محل برآمدن من روشنائی و بزرگ گردان برای من روشنائی

يَا رَبِّ يَوْمَ اَلْقَاكَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

ای پروردگار من در روزی که ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر هر چیز توانا هستی

واز حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا را

در روز عرفه بخوانند

اَللّٰهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ اَعْلَمْ فَاغْفِرْ لِي مَا

خدایا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را ندانستم از گناهان پس بیامرز برای من گناهی

تَعْلَمُ وَكَمَا وَسِعَنِي عِلْمُكَ فَلْيَسَعْنِي عَفْوُكَ وَكَمَا

که تو میدانی و چنانچه فراگرفته است مرا دانش تو پس باید که فراگیرد مرا درگذشتن تو و چنانچه

وَرائِشُ كُلِّ قانِعٍ وَراحِمُ كُلِّ ضارِعٍ وَمُنْزِلُ

وعطا کننده هر قناعت نماینده و رحم کننده هر زاری نماینده و فرو فرستنده

الْمَنافِعِ وَالْكِتابِ الْجامِعِ بِالنُّورِ السّاطِعِ وَهُوَ

سودها و کتابیکه جامع همه چیزها است بنور مرتفع درخشان واو

لِلدَّعَواتِ سامِعٌ وَلِلْمُطيعينَ نافِعٌ وَلِلدَّرَجاتِ

مر دعاها را پذیرنده است و فرمان برداران را سود بخشنده و مرتبه ها را

رافِعٌ وَلِلْكُرُباتِ دافِعٌ وَلِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ وَراحِمُ

بلند گرداننده و اندوه ها را زایل نماینده و متکبران را خوار سازنده و رحم کننده

عَبْرَةِ كُلِّ ضارِعٍ وَدافِعُ ضَرْعَةِ كُلِّ ضارِعٍ

اشک هر زاری کننده و زایل سازنده افتادگی هر افتاده

فَلا اِلٰهَ غَيْرُهُ وَلا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ

پس نیست سزاوار غیر او و نه چیزی که برابری کند او را و نیست مانند او چیزی و او است

السَّميعُ الْبَصيرُ اللَّطيفُ الْخَبيرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

شنوای بینا مهربان آگاه و او بر هر چیز توانا است

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

خداوندا بدرستیکه من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری

لَكَ مُقِرّاً بِاَنَّكَ رَبّي وَاَنَّ اِلَيْكَ مَرَدّي اِبْتَدَأْتَني

برای تو حال آنکه اقرار دارم باینکه تو پروردگار منی و آنکه بتحقیق بسوی تو است بازگشت من ایجاد کردی

یَا اَحَقَّ مَنْ عَفٰی اغْفِرْ لِی وَلِاِخْوَانِی
ای سزاوارترین کسیکه در گذشته بیامرز مرا و برادران مرا

و از جمله دعاهای مشهوره روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام است بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهلبیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس از جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر روی برداشتند مانند مسکینیکه با نهایت مذلت طعام طلبد این دعا را خواندند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَیْسَ
بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس مر خدا را که نیست

لِقَضَآئِهٖ دَافِعٌ وَّلَا لِعَطَآئِهٖ مَانِعٌ وَّلَا كَصُنْعِهٖ صُنْعُ
مر حکم یا تقدیر او را دفع نماینده و نه بخشش او را بازدارنده و نه مانند کار او کار

صَانِعٍ وَّهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ اَجْنَاسَ الْبَدَآئِعِ
کار کننده و اوست بخشنده فراگیرنده آفرید انواع نوپدید آمدگان را

وَاَتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَآئِعَ وَلَا تَخْفٰی عَلَیْهِ الطَّلَآئِعُ
و محکم نموده بدانش خود کارها را و پنهان نیست برو جماعتها

وَلَا تَضِیْعُ عِنْدَهُ الْوَدَآئِعُ جَازِیْ كُلِّ صَانِعٍ
و تلف نکرده نزد او امانتها اوست سزا دهنده بر کار کننده

مِنْ قَبْلِ ذٰلِكَ رَأَفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ

و پیش از این مهربانی کردی بمن ببخشش نیکوی خود و نعمتهای کامل از جمله

نِعَمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنىٰ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِي

نعمت خود پس نو پدید آوردی خلقت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس قرار دادی مرا

فِي ظُلُمَاتٍ ثَلٰثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ وَلَمْ تُشْهِرْنِي

در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و پوست و خون و مشهور ننساختی مرا

بِخَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئاً مِنْ اَمْرِي ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي

بخلقت من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار مرا پس بیرون آوردی مرا

اِلَى الدُّنْيَا تَامّاً سَوِيّاً وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً

بسوی دنیا کامل درست اعضا و نگاهداشتی مرا در گهواره حال آنکه طفل بودم

صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً طَرِيّاً مَرِيئاً وَعَطَفْتَ

خورد کودک و روزی کردی مرا از جمله خوردنی شیر تازه گوارا و مهربان کردی

عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَّلْتَنِي الْاُمَّهَاتِ الرَّحَائِمَ

بر من دلهای تربیت کنندگان را و کارگذار نمودی برای من مادرهای مهربان را

وَكَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ

و حراست نمودی مرا از سختیهای که میرسد از جن و سالم داشتی مرا از زیادتی

وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمٰنُ حَتّٰى اِذَا

و نقصان پس برتری تو ای مهربان ای بخشاینده تا آنکه چون

بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلَقْتَنِي

بنعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا

مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِي الْاَصْلَابَ آمِنًا لِرَيْبِ

از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از هر شدتی

الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ فَلَمْ اَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ

بجهت حوادث زمانه و ناموافقت روزگار پس همیشه بودم منتقل از

صُلْبٍ اِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

پشت پدری بسوی رحم مادری در پیشین روزهای گذشته و قرنهای

الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَاْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَ

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود نسبت بمن و نوازش خود مرا و

اِحْسَانِكَ اِلَيَّ فِي دَوْلَةِ اَيَّامِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ

نیکویی کردن بسوی من در دولت روزگار ناگروندگان آنانکه

نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ

شکستند پیمان ترا و بدروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لیکن تو

اَخْرَجْتَنِي رَاْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ

بیرون آوردی مرا بجهت مهربانی خود و ترحم نمودن بر من برای آنچه پیشی گرفته است

لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ اَنْشَاْتَنِي وَ

مرا از راه نمائی که مهیا کرده برای من و در آن پدید آوردی مرا و

ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرىٰ لَمْ تَرْضَ لِي يَا اِلٰهِي بِنِعْمَةٍ

پس چون آفریدی مرا از خالص خاک نپسندیدی برای من ای خدای من نعمتی را

دُونَ اُخْرىٰ وَرَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ

بجز نعمت دیگر و روزی کردی مرا از انواع روزیها و

صُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ

اقسام پوششها بانعام بزرگ خود بر من و نیکوی

الْقَدِيمِ اِلَيَّ حَتّٰى اِذَا اَتْمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ

دیرینهٔ خود بسوی من تا آنکه وقتیکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْاَتِي عَلَيْكَ اَنْ

از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه

دَلَلْتَنِي عَلٰى مَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي

راه نمائی مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو و توفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد مرا

لَدَيْكَ فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي وَاِنْ سَئَلْتُكَ

نزد تو پس اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر درخواهم از تو

اَعْطَيْتَنِي وَاِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَاِنْ شَكَرْتُكَ

عطا میکنی مرا و اگر فرمان برداری کنم ترا جزا میدهی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا

زِدْتَنِي كُلُّ ذٰلِكَ اِكْمَالًا لِاَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ

افزون میکنی مرا همه آنها بجهة آنکه تمام کنی مر نعمتهای تو را بر من و نیکوی کردن خود

اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ ثُمَّ اَتْمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْاِنْعَامِ

باواز آمدم گویا بسخن و تمام کردی بر من نعمتهای کامل خود را

فَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتّٰى اِذَا اَكْمَلْتَ فِطْرَتِي

پس پروردی مرا زیاده شونده در هر سالی تا آنکه چون کامل شد خلقت من

وَاعْتَدَلَتْ سَرِيرَتِي اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِاَنْ

و درست شد پنهانی از من لازم کردی بر من حجت خود را باینکه

اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ فِطْرَتِكَ

الهام کردی بمن شناخت خود را و بشگفت آوردی مرا بغرایب آفرینش خود

وَاَنْطَقْتَنِي لِمَا ذَرَاْتَ فِي سَمَائِكَ وَاَرْضِكَ

و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود

مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ

از غرایب خلق خود و آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاس گزاردن

وَوَاجِبِ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا

و فرمان برداری واجب و پرستیدن واجب خود و فهمانیدی مرا آنچه

جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ

آورده اند آنرا فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن خوشنودیهای خود

وَمَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ

و منت گذاشتی بر من در همه آنها بمددکاری خود و مهربانی خود

وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ
وپنهان پوشیده دل خود و درآویخته‌های روان شدن نور
بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرَقِ مَسَارِبِ
دیده خود و خطوطهای صفحه پیشانی خود و سوراخهای راه‌های
نَفْسِي وَحَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ
نفس خود و پاره‌های استخوان نرم بینی خود و راه‌های
صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضَمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ
سوراخ گوش خود و آنچه بهم آورده شده و پوشانیده شده بر آن
شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرِزِ
لبهای خود و جنبشهای سخن زبان خود و محل بهم درآمدن
حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ
پایین دهان خود و طرف بالای دهان خود و جاهای روئیدن دندانهای خود و رسیدن
حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَأْكَلِي وَمَطْعَمِي
رشته‌های تمام کامل گردن خود و گوارای خوردن خود و طعام خود
وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ
و آشامیدن خود و بردارنده اصل سر خود و همه شعبهای رشته رگ
وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ
دل خود و آنچه مشتمل است بر آن دلی که در سینه من است و برگ

إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ

بسوی من پس پاکی تو پاکی تو پدید آورنده بازگرداننده

حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ

ستوده بزرگوار پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است

آلَاؤُكَ فَأَيَّ نِعَمِكَ يَا إِلٰهِي أُحْصِي عَدَداً وَذِكْراً

نعمتهای تو پس کدام نعمت را ای خدای من در یابم بشماره یا بیاد آورم

أَمْ أَيَّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْراً وَهِيَ يَا رَبِّ

یا کدام بخششهای ترا قیام نمایم بانها از روی سپاس گذاری آن ای پروردگار من

أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

بیشتر است از آنکه بشمارند آنها را شمارندگان یا برسند از روی دانش بآنها

الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا دَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللّٰهُمَّ

ضبط کنندگان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوندا

مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ

از بدحالی و ناخوشی بیشتر است از آنچه ظاهر شده برای من از عافیت

وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أُشْهِدُكَ يَا إِلٰهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي

و خوشی و من گواه میگیرم ترا ای خدای من بکنه خالص ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي

و بستن و محکم نمودن یقین های ثابت خود و بخالص محض توحید خود

أُؤَدِّي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

ادا کنم شکر یکی از نعمتهای ترا نتوانم

ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ شُكْراً أَنِفاً جَدِيداً

آنرا مگر بانعام تو که واجب می سازد بر من سپاس گذاری مستانف جدید

وَثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً أَجَلْ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ

وستایش تازه مهیا بلی واگر خواهم من وشمارندگان

مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفَةً

از خلق تو آنکه بشماریم بسیاری انعام ترا گذشته آنرا

وَآنِفَةً لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَداً وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَبَداً

وحاضر آنرا هرآیینه احاطه نتوانیم کرد آنرا بشماره ونتوانیم شمرد آنرا هرگز

هَيْهَاتَ أَنَّى ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ فِي

دوراست وکجاست آن وحال آنکه توی خبردهنده از ذات خود در

كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبَإِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا

کتاب گویای خود وخبر راست واگر خواهید شمارید

نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ

نعمت خدارا نتوانید شمرد آنرا راست است کتاب تو خداوندا

وَنَبَأُكَ وَبَلَّغَتْ أَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ

وخبر تو ورسانیده اند پیغمبران تو وفرستادگان تو وآنچه را که فرو فرستادی

حجاب قلبي وأفلاذ حواشي كبدي وما حوته

پرده دل خود و قطعهای کناره های جگر خود و آنچه فرا گرفته آنرا

شراسيف أضلاعي وحقاق مفاصلي و

سرهای استخوانهای پهلوی من و جاهای پیوستن بندهای استخوانهای خود

أطراف أناملي وقبض عواملي ولحمي ودمي

کناره های سر انگشتان خود و گیرای پاهای خود و گوشت خود و خون خود

وشعري وبشري وعصبي وقصبي وعظامي

و موی خود و پوست خود و پی خود و استخوانهای میان تهی خود و استخوانهای خود

ومخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج

و مغز استخوان خود و رگهای خود و همه اعضای خود و آنچه بافته شده

على ذلك أيام رضاعي وما أقلت الأرض

بر آن در روزگار شیر خوردن من و آنچه برداشته زمین

مني ونومي ويقظتي وسكوني وحركات

از من و بخواب خود و بیداری خود و آرام خود و جنبش خود و حرکتهای

ركوعي وسجودي أن لو حاولت واجتهدت

رکوع خود و سجده خود آنکه اگر قصد کنم و کوشش نمایم

مدى الأعصار والأحقاب لو عمرتها أن

تا درازی زمانها و درازی روزگارها اگر زنده داشته شوم در آنها آنکه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً يَعْدِلُ حَمْدَ مَلٰائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ

سپاس مر خدا برا سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان نزدیکان و

اَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستاد خدا بر اختیار کرده خود از خلق خود

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ

محمد آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان و پاکان خالص گردانیده شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب

از دیده های مبارکش جاری بود پس گفت

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي اَخْشَاكَ كَاَنِّي اَرَاكَ وَاَسْعِدْنِي

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می بینم ترا و نیکبخت کن مرا

بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ

به پرهیزکاری خود و بدبخت مساز مرا بنافرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود

وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ حَتّٰى لَا اُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و برکت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم بشتابیدن آنچه را

اَخَّرْتَ وَلَا تَاْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ

که باز پس داری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوندا بگردان بی نیازی مرا

فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي

در نفس من و یقین را در دل من و اخلاص را در کردار من

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ

برایشان از پیغام خود وظاهر ساختی برای ایشان از دین خود

غَيْرَ اَنِّي يَا اِلٰهِي اَشْهَدُ بِجِدِّي وَجُهْدِي وَمَبَالِغِ

مگر آنکه بدرستیکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود و رسانیدن

طَاقَتِي وَوُسْعِي وَاَقُولُ مُوقِنًا مُؤْمِنًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

طاقت خود و توان خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده که سپاس مر خدایرا

اَلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا وَلَمْ يَكُنْ

که فرا نگرفته هیچ فرزندی پس باشد میراث برده شده و نیست

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وَلِيٌّ

مر او را انبازی در پادشاهی پس مخاصمه کند او را در آنچه پدید آورده و نه یاوری

مِنَ الذُّلِّ فَيَرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

از ذلت پس یاری دهد او را در آنچه کرده است پاک است او پاک است او

سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا اٰلِهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا

پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی بجز خدا سزاوار پرستش هر آینه تباه شدند

وَتَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْاَحَدِ

و شکافته شدند آسمان و زمین پاک است خدای یگانه ثابت یکتا

اَلصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

پناه نیاز مستند آن خدای که نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس

فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَحَسَّنْتَ صُورَتِي

پس درست کردی خلقت مرا پروردگار من بجهة آنچه ایجاد کردی مرا پس نیکو نمودی صورت مرا

يَا رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ لِي وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي رَبِّ

ای پروردگار من بجهة آنچه نیکوئی کردی بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پروردگار

بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

بجهة آنچه حفظ کردی مرا و توفیق دادی مرا پروردگار من بجهة آنچه انعام کردی بر من

فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَتَيْتَنِي

پس راه نمودی مرا پروردگار من بجهة آنچه جا دادی مرا از هر نیکی که دادی مرا

وَأَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ

و بخشیدی مرا ای پروردگار من بجهة آنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا پروردگار من

بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعْزَزْتَنِي

بجهة آنچه بی نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگار من بجهة آنچه مدد کردی مرا و ارجمند ساختی مرا

رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ

پروردگار من بجهة آنچه پوشانیدی مرا از ذکر صافی خود و مهیا کردی

لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

برای من از بخشش کفایت کننده خود رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

و مدد کن مرا بر حوادث روزگار و مکروهات روزها

وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتِّعْنِي

و روشنائی را در دیده من و بینائی را در دین من و بهره ور کن مرا

بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي

باعضای من و بگردان گوشم را و دیده ام را میراث برندگان از من

وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَارْزُقْنِي فِيهِ مَآرِبِي

و یاری ده مرا بر آنکه ستم نموده مرا و روزی کن مرا در این روز حاجتهای مرا

وَثَارِي وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي

و خون مرا و روشن کن بآن دیده مرا خداوندا زایل کن اندوه مرا

وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَاخْسَأْ شَيْطَانِي

و بپوشان از زشت مرا و بیامرز برای من گناه مرا و دور کن شیطانی که موکل است بمن

وَفُكَّ رِهَانِي وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي

و باز پس ده گرو مرا و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلند در

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي

آنجهان و اینجهان خداوندا مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا

فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً حَيّاً

پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی

سَوِيّاً رَحْمَةً بِي وَكُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي

درست اعضا از راه مهربانی بمن و بودی از آفرینش من بی نیاز ای پروردگار من قسم بآنچه پیدا کردی

إلى مَنْ تَكِلُني إلهي إلى مَنْ تَكِلُني إلى القريبِ يَقْطَعُني أم

بار خدایا مرا بکه وا میگذاری خدای من بسوی که وا میگذاری مرا یا بسوی نزدیک که ببرد از من یا

إلى البعيدِ يَتَجَهَّمُني أم إلى المُسْتَضْعِفينَ لي وأنتَ

بسوی دور که بغلظت و ناخوشی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من و حال آنکه تو

ربّي ومَليكُ أمري أشكو إليكَ غُرْبَتي وبُعْدَ

پروردگار منی و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غربت و دوری

داري وهَواني على مَنْ مَلَّكْتَهُ أمري اللّهُمَّ

سرای خود و خواری خود بر آنکه گردانیدی او را مالک امر من خداوندا

فلا تُحْلِلْ غَضَبَكَ فإنْ لم تَكُنْ غَضِبْتَ عليَّ

پس فرو مفرست بمن غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی بر من

فلا أُبالي سِواكَ غيرَ أنَّ عافيتَكَ أوسَعُ لي

پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه بتحقیق عافیت تو فراختر است برای من

فأسألُكَ بنورِ وجهِكَ الذي أشرَقَتْ لهُ الأرضُ

پس درمیخواهم از تو بحرمت روشنائی ذات تو که روشن است بجهت او زمین

والسّماواتُ وانكشَفَتْ بهِ الظُّلُماتُ وصَلَحَ عليهِ

و آسمانها و زایل گشته بسبب آن تاریکیها و بسامان شده بجهت آن

أمرُ الأوّلينَ والآخِرينَ أنْ لا تُميتَني على غَضَبِكَ

کار پیشینیان و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود

وَاللَّيَالِي وَنَجِّنِي مِنْ اَحْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرُبَاتِ

وشبها و برهان مرا از شدايد اينجهان و اندوه‌های

الْاٰخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُوْنَ فِي الْاَرْضِ

آنجهان و دفع کن از من گزند آنچه میکنند ستمکاران در زمین

اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا اَحْذَرُ فَقِنِي وَفِي

خداوندا آنچه می‌ترسم پس دفع کن از من و آنچه می‌پرهیزم پس نگاهدار مرا از آن و در

نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي

نفس من و دین من پس نگاهدار مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا

وَفِي اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي فَاخْلُفْنِي وَفِيمَا رَزَقْتَنِي

و در اهل من و مال من و فرزندان من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا

فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي اَعْيُنِ النَّاسِ

پس برکت ده مرا و در نفس من پس خوار کن مرا و در دیده‌های آدمیان

فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ

پس بزرگ گردان مرا و از گزند دیوان و آدمیان پس سالم دار مرا و

بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَ

بگناهان من پس رسوا مساز مرا و بگناهان نهانی من پس خفیف مگردان مرا و

بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَاِلٰى غَيْرِكَ

بکردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را پس زایل مکن از من و بسوی غیر خود...

وَمِيكَائِيلَ وَاِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

و میکائیل واسرافیل وای پروردگار محمد آخر پیغمبران

وَآلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

وخاندان برگزیدگان او وفرستنده توریة والجیل وزبور

وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كٓهٰيٰعٓصٓ وَطٰهٰ وَيٰسٓ

وفرقان وفرستنده وآورنده کهیعص وطه ویس

وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ

والقران الحکیم تو پناه منی هنگامیکه عاجز کند مرا راهها

فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا

با فراخی آنها وتنگ شود بر من زمین باگشادگی آن واگر نمی بود

رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُقِيلُ

رحمت تو هرآینه بودم از هلاک شدگان وتو در گذرنده

عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

از لغزش من واگر نمی بود پوشانیدن تو مرا هرآینه بودم از رسوا شدگان

وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْاَعْدَاءِ وَلَوْلَا نَصْرُكَ

وتو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان واگر نمی بود یاری نمودن تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ

مرا هرآینه بودم از غلبه شدگان ای آنکه مخصوص گردانیدی خود را

وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ

و فرود میاور بمن غضب خود را مر تراست مواخذه تا آنکه خوشنود شوی پیش از

ذٰلِكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ

آن نیست سزاوار پرستش کر تو توئی پروردگار بلده محترم و مشعر

الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ

الحرام و خانه کهنه که فرود آوردی در آن برکت و بار بیاری

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنَةً يَا مَنْ عَفَى عَنِ الْعَظِيمِ

و گردانیدی برای مردمان وسیله ایمنی ای آنکه درگذشت از بزرگ

مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ

گناهان ببردباری خود ای آنکه تمام کرده نعمت را ببخشش خود

يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي

ای آنکه بخشید عطیه بسیار به بزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی من

يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا مُونِسِي

ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من در وقت اندوه من ای انیس من

فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي يَا إِلٰهِي وَإِلٰهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ

در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم

وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل

مِنَ الجُبِّ وَجاعِلَهُ بَعْدَ العُبُودِيَّةِ مَلِكاً يا رادَّ

از چاه و گرداننده پس از بندگی پادشاه ای برگرداننده

يُوسُفَ عَلى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ

یوسف بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده های او

مِنَ الحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالبَلاءِ

از اندوه پس بود او خشم فرو خورنده ای زایل نماینده بدحالی و بلا

عَنْ اَيُّوبَ يا مُمْسِكَ يَدِ اِبْراهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ

از ایوب ای بازدارنده دست ابراهیم از گلو بریدن از

ابْنِهِ بَعْدَ اَنْ كَبُرَ سِنُّهُ وَفَنِيَ عُمْرُهُ يا مَنِ اسْتَجابَ

پسرش پس از آنکه بسیار گشته بود سال او و بپایان رسیده بود عمر او ای آنکه اجابت کرد

لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيى وَلَمْ يَدَعْهُ فَرْداً وَحِيداً

مر زکریا را پس بخشیده بار و یحیی را و وانگذاشت او را تنها یگانه

يا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الحُوتِ يا مَنْ فَلَقَ

ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافته

البَحْرَ لِبَنِي اِسْرائِيلَ فَاَنْجاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ

دریا را بجهة پسران یعقوب پس رهانید ایشانرا و گردانید فرعون

وَجُنُودَهُ مِنَ المُغْرَقِينَ يا مَنْ اَرْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ

و لشکرهای او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاده بادها را مژده دهندگان

بِالسَّمٰوٰتِ الرَّفیعَةِ فَاَوْلِیاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یا مَنْ

به بلندی و رفعت پس دوستان او بارجمندی او ارجمند شدند ای آنکه

جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نیرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰی اَعْناقِهِمْ فَهُمْ

گذاشته اند بجای پادشاهان نیر خواری بر گردن های خود پس ایشان

مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَما

از خشمهای او ترسانند میداند خیانت دیده ها را و آنچه را

تُخْفِی الصُّدُورُ وَغَیْبَ ما تَأْتی بِهِ الْاَزْمانُ

پنهان میدارند سینه ها و پنهان آنچه می آورد آن را زمانها

وَالدُّهُورُ یا مَنْ لا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ اِلّا هُوَ یا مَنْ

و روزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه است مگر او ای آنکه

لا یَعْلَمُ ما یَعْلَمُهُ اِلّا هُوَ یا مَنْ کَبَسَ الْاَرْضَ

نمیداند آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه پهن کرد زمین را

عَلَی الْماءِ وَسَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ یا مَنْ لَهُ اَکْرَمُ

بر آب و بسته کرد هوا را با آسمان ای آنکه برای اوست گرامی ترین

الْاَسْماءِ یا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذی لا یَنْقَطِعُ اَبَداً

نامها ای صاحب احسانی که بریده نشود هرگز

یا مُقَیِّضَ الرَّکْبِ لِیُوسُفَ فِی الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ

ای گمارنده سواران کاروان بجهة یوسف در شهر خالی از آب و گیاه و بیرون آورنده

يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ اَيَادِيهِ عِنْدِي

ای آنکه روزی داده مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من

لَا تُحْصَى يَا مَنْ نِعَمُهُ عِنْدِي لَا تُجَازَى يَا مَنْ عَارَضَنِي

شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود ای آنکه معارضه کرد مرا

بِالْخَيْرِ وَالْاِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْاِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ

به نیکوئی و احسان و معارضه کردم من با او به بدکاری و نافرمانی -

يَا مَنْ هَدَانِي بِالْاِيمَانِ قَبْلَ اَنْ اَعْرِفَ شُكْرَ

ای آنکه راه نموده مرا بایمان پیش از آنکه بشناسم شکر

الْاِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا

انعام را ای آنکه خواندم او را در بیماری پس شفا داد مرا و در برهنگی

فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَاَطْعَمَنِي وَعَطْشَانًا فَاَرْوَانِي

پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس خورانید مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وَذَلِيلًا فَاَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی

فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَرَدَّنِي وَمُقِلًّا فَاَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا

پس بسیار کرد مرا و در مسافرت پس برگردانید مرا و در نیازمندی پس بی نیاز کرد مرا و در

فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَاَمْسَكْتُ عَنْ

پس یاری کرد مرا و در بی نیازی پس سلب نکرد از من و باز داشتم خود را از

بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ یَا مَنْ لَمْ یَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ

پیش از فرود آمدن رحمت خود ای آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه نافرمانی کرده

خَلْقِهِ یَا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ

خلق او ای آنکه نجات داده جادوگران را پس از درازی انکار

وَقَدْ غَدَوْا فِی نِعْمَتِهِ یَأْکُلُونَ رِزْقَهُ وَیَعْبُدُونَ

و بتحقیق صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را و می پرستیدند

غَیْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَکَذَّبُوا رُسُلَهُ

غیر او را و بتحقیق دشمنی کردند با او و مخالفت کردند او را و بدروغ نسبت دادند فرستادگان او

یَا اللّٰهُ یَا بَدِیْعُ لَا بَدْءَ لَکَ یَا دَائِماً لَا نَفَادَ لَکَ یَا حَیُّ

ای خدا ای پدید آورنده نیست ابتدائی برای تو ای همیشه که نباشد نیستی مر ترا ای زنده

حِیْنَ لَا حَیَّ یَا مُحْیِیَ الْمَوْتَى یَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى کُلِّ

هنگامیکه نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ای آنکه او نگهبان است بر هر

نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ یَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُکْرِیْ فَلَمْ یَحْرِمْنِیْ

نفسی بانچه کسب نمود ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس نا امید نکرد

وَعَظُمَتْ عِنْدَهُ خَطِیْئَتِیْ فَلَمْ یَفْضَحْنِیْ وَرَآنِیْ

و بزرگ بوده نزد او گناه من پس رسوا نکرده مرا و دید مرا

عَلَى الْمَعَاصِیْ فَلَمْ یَخْذُلْنِیْ یَا مَنْ حَفِظَنِیْ فِیْ صِغَرِیْ

بر نافرمانیها پس خوار نگذاشته مرا ای آنکه نگاه داشته مرا در حال خردی

الَّذِیْ اٰوَیْتَ اَنْتَ الَّذِیْ کَفَیْتَ اَنْتَ الَّذِیْ

آنکه جا دادی توی آنکه کارگذاری نمودی توی آنکه

هَدَیْتَ اَنْتَ الَّذِیْ عَصَمْتَ اَنْتَ الَّذِیْ سَتَرْتَ

راه نمودی توی آنکه نگاه داشتی توی آنکه پوشانیدی

اَنْتَ الَّذِیْ غَفَرْتَ اَنْتَ الَّذِیْ اَقَلْتَ اَنْتَ الَّذِیْ

توی آنکه آمرزیدی توی آنکه درگذشتی توی آنکه

مَکَّنْتَ اَنْتَ الَّذِیْ اَعْزَزْتَ اَنْتَ الَّذِیْ اَعَنْتَ

دست دادی توی آنکه عزیز کردانیدی توی آنکه مدد کردی

اَنْتَ الَّذِیْ عَضَدْتَ اَنْتَ الَّذِیْ اَیَّدْتَ اَنْتَ

توی آنکه اعانت کردی توی آنکه قوت دادی توی

الَّذِیْ نَصَرْتَ اَنْتَ الَّذِیْ شَفَیْتَ اَنْتَ الَّذِیْ

آنکه یاری نمودی توی آنکه شفا بخشیدی توی آنکه

عَافَیْتَ اَنْتَ الَّذِیْ اَکْرَمْتَ تَبَارَکْتَ رَبِّیْ

عافیت بخشیدی توی آنکه گرامی داشتی مقدسی تو ای پروردگار من

وَتَعَالَیْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ دَآئِمًا وَلَکَ الشُّکْرُ وَاصِبًا

و بلندی تو پس مر تراست سپاس همیشه و مر تراست سپاس گذاری همیشه مدام

ثُمَّ اَنَا یَا اِلٰهِیْ الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوْبِیْ فَاغْفِرْهَا لِیْ اَنَا

پس منم ای خدای من اقرار دارنده بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من و منم

جَمِيعَ ذٰلِكَ فَابْتَدَأْتَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي

سوال همه آنها پس پیشی گرفت مرا پس مر تراست سپاس ای آنکه درگذشت از لغزش من

وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي

وزایل کرده اندوه مرا و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا

وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَىٰ عَدُوِّي

و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا بحاجت من و یاری داد مرا بر دشمن من

وَإِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ وَمِنَنَكَ وَكَرَائِمَ مِنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا

و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نخواهم شمرد آنها را

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ

ای آقای من توئی آنکه انعام کردی توئی آنکه بخشش نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ

توئی آنکه نیکوئی کردی توئی آنکه بخشش نمودی توئی

الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي

آنکه انعام کردی توئی آنکه تمام و کامل نمودی توئی آنکه

رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ

روزی دادی توئی آنکه توفیق دادی توئی آنکه عطا فرمودی

أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ

توئی آنکه بی نیاز کردی توئی آنکه روزی دادی بقدر کفاف توئی

وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلٰهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي

بخشش و پس مر تراست سپاس ای خدای من فرمان دادی مرا پس نافرمانی کردم ترا و منع کردی

فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ

پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم نه خداوند بیزاری از گناه پس عذرخواهی کنم

وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ

و نه خداوند توانائی پس انتقام کشم پس بکدام چیز فرا پیش آیم ترا ای آقای من

أَبِسَمْعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي

آیا بگوش خود یا بدیده خود یا بزبان خود یا بدست خود یا بپای خود

أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعَمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ

آیا نیست همه اینها نعمتهای تو نزد من و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا

يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي

ای آقای من پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا

مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ

از پدران و مادران از آنکه منع کنند مرا و از

الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلَاطِينِ

خویشان و برادران از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان

أَنْ يُعَاقِبُونِي وَلَوِ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ

از اینکه عذاب کنند مرا و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی

الَّذِی اَسَأْتُ اَنَا الَّذِی اَخْطَأْتُ

آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم

اَنَا الَّذِی اَغْفَلْتُ اَنَا الَّذِی جَهِلْتُ

منم آنکه غافل شدم منم آنکه ندانستم صلاح کار خود را

اَنَا الَّذِی هَمَمْتُ اَنَا الَّذِی سَهَوْتُ

منم آنکه قصد کردم بمعصیتها منم آنکه گناه کردم از روی سهو

اَنَا الَّذِی اعْتَمَدْتُ اَنَا الَّذِی تَعَمَّدْتُ

منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه گناه کردم از روی عمد

اَنَا الَّذِی وَعَدْتُ اَنَا الَّذِی اَخْلَفْتُ اَنَا الَّذِی

منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه

نَکَثْتُ اَنَا الَّذِی اَقْرَرْتُ اَنَا یَا اِلٰهِی اَعْتَرِفُ

شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم من ای خدای من اعتراف میکنم

بِنِعْمَتِكَ عِنْدِی وَاَبُوءُ بِذُنُوبِی فَاغْفِرْهَا لِی

بنعمتهای تو نزد من و اقرار میکنم بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من

یَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِیُّ عَنْ

ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و اوست بی نیاز از

طَاعَتِهِمْ وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ صَالِحًا بِمَعُونَتِهِ

فرمان برداری ایشان و توفیق دهنده آنرا که کرد از ایشان کار شایسته بمدد دادن او

كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي يَا اِلٰهِي

عدلی از تو گریختن من پس اگر عذاب کنی مرا پس بجهت گناهان من است ای خدای من

بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَاِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ

پس از حجت گرفتن تو بر من و اگر در گذری از من پس به بردباری تو و بخشش تو

وَكَرَمِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ

و بزرگواری تست نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم

مِنَ الظَّالِمِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ

از ستمکاران نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم

مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي

از آمرزش طلبان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من

كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

هستم از یگانه یاد کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

بدرستیکه من هستم از ترسندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

بدرستیکه من هستم از بیمناکان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

بدرستیکه من هستم از درخواهندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

مِنِّي عَلَيْهِ إِذاً مَا أَنْظَرُونِي وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي

از من بر آن آنوقت مهلت نمیدادند و هر آینه ترک میکردند مرا و می بریدند

فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعاً ذَلِيلاً

پس اینک من در پیش توام ای بزرگ من فروتنی کننده خوار

حَصِيراً حَقِيراً لاَ ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرَ وَلاَ ذُو قُوَّةٍ

تنگدل ملول ... نه خداوند بیزاری از گناهانم پس عذرخواهی کنم و نه خداوند

فَأَنْتَصِرَ وَلاَ حُجَّةَ لِي فَأَحْتَجَّ بِهَا وَلاَ قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ

پس انتقام بکشم و نیست حجتی برای من پس حجت آرم بآن و نه گوینده ام که کسب نکردم

وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلاَيَ

و نکردم بدی و نشاید که انکار اگر انکار کنم ای آقای من

يَنْفَعُنِي فَكَيْفَ وَأَنَّى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا

سود بخشد مرا پس چگونه و کجاست آن و عضوهای من همه آنها

شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ

گواه اند بر من بآنچه بتحقیق بجا آوردم از روی یقین حال آنکه نیستم شک دارنده

إِنَّكَ سَائِلِي عَنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنَّكَ الْحَكَمُ

آنکه بتحقیق تو سوال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق توی راست گفتار

الْعَدْلُ الَّذِي لاَ يَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ

... که ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده است مرا و از ...

الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ

آسانی ودرفع نمودن دشواری وگشودن اندوه. وصحت بخشیدن

فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدْتَنِي عَلَى

در بدن وسلامتی در دین واگر یاری کردندی مرا بر

قَدْرِ ذِكْرِ نِعَمِكَ عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ

اندازه یاد نعمتهای تو بر من همه جهانیان از

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ

پیشینیان وپسینیان هرآینه قدرت نداشتمی من ونه ایشان بران

تَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبٍّ عَظِيمٍ كَرِيمٍ رَحِيمٍ

پاک شدی تو وبرتری تو که پروردگار بزرگ مرتبه بزرگوار تو مهربانی

وَلَا تُحْصَى آلَاؤُكَ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافَى

وشمرده نشود نعمتهای تو ورسیده نشود ستایش تو وشکر کرده نشود

نَعْمَاؤُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتْمِمْ عَلَيْنَا

نعمتهای تو رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وتمام کن

نِعَمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

نعمتهای خود ونیکبخت کن ما را بفرمان برداری خود پاکی تو نیست خدا وارزش مگر

أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ

تو بارخدایا بدرستیکه تو می پذیری دعای درماندگان را هرگاه بخواند ترا

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ الرَّاغِبِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

بدرستیکه من هستم از امیدواران خواهندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلِينَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا

پاکی تو بدرستیکه من هستم از تهلیل کنندگان تنزیه کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر

أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْأَوَّلِينَ

تو پاکی تو ای پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من

اَللّٰهُمَّ هٰذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ

بارخدایا اینست ستودن من ترا حال آنکه تعظیم کنم و خالص گردانیدن من برذکر ترا

مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ

حال آنکه یگانه یاد کنم و اقرار نمودن من بنعمتهای تو حال آنکه بشمارم و اگرچه هستم

مُقِرًّا أَنِّي لَا أُحْصِيهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهُرِهَا

اقرار دارنده آنکه بتحقیق نتوانم شمرد آنها را بجهت بسیاری آنها و تمامی آنها و پی درپی آمدن آنها

وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ

و دیرینگی آنها منضم بسوی نعمت تازه نعمتی که همیشه پوشانیدی مرا با آن

مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ

با آنها از آنوقت که آفریدی مرا و پدید آوردی مرا از آغاز زندگانی از

مِنَ الْإِغْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضُّرِّ وَتَسْبِيبِ

بی نیاز گردانیدن پس از نیازمندی و زایل کردن بدحالی و سازکردن

وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا

واندوهی که زایل می کنی آنرا و دعائیکه میشنوی آنرا ونیکوئی که قبول کنی آنرا

وَسَيِّئَةٍ تَغْفِرُهَا اِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ

و بدی که بیامرزی آنرا بدرستیکه تو مهربان آگاهی و بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَاَسْرَعُ

چیز توانائی بار خدایا بدرستیکه تو نزدیک تری از هرکه خوانده شده و شتابنده

مَنْ اَجَابَ وَاَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطَى

از هرکه اجابت کرده و بزرگواری از هرکه درگذشته و فراگیرنده تری از هرکه بخشش نموده

وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

و شنواتری از هرکه سوال کرده شده ای بخشنده اینجهان و آنجهان و مهربان هردو جهان

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَاْمُولٌ

نیست مانند تو هیچ سوال کرده شده و نه غیر تو امید داشته شده

دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَنِي وَسَئَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنِي وَ

خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و درخواستم از تو پس عطا کردی مرا و

رَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي وَ

خواهش نمودم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بتو پس رهانیدی مرا و

فَزِعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

پناه گرفتم بسوی تو پس کارگذاری نمودی مرا خداوندا پس رحمت فرست بر محمد

وَتَكْشِفُ السُّوٓءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي

و زایل میکنی بدحالی را و بفریاد میرسی غمناک را و شفا می‌بخشی

السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ

بیمار را و بی‌نیاز میکنی نیازمند را و درست میکنی شکسته را و مهربانی میکنی

الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ

خورد را و مدد میکنی بزرگ را و نیست غیر تو یاوری

وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَاَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ

و نه بالای تو توانایی و توی بلند مرتبه بزرگوار ای رها کننده

الْمُكَبَّلِ الْاَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ

بند کرده در دست گرفته اسیر ای روزی دهنده طفل خورد ای نگاهدارنده

الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ

ترسنده زنهار جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او و نه وزیری و یاوری

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِي فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ببخش مرا در این وقت عشا

اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ وَاَنَلْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ

بهتر از آنچه بخشیدی و رسانیدی به یکی از بندگان خود را

مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا وَاٰلَاءٍ تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا

از نعمتی که انعام میکنی آنرا و نعمتهایی که تازه میکنی آنها را و بلائیکه میگردانی آنرا

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ

و برگزیده تو از خلق تو و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده

النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی تو باو بر مسلمانان

وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

و کردانیدی او را بخشایش برای جهانیان خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و

آلِهِ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلُ ذَلِكَ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى

آل او چنانچه محمد سزاوار آنست ای بزرگ رحمت بفرست براو و بر

آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

آل محمد که برگزیدگان پاکیزگانند پاکانند همگی

وَتَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ

و بپوشان گناهان ما را بعد گذشتن خود پس بسوی تو بلند گردیده صداها

بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

باقسام زبانها و بگردان برای ما در اینوقت عشا

نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ

بهره در هر نیکی که قسمت کنی آنرا و روشنائی که راه نمایی آنرا و بخششی

تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا وَرِزْقٍ

که پراکنده سازی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و زیادتی که فرو فرستی آنرا و روزیکه

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل پاکیزه کان نیکو

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نَعْمَائَكَ وَهَنِّئْنَا

و پاکان او همگی و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن برای ما

عَطَائَكَ وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ

بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گذاران و نعمتهای ترا

ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ يَا مَنْ

یاد کنندگان اجابت کن اجابت کن ای پروردگار جهانیان بارخدایا ای آنکه

مَلَكَ فَقَدَرَ وَقَدَرَ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاسْتُغْفِرَ

مالک است هر چیزی را پس توانا است توانا است پس غالب است و نافرمانی کرده شده پس پوشیده و آمرزش خواسته شده

فَغَفَرَ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ

پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهشمندان و ای منتهای امید امیدواران

يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ

ای آنکه فرو گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را

رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْماً اللّٰهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي

از روی مهربانی و بخشش و بردباری خداوندا بدرستیکه ما رو می آوریم بسوی تو در

هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

این قسمت پسین که بلند کرده پایه آنرا و بزرگ کرده آنرا بوسیله محمد پیغمبر تو

عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ اَيْدِيَنَا وَهِيَ

از ما و عافیت بخش ما را پس بتحقیق دراز کردیم بسوی تو دستهای خود را و آن

بِذِلَّةِ الْاِعْتِرَافِ مَوْسُوْمَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاَعْطِنَا

بخواری اعتراف بکمان نشان کرده شده است خداوندا پس عطا کن ما را

فِيْ هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَئَلْنَاكَ وَاكْفِنَا مَا

در این وقت پسین آنچه درخواستیم ما از تو و کارگذاری کن برای ما آنچه

اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ

طلب کفایت نمودیم از تو زیرا که نیست کارگذاری برای ما غیر تو و نیست پروردگاری

لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِيْنَا حُكْمُكَ مُحِيْطٌ بِنَا عِلْمُكَ

ما را غیر تو روان است از ما حکم تو گرفته است ما را دانش تو

عَدْلٌ فِيْنَا قَضَاؤُكَ اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا

بر وفق عدل و انصاف است درباره ما حکم تو حکم کن برای ما به نیکی و بگردان ما را

مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُوْدِكَ عَظِيْمَ

از اهل نیکی خداوندا واجب گردان برای ما به بخشش خود مزد بزرگ

الْاَجْرِ وَكَرِيْمَ الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ وَاغْفِرْلَنَا

و ذخیره گرامی و دایمی آسانی و بیامرز برای ما

ذُنُوْبَنَا اَجْمَعِيْنَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِيْنَ

گناهان ما را همه و هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان

تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ اقْلِبْنَا فِي هٰذَا

پهن کنی آنرا ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا بگردان ما را در این

الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا

وقت فیروزی یافتگان رستگاران احسان کرده شدگان اجریابندگان و

الْقَانِطِينَ وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا

از ناامیدان و خالی مگذار مرا از رحمت خود و ناامید مکن ما را از آنچه

نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ

آرزو کنیم ما آنرا از بخشش تو و برمگردان ما را بی‌بهره گشتگان از

بَابِكَ مَطْرُودِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ

درگاه تو رانده شدگان و مگردان ما را از رحمت خود ناامید شدگان

وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ يَا أَجْوَدَ

و نه از بخشش آنچه امید داریم ما از عطاهای تو ناامیدان ای بخشنده‌ترین

الْأَجْوَدِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا

بخشندگان و بزرگوارترین بزرگواران بسوی تو روکردیم ما

مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِّينَ قَاصِدِينَ

گروندگان و خانه محترم ترا اراده نمایندگان قصدکنندگان

فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَاعْفُ اللَّهُمَّ

پس مددکن ما را بر عبادات ما و کامل گردان برای ما حج ما را و درگذر خداوندا

مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ

نهانیهای دل‌ها مگر همه آنها بحقیقت

أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَ

شمرده آنها را دانش تو و فرا گرفته آنها را بردباری تو پاکی تو و

تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً

برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری بغایت

تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ

تنزیه میکنند مر ترا آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه

فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ

در آنها است و نیست هیچ چیز مگر آنکه تنزیه میکند بسپاس تو پس مر تراست سپاس

وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و بزرگواری و بلندی عظمت ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ

بخشش و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و توئی

الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ

بخشنده بزرگوار مهربان خدایا گشایش ده

عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَ

بر من از روزی حلال خود و عافیت ده مرا در بدن من و

وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

وبگردان از ما مهربانی خود ببخشش خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ

بخشندگان خداوندا بگردان ما را در این وقت از آنکه

سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتَابَ

درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاس گذاری کرد ترا پس افزون نمودی او را و بازگشت

إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

بسوی تو پس پذیرفتی توبه او را و عذر خواهی نمود بسوی تو از گناهان خود همه آنها

فَغَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَفِّقْنَا

پس آمرزیدی آنها را برای او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن خداوندا توفیق ده ما را

وَسَدِّدْنَا وَاعْصِمْنَا وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ

و درست کن کار ما را و نگاه دار ما را و بپذیر زاری نمودن ما را ای بهترین کسیکه

مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى

سؤال کرده شده و ای بخشنده ترین کسیکه طلب بخشش کرده شده ای آنکه پنهان نیست

عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَلَا

بر او بهم آمدن پلکها و نه نگریستن بگوشه دیده ها و نه

مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ

آنچه قرار گرفته در امور پوشیده و نه آنچه در نورد دلها پیچیده شده بر آن

فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

آزادی گردن خود را از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو حال آنکه یگانهٔ تو

لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ

نیست شریکی برای تو مر تراست پادشاهی و مر تراست سپاس و تو

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بر همه چیز توانای ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرر بگفت یا رب و صداها بگریه بلند شد و بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید ابن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

نیست سزاوار پرستش مگر خدا

الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

بردبار بزرگوار نیست سزاوار پرستش مگر خدای بلند مرتبه بزرگ

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ

پاک است خدا پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار

دِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

دین من و ایمنی ده ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش

اَللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي

خداوندا مکر مکن با من و استدراج مکن با من و خوار مگذار مرا

وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

و دفع کن از من گزند بدکاران دیوان و آدمیان را

پس برد دیده خود را بسوی آسمان بلند کرده از دیدهای مبارکش

آب میریخت مانند دو مشک و بصدای بلند گفت

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان ای زودترین

الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

حساب کنندگان ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ حَاجَتِي

محمد بزرگان و سیلها و با برکت و میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را

الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي

بسوی تو آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنها را ضرر نرساند مرا آنچه باز داری از من

وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ

و اگر باز داری آنرا از من سود نبخشد مرا آنچه ببخشی مرا سوال میکنم از تو

الْعَفُوُّ وَأَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ

آمرزگار و منم گنه کار و توئی زنده که نمیری

وَأَنَا خَلْقٌ أَمُوتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و منم آفریده که میمیرم خداوندا توئی خدا نیست معبودی جز تو

رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو غالب

الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگ

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَفُوُّ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آمرزگار مهربان و توئی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَأَنْتَ

خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز جزا و توئی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَإِلَيْكَ

خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو

يَعُودُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ

بازگردد خلق و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو همیشه بودی همیشه خواهی بود

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ

الأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ

زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و او پروردگار عرش بزرگ است و سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

خداوندا ترا می پرستم و از تو یاری می جویم خداوندا

أُرِيدُ أَنْ أُثْنِيَ عَلَيْكَ وَمَا عَسَى أَنْ أَبْلُغَ مِنْ

چه ستایش می خواهم آنکه ستایش کنم ترا و چه شاید آنکه برسم بچیزی از

مَدْحِكَ مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ

ستایش تو با کمی کردار خود و کوتاهی فکر خود و توئی آفریدگار

وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ

و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم مملوک و توئی

الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَ

پروردگار و منم بنده و توئی ارجمند و منم ذلیل و خوار

أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ

و توئی توانا و منم ناتوان و توئی بی نیاز

وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ

و منم محتاج و توئی بخشنده و منم خواهنده و توئی

وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

و توی غالب و قدرت کردار و توی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِي وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

بزرگوار بلند مرتبه و بزرگواری جامۀ تست خداوندا بدرستیکه توی

سَابِغُ النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُقْسِطُ

کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده

الْقَضَاءِ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ نَفَّاعٌ بِالْخَيْرَاتِ

در حکم کننده و دستها بخشایش بغایت سود بخشی به نیکیها

كَاشِفُ الْكُرُبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلُ الْآيَاتِ

زایل کننده غمها بلند کرداننده مرتبه فرو فرستنده آیات و نشانهای قدرت

مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ

از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و عطایای بزرگ

مُخْرِجُ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ

بیرون آورنده آنرا که در تاریکیها است بسوی روشنایی بدل کننده گناهان

حَسَنَاتٍ وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اَللّٰهُمَّ

بحسنات و کرداننده نیکوئیها را مرتبها خداوندا

اِنَّكَ دَنَوْتَ فِي عُلُوِّكَ وَعَلَوْتَ فِي دُنُوِّكَ

بدرستیکه تو نزدیکی در بلندی خود و بلندی در نزدیکی خود

وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده نیک و بدی

وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنهائی پناه نیازمندان

لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً أَحَدٌ

نزاده و زائیده نشده و نیست مر ترا مانند هیچ کس

وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای پنهان و آشکارا

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ

بخشاینده مهربانی. و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو پادشاهی

الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

پاکی از نقصها. سالمی از عیبها امان دهنده نگهبانی غالبی کارفرمای

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ

بقهر و غلبه بزرگواری منزه است خدا از آنچه شریک می دانند و توئی خدا نیست سزاوار پرستش

إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ

مگر تو آفریدگاری پدید آورنده نگارنده صورتی مر تراست نامهای

الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ.

نیک تنزیه می کند ترا آنچه در آسمانها است و زمین

أَثْبَتَّ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَأَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ

ثابت داشتی هر چیزی را بحکمت ومصلحت خود واحاطه کردی هر چیزی را

بِعِلْمِكَ وَأَبْرَمْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا تَفُوتُكَ

بدانش خود ومحکم نمودی هر چیزی را بحکم خود وفوت نشود از تو

شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الَّذِي

چیزی بدانش تو وامتناع نکند از تو چیزی توئی آنکه

لَا يُعْجِزُكَ هَارِبٌ وَلَا يَرْتَفِعُ صَرِيعُكَ وَلَا يُحْيَى

عاجز نسازد ترا گریزنده تو وبلند نشود افتاده تو وزنده نگردد

قَتِيلُكَ أَنْتَ عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ

کشته تو تو بلند شدی پس غلبه کردی ومالک شدی پس توانا شدی

وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ ظَهَرْتَ عَلِمْتَ

ودانا بباطن امور شدی پس باخبر شدی وبر هر چیزی ظاهر شدی دانستی

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا

خیانت دیده ها را وآنچه را که پنهان دارند سینه ها ومیدانی آنچه را

تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا

که برمیدارد هر زنی وآنچه میزاید وآنچه را بکاهد رحم ها از اعضا وآنچه

تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ أَنْتَ الَّذِي

بیفزاید بر اعضا وهر چیزی نزد تو باندازه ایست توئی آنکه

قَدْ دَنَوْتَ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَارْتَفَعْتَ فَلَيْسَ

پس بنهایت نزدیکی نیست نزدیکتر از تو چیزی و بنهایت بلندی پس نیست

فَوْقَكَ شَيْءٌ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى

بالای تو هیچ چیزی بینی و دیده نمی شوی و تو در دیده‌گاه بلندتری

فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلَى

شکافنده دانه و هستهای خرما مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است

وَلَكَ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ

و مر تراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو

غَافِرُ الذَّنْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُو الطَّوْلِ لَا

آمرزنده گناهی سخت عقوبتی خداوند انعامی نیست

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ

خدای مگر تو بسوی تست بازگردیدن فراگرفته رحمت تو

كُلَّ شَيْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ

هر چیزی را و در رسید حجت تو و نیست باز پس دارنده مر حکم ترا

وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا رَافِعَ

و تو نا امید نمی سازی سوال کننده خود را توئی آنکه نیست بلند سازنده

لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ أَنْتَ الَّذِي

مر آنچه را که پست کنی تو و نه پست کننده مر آنچه را که بلند کنی تو توئی آنکه

الَّذِی لَا یُسْتَطَاعُ کُنْهُ وَصْفِكَ وَلَا مُنْتَهَی
آنکه مقدور نیست رسیدن بپایان ستایش تو و نیست نهایتی
لِمَا عِنْدَكَ اَنْتَ الَّذِی لَا یَصِفُ الْوَاصِفُوْنَ
مرآنچه را نزد تو هست توئی آنکه نمی ستایند ستایندگان
عَظَمَتَكَ وَلَا یَسْتَطِیْعُ الزَّائِلُوْنَ تَحْوِیْلَكَ
بزرگی ترا و طاقت ندارند مفارقت کنندگان گردانیدن ترا
اَنْتَ شِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُوْرِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ
تو شفا بخشنده مرضی که در سینه است و راه نمائی و بخشایش مهربانی
لِلْمُؤْمِنِیْنَ اَنْتَ الَّذِی لَا یُحْفِیْكَ سَائِلٌ وَلَا
مر گروندگان را توئی آنکه نمی رنجاند ترا سوال کننده و
یَنْقُصُكَ نَائِلٌ وَلَا یَبْلُغُ مِدْحَتَكَ مَادِحٌ وَ
کم نمیسازد خزانه ترا عطائی و نمیرسد ستایش ترا ستاینده و
لَا قَائِلٌ اَنْتَ الْکَائِنُ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَالْمُکَوِّنُ
گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده
لِکُلِّ شَیْءٍ وَالْکَائِنُ بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ اَنْتَ الْوَاحِدُ
هر چیز را و موجود پس از هر چیز توئی یگانه
الصَّمَدُ الَّذِی لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوْلَدْ وَلَمْ تَکُنْ لَكَ
بی نیاز مطلق آنکه نزاده و زائیده نشده و نیست مر ترا

لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

وا نمیگذاری آنرا که یاد کرده ترا ضایع نمیکنی آنرا که توکل نموده بر تو

اَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ اَرْضِكَ عَمَّا

توئی آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین تست ازآنچه

فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ

در فضای آسمان تست و باز نمیدارد ترا آنچه در فضای آسمان تست

عَمَّا فِي جَوِّ اَرْضِكَ اَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

از آنچه در زمین تست توئی آنکه بغایت غالبی در پادشاهی خود

وَلَمْ يُشْرِكْكَ اَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ اَنْتَ الَّذِي

و شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه

عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَمَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ اَمْرُكَ

برتر است بر هر چیز را پادشاهی تو و مالک است هر چیز را فرمان تو

اَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ

توئی آنکه مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و به بندگی گرفتی

الْاَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَاَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ

مهتران را بغلبه خود و توئی آنکه مغلوب کردی هر

شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِفَضْلِكَ اَنْتَ

چیز را به توانائی خود و برتر شدی هر چیز را ببخشش خود توئی

الْكَرِيمُ وَأَنْتَ الْبَارُّ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْقَادِرُ

بزرگوار وتویی نیکوکردار تو تویی مهربان وتویی توانا

وَأَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا

وتویی غالب مرتراست نامهای نیک همه آنها

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَبْخَلُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

وتویی بخشنده که بخل نمی ورزی وتویی ارجمند بکه

لَا تَذِلُّ وَأَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي

خوار نمیگردی وتویی امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تسبیح می کند ترا آنچه در

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ بِالْخَيْرِ أَجْوَدُ مِنْكَ

آسمانها وزمین است وتو به نیکیها بخشنده تری از خود

بِالشَّرِّ أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْأَوَّلِينَ أَنْتَ

بگزندها وآزارها تویی پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من تو

تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ أَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا

اجابت میکنی درمانده را هرگاه میخواند ترا تو رهانیدی نوح را

مِنَ الْغَرَقِ وَأَنْتَ غَفَرْتَ لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَأَنْتَ

از غرق شدن و تو آمرزیدی برای داود گناه اورا وتو

نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَأَنْتَ كَشَفْتَ

زایل کردی از خداوند ماهی اندوه را وتو کشودی

كُفُواً اَحَدٌ وَلَمْ تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا اَلسَّمٰوَاتُ

مانند هیچ کس واحد اگرفته هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها

وَمَنْ فِيهِنَّ لَكَ وَالْاَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ

وانچه در آنهاست برای تست و زمین ها وآنکه در آنهاست

لَكَ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى اَحْصَيْتَ

برای تست وانچه میان آنهاست وانچه در زیر خاک است شمرده تو

كُلَّ شَيْءٍ وَاَحَطْتَ بِهٖ عِلْمًا وَاَنْتَ تَزِيدُ فِي

هر چیزی را واحاطه کرده بهر چیزی از روی دانش وتو زیاد می کنی در

الْخَلْقِ مَا تَشَاءُ وَاَنْتَ لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ

آفرینش انچه میخواهی و تو سوال کرده نمیشوی از انچه میکنی و آفریده

يُسْئَلُونَ وَاَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ وَاَنْتَ الْقَرِيبُ

سوال کرده میشوند و توئی کننده مرانچه را که اراده میکنی و توئی نزدیک

وَاَنْتَ الْبَعِيدُ وَاَنْتَ السَّمِيعُ وَاَنْتَ الْبَصِيرُ

وتوئی دور و توئی شنوا و توئی بینا

وَاَنْتَ الْوَاحِدُ وَاَنْتَ الْمَاجِدُ وَاَنْتَ الْوَاجِدُ

وتوئی یگانه وتوئی بزرگوار وتوئی توانگر

وَاَنْتَ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْحَلِيمُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنْتَ

وتوئی دانا وتوئی درست کردار وتوئی بی نیاز وتوئی

مَا أَقْرَبَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ

وچه نزدیکی تو به بندگان خود و مهربانی تو بخلق خود

وَأَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ أَنْتَ أَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَسْمَعُ وَ

وغالبی تو بتوانایی خود تو غالب تر وبزرگوارتر وشنواتر و

أَبْصَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ وَأَظْهَرُ وَأَشْكَرُ وَأَقْدَرُ

بیناتر وبلندتر وبزرگتر وظاهرتر وجزادهنده تر و تواناتر

وَأَعْلَمُ وَأَخْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَعْظَمُ وَأَقْرَبُ وَأَمْلَكُ

ودانا تر و قهرکننده تر و بزرگتر وعظیم تر ونزدیک تر ومالک تر

وَأَوْسَعُ وَأَمْنَعُ وَأَعْطَى وَأَحْكَمُ وَأَفْضَلُ وَ

وفراگیرنده تر وبازدارنده تر وبخشنده تر وحکم کننده تر ودرست کردارتر و

أَحْمَدُ مِنْ أَنْ يُدْرِكَ الْعِيَانُ عَظَمَتَكَ أَوْ

بهتر وستوده تری از آنکه دریابد معاینه ومشاهده بزرگی ترا یا

يَصِفَ الْوَاصِفُونَ صِفَتَكَ أَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ

بستایند ستایندگان وصف ترا یا برسند بکنه ذات تو

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَجَلُّ

خداوندا تو خدایی که نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگوارتری

مِنْ ذُكِرَ وَأَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ وَأَرْأَفُ مَنْ مَلَكَ

از آنکه یاد کرده شده و جزادهنده تری از هر که پرستیده شده و مهربانتری از هر که

عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسٰى

از ایوب بد حالی او را و تو برگردانیدی موسی را

عَلٰى اُمِّهِ وَاَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ السَّحَرَةِ اِلَيْكَ

بسوی مادرش و تو گردانیدی دلهای جادوگران را بسوی خود

حَتّٰى قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ

تا آنکه گفتند گرویدیم به پروردگار جهانیان و تو متولی نعمت

نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ

نعمت شایستگانی یاد کرده نمیشود از تو مگر نیکوی

الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اِلَّا لَكَ اِلَّا الْاٰلَاءُ وَالنِّعَمُ

نیک و آنچه یاد کرده نمیشود مگر نعمتها و عطاها

وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا تَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَلَا

و توئی احسان کننده نیکوکار در نرسیده نمیشود ستایش تو و نه

الثَّنَاءُ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ

ثنای بر تو تو چنانی که ستوده خود را

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَتْ اَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ

تسبیح میکنیم ترا و حال آنکه مشغولیم بسپاس تو پاک است نامهای تو و بزرگ است

ثَنَاؤُكَ مَا اَعْظَمَ شَاْنَكَ وَاَجَلَّ مَكَانَكَ وَ

ستایش تو چه بزرگ است قدر تو و بزرگوار است مکان و مرتبه تو و

مَا حَلَّلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ

چیزی است که حلال نموده و حرام چیزی است که حرام کرده و دین چنان است که تو قرار داده

وَالْأَمْرُ مَا قَضَيْتَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ

و فرمان آن است که فرمان دهی حکم میکنی و حکم کرده نمیشود بر تو

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

خداوندا توی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیز و توی

الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ

آخر پس نیست پس از تو چیزی و توی ظاهر پس نیست

فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ

بالای تو چیزی بحسب علم و توی درون هر چیزی پس نیست نزدیک از تو

شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ

چیزی و توی غالب راست کردار خداوندا بدست تست اندازه های

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

شب و روز و بدست تست اندازه های آفتاب و ماه

وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ

و بدست تست اندازه های یاری نمودن و خوار گذاشتن و بدست تست

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ

اندازه های اینجهان و آنجهان و بدست تست اندازه های

وَأَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى تَحْلُمُ

بخشنده‌تری از آنکه سوال کرده شده و فراگیرنده‌تری از آنکه بخشش نموده بردباری میکنی

بَعْدَ مَا تَعْلَمُ وَتَعْفُو وَتَغْفِرُ بَعْدَ مَا تَقْدِرُ لَمْ

پس از آنچه میدانی از گناهان و درمیگذری و می‌آمرزی پس از آنکه قدرت داری هرگز

تُطَعْ قَطُّ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَلَمْ تُعْصَ قَطُّ إِلَّا بِعِلْمِكَ

اطاعت کرده نشده هرگز مگر به دستوری خود و معصیت کرده نشدی هرگز مگر به دانایی تو

تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ اَللّٰهُمَّ

فرمان برده میشوی پروردگارا پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی پروردگارا پس می‌آمرزی

أَنْتَ أَقْرَبُ حَفِيظٍ وَأَدْنَى شَهِيدٍ حُلْتَ

تو نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حایل شده

بَيْنَ الْقُلُوبِ وَأَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي وَأَحْصَيْتَ

میان دلها و فرا گرفته پیشانیها را و شمرده

الْأَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْأَخْبَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ

کردارها را و دانسته خبرها را و بدست تست اندازه‌ها

وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مُفْضِيَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ

و دلها بسوی تو میل داده شده اند و نهان نزد تو

عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالضَّالُّ

آشکار است و راه یافته آنست که راه نمودی تو او را و گمراه

خلقك حتى ينتهي الحمد الى ما تحب ربنا
تا آنکه برسد سپاس تو بسوی آنچه دوست میداری پروردگارا

وترضى اللهم لك الحمد عدد ما خلقت
خوشنود شوی خداوندا مر تراست سپاس بشمار آنچه آفریده

وعدد ما اردت وعدد ما ذرأت ولك
و بشمار آنچه اراده کردی و بشمار آنچه پیدا کردی و مر تراست

الحمد عدد ما ... ولك الحمد عدد ما
حمد بشمار آنچه خلق کردی و مر تراست سپاس بشمار آنچه

احصيت ولك الحمد عدد ما في السموات
شمرده و مر تراست سپاس بشمار آنچه در آسمانها

والارضين ولك الحمد ملء الدنيا والاخرة
و زمینهاست و مر تراست سپاس بقدر پری اینجهان و آنجهان

پس ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شريك
نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی

له له الملك وله الحمد يحيى ويميت
برای او و مرا وراست پادشاهی و مرا وراست سپاس زنده میکند و می میراند

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
و او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست هر نیکی و او

الْمَوْتِ وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ

مرون وزندگی وبدست تست اندازه‌های نیک

وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ

وبد رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبیامرز برای‌ام هر

ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ

گناهی را که کردم آنرا در تاریکیهای شب ودر روشنایی روز

عَمْدًا اَوْ خَطَاً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

از روی دانستگی یا نادانستگی پنهان یا آشکار بدرستیکه تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا

توانایی وآن بر تو سهل وآسان است ونیست قدرتی

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُثْنِي عَلَيْكَ

وتوانایی مگر بتوفیق خدا بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم ترا

بِاَحْسَنِ مَا اَقْدِرُ عَلَيْهِ وَاَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ

بنیکوترین ستایشی که قدرت دارم من برآن وسپاس گذاری میکنم ترا بانچه تو انعام کردی

بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

بآن بر من وتعلیم کردی مرا از سپاس گذاری خود خداوندا مر تراست سپاس

بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلٰى نَعْمَائِكَ كُلِّهَا وَعَلٰى جَمِيعِ

بسپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو همه آنها و بر

كان عرشه على الماء حين لا شمس تضيء ولا

[illegible] بود عرش او بر آب هنگامیکه نبود آفتابی که روشنی بخشد و نه

قمر يسري ولا نجم يجري ولا رياح تذري ولا سماء

ماهی که [illegible] شد و نه ستاره ای که روان گردد و نه بادهای که بهوا بر دو و نه آسمانی

مبنية ولا أرض مدحية ولا ليل يجن ولا نهار

بر افراشته [illegible] و نه زمینی گسترده [illegible] و نه شبی که [illegible] و نه روزی که

[illegible] ولا [illegible] ولا [illegible]

[illegible] و نه [illegible] که [illegible] و نه صدائی نه شنیده شود و نه [illegible]

[illegible] ولا سحاب منشأ ولا إنس مبرو ولا جن

[illegible] و نه ابری برانگیخته [illegible] و نه آدمی آفریده شده و نه دیوی

[illegible]

[illegible] شيطان رجيم ولا ظل

[illegible] و نه شیطان رانده شده و نه سایه

ممدود ولا شيء [illegible] الحمد لله الذي استحمد

کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس مر خدائی که [illegible]

إلى [illegible] ما استحمده من أهل محامده ليحمدوه

بسوی آنکه ستایش کرده اورا از اهل ستایشهای او تا آنکه ستایش کنند او را

على ما بذل من نوافله الذي فاق منح المادحين

بر آنچه بخشیده [illegible] از زیادتیهای خود ای خدای که گذشته ستایش ستایش نمایندگان را

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ده مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ

بر هر چیز توانا است طلب آمرزش میکنم از خدای

الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ

که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده و باز گشت میکنم

إِلَيْهِ پس بگو يَا أَللهُ يَا أَللهُ ده مرتبه يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ

بسوی او ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده

ده مرتبه يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ده مرتبه يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ

ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ

و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای مهربان

يَا مَنَّانُ ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده مرتبه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ای بسیار بخشنده ای زنده ای پایدار بنام خدای بخشاینده مهربان

ده مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه پس بگوید

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَفِيَّ

خداوندا مر تراست سپاس ای سزاوار سپاس ای منتهای سپاس ای وفا کننده

الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ الْمَجْدِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

پیمان خداوند لشکر غالب دیرینه بزرگواری سپاس مر خدای را که

فِي فَوَاصِلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ

ستایش از برای خدای پدید آورنده آفرینش آفریدگان

بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ أَجْسَادِ الْعِبَادِ بِقُدْرَتِهِ

بدانش خود و صورت بخش تنهای بندگان بتوانائی خود

وَمُخَالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنَافِخِ

و مخالف افکنده میان صورتهای آنانکه آفریده از خلق خود و دمنده

الْأَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ

روحها در خلق خود بدانش خود و آموزاننده آنانکه آفریده از

عِبَادِهِ اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

بندگان همه نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها و زمین

عَظَمَتِهِ الَّذِي [illegible] كُلَّ شَيْءٍ خَلْقُ كُرْسِيِّهِ

بزرگی خود آن خدائی که فرا گرفته هر چیز را خلق کرسی او

وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْأَعْلَيْنَ وَقَهَرَ الْمُلُوكَ

و برتر شد به بزرگی خود بالای هر برتری و غالب شد پادشاهان را

بِجَبَرُوتِهِ الْجَبَّارِ الْأَعْلَى الْمَعْبُودِ فِي سُلْطَانِهِ

به بزرگواری خود کارفرمای بقهر بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت خود

الْمُتَسَلِّطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدَانِي

خداوند سلطنت بتوانائی خود بغایت بلند در نزدیکی خود بغایت نزدیک

الحامدين وحمداً وصف الواصفين من حيث

ستا م صفات او وند گذشت از ستایش ستایش کنندگان از حیث

جلاله هو أهل لكل حسنة ومنتهى كل رغبة

جلال او او سزاوار هر ستایشی و منتهای هر خواهشی است

وقاضي كل حاجة الواحد الذي لا ابتداء له الملك

و روا کننده هر حاجت یگانه است که نیست ابتدایی برای او پادشاهی

الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه ناظر

که نیست زوال او را بلند مرتبه که نیست بالای او نظر کننده

ذو المغفرة والرحمة العفو لبذل نواله المعفو

خداوند آمرزش و بخشش سزاوار شده به بخشیدن عطای ...

بهيبة جلاله المذكور بحسن آلائه المنان

به هیبت جلالت خود یاد کرده شده به نیکویی نعمتهای خود بسیار بخشنده

بسعة فواضله المرغوب إليه في تمام المواهب

به گشایش زیادتیهای خود رغبت کرده شده است بسوی او در تمامی بخششها

من خزائنه العظيم الشأن الكريم في سلطانه

از خزانه های خود بزرگ مرتبه بزرگوار در سلطنت خود

العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد

بلند در جایگاه خود نیکویی کننده در انعام بخشنده

الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير

زمین است و مرا او راست سپاس در آن جهان و اوست درست کردار آگاه

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة

سپاس مر خدای آفریننده آسمانها و زمین را کردانند فرشتگان

رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في

پیغامبران خداوند آن با بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در

الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير سبحان

آفرینش آنچه می خواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست پاک است

الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول

خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدا او را مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست قدرتی

ولا قوة الا بالله العلي العظيم وسبحان الله

و نه توانائی مگر بتوفیق خدا بلند قدر بزرگ مرتبه و استحقاق تنزیه خدا راست

حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في

هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید و مرا او راست سپاس در

السموات والارض وعشيا وحين تظهرون

آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامیکه بپیشین میکنید

وسبحان الله آناء الليل واطراف النهار وسبحان

و استحقاق تنزیه خدا راست در ساعتهای شب طرفهای روز و استحقاق تنزیه

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي نَفَذَ بَصَرُهُ فِي

بهر چیزے در بلندی خود آنخدائی که روان شد بینائی وعلم او در

خَلْقِهِ وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ لِشُعَاعِ نُورِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

خلق او و حیران گشته دیده ها بجهت روشنائی او سپاس مر خدائی را

الْحَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ

که بردبار راه نما توانا سخت عقاب پدید آرنده نخستین

الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَكَاشِفِ

باز گرداننده ، برانچه را که خواهد سپاس مر خدائی را که فرو فرستنده آیات و

الْكُرُبَاتِ وَمُؤْتِي السُّؤْلَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي كُلِّ

اندوه ها دهنده سوالهاست سپاس مر خدای را در هر

مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ أَوَانٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جای و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدا را که

لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يُذِلُّ مَنْ

وانمیگذارد کسی را که یاد کند او را و نا امید نمیکند کسی را که بخواند او را و خوار نمیسازد

وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ

که دوست دارد او را آنخدائیکه پاداش میدهد در مقابل نیکوی نیکوئی و در مقابل شکیبائی

نَجَاةً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي

رستگاری سپاس مر خدائی را که برای اوست آنچه در آسمانهاست و آنچه در

إِنِّي أَسْئَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ بِأَسْمَائِكَ

بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای خدا ای بخشنده بحرمت نامهای

الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

خوش آینده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه من

أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْكَبِيرَةِ الْكِبْرِيَائِيَّةِ اَللّٰهُمَّ

سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ و بزرگوار اند خداوندا

إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ

بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که ارجمند و غالب اند

وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ

وسوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که تمام و کامل

الْمَشْهُورَةِ يَا اَللّٰهُ وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي

ومشهور اند ای خدا وسوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که

هِيَ رِضَاكَ يَا اَللّٰهُ وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي

آنها پسندیده تست ای خدا وسوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که

لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ يَا اَللّٰهُ وَأَسْئَلُكَ مِنْ

نگرداند آنها را غیر تو هیچکس ای خدا وسوال میکنم از تو از

مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَ أَوْفِ الْعَهْدَ يَا اَللّٰهُ أَنْ

سوالهای تو بسوالی که عهد کرده بوفا کرده شده عهد ای خدا اینکه

لله بالغدو والآصال وسبحان ربك رب العزة

خدا راست در بامداد و بعد از عصر و پاک است پروردگار تو صاحب عزت

عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله

از آنچه می ستایند کافران و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدای

رب العالمين والحمد لله كما يحب ربنا وكما يرضى حمدا

پروردگار جهانیان را و سپاس مر خدا را چنانکه دوست میدارد پروردگار ما

كثيرا طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما

بسیار پاکیزه و تنزیه میکنم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه

يحب الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله شيء

دوست میدارد خدا آنکه تنزیه کرده شود و سپاس مر خدا را هرگاه سپاس گذارد

وكما يحب الله ان يحمد ولا اله الا الله كلما هلل

و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گذارده شود و نیست سزاوار پرستش مگر خدا هرگاه تهلیل کند

الله شيء وكما يحب الله ان يهلل والله اكبر كلما

خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است هرگاه

كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر ولا حول ولا قوة

بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تعظیم کرده شود و نیست قدرت

الا بالله العلي العظيم پس بخوان این دعا مخزون را اللهم

مگر بتوفیق خدا بلندقدر بزرگ مرتبه خداوندا

بِمَا لَا اَعْلَمُهُ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَئَلْتُكَ بِهِ يَا اَللّٰهُ

بحرمت آنچه نمیدانم آنرا آنچه که اگر دانستمی هرآینه سوال کردمی ترا بآن ای خدا

وَبِكُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

وبهر نامی که منفرد شدی تو بآن در علم نهانی که نزد تست

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

ای بخشاینده ای بخشاینده آنکه رحمت بفرستی بر محمد بنده تو

وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ

و فرستاده تو و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو

وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ

و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ

جمله خلق تو و همراز تو و انتخاب کرده شده تو و دوست تو و بنده خالص تو

وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ

و بر خاندان محمد و ترحم کنی بر محمد و اهل

بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ وَاَجْمَلِ وَاَزْكٰى وَاَطْهَرِ

بیت محمد مانند افزونتر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر

وَاَعْظَمِ وَاَكْثَرِ وَاَتَمِّ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ

و بزرگتر و بیشتر و تمامتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

لا يخيب سائلك يا الله واسئلك بجملة

نا امید نسازی سوال کننده خود را بخدا و سوال میکنم از تو بهمه

مسائلك التي لا يفي بحملها شيء غيرك يا الله

سوالهای تو سوالهائیکه وفا نمیکند به بر داشتن واجابت آنها چیزی غیر تو ای خدا

هفت مرتبه واسئلك بكل اسم اوجبته وكل

و سوال میکنم از تو بحرمت هر نامی که لازم گردانیده بخود و بهر

اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي الى

نامیکه آن بحق تست و بهر سوال تا آنکه برسد بسوی

اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر

آن نامیکه عظیم تر است عظیم تر بزرگتر است بزرگتر

العلي الاعلى الذي استويت به على

بلند است بلندتر آن نامیکه استیلا داری بآن بر

عرشك واستقللت به على كرسيك وهو

عرش خود و مستقل گردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن

اسمك الفاضل الكامل الذي فضلته

نام نیک کامل تست آن نامیکه زیادتی داده آنرا

على جميع اسمائك يا رحمن هفت مرتبه واسئلك

بر همه نامهای خود ای بخشاینده و سوال میکنم

وَأَظْهِرْ عُذْرَهُ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا

و ظاهر ساز عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانچه

بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ

رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات کتاب ترا و امر کرد بطاعت تو

وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا

و بیان نمود آن و منع فرمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از آن

فِي سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ

نهانی و آشکارا و کارزار نمود حق کارزار در راه قرب تو

وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ

و پرستید ترا اخلاص کرد آنده تا آنکه رسید او را مرگ رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا

بر او و بر خاندان او خداوندا برانگیز او را در اقامت گاه ستوده

يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ

که رشک برند او را پیشینیان و پسینیان از پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى

و فرستادگان خداوندا بکار دار ما را بطریقه او و بمیران ما را بر

مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ

دین او و برانگیز ما را در زمره پیروان او و زنده کن ما را ...

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ
پیغمبران تو و فرستادگان تو ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن خداوندا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمرهٔ پیشینیان و رحمت بفرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
بر محمد و آل محمد در زمرهٔ پسینیان و رحمت بفرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
و آل محمد در زمرهٔ بزرگان محل برتر و رحمت بفرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِ
و آل محمد در زمرهٔ پیغمبران و فرستادگان خداوندا ببخش
مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ
محمد را رحمتهای تو بر او و آل او وسیله را و زیادتی را
وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ أَكْرِمْ مَقَامَهُ
و شرف را و مرتبهٔ بلند را خداوندا گرامی دار جای قامت او را
وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ
و بلند کن اساس او را و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را
وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْلِ كَعْبَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ
سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را

الْوَارِثِينَ اللّٰهُمَّ أَرِهِمْ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَأَرِ

میراث برندگان خداوندا بنما ایشانرا درباره دشمنان خود آنچه آرزو کنند و بنما

عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اللّٰهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ

دشمنان ایشانرا از ایشان آنچه بیم نمایند خداوندا جمع کن میانه ایشان

فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اللّٰهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ

در نیکی و عافیت خداوندا زود گردان راحت و گشایش برای آل

مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدَىٰ أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ

محمد خداوندا جمع کن بر هدایت کار ایشانرا و بگردان دلهای ایشانرا

عَلَىٰ قُلُوبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ إِنَّكَ

بر دلهای برگزیدگان ایشان و اصلاح کن حالتی را که در میان ایشان است بدرستیکه تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

ستوده و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا

و آل محمد و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنکه زائیده اند ایشان

وَأَعْتِقْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَأَرْضِهِمَا عَنِّي

و آزاد کن ایشانرا از آتش و رحم کن ایشانرا و خشنود ساز ایشانرا از من

وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ وَلِكُلِّ

و بیامرز هر یک از پدران مرا که در آمده اند در اسلام

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ ذُرِّيَّتِهِ

و بگردان ما را از آنانکه پیروی کنند او را و منع مکن ما را از دیدن او

وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا

و نا امید مکن ما را از مرافقت او تا آنکه قرار دهی ما را بغرفهای او و جاوید گردانی ما

فِي جِوَارِهِ يَا رَبِّ اُحِبُّهُ فَاَحْيِنِي اِذْ ذَلِكَ وَلَا تُفَرِّقْ

در همسایگی او ای پروردگار من بدرستیکه من دوست میدارم او را پس زنده بدار مرا از جهت او ای پروردگار جدائی میفکن

بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

میان من و میان او بقدر بر هم زدن چشم در اینجهان و آنجهان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد آنانکه ببرد خدا

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ افْتَحْ

از ایشان گناه را و پاک گردانید ایشانرا پاک گردنی خداوندا بگشا

لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَانْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ

برای ایشان گشودن آسانی و یاری کن ایشانرا یاری با عزت و غلبه و بگردان

لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ

برای ایشان از نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا جای ده

لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ اَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ

ایشانرا در زمین و بگردان ایشانرا پیشوایان و بگردان ایشانرا

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ

پیشی گرفته اند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه

آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَاغْفِرْ لَنَا

گرویده اند پروردگار ما بدرستیکه تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

و مردان گرونده و زنان گرونده را زندگان از ایشان

وَالْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَاجْمَعْ

و مردگان ایشانرا خداوندا بصلاح آور حالتی را که میان ایشانست و جمع کن

عَلَى الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْنِي وَإِيَّاهُمْ عَلَى

بر هدایت کار ایشان بگردان مرا و ایشان را

طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ وَالْمُمْ شَعْثَهُمْ وَاحْقِنْ

فرمان برداری خود و دوستی تو خداوندا فراهم آور پراکندگی ایشانرا و بازدار

دِمَاءَهُمْ وَوَلِّ أَمْرَهُمْ خِيَارَهُمْ أَهْلَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

ریخته شدن خونهای ایشانرا و متولی گردان کار ایشانرا نیکان ایشانرا صاحبان مهربانی و رحمت

وَالْمَعْدِلَةِ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ

و عدالت بر ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا ای پدید آورنده آسمانها و زمین

وَوُلْدِي وَجَمِيعِ قَرَابَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و فرزندان مرا و همه خویشان مرا بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي وَجَمِيعَ وَرَثَةِ آبَائِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

خداوندا بگردان مرا و همه میراث برندگان پدر مرا و برادران مرا در راه تو

مِنْ أَهْلِ وِلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى

از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که بتحقیق قدرت ندارد بر

ذَلِكَ غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ اللّٰهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ

آن غیر تو ای بخشاینده خداوندا توفیق ده مرا آنکه

أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ

سپاس گذاری کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي

و آنکه بکنم شایسته که بپسندی آنرا و شایسته ده مرا در فرزندان من بدرستیکه

تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاجْزِ وَالِدَيَّ

رجوع نمودم بسوی تو و بدرستیکه من از گردن نهندگانم و پاداش ده پدر و مادر مرا

خَيْرَ مَا جَزَيْتَ وَالِدًا عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُمَا

از آنچه بهتر پاداش دادی پدری را از فرزندش و بگردان پاداش نیک ایشانرا

عَنِّي جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

از من بهشتهای با نعمت و بیامرز مرا و برادران مرا آنانکه

يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَيُجِيبُ

ای کسی که اجابت میکند درمانده را و برطرف میکند رنج را و اجابت می کند

الدَّاعِيَ وَيُعْطِي السَّائِلَ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ

دعا کننده را و می بخشد سوال کننده را درخواست میکنم از تو ای پروردگار من مانند درخواست

مَنْ لَمْ يَجِدْ لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِراً

کسیکه نیافته است برای ناتوانی خود قوت دهنده را و نه برای گناه خود آمرزنده

وَلَا لِفَقْرِهِ سَادّاً غَيْرَكَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ

و نه برای حاجت خود مسدود کننده غیر از تو سوال میکنم از تو مانند سوال کسیکه

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ

سخت شده است فاقه او و سست شده است توانائی او و بسیار شده است

ذُنُوبُهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

گناهان او ای خداوند بزرگوار و صاحب گرامی داشتن ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا رَبِّ اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مَسْئَلَةَ كُلِّ سَائِلٍ

ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سوال هر سوال کننده را

وَرَغْبَةَ كُلِّ رَاغِبٍ بِيَدِكَ وَاَنْتَ اِذَا دُعِيتَ

و خواهش هر خواهش کننده در قبضه قدرت تست و تو هر گاه دعوت کرده شوی

اَجَبْتَ وَبِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ

اجابت میکنی و بحق سوال کنندگان بر تو و بحق

عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دانای نهان و آشکار ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

وَالْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْجَبَرُوتِ

و بخشش و توانائی و سلطنت و بزرگواری

وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ

و پادشاهی و بزرگواری و بزرگی و توانائی

وَالْمِدْحَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ

و سپاس و ترس و خواهش بندی و بخشش و بلندی

وَالْحُجَّةِ وَالْهُدَى وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ وَالْأَمْرِ

و حجت و راه نمای و فرمان برداری و پرستش و فرماندهی

وَالْخَلْقِ وَكُلِّ شَيْءٍ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و آفرینش و همه چیز ترا است ای پروردگار جهانیان

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْئَلُكَ يَا رَبِّ سُؤَالَ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سوال

الضَّارِعِينَ الْمُتَضَرِّعِينَ الْمَسَاكِينِ الْمُسْتَكِينِينَ

فروتنی کنندگان مسکینان فروتنی نمایندگان خشوع کنندگان

الرَّاغِبِينَ الرَّاهِبِينَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ سِوَاكَ

رغبت دارندگان ترسندگان آنانکه نمی ترسند از غیر تو

اللّهمّ كن لي حفيّاً ولا تجعلني بدعائك ربّ

خداوندا باش برمن مهربان ونگردان مرا بدعای خود ای پروردگار من

شقيّاً وامنن عليّ بعافيتك واعتق رقبتي

صاحب شقاوت واحسان کن برمن بعافیت خود وآزاد کن گردن مرا

من النّار فإنّي لا أستغيث بغيرك وأستجيرك

از آتش پس بدرستیکه من استغاثه نمیکنم بغیر تو وپناه میبرم بتو

فأجرني من كلّ هولٍ ومشقّةٍ وخوفٍ وآمن

پس پناه ده مرا از هر ترسانیدنی ورنجی وترسی وایمن گردان

خوفي وشجّع جبني وقوّ ضعفي وسدّ فاقتي

ترس مرا وبدلیری بدل کن بددلی مرا وبقوت بدل کن ناتوانی مرا وفاقه مرا

وأصلح لي جميع أموري يا ربّ أعوذ بك من

وباصلاح بیار برای من همه کارهای مرا ای پروردگار من وپناه می برم بتو از

هول المطّلع ومن شدّة الموقف يوم الدّين

ترسانیدن عرصه قیامت واز دشواری عرصه محشر در روز جزا

فإنّك تجير ولا يجار عليك يا ربّ يا ربّ يا ربّ

بدرستیکه تو پناه میدهی وپناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

اللّهمّ لا تعرض عنّي حين أدعوك ولا تصرف

خداوندا روی مگردان از من وقتیکه بخوانم ترا وبرمگردان

صَفَوَاتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَمُنْتَهَى الْعِزِّ مِنْ
برگزیدگان تو از بندگان تو و بحق نهایت عزتی که از
عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ أَنْ
عرش تو و بحق نهایت بخشایش تو از کتاب تو اینکه
لَا تَسْتَدْرِجَنِي بِخَطِيئَتِي وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي
استدراج نکنی مرا بگناه من و نگردانی مصیبت مرا
فِي دِينِي وَاذْكُرْنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ وَلَا تَنْسَنِي
در دین من و یاد کنی مرا ای پروردگار من بخشنودی خود و فراموش نکنی مرا
حِينَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وقتی که پراکنده میکنی بر بنده رحمت خود را و متوجه شو بطرف من بذات خود که کریمست
وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا أَهْلَ الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ
و احسان کن بر من بکرامت خود ای اهل بخشایش و بپذیر
دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي فَإِنِّي بَائِسٌ فَقِيرٌ
دعای مرا و رحم کن بزاری من پس بدرستیکه من محتاج فقیر
خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ مِنْ عَذَابِكَ لَا أَثِقُ بِعَمَلِي
ترسان پناه برنده از عذاب توام اعتماد ندارم بر کردار خود
وَلَكِنِّي أَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
ولکن من اعتماد دارم بر بخشایش تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من بار خدايا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو اينكه درود فرستى

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَهْلِ بَيْتِهٖ صَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ

بر محمد و آل محمد و اهل بيت او كه برگزيدگان تو و گزيدگان تو اند

مِنْ خَلْقِكَ وَاَنْ تَسْتَجِيْبَ لِيْ دُعَائِيْ وَتُعْطِيَنِيْ سُؤْلِيْ

از خلق تو و اينكه مستجاب گردانى از براى من دعاى مرا و ببخشى مرا مسئولات مرا

وَاكْفِنِيْ اَمْرَ اٰخِرَتِيْ وَدُنْيَايَ وَارْحَمْ فَاقَتِيْ وَاغْفِرْ ذُنُوْبِيْ

و كفايت كن كار آخرت مرا و دنياى مرا و رحم كن بر فاقه من و بيامرزى گناهان مرا

مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَاَخَّرَ وَاٰتِنِيْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي

آنچه گذشته است از آن و آنچه بعد از اين صادر ميشود و بده بمن در دنيا نيكوئى و در

الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنِيْ بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ

آخرت نيز نيكوئى و نگاهدار مرا برحمت خود از عذاب آتش بار خدايا روزى كن مرا

صِلَةَ قَرَابَتِيْ وَحَجًّا مَقْبُوْلًا وَّعَمَلًا صَالِحًا مَبْرُوْرًا تَرْضَاهُ

پيوند خويشى و حجى كه مقبول باشد و كردار نيك پذيرفته شده كه راضى باشى آن

مِمَّنْ عَمِلَ بِهٖ وَاَصْلِحْ لِيْ اَهْلِيْ وَوُلْدِيْ وَاَسْئَلُكَ اَنْ

از كسيكه عمل كند بآن و نيك گردان براى من اهل مرا و فرزندان مرا و سوال ميكنم از تو اينكه

تَجْعَلَ لِيْ عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِيْ مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَانًا

بگردانى از براى من فرزندان نيك كه لاحق گردانى مرا از دعاى ايشان خشنودى خود

عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْئَلُكَ فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ

از من روی خود را وقتیکه از تو درخواست نمایم حاجت پروردگارا مرا غیر تو

وَأَعْطِنِي مَسْئَلَتِي وَآمِنْ خَوْفِي يَوْمَ أَلْقَاكَ اَللّٰهُمَّ

و بده مرا آنچه سوال کردم و ایمن گردان مرا از ترس روزیکه ملاقات کنم ترا خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِذْنِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ

بدرستیکه من پناه می برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه من ناتوان و ترسان

مُسْتَجِيرٌ بَائِسٌ فَقِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

و پناه برنده و محتاج و فقیرم ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

اكْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعَذْتُكَ مِنْهُ وَأَلْبِسْنِي رَحْمَتَكَ

برطرف کن ضرر چیزی را که پناه بردم بتو از او و بپوشان مرا لباس رحمت خود

وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَآمِنِّي بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ تُجِيرُ

و بپوشان مرا عافیت خود و بده امان مرا برحمت خود بدرستیکه تو پناه میدهی

وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ

و پناه داده نمیشود بر تو بارخدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از وحشت

الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ وَعَذَابِهِ

قبر و از تنهائی آن و از تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن

وَمِنْ هَوْلِ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و از ترسیدن آنچه می ترسم بعد از قبر ای پروردگار جهانیان

عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً إِلَيْكَ

نزد تست واعتماد بتو و اطمینان بتو و بازگشت بسوی تو

نَصُوحًا يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا

بازگشتی که سود مند باشد ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بارخدایا مر تراست سپاس چنانچه

خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا فَأَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا

آفریدی مرا و نبودم که بودم چیزی که مذکور شود پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا

وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَ

و حوادث روزگار و نکبتهای زمانه و اندوه های آخرت و

مُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

مصیبت های شب ها و روز ها و کفایت کن مرا شر آنچه میکنند ستمکاران

فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ

در زمین بارخدایا برکت ده مرا در تقدیر کرده خود و راضی کردن مرا بقضای خود

اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي شُكْرًا وَتَوْفِيقًا

بارخدایا بگشا گوشهای دل مرا از جهت ذکر خود و روزی کن مرا شکر و توفیق

وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَ

و پرستش و ترس ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

اللَّهُمَّ اطَّلِعْ إِلَيَّ الْيَوْمَ اطِّلَاعَةً تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ

بارخدایا مطلع شو بسوی من امروز اطلاعی که داخل کنی مرا بسبب آن در بهشت

وَمَغْفِرَةً وَزِيادَةً فِي كَرامَتِكَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و آمرزش خود را و زیادتی در کرامت خود بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمِينَ يارَبِّ يارَبِّ سَيِّدِي اَللّٰهُمَّ وَكُلَّما

و تو بخشنده ترین بخشندگانی ای پروردگار من ای پروردگار من ای آقای من بار خدایا هر چه

كانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ

باشد در دل من از شک یا ریب یا انکار یا ناامیدی یا سرور

اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خِيفَةٍ

یا شادی بسیار یا شادی بغفلت و طغیان یا فخر کردن یا تکبر کردن یا بد دلی یا ترس

اَوْ رِياءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ

یا طلب دیدن مردم یا شنیدن مردم یا مخالفت یا دورنگی یا نفاق یا کفر یا فسق یا

عِصْيانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ مِمّا لا تُحِبُّ عَلَيْهِ اَوْلِياءَكَ

گناه یا نخوت یا چیزی از آنچه دوست نداری بر آن دوستان خود را

فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذٰلِكَ مِنْ قَلْبِي وَاَنْ

پس سوال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه محو گردانی آنها را از دل من و اینکه

تُبَدِّلَنِي مَكانَهُ اِيماناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضائِكَ وَوَفاءً

بدل کنی بجای او ایمان را و عدل را و راضی بودن بقضای خود و وفا کردن

بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيا وَرَغْبَةً فِيما

بعهد خود را و ترس از خود را و زهد در دنیا و خواهش در آنچه

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

بارخدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو بپیغمبر تو پیغمبر رحمت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فِي خَلَاصِي وَخَلَاصِ

محمد درود بفرستد خدا براو وآل او در رهائی خودم ورهائی

وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَاَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ ذُرِّيَّتِهِ

پدر و ما درم وآنچه زاده اند هر دو ورهائی اهل من وفرزندان من وهمه ذریت

اَبِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

پدرمن وبرادران من در راه تو وهمه مردان مومن وزنان مومنه

وَكُلِّ وَالِدٍ لِي دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ مِنْ

وهر پدر از من که در آمده است در دین اسلام از

اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ

ترسهای روز قیامت واز شر عذاب قبر

وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَ

واز اندوه هاے دنیا وآخرت

اَهْوَالِهَا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِي

ترسانیدنهای آن وسوال میکنم از تو اینکه روزی کن مرا

عِزَّهَا وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّهَا وَتُثَبِّتَنِي

عزت آن را وبگردانی از من شر آنرا وثابت داری مرا

اللهم استجب دعائي واقبله مني واجعله دعاءً جامعاً

خدایا مستجاب کن دعای مرا و قبول کن آن را از من و بگردان آن دعا را از من دعایی

يوافق بعضه بعضاً فانّ كلّ شيءٍ عندك بمقدار

که موافق باشد بعضی از آن با بعض پس بدرستیکه هر چیز نزد تو باندازه است

اللهم واجعله من شأنك فانّك كلّ يوم في شأن

بار خدایا و بگردان آن را از شأن خود پس بدرستیکه تو هر روزی در شأنی هستی

اللهم واكتبه لي في علّيين في كتاب لا يمحى ولا يبدّل

بار خدایا و بنویس آن دعا را برای من در علیین در کتابی که محو کرده نمیشود و بدل کرده نشود

بان تقول قد غفرت لعبدي ما تقدّم من

باینکه بگویی که بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را آنچه پیش گذشته از

ذنبه وما تأخّر واستجبت له دعوته ووفّقته

گناهان او و آنچه بعد از این کند مستجاب کردم برای او دعای او را و توفیق دادم او را

واصطفيته لنفسي وكرّمته وفضّلته وعصمته

و برگزیدم او را برای نفس خود و گرامی داشتم او را و برتری دادم او را و نگاه داشتم او را

وهديته وزكّيته واصلحته واستخلصته وغفرت

و راه نمودم او را و پاک کردم او را و نیکو کردم او را و خالص کردم او را و آمرزیدم او را

له وعفوت عنه آمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ

و عفو کردم او را ایدال قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ

شر هر جنبنده خورد یا بزرگ در شب و در روز و از شر

فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن و انس

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و نیست توانائی و نه قوت طاعت و غفران مگر

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ مَخْلُوقٍ دَاعٍ إِلَى الْخَيْرِ

بیاری خدای غالب بزرگ و درود فرستد خدا بر بهترین مخلوقی که خواند خلق را بجانب بهترین

مَعْبُودٍ اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

معبود خداوندا ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوئی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا رَبِّ

آخرت نکوئی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ وَمَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَمَلٍ

ای پروردگار من ای پروردگار من خدایا آنچه باشد از خیر و یا عمل

صَالِحٍ أَسْئَلُكَ بِهِ وَأَكُونُ فِي رِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ

نیک درخواست میکنم ترا بوسیله آن و می باشم در خوشنودی تو و عافیت تو

وَمَا صَلُحَ مِنْ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِهِ وَإِنِّي

و آنچه شایسته باشد از آن از خدا پس منت گذار بر من با آن بدرستیکه

بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي

بگفتار محکم و پایدار باشد در زندگانی دنیا و

الْاٰخِرَةِ اِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ وَصَلَّى

آخرت بدرستیکه تو مهربان بخشنده و درود فرستد

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ كَثِيرًا وَّسَلَّمَ

خدا بر محمد وآل او بسیار وسلام فرستد

وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا رَبِّ

وکافیست مارا خدا و نیکو کسی است کارساز ای پروردگار من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

اَنْ تَصْرِفَ عَنِّيْ شَرَّ كُلِّ

اینکه بگردانی از من شر هر

جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَّشَيْطَانٍ مَّرِيدٍ وَّشَرِّ

ستمگر دشمن را و شر هر شیطان سرکش را و شر

كُلِّ ضَعِيفٍ مِّنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ وَّمِنْ

هر ناتوانی از آفریده ای تو وشر هر صاحب قوتی و پناه می جویم

شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَمِنْ

شر هر چه زهر داشته باشد و گزنده باشد وچشم زخم وخاص و عام و از

يَا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مَدَّ اِنَّكَ الْعَافِيَةَ
اى پروردگار من وسوال ميكنم از تو اى پروردگار من بازاين عافيت
مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ
از مشقت بلا و بدى قضا و سرزنش كردن
الْاَعْدَاءِ وَاَنْ تُحَمِّلَنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَاَنْ
دشمنان و اينكه بار كنى مرا آنچه نيست توانائى مرا بآن و اينكه
تُسَلِّطَ عَلَيَّ ظَالِمًا اَوْ تَبْتَلِيَنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ
مسلط كنى برمن ظالمى را كه گرفتار و مبتلا كند مرا بحديكه نيست مرا بردداشت آن بآن چيز
وَتُنَاقِشَنِي فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْحِسَابِ مُنَاقَشَةً
و مناقشه نمائى با من در حساب در روز حساب بمناقشه
بِمُسَاوِيَّ اَحْوَجَ مَا اَكُونُ اِلَى عَفْوِكَ وَتَجَاوُزِكَ
بديهاى من در حالتيكه محتاج ترم آنچه باشم بسوى بخشايش تو و درگذشتن تو
اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُعَظِّمَ عَافِيَتِي
سوال ميكنم از تو بذات تو بزرگست اينكه عظيم گردانى عافيت مرا
فِي جَمِيعِ ذَلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ اَيْ مَنْ عَفَى
در همه اين چيزها اى صاحب عافيت اى كسيكه عفو كرد
عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ عَبْدَكَ
از بديها وجزا نداد بآن بديها ببخشاى بنده خود را

إِلَيْكَ رَاغِبٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ اَللّٰهُمَّ مَا اسْتَغْفَيْتُكَ

بسوی تو راغبستم و بتو پناه برنده‌ام بارخدایا آنچه طلب عفو کردم از تو

مِنْهُ وَمَا لَمْ اَسْتَعْفِكَ مِنْهُ وَتُوجِبُ عَلَيَّ بِهِ

از او و آنچه طلب عفو کردم از تو از آن و واجب میکردانی بر من بسبب آن

النَّارَ وَسَخَطَكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَمَا عُذْتُ مِنَ

آتش را و غضب خود را پس نگاهدار مرا از آن و آنچه پناه برده‌ام ما از

الْخَازِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَسُوْءِ الْمُطَّلَعِ اِلٰى مَا فِي

رسوائیهای روز قیامت و بدی منظر بسوی آنچه در

الْقُبُوْرِ فَاَعِذْنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ وَمَا اَنْدَمُ عَلَيْهِ

قبرها است پس پناه ده مرا از آن بارخدایا و آنچه پشیمان میشوم بر او

مِنْ فِعْلٍ لَهُ وَاُجَازِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْمَعَادِ وَتَرَانِي

از کردن خود از او و پاداش داده شوم بدان در روز بازگشت یا بینی مرا

فِي الدُّنْيَا عَلَى الْحَالِ الَّتِي تُوْرِثُ سَخَطَكَ

در دنیا بر حالیکه باعث خشم تو شود

فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ اَنْ تُعْظِمَ عَافِيَتِي

پس سوال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ گردانی عافیت مرا

مِنْ جَمِيْعِ ذٰلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

از همه این چیزها ای صاحب عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من

إِلَيْكَ فَقُمْتُ [illegible] إِلٰهِي بِلَيْتِكَ فَكَيْفَ
بسوی تو پس ایستادم [illegible] ای من بدانست تو پس چگونه
أَنْتَ [illegible] شِعْرِي وَلَا أَشْعُرُ كَيْفَ
تو [illegible] من کاملی [illegible] و نمیدانم چگونه
تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ نَعَمْ أَوْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ
میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی
لَا فَيَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ يَا عَوْلَتَاهُ يَا عَوْلَتَاهُ
نه پس ای وای بر من ای [illegible] ای ناله کردن [illegible]
يَا عَوْلَتَاهُ [illegible] يَا شِقْوَتَاهُ يَا شِقْوَتَاهُ [illegible]
[illegible] ای بدبختی من [illegible]
يَا ذِلَّتَاهُ يَا ذِلَّتَاهُ إِلَىٰ مَنْ وَإِلَىٰ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ
ای خواری من ای خواری من بسوی که و نزد که یا چگونه
أَوْ بِمَاذَا أَوْ إِلَىٰ أَيِّ شَيْءٍ وَمَنْ أَرْجُو وَمَنْ
یا بکدام چیز یا بسوی چه چیز و بکه امید دارم با کدام کس
يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ رَفَضْتَنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ
احسان کند بر من اگر ترک کنی مرا ای فراخ آمرزش و اگر
قُلْتَ نَعَمْ كَمَا الظَّنُّ بِكَ فَطُوبَىٰ لِي
بگوئی آری چنانکه گمان است بتو پس خوشا حالی من

يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا الله يا الله يا الله نفسي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا نفس مرا

نفسي نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين

نفس مرا نفس مرا رحم کن بنده خود را ای آقای من بنده تو

يديك يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه يا منتهى رغبتاه يا مجري

برابر تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای منتهای خواهش من ای جاری

الدم في عروقي عبدك عبدك يا سيداه

خون در رگهای من بنده توام بنده توام ای آقای من

يا مالك عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو

ای مالک بنده خود ای آقای من ای مالک من ای کسی که او

يا ربّاه لا حيلة لي ولا غنى بي عن نفسي ولا

پروردگار من نیست چاره مرا و نه بی‌نیازیست مرا از نفس من و نمیتوانم

أستطيع لها ضرّا ولا نفعا ولا رجاء لي

برای او ضرری و نه فائده و نیست امید مرا

لا أجد أحدا أصانعه تقطّعت أسباب

نمی‌یابم کسی را که رشوت دهم او را گسسته شد سببهای

الخدائع واضمحلّ عنّي كلّ باطل أفردني الدهر

فریبها و مضمحل شده از من هر باطل تنها کرد مرا روزگار

مِلأً مِنْ خَيْرِكَ بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيِّي أَنَا

پر از خير خود بحق خود اى سرور من اى ناصر و مولاى من من

مَنْ قَدْ عَرَفْتَ شَرُّ عَبْدٍ أَنْتَ خَيْرُ رَبٍّ يَا مُخْشِيَ الْانْتِقَامِ

كسى هستم كه بتحقيق شناختى بدتر بنده و تو بهتر پروردگارى اى ترسيده شده از انتقام

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا

اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من اى خدا اى خدا اى خدا اى

مُحِيطُ بِمَلَكُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ أَصْلِحْنِي لِدُنْيَايَ

احاطه كننده بملك آسمانها و زمين باصلاح آر براى دنياى من

وَأَصْلِحْنِي لِآخِرَتِي وَأَصْلِحْنِي لِأَهْلِي وَأَصْلِحْنِي لِوَلَدِي

و باصلاح آر براى من آخرت مرا و باصلاح آر براى من اهل مرا و باصلاح آر براى من فرزند

وَأَصْلِحْ لِي مَا خَوَّلْتَنِي يَا إِلٰهِي وَأَصْلِحْنِي مِنْ خَطَايَايَ

و باصلاح آر براى من آنچه عطا كردى مرا اى خداى من و باصلاح آر مرا از گناهان من

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَامْنُنْ

اى بسيار رحمت اى بسيار نعمت تفضل كن برمن برحمت خود و احسان كن

عَلَيَّ بِإِجَابَتِكَ وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

برمن بپذيرفتن خود و درود فرست بارخدايا بر محمد پيغمبر

وَأَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا حُلْتَ بَيْنَهُ

و اهل او و سلام بفرست و حايل شو ميان من و ميان آنچه حايل شدى ميان آن

أَنَا السَّعِيدُ فَطُوبىٰ لِي أَنَا الْمَرْحُومُ أَيَا مُتَرَحِّمُ

سعادتمند خواهم بود پس خوشا حال من مرحوم خواهم بود ای رحم کننده

أَيَا مُتَرَئِّفُ أَيَا مُتَعَطِّفُ أَيَا مُتَحَنِّنُ أَيَا مُتَمَلِّكُ

ای مهربان ای مهربان ای حیات بخشنده ای مالک

أَيَا مُتَسَلِّطُ لَا عَمَلَ لِي أَرْجُو بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي

ای غالب نیست عمل مرا که امید داشته باشم بآن عمل روائی حاجت خود را

وَلَا أَحَدَ أَنْفَعُ لِي مِنْكَ يَا مَنْ عَرَّفَنِي نَفْسَهُ

و نیست هیچکس نفع رساننده تر بمن از تو ای کسیکه شناسانیده بمن نفس خود را

يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَدْعُوُّ أَيَا مَسْؤُولُ

ای کسیکه امر کرده مرا بطاعت خود ای خوانده شده ای سؤال کرده شده

أَيَا مَطْلُوبُ إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي

ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا که وصیت کردی مرا

وَلَوْ أَطَعْتُكَ لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ

و اگر اطاعت ترا کردم ترا کفایت میکردی آنچه را ایستادم بسوی تو در آن

مِنْ قَبْلِ أَنْ أَقُومَ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ

پیش از آن که بایستم و من با وجود گناه خود مر ترا امیدوارم

فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُهُ وَارْدُدْ يَدِي

پس حائل مشو میان من و میان آنچه امیدوارم و برگردان دست مرا

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا یَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
آسمانها و زمین را و گران نمیکند خدا را نگاهداشتن آسمان و زمین را و او
الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ۞ الٓمّٓ ۞ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ
بلند مرتبه بزرگ است الف لام میم خدا نیست خدائی بجز او زنده پایدار
هُوَ الَّذِیْ یُصَوِّرُکُمْ فِی الْاَرْحَامِ کَیْفَ یَشَآءُ لَآ اِلٰهَ
اوست آنکسیکه صورت می بخشد شما را در رحمها چنانچه می خواهد نیست خدائی
اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ الَّذِیْنَ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اِنَّنَآ
بجز او که غالب درست کردار است آنانکه میگویند ای پروردگار ما هر آینه
اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
ایمان آوردیم پس بیامرز گناهان ما را و نگاهدار ما را از آتش دوزخ
الصّٰبِرِیْنَ وَالصّٰدِقِیْنَ وَالْقٰنِتِیْنَ وَالْمُنْفِقِیْنَ
شکیبائی پیشگان راست گویان و طاعت گذاران و صدقه کنندگان
وَالْمُسْتَغْفِرِیْنَ بِالْاَسْحَارِ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا باینکه نیست خدائی بجز
هُوَ وَالْمَلٰٓئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ
او و فرشتگان و خداوندان دانش حالیکه برپاست بعدالت
لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ اِنَّ الدِّیْنَ
نیست خدائی مگر او غالب صاحب حکمت بدرستیکه دین

وبین اهل بیت محمد من الباطل وآتنا فی الدنیا

ومیان اهل بیت محمد از باطل ودِه ما را در دنیا

حسنة وفی الآخرة حسنة یا ارحم الراحمین برحمتک

نیکی ودر آخرت نیکی ای بخشنده ترین بخشندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدای بخشاینده مهربان

والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم

وخدای شما خدای یگانه است نیست خدائی مگر او که مهربان بخشاینده ای

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة

خدائیست خدائی بجز او که زنده پایدار است نمیگیرد اورا [illegible]

ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض

ونه خواب مر او راست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است

من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم

کیست آن کسی که شفاعت کند نزد خدا مگر باذن او میداند

ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون

آنچه پیش روی آنهاست وآنچه عقب آنهاست واحاطه نمیکنند

بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه

بچیزی از علم او مگر بچیزی که خواهد وسیع است کرسی او

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

بخدا و رسول او پیمبر خواننده آنکه ایمان می آورد بخدا

وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و کلمات او پیروی کنید او را باشد که شما راه یابید

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ إِلٰهًا وَاحِدًا لَا إِلٰهَ

و مامور نشدند مگر آنکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدائی

إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ لَقَدْ جَاءَكُمْ

بجز او و منزه است او از آنچه شریک میگردانند هر آئینه بتحقیق آمد شما را

رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

رسولی از نفسهای شما شاق است بر او آنچه رنج کشیدید

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

حرص دارد بر شما بمومنان مهربان بخشاینده است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ

پس اگر اعراض کنند ایشان پس بگو کافیست مرا خدا نیست خدائی بجز او بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتّٰى إِذَا

توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است تا وقتیکه

أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ

دریافت فرعون را غرق گفت که ایمان آوردم بآنکه نیست خدائی

عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ

نزد خدا اسلام است خدا نیست خدای بجز او هرآینه جمع کند شمارا

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ وَمَنْ اَصْدَقُ

بسوی روز رستخیز شک نیست در او و کیست راست گوتر

مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ

از خدا در سخن این است خدای شما که پروردگار شماست نیست خدای

اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوْهُ وَهُوَ

بجز او آفریننده همه چیزی پس پرستید او را و آن خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيْلٌ اِتَّبِعْ مَا اُوْحِيَ

بر همه چیز وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شد

اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ

بسوی تو از پروردگار تو نیست خدای بجز او و روی بگردان

عَنِ الْمُشْرِكِيْنَ قُلْ يٰاَيُّهَا النَّاسُ اِنِّيْ

از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه من

رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيْعًا الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکسیکه مر اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ فَاٰمِنُوْا

و زمین نیست خدای بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان آرید

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي

و نه فرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کرده میشد

إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ

بسوی او که بدرستیکه نیست خدائی بجز من پس بپرستید مرا و یاد کن صاحب ماهی را

إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

وقتیکه رفت خشمناک پس گمان برد که تنگ نمی‌گیریم براو

فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

پس ندا کرد در تاریکیها که نیست خدائی بجز تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا

منزه هستی بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس قبول کردیم دعای

لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

اورا و رهانیدیم او را از غم و همچنین میرهانیم مؤمنان را

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ

پس برتر است خدای پادشاه حق نیست خدائی بجز او پروردگار

الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ

عرش [illegible] خدا نیست خدائی بجز او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ

عرش بزرگ و [illegible] نیست خدائی بجز او مر او راست ستایش

إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

مگر آنکه ایمان آورده اند باو بنی اسرائیل و من از جمله مسلمانانم

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ

پس اگر نپذیرند مر شما را پس بدانید آنچه فرستاده شده

بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

بعلم خداست و اینکه نیست خدائی مگر او پس آیا شما مسلمانانید

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

بگو که او پروردگار منست نیست خدائی بجز او و بر او توکل کردم

وَإِلَيْهِ مَتَابِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ

و بسوی اوست بازگشت من اینکه بترسانید که بدرستیکه نیست خدائی

إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

بجز من پس بپرهیزید از من خدائی که نیست خدائی بجز او مر او راست نامهای نیک

فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا

پس بشنو مر چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدائی بجز من

فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ

پس عبادت کن مرا و برپا دار نماز را برای ذکر من جز این نیست خدای شما

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

خدائیست که نیست خدائی جز او فرا گرفته است همه چیز را بعلم

هُوَ اِلَیْهِ الْمَصِیْرُ ذٰلِکُمُ اللّٰهُ رَبُّکُمْ خَالِقُ کُلِّ

او بسوی وست بازگشت اینست معبود پروردگار شما آفریننده هر

شَیْءٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰی تُؤْفَکُوْنَ تَبَارَکَ اللّٰهُ

چیز نیست خدای بجز او پس کجا برگردانیده میشوید بزرگست خدای

رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ رَبُّکُمْ

پروردگار عالمیان نیست معبودی مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما

وَرَبُّ اٰبَآئِکُمُ الْاَوَّلِیْنَ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا

و پروردگار پدران شماست که پیش از شما بودند پس بدانکه نیست معبودی بجز

اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَلِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ

خدا و طلب آمرزش بکن برای گناه خود و برای مردان مومن و زنان مومنه

وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مُتَقَلَّبَکُمْ وَمَثْوٰىکُمْ لَوْ اَنْزَلْنَا

و خدا میداند جای بازگشت شما را و جای بودن شما را اگر میفرستادیم

هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّرَاَیْتَهٗ خَاشِعًا

این قران را بر کوهی هرآینه میدیدی آن کوه را فروتنی کنند

مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْکَ الْاَمْثَالُ

و پراکنده شونده از بیم خدا و این مثلها

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُوْنَ

میزنیم آنها را از برای مردم که شاید ایشان بفکر افتند

فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
در دنیا و آخرت و مراورا است فرمان‌دهی و بسوی او بر گردانیده میشوید

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
ای مردمان بیاد آرید نعمت خدا بر شما

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ
آیا هیچ آفریننده هست غیر الله که روزی دهد شما را از

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ فَأَنَّىٰ
آسمان و زمین نیست معبود بحق غیر از خدا پس کجا

تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
برگردانیده میشوید هر آئینه بودند ایشان که هرگاه گفته میشد ایشان را

لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ
که نیست معبودی بحق غیر از خدا تکبر میکردند اینست خدای

رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ
پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدائی بجز او پس کجا

تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ
برگردانیده میشوید آمرزنده گناه و پذیرنده توبه

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
سخت پاداش صاحب توانگری و فضل نیست معبودی بحق جز

وَكِيلًا پس هفت مرتبه بخواند إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

وکیل و مددکار و بدرستیکه قرآن هر آینه کتاب عزیز است

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

که نمی آید او را باطل از برابر او و نه از عقب او

تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ پس بگو آمَنَّا بِاللَّهِ

فرود آمده است از جانب پاک است کار و درست کردار ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ

و بانچه فرستاده شده بسوی ما و بانچه فرستاده شده بسوی ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و فرزند زادهها و بانچه

أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

داده شد موسی و عیسی و بانچه داده شده اند انبیا از جانب پروردگار شان

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبُّنَا

تفرقه نمی کنیم میان یکی از این انبیا و ما مر خدا را مسلمانانیم پروردگار ما

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ

پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نخواهیم خواند از غیر او

إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

خدائی که مر اینه بتحقیق گفته خواهیم بود آن هنگام سخن بیهوده حمد سپاس خدائی را که راه نمود ما را

هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

اوست آنخدا انکه نیست معبودی مگر او دانای نهان

وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي

و آشکار اوست مهربان بخشاینده اوست خدا انکه

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

نیست معبود بحق مگر او پادشاهی بسیار پاک سالم از بدیها امان دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ

حفظ کننده غالب صاحب جبروت صاحب کبریا منزه است

اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

خدا از انچه شریک میگیرند اوست خدای آفریننده پیدا کننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي

صورت بخش مراورست نامهای نیک تسبیح میکنند مر او را آنچه در

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللّٰهُ

آسمانها و زمین است و اوست غالب دانا بحکمت خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

نیست خدائی بجز او و بر خدا پس باید که توکل نمایند مومنان

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدائی جز او پس بگیر او را

عصبتك حقك وقعدت مقعدك انا بريء

غصب حق تو کردند و نشستند بجای تو من بیزارم و دوری گزینم

منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك يا فاطمة

از اینها و از یاران اینها بسوی تو سلام بر تو باد ای فاطمه

البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين

بتول سلام بر تو باد ای زینت زنان عالمیان

السلام عليك يا بنت رسول الله رب العالمين

سلام بر تو باد ای دختر رسول خدای پروردگار عالمیان

صلى الله عليك وعليه السلام عليك يا ام

درود فرستد خدا بر تو و بر او سلام بر تو باد ای مادر

السبطين الحسن والحسين لعن الله امة غصبتك حقك

نبیره های پیغمبر حسن و حسین لعنت خدا گروهی را که غصب کردند حق تو

ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا بريء اليك

و منع کردند ترا از آنچه گردانیده بود خدا مر ترا حلال من رو گردانم بسوی تو

منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي

از ایشان و از یاران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من

يا ابا محمد الحسن الزكي السلام عليك يا مولاي

ای ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقای من

لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ

باین ره نمودیم ما که راه بریم اگر نه آنکه ... ما را خدا بدرستی آمدند

رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

فرستادهای پروردگار ما براستی درود فرستد خدا بر ایشان همه

پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

سلام بر تو باد ای فرستاده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ

بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا

مِنْ خَلْقِهِ وَأَمِينَهُ عَلَى وَحْيِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

از خلق او و امین خدا بر وحی او سلام بر تو باد

يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای مولای من ای امیر مومنان سلام بر تو باد

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ

ای آقای من تو حجت خدائی بر خلق او و امین خدائی

عَلَى وَحْيِهِ وَبَابُ عِلْمِهِ وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ وَ

بر وحی او و دروازه علم اوئی و وصی پیغمبر اوئی و

الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً

جانشین پیغمبری بعد از او در امت او لعنت خدا امتی را که

مَولايَ يا اَبا عَبدِاللهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا

ای مولای من ای اباعبدالله جعفر پسر محمد سلام برتو باد ای

مَولايَ يا اَبَا الحَسَنِ مُوسَى بنَ جَعفَرٍ اَلسَّلامُ

مولای من ای ابوالحسن موسی پسر جعفر سلام

عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبَا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ مُوسَى اَلسَّلامُ

برتو باد ای مولای من ای ابوالحسن علی پسر موسی الرضا سلام

عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا جَعفَرٍ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ

برتو باد ای مولای من ای ابوجعفر محمد پسر علی

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبَا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ

سلام برتو باد ای مولای من ای ابوالحسن علی پسر

مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الحَسَنَ

محمد سلام برتو باد ای مولای من ای ابومحمد حسن

بنَ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا اَبَا القاسِمِ

پسر علی سلام برتو باد ای مولای من ای ابوالقاسم

اَلحُجَّةَ ابنَ الحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَّى اللهُ

حجت خدا پسر حسن صاحب زمان درود فرستد خدا

عَلَيكَ وَعَلى عِترَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ

برتو و بر ذریت تو که پاک و پاکیزه اند

لعن الله امة قتلتك وتابعت في امرك وشايعت

لعنت خدا گروهی را که ترا کشتند و باهم بیعت کردند در کار تو و یاری هم کردند

انا بريء الى الله منهم ومن شيعتهم السلام عليك

من رو گردانم بسوی تو از آنها و از یاران آنها سلام بر تو باد

يا مولاي يا ابا عبد الله الحسين بن علي صلوات

ای مولای من ای ابو عبد الله حسین پسر علی درود

الله عليك وعلى آبائك وجدك محمد صلى الله عليه

خدا بر تو باد و بر پدران تو و جد تو محمد درود خدا بر او

وآله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك واستباحت

و بر آل او لعنت کند خدا امتی که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و مباح دانستند

حرمتك ولعن الله اشياعهم واتباعهم ولعن

حرمت ترا و لعنت کند خدا ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند

الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم انا بريء

خدا تمهید کنندگان ایشان را بتوانائی دادن ایشان را بر مقاتله شما من بیزارم

الى الله واليك منهم السلام عليك يا مولاي يا ابا محمد علي بن الحسين

بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد علی پسر حسین

السلام عليك يا مولاي يا ابا جعفر محمد بن علي السلام عليك

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی سلام بر تو باد

وَأَشْهَدُ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيًّا

وگواهی گیرم محمد را درود و رحمت خدا براو و بر آل او و بر

وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَئِمَّتِي مِنْ

و امامان را از ذریت محمد و علی بر ایشان من بیزارم از

أَعْدَائِهِمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

دشمنان ایشان پس بر محمد و بر اهل بیت او درود بفرست

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ اللّٰهُمَّ

کرپاک و پاکیزه اند درود و رحمت خداوندا

وَأَقْرِرْ عَيْنِي بِصَلَاتِهِ وَصَلَاةِ أَهْلِ بَيْتِهِ

سرور و روشن گردان چشم مرا بدرود محمد و درود اهل بیت او

وَاجْعَلْ مَا هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ

و بگردان آنچه را که راه نمودی مرا بسوی او از حق و شناسائی

بِهِمْ مُسْتَقَرًّا لَا مُسْتَوْدَعًا يَا أَرْحَمَ

بایشان پایدار نه امانت بیقرار ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ وَعَرِّفْنِي

بخشندگان بار خدایا و بشناسان مرا ذات خود را بشناسان مرا

رَسُولَكَ وَعَرِّفْنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرِّفْنِي

فرستاده خود را و بشناسان مرا فرشتگان خود را و بشناسان مرا

يَا مَوَالِيَّ كُونُوا شُفَعَائِي عِنْدَ اللهِ فِي حَطِّ وِزْرِي وَ
ای آقایان من باشید شفیعان من نزد خدا در فرو ریختن گناهان من و
خَطَايَايَ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَأَتَوَ
خطاهای من ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شده بسوی شما و پیروی میکنم
آخِرَكُمْ بِمَا أَتَوَالَى بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ
آخر شما بنحوی که پیروی میکنم آن اول شما را و بیزار شدم از جبت
وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى يَا مَوَالِيَّ أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ
و طاغوت و لات و عزی ای آقایان من من صلح دارم با کسیکه
سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ
صلح داشته باشد با شما و جنگ دارم با کسیکه با شما جنگ داشته باشد و دشمنم با کسی که دشمنی داشته باشد با شما
وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَعَنَ اللهُ ظَالِمِيكُمْ
و یارم هر کسی که با شما یار باشد تا روز قیامت و لعنت کند خدا ستمکاران شما را
وَغَاصِبِيكُمْ وَلَعَنَ اللهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ
و غصب کنندگان شما را و لعنت کند خدا ایشان را و پیروان ایشان را
وَأَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ
و اهل مذهب ایشان را و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً
خداوندا بدرستیکه گواه میگیرم ترا و کافیست که تو گواه باشی

صيرني على افضل الصفقة انك [illegible]

[illegible] بر [illegible]

وانت بكل شيء محيط يا رب يا رب يا رب

و تو [illegible] احاطه كننده اى پروردگار من اى پروردگار من

يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه

اى خدا اى خدا اى خدا اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من اى سيد من

يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه

اى سيد من اى سيد من اى مولاى من اى مولاى من اى مولاى من

يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له

اى ستون كسيكه نيست ستونى براو اى تكيه گاه كسيكه نيست تكيه گاهى براو

يا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك على

واى ذخيره كسيكه نيست ذخيره براو تو پروردگار منى و من بنده توام

عهدك ووعدك اللهم اجعله موقفا

پيمان تو و وعده تو بارخدايا بگردان اين مكان را

محمودا ولا تجعله آخر العهد منا واشركنا

ستوده و مگردان آنرا آخر عهد از ما و شريك گردان ما را

في صالح دعاء [illegible] بمنى وعرفات والمزدلفة

در نيك دعاى [illegible] دعا كنند بمنى و عرفات و مزدلفه

وُلاةِ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي لا آخُذُ اِلّا ما اَعْطَيْتَ

والیان کار خود را بار خدایا بدرستیکه من نمیگیرم مگر چیزیرا که بخشیدی و

وَلا اَتَّقي اِلّا ما وَقَيْتَ اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْني مَنازِلَ

نگاه داشته نمیشوم مگر از چیزیکه نگاهداری بار خدایا ناامید مگردان مرا از منازل

اَوْلِيائِكَ وَلا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني وَهَبْ لي

اولیای خود و برمگردان دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش مرا

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ وَهَيِّئْ

از نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده و مهیا کن

لي مِنْ اَمْري رَشَدًا اَللّٰهُمَّ وَعَلِّمْني ناطِقَ التَّنْزيلِ

برای من کار مرا راه راستی بار خدایا و بیاموز مرا گویای قرآن

وَخَلِّصْني مِنَ الْمَهالِكِ اَللّٰهُمَّ وَخَلِّصْني مِنَ الشَّيْطانِ

و برهان مرا از مهلکها بار خدایا و برهان مرا از شیطان

الرَّجيمِ وَمِنْ بَأْسِ السُّلْطانِ وَجُنْدِهِ مِنَ الْجِبْتِ وَ

مردود سنگسار کرده و از بأس پادشاه و لشکر او و از جبت و

اَنْصارِهِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ وَبِعَلِيٍّ الْمَقْصُودِ

یاران او بحق محمد ستوده شده و بحق علی قصد کرده شده

وَبِحَقِّ شَبَّرَ وَشَبيرَ وَبِحَقِّ اَسْمائِكَ الْحُسْنىٰ

بحق حسن و حسین و بحق نامهای بسیار نیکوی تو

يا ارحم الراحمين يا رب يا رب يا رب

ای مهربان ترین مهربانان ای پروردگار من ای پروردگار

يا الله يا الله يا الله يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه

ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار

يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه يا مولاه

ای سرور من ای سرور من ای سرور من ای مولای من

يا مولاه يا مولاه اللّهم وما قسمت فى

ای مولای من ای مولای من بار الهی و آنچه قسمت کردی

فى هذه الساعة وفى هذا اليوم وفى هذا الشهر

در این ساعت و در این روز و در این ماه

وفى هذه السنة من خير او بركة او عافية

و در این سال از خیر یا برکت یا عافیت

او مغفرة او رأفة او رحمة او عتق من النار

یا آمرزش یا مهربانی یا رحمت یا آزادی از آتش

او رزق واسع حلال طيب او توبة نصوح

یا روزی فراخ حلال پاک یا توبه ثابت

فاجعل لنا فى ذلك اوفر النصيب واجزل

پس بگردان برای ما در این [illegible]

وعِندَ قَبرِ نَبيِّكَ وآلِهِ عَلَيهِ السَّلامُ وعِندَ

و نزد قبر پیغمبر تو و نزد اهل او سلام بر او و نزد

زَمزَمَ والمَشاعِرِ اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ حَيثُ رَفَعتَ

زمزم و مقام ابراهیم خداوندا مر تراست حمد از جهت که بلند کردی

اَقدارَنا عَن سُنَنِ الزَّنانيرِ فِي الاَوساطِ والخَواتيمِ

مرتبه های ما را از بستن زنارها در میانها و در چهره ها و در

الاِبهامِ ولَكَ الحَمدُ حَيثُ لَم تَجعَلنا زَنادِقَةً

کردن ها و مر تراست حمد از جهت که نگردانیدی ما را از زندیقان

مُضِلّينَ ولا مُدَّعيةً شاكّينَ مُرتابينَ ولا

گمراه کننده و نگردانیدی ما را از دعوی کنندگان شک کننده ریب کننده و نه

مُعارِضينَ ولا عَن اَهلِ بَيتِ نَبيِّكَ صَلَّى

معارضه کننده و نه از اهل بیت پیغمبر خود درود فرستد

اللهُ عَلَيهِ وآلِهِ مُنحَرِفينَ اللّهُمَّ كَما بَلَّغتَنا هذَا

خدا بر او و بر آل او انحراف کننده بار خدایا چنانچه رسانیدی ما را به

اليَومَ المُبارَكَ مِن شَهرِنا وسَنَتِنا هذِهِ المُبارَكَةِ

روز مبارک از ماه ما و سال ما این سال مبارک

فَبَلِّغنا آخِرَها في عافيَةٍ وبَلِّغنا اَعواماً كَثيرَةً بِرَحمَتِكَ

پس برسان ما را به آخر این سال در عافیت و برسان ما را بسا سالهای بسیار به رحمت خود

لِكُلِّ دارٍ وَمَنزِلٍ فِي شَرقِ الأَرضِ وَغَربِها

مر خانه و پایگاه در مشرق زمین و مغرب زمین

عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا إِلٰهَ غَيرُكَ

غالب است پناه برنده بتو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدائی غیر از تو

وَحدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ فاطِرَ السَّمٰواتِ

یگانه تو نیست شریکی مر ترا ای پیدا کننده آسمانها

وَالأَرضِ عالِمَ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ رَبَّ

و زمین دانای پنهان و آشکار پروردگار

كُلِّ شَيءٍ وَمَلِيكَهُ أَشهَدُ أَن لا إِلٰهَ إِلَّا الله

هر چیز و مالک او شهادت میدهم که نیست خدائی بجز خدای

وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى

یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم اینکه بدرستیکه محمد درود فرستاد

اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ عَبدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشهَدُ

خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده اوست و گواهی میدهم

أَنَّ الجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السّاعَةَ

بهشت حق است و دوزخ حق است و بدرستیکه قیامت

آتِيَةٌ لا رَيبَ فِيها وَأَنَّ اللهَ يَبعَثُ مَن

آینده است نیست شکی در قیامت و بدرستیکه خدا بر می انگیزد آنها را

الْحَظِّ اللّٰهُمَّ وَمَا اَنْزَلْتَ فِيْ هٰذِهِ السَّاعَةِ
نصیبی بار خدایا و آنچه فرو فرستادی در این ساعت
وَفِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَفِيْ هٰذَا الشَّهْرِ وَفِيْ هٰذِهِ
و در این روز و در این ماه و در این
السَّنَةِ مِنْ حَرْقٍ اَوْ شَرْقٍ اَوْ غَرْقٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ رَدْمٍ
سال از سوختن یا گلوگیر شدن یا غرق شدن یا خانه بر سر فرود آمدن یا بگل بسته گردیدن
اَوْ خَسْفٍ اَوْ قَذْفٍ اَوْ رَجْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ
یا بزمین فرو رفتن یا سنگ انداختن یا زلزله یا مسخ شدن یا
صَيْحَةٍ اَوْ زَلْزَلَةٍ اَوْ فِتْنَةٍ اَوْ صَاعِقَةٍ
بانگ زدن یا زلزله یا فتنه یا صاعقه
اَوْ بَرْدٍ اَوْ جُنُوْنٍ اَوْ جُذَامٍ اَوْ بَرَصٍ اَوْ اَكْلِ
یا ژاله یا جنون یا خوره یا پیسی یا خوردن
سَبُعٍ اَوْ مِيْتَةِ سُوْءٍ وَجَمِيْعِ اَنْوَاعِ الْبَلَاءِ
درنده یا مردن بد و همه اقسام بلا
فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَاصْرِفْهُ عَنَّا كَيْفَ
در دنیا و آخرت پس بگردان از ما هر طور که
شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ وَعَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْ
خواهی و هر جا که خواهی و از همه مومنان در

مِنْ ذُرِّيَّتِهِ اَئِمَّةً وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ شِيعَتِهِ اِخْوَانًا
از اولاد او اند بعنوان پیشوایان و بمومنان از شیعیان او بعنوان برادران

لَا اُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئًا وَلَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا
شریک نمیکردانم بخدا چیزی را و نمی گیرم از غیر خدا دوستی یاوری

وَلَا اَدْعُو مَعَهُ اِلٰهًا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
و با او خدائی را دعا نمی کنم نیست هیچ خدائی مگر خدای یکتا

لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ
نیست شریکی مر او را خدای یکتای یگانه بی همتا که نگرفته

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
برای خود زنی و نه فرزندی بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم

بِالْعَظِيمِ مِنْ آلَائِكَ وَالْقَدِيمِ مِنْ نَعْمَائِكَ
بنعمت بزرگ از نعمت های تو و بنعمت دیرین از نعمتهای تو

وَالْمَخْزُونِ مِنْ اَسْمَائِكَ وَمَا وَارَتِ الْحُجُبُ
و پنهان از نامهای تو و آنچه پوشیده است از حجابها

مِنْ بَهَائِكَ وَمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ
از بهای تو و عقده گاههای عزت از عرش تو

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكَ
و منتهای بخشایش از کتاب تو و سوال میکنم

فِي الْقُبُورِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

که در قبرها اند و گواهی میدهم که نیست معبود بحق مگر خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَيْهَا أَحْيَا وَعَلَيْهَا أَمُوتُ

نیست انبازی مر او را بر این شهادت زنده ام و بر این شهادت میمیرم

وَعَلَيْهَا أُبْعَثُ حَيًّا إِنْ شَاءَ اللّٰهُ رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا

و بر این مبعوث میشوم زنده اگر خواهد خدا راضی شدم بخدا از جهت پروردگاری

وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و باسلام از جهت دین و بمحمد درود فرستد خدا بر او و آل او

نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا

از جهت پیغمبری و بعلی از جهت ولایت و بقرآن از جهت کتاب

وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ

و بکعبه از جهت قبله و بابراهیم درود بر او

السَّلَامُ لَنَا أَبًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

سلام مر ما را از جهت پدری و بمحمد درود فرستد خدا بر او و آل او

نَبِيًّا وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ

از جهت پیغمبری و بامیر مومنان درودهای خدا بر او

لِلْحَقِّ مُوضِحًا وَلِلْجَنَّةِ وَالنَّارِ قَاسِمًا وَبِالْأَوْصِيَا

برای حق روشن کننده و مر بهشت و دوزخ را قسمت کننده و باوصیا

طاعَةُ المُطيعينَ وَلا يَنقُصُ مِنهُ مَعصِيَةُ
زا بری مطیعان و کم نیکند از ان گناه
العاصينَ فَاعفُ عَنّي يا اَكرَمَ الاَكرَمينَ
گناه کاران پس عفو کن از من ای کریمتر کرم کنندگان
وَيا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَلوذُ بِعِزَّتِكَ وَ *
وای بخشنده ترین بخشندگان پناه میبرم بعزت تو و
اَستَظِلُّ بِفِنائِكَ وَاَستَجيرُ بِقُدرَتِكَ
سایه می گیرم بساحت تو و پناه می گیرم بتوانائی تو
وَاَستَغيثُ بِرَحمَتِكَ وَاَعتَصِمُ بِحِبالِكَ
و استغاثه می نمایم بمهربانی تو و چنگ می زنم بریسمان تو
وَلا اَثِقُ اِلّا بِكَ وَلا اَلجَاُ اِلّا اِلَيكَ يا
و اعتماد نمیکنم مگر بر تو و پناه نمی برم مگر بسوی تو ای
عَظيمَ الرَّجاءِ يا كاشِفَ البَلاءِ وَيا اَحَقَّ
بزرگ امید ای برطرف کننده رنج وای سزاوارترین
مَن تَجاوَزَ وَعَفى اَللّهُمَّ اِنَّ ظُلمي مُستَجيرٌ
کسیکه درگذرد و ببخشد بارخدایا بدرستیکه ظلم من پناه برنده است
بِعَفوِكَ وَخَوفي مُستَجيرٌ بِاَمانِكَ وَفَقري
بعفو تو و بیم من پناه برنده است بامان تو و ناداری من

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

تنهائی تو نیست شریک برترا اینکه ... درستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ

آل محمد و اینکه رحم کنی براین نفس زاری کننده

وَهٰذَا الْبَدَنَ الْهَلُوعَ الَّذِي لَا يُطِيقُ حَرَّ

و رحم کنی براین تن بسیار جزع کننده که طاقت ندارد گرمی

شَمْسِكَ فَكَيْفَ حَرَّ نَارِكَ إِنْ تُعَاقِبْنِي لَا يَزِيدُ

آفتاب ترا پس چگونه تاب می آرد آتش ترا اگر عقاب کنی مرا زیاد نمیشود

فِي مُلْكِكَ شَيْءٌ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي لَا يَنْقُصُ

در ملک تو چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمی شود

مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ أَنْتَ يَا رَبِّ بِخَلْقِكَ أَرْحَمُ

از ملک تو چیزی تو ای پروردگار من بخلق خود مهربان تری

وَبِعِبَادِكَ أَعْلَمُ وَبِسُلْطَانِكَ أَرْأَفُ

و به بنده های خود داناتری و بسلطان خود مهربان تری

وَبِمُلْكِكَ أَقْدَمُ وَبِعَفْوِكَ أَكْرَمُ وَعَلَى

و بپادشاهی خود قدیم تری و بعفو خود کریم تری و بر

عِبَادِكَ أَنْعَمُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ

بنده های خود نعمت دهنده تری نمی افزاید در پادشاهی تو

وَسُوءَ النَّظَرِ فِي الْمَالِ وَالدِّينِ وَالْأَهْلِ

بدی نظر در مال و دین و مردم خانه

وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ اللّٰهُمَّ

و پسر و نزد مشاهده فرشته موت بار خدایا

يَا رَبِّ نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا

ای پروردگار من شکایت میکنیم بسوی تو غایب شدن پیغمبر خود را از ما

وَقِلَّةَ نَاصِرِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ

و کمی یاری دهنده خود را و بسیاری دشمن خود را و سختی

الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ

زمانه را بر ما و واقع شدن فتنها بما و یاری کردن

الْخَلْقِ عَلَيْنَا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خلق بر ما بار خدایا درود فرست محمد و آل محمد

وَافْرُجْ ذٰلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ

و بگشا آنرا بگشایشی از جانب خود که زود بیاری او و یاری عزیز کنی او را

وَحَقٍّ تُظْهِرُهُ اللّٰهُمَّ وَابْعَثْ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ

و حقیکه آشکار کنی او را بار خدایا و برانگیز قایم آل محمد را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَإِظْهَارِ

درود فرستد خدا بر او و آل او برای یاری دادن مردم دین ترا و آشکار کردن

مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ

پناه برده است بتونگری تو و روی پوسیده و فانی من پناه برده

بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ

بذات تو که پایدار و باقیست آنچنانکه فانی نشود و برطرف نشود

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ لَا تَجْعَلْ

ای کسیکه باز نمیدارد اورا کاری از کاری مگردان

مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ

مصیبت مارا در دین ما و مگردان دنیای مرا بزرگترین

هَمِّنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا

قصد ما و مسلط مگردان بر ما کسی را که رحم نکند بر ما

وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى

و رجوع کن بحلم خود بجهل ما و باحسان خود بر

إِسَاءَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَبِغِنَاكَ

بدی ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما و بتونگری خود

عَلَى فَقْرِنَا وَأَعِذْنَا مِنَ الْأَذَى وَالْهَدْمِ

بر ناداری ما و پناه ده مرا از آزار و از انهدام و جسم شکسته

وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ

و ضرر و بدی قضا و سرزنش دشمنان

حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ

نیکی . و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

مولف گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق علیه السّلام منقول است و ادعیه عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده‌ام و اکثر خلق را آنچه مذکور شده در این رساله کافی است و سابقاً مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در این روز میتوان کرد فصل سوم در بیان اعمال شب و روز عید قربان و روز عید و بعضی ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله شبهائی است که احیای آنها سنت موکده است و منقول است که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صداهای دعای حاجیان بالا رود و صداهای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس و در میان کنند و حق تعالی با حاجیان ندا میکند که ای بندگان من شما که بندگان منید و حق مرا دانسته‌اید بر من لازم است که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می‌آمرزد و هر که سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام در این شب سنت است و منقول است که هر که در این شب آنحضرت را زیارت کند گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود ما

مَحَبَّتِكَ وَالْقِيَامِ بِاَمْرِكَ وَتَطْهِيْرِ اَرْضِكَ

محبت تو و قایم بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو

مِنْ اَرْجَاسِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

از پلیدی ها برحمت تو ای مهربان ترین مهربانان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا

خداوندا بدرستیکه من پناه می برم بتو ازاینکه دوستی کنم من کسی را که با تو دشمن است

اَوْ اُعَادِيَ لَكَ وَلِيًّا اَوْ اَسْخَطَ لَكَ رِضًا

یا دشمنی کنم کسی را که دوست تست یا غضب کنم ترا خوشنودی ترا

اَوْ اَرْضٰى لَكَ سَخَطًا اَوْ اَقُوْلَ لِلْحَقِّ هٰذَا

یا خوشنودی کنم در موضع غضب تو یا بگویم حق را که این

بَاطِلٌ اَوْ اَقُوْلَ لِلْبَاطِلِ هٰذَا حَقٌّ اَوْ اَقُوْلَ

باطلست یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم

لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰؤُلَاءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ

مر آنانرا که کافر شدند که این جماعت راه یابنده تر اند از آنان که

اٰمَنُوْا سَبِيْلًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ایمان آورده اند راه را بار خدایا درود فرست بر محمد

وَاٰلِهٖ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ

و آل او و بده مارا در دنیا نیکی و در آخرت

روز عید اضحی بکنم حضرت فرموده که قرض کن که آن قرضی است ادا میشود و بهتر است
که روز عید بکشد و روز یازدهم و دوازدهم نیز می‌توان کشت و اگر در منی
باشد روز سیزدهم نیز می‌توان کشت و بهتر آنست که روز دهم ذی الحجه خورده
باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و باید که
شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر قربانی نمی‌توان کرد
و اگر شتر باشد باید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز
باشد باید یکسالش تمام شده باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر دو
سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد ششماهش تمام
و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است [illegible] نقصی در اعضایش نبوده
باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه
رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید که شاخ
شاخش نشکسته باشد و اگر پوستش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر آنست
که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد و سنت است که فربه باشد و باید که بسیار
لاغر نباشد که پیه بر گرده‌هایش نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه‌هایش
نبریده باشند و مکروه است اگر خصیه‌هایش را مالیده باشند و اگر غیر
خصی بهم نرسد خصی را قربانی می‌توان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر
یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد سنت ست مؤکد.

اعمال روز عید غسل است و آن سنت مؤکده است و بعضی واجب دانسته‌اند
و بهتر آنست که پیش از نماز غسل کند و نماز عید با جماعت در زمان غیبت
امام علیه السلام سنت مؤکده است و بگمان فقیر واجب است بشرایط
معتبره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر ذکر شد و دعای
پیش از رفتن بنماز عید آنجا ذکر شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از آن
وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها
دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اللهم هذا یوم مبارک
و اگر دعای چهل و ششم را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است
نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه استحباب خواندن آن دعا
نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاها است و در این روز و شب
احیا و سنت است خواندن چنانچه بعد از این ان شاء الله تعالی در ضمن زیارات
مذکور خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی
بشود و از جمله احکام این عید قربانی است و آن سنت مؤکده است و بعضی
از علما واجب دانسته‌اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که اضحیه واجب است بر هر مسلمانی
و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای عیال تو اگر خواهی بکن و اگر
خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که با آنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم

المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر پس ذبح کند و بگوید اللهم تقبل منی

مسلمانانم بار خدایا این قربانی از تو و برای تست بنام خدا و خدا بزرگتر است خداوندا بپذیر این

و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است
که یک حصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر آنست که خود بآن افطار کند
و یک حصه را برای همسایگان بهدیه بفرستند و اگر پریشان باشند بهتر است
و یک حصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهد و اگر اکثر را تصدق کند شاید
بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزای حلال آنرا تصدق
کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه قصاب پریشان باشد و بتصدق
بدهد و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتواند که دباغت
کند و بر روی آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنت است
که قیمت وسطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال بکشد
کافیست و اگر یکی برای خود و یکی برای عیال باشد بهتر است و اگر بعدد
عیال بکشند ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان
که مرده باشند قربانی کردن خوب است و اگر برای حضرت رسول
و ائمه هدی صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوب است منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دو گوسفند قربانی کردند و در
اول فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت
من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است

اگر نتواند دست بر پشت قصاب بگذارد و در مدی [illegible] کند و ظرفی [illegible]

و اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد و یا نیزه در گودی [illegible]

[illegible] ببرد و اگر بعوض آن ذبح کنند حرام میشود و واجب است که رو بقبله

بدارد و اگر از نام خدا [illegible] است که از ایستاده بدارد و بقبله

و ببرد و دستش را از سر تا پا زانو بر [illegible] یکی یکی [illegible]

اگر نحر میکنند در جانب [illegible] بایستد [illegible]

اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار رگ گردن ببرد یعنی حلقوم و دو رگ

[illegible] که ببرد و جانب حلقوم [illegible]

و علف از آن رگ [illegible] اگر [illegible]

[illegible]

منقول است که [illegible]

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

متوجه کردانیدم روی خود را بکسیکه پیدا کرده است آسمانها و زمین را

حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ

در حالتیکه مایلم بدین اسلام [illegible] و نیستم از مشرکان [illegible] بدرستیکه

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ

نماز من و عبادت [illegible] من و زندگی من و مرگ من [illegible] از برای خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ

پروردگار عالمیان است نیست شریکی مراورا و بآن مأمور شده ام من و من از

هجدهم این ماه است و عظیمترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه
و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد احصاست و درین مقام
بیک حدیث اکتفا می نماید بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که چون روز قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت
تمام مانند عروسی که او را بحجله خانه داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر
و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان اینها مانند
ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم
خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را
روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن روزیست که خدا در این روز
کامل گردانید دین را باینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را
ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز
کامل شدن دین است و روزی است که بینی شیطان بر خاک
مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و محبان آل محمد در آن
روز مقبول است و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان
سنیان را باطل میگرداند مانند ذرها که در میان هوا پراکنده میشود
و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که
کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی

از امت من و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هر سال اول یک گوسفند
قربانی میکرد و می فرمود خداوندا این از پیغمبر است پس گوسفند دیگر
از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند که قربانی جدا بکنند
جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر و حق تعالی فرموده
است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده
و در احادیث معتبره منقول است که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق
پس هر که در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اول آن ظهر روز عید است
و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده نماز که اول ظهر روز
عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب
دانسته اند و اولش بعد از هر نماز تکبیره است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد
نافله نیز اگر بگوید خوب است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح چنین است

اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خداوندی بجز او و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدٰينَا اللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا رَزَقَنَا

و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را خدا بزرگتر است بر آنچه روزی داد ما را

مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَبْلَانَا

از چهارپایان چرنده و حمد مر خدا راست بر آنچه بلا داد و آزمایش نمود ما را

فصل چهارم در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است و عید غدیر

و روز طلب زیادتی ثواب است و روز استراحت مومنان است و
روز سوداگری ایشان است و روز دوستی کردن شیعیان است
با یکدیگر و روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهان است
و روز عبادت است و روز افطار فرمودن روزه داران است پس هر که
روزه داری را درین روز افطار فرماید چنان است که ده فئام را
طعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و
مبارکباد است پس هر مومن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام

یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ
زده اند در ولایت و محبت پادشاه مومنان و ائمه علیهم السلام و این روز
تبسم است در روی مومنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مومن
خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر رحمت کند در روز قیامت بسوی او و بر
آورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید
سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که
زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی
که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که
بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال آینده
و مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته

اهل جمیع آسمانها نزد او جمع شوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای
شیعیان امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و
دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند
حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت
و شیعیان ایشان تا سه روز از روز [illegible] و ننویسند هیچ خطا و گناه
ایشان را برای کرامت محمد و علی و امامان صلوات الله علیهم و این روزیست
که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست
که خدا زیاد میگرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه
دهد روزی را بر عیال خود و برادران مؤمن خود و آزاد میگرداند از
آتش جهنم و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد
و گناهان ایشان را محو میکند و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست
که خدا غمهای شیعیان را زایل میگرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز
بخشش است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت
و روز عید بزرگ است و روزیست که دعاها در آن مستجاب میگردد
و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامههای نیکو است و روز
بخشیدن گناهان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است و روز
که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خوشنودی است و
روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و روز قبول اعمال است

تا پشه پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هوا هر مرغی که قبول کرد سخن گو
و خوش آواز گردید و هر که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل
مومنان در قبول کردن ولایت امیر المومنین علیه السلام در روز
عید غدیر مانند مثل ملایکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم
علیه السلام و مثل انها که قبول ولایت انحضرت نکردند در روز غدیر
مثل شیطان است در قبول نکردن سجده ادم علیه السلام و در روز غدیر
این آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت
لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام
گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس
فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر انکه وصی و خلیفه خود را در این روز
نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند که ایا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه
و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است
راوی گفت کدام عید فرمود ان روزی است که نصب کرد
رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولی و اقای اویم علی مولای او
اقا و پیشوای او است و ان روز هیجدهم ذیحجه است راوی گفت
چکار در ان باید کرد فرمود که باید روزه بداری و عبادت کنید

باشد و اگر زن باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد در این روز

به مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را

و هر که دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد

نور و قبرش را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز

هفتاد هزار ملک و بشارت دهند او را به بهشت و در روز غدیر حق تعالی

عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای

هفتگانه پس سبقت گرفتند به اقرار به آن اهل آسمان هفتم پس زینت

داد آن را به عرش پس بعد از ایشان سبقت گرفتند اهل آسمان چهارم

به اقرار به آن پس زینت داد آن را به بیت المعمور پس سبقت گرفتند اهل آسمان

اول آن پس زینت داد آن را به ستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت را بر زمینها پس سبقت گرفت از زمینها

مکه معظمه پس زینت داد آن را به کعبه پس سبقت گرفت مدینه طیبه پس زینت داد آن را به محمد مصطفی

صلی الله علیه و آله پس سبقت گرفت به سوی آن شهر کوفه پس زینت

داد آن را به قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت

ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه

و کوه یاقوت و به این سبب این جواهر از همه بهتر شدند پس کوههای دیگر

سبقت گرفتند و به این سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند

و هر یک که اقرار نکرد و معدن هیچ چیز نگردید و باز در روز غدیر عرض کرد

ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور

ظاهر گردانید و این روز آشکار نمودن روزه داشتن است و این روز روز تهنیت است
و روز عبادت است و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است با برادران
مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میگردد و بینی شیطان بر
خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابی نصر منقولست که گفت روزی در
خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر
بودند سخن فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت
فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است
از زمین پس بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری هست که یک خشت
آن از طلاست و یک خشت آن از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت
سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش از مشک و عنبر است و
در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری
از عسل و بر دور آن درختانست از انواع میوه‌ها و بر آن درختان مرغان
خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت است
و بانواع نغمه‌ها خوانندگی می‌کنند و چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر
میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس حق تعالی می‌کنند و آن مرغان بر
میخیزند و در میان آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون
ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر ایشان می‌افشانند
و در این روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف آنحضرت

محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را که شیعه ایشان صلوات
بر ایشان بفرستید. و صیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین
علیه السلام را که ... تا ... کردانند و پیغمبری وصی خود را
... و این ... روایت دیگر
... روز غدیر ... شصت سال گناه است
و بر روایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم از ...
آری و اتند آری و اتند آری و اشد آری ... که در این روز
خدا توبه حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد و بشکر آن این روز را
روزه داشت و در این روز حضرت ابراهیم را از آتش نجات
داد و بشکران این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی
هارون را وصی خود گردانید و این روز را بشکر این نعمت
روزه داشت و در این روز حضرت عیسی علیه السلام
وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر گردانید
و این روز را بشکر حق سبحانه تعالی روزه داشت و
در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت
امیرالمؤمنین علی علیه الصلاة و السلام را خلیفه و جانشین
خود گردانید و فضیلت و رعایت او را بر خلق ظاهر

اللّهم صلّ على وليّك اخي نبيّك ووزيره

بارخدایا درود بفرست بر دوست خود برادر پیغمبر خود و وزیر او

وحبيبه وخليله وموضع سرّه وخيرته من اسرته

و دوست او و دوست او و محل سرّ او و برگزیده او از گروه او

ووصيّه وصفوته وخالصته وامينه ووليّه

و وصی او و برگزیده او و خالص او و امین او و ولی او

واشرف عترته الذين آمنوا به وابي ذرّيّته وباب

و بهترین عترت او که ایمان آوردند باو و پدر ذریه او و در

حكمته والناطق بحجّته والداعي الى شريعته

حکمت او و گویا بحجت او و خواننده بسوی شریعت او

والماضي على سنّته وخليفته على امّته سيّد

و رونده بر طریقه او و جانشین بر امت او سید

المسلمين وامير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين

مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشرو سفیدرویان

افضل ما صلّيت على احد من خلقك واصفيائك

بهتر از آنچه درود فرستادی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود

واوصياء انبيائك اللّهم انّي اشهد انّه

و وصیت کردگان پیغمبران خود خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم

سدرة المنتهی درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر هدیه می فرستند
و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب اعلی بایشان می رسد
که برگردید بسوی درجات و مرتبه‌های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید
از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز تا سال آینده برای کرامت
محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود که ای پسر ابی نصر
هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
حاضر شوی بدرستیکه خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مومن و
زن مومنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد می کند
از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب
قدر و شب فطر و یکدرهم که در این روز ببرادران مومن خود بدهی
برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن
در این روز ببرادران مومن خود و شاد گردان هر مرد مومن و زن
مومنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند هر آینه
باید هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت
امیر المؤمنین علیه السلام در این روز فضیلت بسیار دارد و در
نزدیک ولادت و موافق روایت صفوان و غیره اگر از دور
زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا آورند و در رکعت
اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوانند پس بعد از آن بخوانند

قبضته اليك شهيداً سعيداً ولنا تقياً رضياً

پس کشیدی او را بسوی خود در حالتی که شهید سعادتمند و دوستی

زكياً هادياً مهدياً اللهم صل على محمد

پاک رهنما راه یافته خداوندا درود فرست بر محمد

وآله افضل ما صليت على احد من انبيائك

و آل او بهترین آنچه درود فرستادی بر یکی از پیغمبران

واصفيائك يا رب العالمين

و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان

بجانب قبر شریف آنحضرت و این زیارت بخوان

السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام

ای امیر مؤمنان

عليك يا امين الله في ارضه وحجته على عباده

بر تو باد ای امانت

واشهد لقد جاهدت يا امير المؤمنين في الله

گواهی میدهم که براستی تحقیق جهاد کردی ای امیر مؤمنان

حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن

حق مجاهده او را و عمل کردی بقرآن او و پیروی کردی

قد بلّغ عن نبيّك صلى الله عليه وآله ما حمّل

ورعى ما استحفظ وحفظ ما استودع وحلّل

حلالك وحرّم حرامك وأقام أحكامك ودعا

إلى سبيلك ووالى أولياءك وعادى أعداءك

وجاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين

والمارقين عن أمرك صابراً محتسباً مقبلاً

غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتى بلغ

في ذلك الرضا وسلّم إليك القضاء وعبد

ك مخلصاً ونصح لك مجتهداً حتى أتاه اليقين

وَرَحْمَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةٌ التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ
خوشبوی ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری برای روز پاداش تو
مُسْتَنَّةٌ بِسُنَنِ اَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةٌ لِاَخْلَاقِ
راه گیرنده براه های دوستان تو وجدا شونده مرخوهای
اَعْدَائِكَ مَشْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ
دشمنان تو اعراض کننده از دنیا بحمد تو وثنای تو
اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ اِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَ
بار خدایا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیدا است و
سُبُلَ الرَّاغِبِينَ اِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَاَعْلَامَ
راههای راغبان بسوی تو گشاده است ونشانهای
الْقَاصِدِينَ اِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَاَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ
قصد کنندگان بسوی تو روشن است ودلهای عارفان
مِنْكَ فَازِعَةٌ وَاَصْوَاتَ الدَّاعِينَ اِلَيْكَ
از تو ترسانست وآوازهای خوانندگان بسوی تو
صَاعِدَةٌ وَاَبْوَابَ الْاِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ
بلند شونده است ودرهای قبول دعا برای ایشان گشاده است
وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنَابَ
ودعای کسیکه مناجات کند ترا مستجابست وتوبه کسیکه بازگشت کند

نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللهُ اِلى

پیغمبر او را درود فرستد خدا بر او و آل او تا اینکه طلبید خدا بسوی

جِوارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ

همسایگی خود پس کشید ترا بسوی خود باختیار خود و برای تو ثواب بزرگ خود را

وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ فى قَتْلِهِمْ اِيّاكَ مَعَ ما لَكَ

و لازم گردانید دشمنان ترا حجت در کشتن ایشان ترا با آنچه مر تراست

مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى

از حجت بالغه ای تمام بر تمام خلق او بار خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسى مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ راضِيَةً

محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرمیده بتقدیر خود و خوشنود شده

بِقَضائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً

بقضای خود حریص بذکر خود و دعای خود دوستدار

لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ مَحْبُوبَةً فى اَرْضِكَ وَسَمائِكَ

برگزیدگان اولیای خود دوست داشته شده در زمین خود و آسمان خود

صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِكَ شاكِرَةً لِفَواضِلِ

و صبر کننده نزد فرود آمدن بلای خود و شکر کننده برای زیادتیهای

نَعْمائِكَ ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ مُشْتاقَةً اِلى

نعمتهای خود یاد آورنده برای نعمتهای کامل خود آرزومند بسوی

مستطعمین معفة ومناهل الظماء لدیک
ای معدن طعام طلبان آماده است وجاهای آبخورش تشنگان نزد تو
مترعة اللهم فاستجب دعائی واقبل ثنائی
پر آب است بارخدایا پس بپذیر دعای مرا و قبول کن ثنای مرا
واجمع بینی وبین اولیائی بحق محمد
و جمع کن میان من و میان یاران من و دوستان من بحق محمد
وعلی وفاطمة والحسن والحسین والائمة
و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان
من ذریة الحسین صلوات الله وسلامه علیهم
از نسل حسین درود خدا و رحمت او بر ایشان
اجمعین انک ولی نعمائی ومنتهی مُنای وغایة
باد بدرستیکه تو بخشنده نعمتهای منی و منتهای آرزوی منی و نهایت
رجائی فی منقلبی ومثوای
امید منی در جای بازگشت من و جای اقامت من
واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد بعد از آن دعا را
بخواند شاید بهتر باشد و شب عید بر شب بسیار مبارکیست و در
شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورد و بعضی
درین شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودم

إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ

بسوی تو پذیرفته است و اشک کسیکه گرید از خوف تو رحم کرده شده است

وَالْإِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةَ

و فریادرسی از برای کسیکه استغاثه کند بتو موجود است و یاری دادن

لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ

مر کسی را که یاری جوید از تو بذل کرده شده است و وعده‌های تو مر بندهای ترا

مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ وَأَعْمَالَ

وفا کرده شده است و لغزشهای کسیکه طلب تجاوز نماید از تو تجاوز کرده شده است و عملهای

الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ

عمل کنندگان نزد تو محفوظ است و روزیهای خلایق

مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ

از نزد تو فرود آینده است و منافع زیاده بسوی خلایق واصل است

وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجَ

و گناهان مستغفر طلبان آمرزیده است و حاجتهای

خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ

آفریدگان تو نزد تو برآورده شده است و جایزهای سوال کنندگان

عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدَ

نزد تو بسیار است و منافع زیاده پی در پی است و نعمتهای

... عید غدیر در مرد در خدمت حضرت امام رضا ... آن روز مخصوصان و خویشان و اصحاب خود را جمع ... داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان طعام ... و خلعتها فرستاد حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر و شفقت در غلامان و خدمتکاران خود را جامهای نو بسیار تغییر پوشانید و فضیلت این روز را برای ایشان نقل میفرمود از جمله آنها گفت ... بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المومنین علیه السلام روز جمعه روز عید غدیر در یک روز جمع شد پس بعد ... ساعت که از روز ... حضرت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند ... عید بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار از برای این ... فرمود که بعد از انقضای این مجمع هر کس بخانهای خود ... بر عیال خود و احسان ... نسبت برادران ... خانهای خود ... من را جمع کنید و نیکوی کنید ... و یکدیگر را تهنیت ... را یاد بگویید و نیکی و احسان کردن درین روز مال و عمر را ... کنید و مهربانی با یکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهی است ... ناتوان ... بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مومن و اظهار شادی خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما

و اما فضیلت روزه داشتن و تصدق [illegible] روزه دار
بودن در این روز در این روز به حسب احادیث بسیار است از آنها
این روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه
عید غدیر برابر است با روزه که در ایام اگر کسی زنده باشد تمام عمر دنیا
تمام عمر دنیا را روزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب روزه آن
روزه داشتن برابر است در هر سال با صد حج و صد عمره مقبوله نزد
خدا است و این عید بزرگ خدا است و هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر آنکه این روز را عید
کرده است و حرمت آن را دانسته است و نام این روز در آسمان روز عهد
معهود است و نام این روز در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهود است
و هر که در این روز مومنی را افطار دهد ثواب کسی دارد که فئاما و فئاما
را طعام داده باشد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی را دارد که طعام دهد
و آب دهد به این عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیا و شهیدان
و صدیقان و صالحان در [illegible] و یک درهم که در این روز تصدق
کند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق
کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است
که حرمتش از این روز بیشتر باشد والله والله [illegible] نیست پس فرمود
که روزه داشتن برابر است با شصت ماه از ماههای حرام و روزه [illegible]
و فرمود که روز عید روز سرور و گشادن است و نسبت [illegible]

[illegible]

[illegible] تا بیست [illegible]

است که از حضرت صادق [علیه السلام] [illegible] روایت کرده اند که هر که در این روز

یک ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت [نماز بگذارد] و در هر رکعت سوره

[حمد یکبار] و قل هو الله احد ده و انا انزلناه ده [و آیة] الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را

ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره

و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند

البته بآسانی و عافیت برآورده شود و چون برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو

الحَمدُ لِلّهِ الّذی اَکرَمَنا بِهذَا الیَومِ

سپاس خدای را که اکرام کرده ما را [بین] روز

وَجَعَلَنا مِنَ المُوفینَ بِعَهدِهِ الّذی عَهِدَهُ اِلَینا

و گردانیده ما را از وفا کنندگان بعهد که [عهد کرده] بسوی ما

وَمیثاقِهِ الّذی واثَقَنا بِهِ [مِن] وِلایَةِ [وُلاةِ] اَمرِهِ

و پیمانی که محکم کرده است با ما [از] والیان امر او

وَالقُوّامِ بِقِسطِهِ وَلَم یَجعَلنا مِنَ الجاحِدینَ وَالمُکَذِّبینَ بِیَومِ الدّینِ

و قایمان بعدل او و نگردانید ما را از منکران و تکذیب کنندگان بروز جزا

یعنی سپاس خدای را است که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را

از [illegible] کنندگان [illegible] وفا کنندگان بعهد خود که

دارد و حق او را تقصیر کنید و ضعیفان [illegible] پس از
خود را با خود برابر کنید [illegible] کتاب [illegible]
بدو بیست هزار درهم و حق تعالی [illegible] عطا [illegible] روزه این
موسم [illegible] گردانید و ثواب [illegible] تا [illegible]
کنند تا آنکه روز [illegible] روزه بدارد و شبها را بعبادت بایستد و وسیله
حاجت را در مومن [illegible] ازانکه او افطار کند [illegible]
و خواهش [illegible] کند چنان باشد که این روز را روزه داشته
باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هرکه درین شب مومنی را
افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار
فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر
از مردان مومن و زنان مومنه بشود و هرکاه چنین کند من ضامنم
بر خدا امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب
یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده [illegible] که بهشت
ببرد [illegible] البته [illegible] است و هرکه قرضی بگیرد درین روز برای اداء
مومن خود من ضامنم بر خدا که او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را
ادا [illegible] متحمل شود [illegible] او بردارد و چون یکدیگر ملاقات کنند
مصافحه کنند یکدیگر را تهنیت بگویید و آنچه گفتم حاضران با غایبان
بگویید و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری

سُوا لَكَ تَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبيراً

سوای ترا پس برتری از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ

و گواهی میدهم بر اینکه محمد بنده تو و پیغمبر تست و گواهی میدهم

اَنَّ اَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَبْدُكَ وَمَوْلانا رَبَّنا سَمِعْنا

بر اینکه امیر المومنین علیه السلام بنده تو و سرور ماست پروردگارا شنیدیم

وَاَجَبْنا وَصَدَّقْنَا الْمُنادِيَ رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ

و قبول کردیم و تصدیق کردیم نداکننده یعنی پیغمبر ترا درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اِذْ نادى بِنِداءٍ عَنْكَ بِالَّذي

بر او و بر آل او وقتیکه ندا کردی بندائی از جانب تو بآنچه

اَمَرْتَهُ اَنْ يُبَلِّغَ ما اَنْزَلْتَ اِلَيْهِ مِنْ وِلايَةِ

امر کرده بودی او را باینکه تبلیغ کند آنچه فرستادی بسوی او از ولی بودن

وَلِيِّ اَمْرِكَ فَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ يُبَلِّغْ ما اَمَرْتَهُ

ولی امر تو و حذر فرمودی او را و ترسانیدی او را اگر اینکه تبلیغ نکند آنچه امر کردی او را

بِهِ اَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَلَمّا بَلَّغَ رِسالاتِكَ عَصَمْتَهُ

بآن باینکه غضب کنی بر او و هرگاه تبلیغ کرد رسالتهای ترا نگاهداشتی او را

مِنَ النّاسِ فَنادى مُبَلِّغاً عَنْكَ اَلا مَنْ

از مردم پس ندا کرد در حالتیکه رساننده بود از تو آگاه باشید که هر که

عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است بر ما که ولایت ایشان
امر امامت است و اینانکه حکم میکنند بعدالت در میان خلق و
نکر و انیدما را از منکر کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا
و قومی که بعد از ربنا اینها بخوانند

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ
ای پروردگار ما بدرستیکه شنیدیم ما ندا کننده را که ندا میکرد برای ایمان بگرایید به پروردگار خود
فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا
پس ایمان آوردیم پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را
مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا
با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کردی ما را بزبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي
در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را بار خدایا بدرستیکه من
أُشْهِدُكَ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ
گواه میگیرم ترا و کافیست تو گواه و گواه میگیرم فرشتگان ترا
وَأَنْبِيَاءَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ
و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا و زمین های ترا
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا نَعْبُدُ
بانکه هر آینه تو خدائی نیست خدائی مگر تو که عبادت کرده شده پس پرستش نمیکنم

وَسُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّهُ الْاِمَامُ

و منزه است خدا از آنچه شریک میسازند و گواهی میدهم که او است امام

الْهَادِي الرَّشِيدُ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ

رهنما رشید امیر مومنان آنکه ذکر کردی او را

فِي كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنَّكَ قُلْتَ

در کتاب خود و قول تو راست است و بدرستیکه تو گفتی

وَاِنَّهُ فِي اُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ

و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه صاحب حکمت است

اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ بِاَنَّهُ عَبْدُكَ وَالْهَادِي

بارخدایا پس بدرستیکه شهادت میدهیم بدرستیکه علی بنده تست و رهنما

بَعْدَ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَصِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمُ

بعد پیغمبر تست ترساننده و بیم دهنده و راه راست تست

وَاَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَحُجَّتُكَ الْبَالِغَةُ

و امیر مومنان و کشنده شیعیان سفید پیشانی و دست و پای و حجت رسای تو است

وَلِسَانُكَ الْمُعَبِّرُ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَاِنَّهُ الْقَائِمُ

و زبان تو که تعبیر کننده است از تو در خلق تو و بدرستیکه او است بپا دارنده

بِالْقِسْطِ فِي بَرِيَّتِكَ وَدَيَّانُ دِينِكَ وَخَازِنُ عِلْمِكَ

بعدل در خلق تو و حاکم دین تو و خزانه علم تو

كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي

هستم من مولای او پس علی مولای او است هر که هستم من ولی او پس علی

وليه ومن كنت نبيه فعلي اميره ربنا قد اجبنا

ولی او است و هر که هستم من پیغمبر او پس علی امیر او است ای پروردگار ما بتحقیق اجابت کردیم

داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك

دعوت کننده ترا که بیم کننده است یعنی محمد را که بنده تو و رسول تست

الى الهادي المهدي عبدك الذي انعمت عليه

بجانب راه نما راه یافته بنده تو آنچنان بنده که انعام کردی بر او

وجعلته مثلا لبني اسرائيل علي امير المؤمنين

و گردانیدی او را مثل برای بنی اسرائیل یعنی امیر مومنان

ومولاهم ووليهم ربنا امنا واتبعنا مولانا

و مولای ایشان و ولی ایشان ای پروردگار ما ایمان آوردیم و پیروی کردیم مولای خود

وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام

و ولی خود و رهنمای خود و دعوت کننده خود و دعوت کننده خلق را

وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء و

و راه راست ترا و حجت روشن ترا

سبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه

راه ترا که دعوت کننده است بجانب تو بر بینائی او و هر که پیروی او نمود

لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوالاتِهِ وَإِتْمامِ

برای شما اسلام را دین پسندیدم پس تراست ستایش بر دوستی وی و تمام کردن

نِعْمَتِكَ عَلَيْنا بِالَّذِي جَدَّدْتَ لَنا مِنْ عَهْدِكَ

نعمت خود بر ما بآنچه تازه کردی برای ما از عهد خود

وَمِيثاقِكَ وَذَكَّرْتَنا ذٰلِكَ وَجَعَلْتَنا مِنْ أَهْلِ

و پیمان خود و یاد آوری ما آنرا و ساختی ما را از اهل

الْإِخْلاصِ وَالتَّصْدِيقِ بِمِيثاقِكَ وَمِنْ أَهْلِ

اخلاص و گرویدن به پیمان خود و از اهل

الْوَفاءِ بِذٰلِكَ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ أَتْباعِ الْمُغَيِّرِينَ

وفا بآن پیمان و نگردانیدی ما را از تابعان تغییر دهندگان

وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُحَرِّفِينَ وَالْمُبَتِّكِينَ آذانَ الْأَنْعامِ

و بدل کنندگان و منحرف شوندگان و ببرندگان گوشهای چارپایان

وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللّٰهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ

و تغییر دهندگان خلق خدا و از آن جماعت که غالب شد بر آنها

الشَّيْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ

شیطان پس فراموش کرانید آنها را ذکر خدا و باز داشت آنها را از

السَّبِيلِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ اللّٰهُمَّ الْعَنِ

راه حق و طریق راست بارخدایا لعنت کن

وَامِينَكَ النَّامُونُ الْآخِذُ مِيثَاقَهُ وَمِيثَاقَ رَسُولِكَ

امین تو که اعتماد کرده شده است گرفته شده پیمان او و پیمان رسول تو

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ

بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و آفریده تو

شَاهِدًا بِالْإِخْلَاصِ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَالرُّبُوبِيَّةِ

گواهی دهنده با خلاص برای تو بیکانگی و پروردگاری

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

باینکه تو خدائی نیست معبود بحق مگر تو و اینکه محمد بنده تو

وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلْتَهُ

و پیغمبر تست و اینکه علی امیر مومنانست گردانیدی او را

وَلِيَّكَ وَالْإِقْرَارَ بِوِلَايَتِهِ تَمَامَ تَوْحِيدِكَ وَ

ولی خود و گردانیدی اقرار ولایت او را تمامی توحید خود و

كَمَالَ دِينِكَ وَتَمَامَ نِعْمَتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود

وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

و آفریده‌های خود پس گفتی و گفته تو راست است که امروز کامل گردانیدم

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ

برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسندیدم

النذیر المنذر سوا الینا و لیهم و عادینا عدوهم و برئنا
نیم دهنده و ترساننده دوست داشتیم دوستان او دشمن داشتیم دشمن ایشان را و بیزار شدیم

من الجاحدین و المکذبین بیوم الدین اللهم فکما کان
از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا بار خدایا پس چنانچه هست

ذلک من شانک یا صادق الوعد یا من لا یخلف المیعاد
این از شان تو ای راست وعده ای کسیکه خلف وعده نمیکند

یا من هو کل یوم فی شان اذ اتممت علینا نعمتک
ای کسیکه او هر روز در کاریست وقتیکه تمام کردی بر ما نعمت خود

بموالاة اولیائک المسئول عنهم عبادک فانک
بدوستی دوستان خود آنکه سوال کرده شده از ایشان بندگان تو پس بدرستیکه

قلت ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم و قلت و قولک
تو گفتی که پس البته سوال کرده میشوید در آن روز از نعمتها و گفتی و گفته تو

الحق و قفوهم انهم مسئولون و مننت علینا
حق است که ایستاد کنید ایشان را که ایشان سوال کرده میشوند و نعمت دادی بر ما

بشهادة الاخلاص و بولایة اولیائک الهداة
بگواهی اخلاص و بدوستی دوستان خود که راهنمایندگان اند

بعد النذیر المنذر السراج المنیر و اکملت لنا بهم الدین
بعد از پیغمبر بیم نماینده ترساننده که چراغ روشن است پس کامل کردی برای ما بایشان دین را

الجاحدين والناكثين والمغيّرين والمبدّلين

منکران را و عهدشکنان را و تغییر دهندگان را و بدعت گذارندگان را

المكذّبين بيوم الدين من الاوّلين والآخرين اللهمّ

و تکذیب کنندگان روز جزا را از پیشینیان و پسینیان بار خدایا

فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي

پس تراست ستایش بر نعمت دادن تو بر ما بهدایتی که

هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيّك صلّى

راهنمائی کردی ما را بآن بسوی والیان کار تو بعد از پیغمبر تو درود فرستد

الله عليه وآله الائمّة الهداة الراشدين

خدا بر او و آل او که امامان راه نمایان راه یابان

واعلام الهدى ومنار القلوب والتقى والعروة

و نشانهای هدایت و روشنائی دلها و پرهیزکاری و دست آویز

الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم

محکم و کمال دین تو و تمام نعمت تو اند و کسانیکه بایشان

وبموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا ربّنا فلك

و بدوستی ایشان پسندیدی برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس تراست

الحمد آمنّا وصدّقنا بمنّك علينا بالرسول

سپاس ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم باحسان تو بر ما به پیغمبر

وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي

و راه خود که راست است و خبر بزرگی که

هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْئُولُونَ اللَّهُمَّ كَمَا

ایشان در آن اختلاف دارند و از آن سوال کرده میشوند بارخدایا چنانچه

كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ إِلَى مَعْرِفَتِهِمْ

بود از شان تو اینکه احسان کردی بر ما براه نمائی بسوی شناختن ایشان

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ

پس باید از شان تو اینکه [illegible]

لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا [illegible]

ما را در روز ما که [illegible]

وَمِيثَاقِكَ وَأَكْمَلْتَ دِينَنَا وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ

و پیمان خود و کامل کردانیدی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را

وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ

و کردانیدی ما را بفضل خود از اهل اجابت خود و بیزاری

مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

از دشمنان خود و دشمنان دوستان خود که تکذیب کنندگان [illegible]

فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا

پس سوال میکنم از تو ای پروردگار تمام آنچه انعام کردی [illegible]

وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنَا

و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد دادی ما را

مِيثَاقَكَ الْمَأْخُوذَ مِنَّا فِي ابْتِدَاءِ خَلْقِكَ إِيَّانَا.

پیمان خود را که گرفته شده بود در ابتدای آفریدن تو ما را

وَجَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَلَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ

و گردانیدی ما را از اهل قبول پیمان و فراموش نکردی ما را از ذکر خود

فَإِنَّكَ قُلْتَ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ

پس بدرستیکه تو گفتی و یاد کن وقتی را که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى

ذریت ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفسهای خود که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری

شَهِدْنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

گواهی میدهیم به نعمت دادن تو و لطف تو پس بدرستیکه تو توئی خدائی که نیست معبودی بجز

أَنْتَ رَبُّنَا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ

تو پروردگار ما و محمد بنده تو و پیغمبر تو است و پیغمبر ماست و علی

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَجَعَلْتَهُ

پیشوای مومنان بنده تو آنچنان بنده که احسان کردی بسبب او بر ما و گردانیدی او را

آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرَى

علامتی برای پیغمبر خود درود فرستد خدا بر او و بر آل او و گردانیدی او را علامت بزرگ خود

وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ حَتَّى تَوَفَّانَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ وَقَدْ

و دشمنی دشمنان خود تا اینکه بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی و بتحقیق

أَوْجَبْتَ لَنَا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالَّذِي

واجب کرده باشی برای ما بهشت خود را برحمت خود ای مهربان‌ترین مهربانان [illegible]

مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا

از همسایگی خود در جای بودن از فضل خود مس نکند ما را در آن

نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ

رنجی و مس نکند ما را در آنجا الغوبی ای پروردگار ما بیامرز ما را گناهان ما را و دور کن

عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده دادی ما را

عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

اللَّهُمَّ احْشُرْنَا مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ

بارخدایا محشور کن ما را با امامان راه‌نمایان از آل پیغمبر [illegible]

بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي

به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان بار خدایا بدرستیکه

أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ

سوال میکنم از تو بحقی که گردانیدی آن حق را نزد ایشان و بآنچه فضیلت دادی ایشان را

واجعلنا من الموقنين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل

بگردان ما را از اهل یقین و ملحق مگردان ما را بتکذیب کنندگان و بگردان

لنا قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من المتقين

برای ما قدم راستی با پرهیزکاران و بگردان برای ما از پرهیزکاران

إماما يوم ندعو كل أناس بإمامهم واحشرنا في زمرة

پیشوائی روزی که بخوانیم همه کس را به پیشوای ایشان و برانگیز ما را در گروه

أهل بيت نبيك الأئمة الصادقين واجعلنا من الذين

اهل بیت پیغمبر خود که امامان راست گویند و بگردان ما را از آن کسانی که

[illegible] هم دعاة إلى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين

از کسانی که ایشان خوانندگان اند بسوی آتش و در روز قیامت ایشان از زشت شدگان اند

وأحينا على ذلك ما أحييتنا واجعل لنا مع

و زنده بدار ما را بر آن تا زنده داری ما را و بگردان برای ما با

[illegible]

الرسول سبيلا واجعل لنا [illegible] قدم صدق في

[illegible]

[illegible] واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير

[illegible] بهتر زندگی و مرگ ما را بهتر

الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة أوليائك

[illegible] بهتر جای بازگشتن بر دوستی دوستان خود

و اگر این عمل براو دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید علیه الرحمة و دیگران

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در روز عید غدیر دو

رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک زوال بکند که در ساعت حضرت رسول

صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در عید غدیر خم بامامت و خلافت

نصب کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انا انزلناه

و در رکعت دویم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر

دیگر وارد شده است بهتر است پس بسجده رود و صد

مرتبه شکراً لله بگوید و چون سر از سجده بردارد این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الْحَمْدَ وَحْدَکَ لا شَرِیکَ

بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو باینکه مر تراست حمد تنها نیست شریکی

لَکَ وَاَنَّکَ واحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ

مر ترا باینکه تو یکانه فردی که خلق همه محتاج تواند نه زاینده و نه زائیده شده و نیست

لَکَ کُفُواً اَحَدٌ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَواتُکَ

مر ترا همتا هیچکس و باینکه محمد بنده تو و پیغمبر تست درودهای تو

عَلَیْهِ وَآلِهِ یا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فی شَأْنٍ کَما کانَ

براو و آل او ای کسیکه او هر روز در کاریست چنانچه بود

مِنْ شَأْنِکَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ بِاَنْ جَعَلْتَنی مِنْ اَهْلِ

از کار تو اینکه احسان کردی بر من باینکه گردانیدی مرا از اهل

بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعاً أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي

بسبب آن بر عالمیان همه اینکه برکت دهی ما را و در روز ما این روزکه

أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ الَّذِي عَهِدْتَهُ إِلَيْنَا وَ

اکرام کردی ما را در این روز بوفا کردن بعهد خود آنچنان عهدیکه عهد کردی آنرا بسوی ما

بِالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ

و بپیمانیکه پیمان کردی از ما بآن از دوستی دوستان خود

وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ أَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا

و بیزاری جستن از دشمنان خود اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و نه

تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعاً وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَلَا تَسْلُبْنَا

گردانی آنرا امانت و بگردان آنرا برقرار و برطرف مکن آنرا

أَبَداً وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَاراً وَارْزُقْنَا مُرَافَقَةَ وَلِيِّكَ

هرگز و مگردان آنرا عاریت و روزی کن ما را همراهی دوست خود

الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِلَى الْهُدَىٰ وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ

که راه نما و راه یافته است بسوی راه راست و در زیر علم او و در گروه او

شُهَدَاءَ صَادِقِينَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ

شهیدان راستگویان بر بینائی از دین خود

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بدرستیکه تو بر همه چیز قادری

ذٰلِكَ وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ فَاِنَّكَ اَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ اَنْ تُتِمَّ

در حالتیکه تو از من خوشنود باشی پس براستیکه تو سزاوارتر نعمت دهندگانی باینکه تمام کنی

نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاَجَبْنَا دَاعِيَكَ

نعمت خود را بر من بار خدایا شنیدیم و اطاعت کردیم و اجابت کردیم طلب کننده را

بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ

بنعمت تو پس مر تراست سپاس میطلبم آمرزش ای پروردگار من و بسوی تست بازگشت

اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

ایمان آوردیم بخدا یکانه که نیست شریکی مر او را و برسول او محمد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَصَدَّقْنَا وَاَجَبْنَا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاتَّبَعْنَا

بر او و آل او و تصدیق کردیم و اجابت کردیم طلب کننده خدا را و پیروی کردیم [illegible]

الرَّسُولَ فِي مُوَالَاةِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

پیغمبر را در دوستی سرور ما و سرور مومنان امیر اهل ایمان

عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَخِي رَسُولِهِ وَالصِّدِّيقِ الْاَكْبَرِ

علی پسر ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر

وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيُّهُ وَدِينُهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ

و حجت خدا بر خلق که تقویت یافته باو پیغمبر او و دین او حق آشکارا

عَلَمًا لِدِينِ اللّٰهِ وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ وَعَيْبَةِ غَيْبِ اللّٰهِ وَمَوْضِعِ

علامت مر دین خدا را و خزانه دار مر علم او را و صندوق علم غیب خدا و جای

إخائك وأهل دينك وأهل دعوتك ووفقتني
برادران خود و اهل دین خود و اهل دعای خود و توفیق دادی مرا

لبلائك في مستمع خلقي تفضلا منك وتكرما
برای ابتلای در آغاز آفرینش من از راه فضل از جانب خود و از راه کرم بخشش

ثم أردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم
پس در پی گردانیدی فضل را فضلی و بخشش را بخششی و کرم را

كرما رأفة منك ورحمة إلى أن جددت ذلك
کرمی از جهت مهربانی خود و بخشش خود تا اینکه تازه کردی آن

العهد لي تجديدا بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا
عهد را برای من تازه کردنی بعد تازه کردن تو آفرینش را و بودم من چیزی

منسيا ناسيا ساهيا غافلا فأتممت نعمتك
فراموش شده فراموشکار غفلت زده پس تمام کردی نعمت خود را

بأن ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له
باینکه یاد دادی مرا آنرا و انعام کردی بآن بر من و راه نمودی مرا بسوی او

فليكن من سؤالك يا إلهي وسيدي ومولاي أن
پس باید که باشد از سؤال تو ای خدا و سرور من و مولای من اینکه

تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تقبضني على ذلك
تمام گردانی برای من آنرا و برطرف نکنی از من آنرا تا بمیرانی مرا بر آن

آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ

ایمان آوردیم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان

وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَرَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً

و زنده ایشان و مرده ایشان و راضی شدیم با ایشان در حالتیکه امامان و پیشوایان و سروران اند

وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي

و کافیست مر ایشان در میان ما و میان خدا نه خلق او نمیطلبیم

بِهِمْ بَدَلًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا إِلَى اللهِ

بجای ایشان بدل و نمی گیریم از غیر ایشان دوست خاص و بری شدیم بسوی خدا

مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ

از هر که برپا کرد از برای ایشان جنگ از جن و آدمی از

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم جبت و طاغوت را

وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَ

و بت های چهارگانه را و دوستان ایشانرا و پیروان ایشان را

كُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى

هر که دوستدار ایشانست از جن و آدمی از ابتدای روزگار تا

آخِرِهِ اللّٰهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ

آخر آن بارخدایا بدرستیکه ما گواه میگیریم ترا باینکه طاعت میکنیم بانچه طاعت کرد بان

سِرِّ اللهِ وَ اَمينِ اللهِ عَلى خَلْقِهِ وَ شاهِدِهِ عَلى بَرِيَّتِهِ

راز پنهان خدا و امانت‌دار خدا بر خلق او و گواه بر آفریدهای او

اَللّٰهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادى لِلْاِيمانِ اَنْ آمِنُوا

بار خدایا ای پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد بایمان که ایمان آورید

بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا

به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز گناهان ما را و محو کن از ما بدیهای ما را

وَ تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ

و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما بده ما را آنچه وعده دادی بما بر زبان پیغمبران خود

وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ فَاِنّا رَبَّنا

و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را پس بدرستیکه ما ای پروردگار ما

بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ اَجَبْنا داعِيَكَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

باحسان تو و لطف تو اجابت کردیم دعوت کننده تو را و پیروی کردیم پیغمبر را

وَ صَدَّقْناهُ وَ صَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ وَ كَفَرْنا

و تصدیق کردیم او را و تصدیق کردیم مولای مؤمنان را و انکار کردیم

بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا وَ احْشُرْنا

جبت و طاغوت را پس متوجه گردان ما را بآنچه رو کردیم و محشور کن ما را

مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُونَ

با امامان ما پس بدرستیکه ما بایشان یقین داریم و مر ایشان را تسلیم کننده‌ایم

آلُ مُحَمَّدٍ إِمَامُنَا وَقُدْوَتُنَا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَإِيَّاهُمْ نُوَالِي وَعَدُوُّهُمْ عَدُوُّ اللهِ

آل محمد امامان ما اند پس بایشان اقتدا میکنیم و ایشانرا دوست میداریم و دشمن آل محمد که دشمن خدا است

نُعَادِي فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان در دنیا و آخرت بگردان ما را از مقربان

فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس بدرستیکه ما باین خوشنودیم ای بخشنده ترین بخشندگان

پس باز بسجده رود و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکراً لله بگوید پس حضرت فرمود که هرکه این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد و با حضرت رسول صلی الله علیه وآله و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و حضرت رسول در آن روز از روی اخلاص کردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و حضرت امیر المومنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر علیه السلام و در زیر خیمهٔ آنحضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آن حضرت و ایضا شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخواند

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا

محمد و آل محمد و درود هستند خدا بر او و بر ایشان و سخن ما همانست که ایشان گفته‌اند

وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا وَمَا دَانُوا بِهِ

و دین ما همانست که اعتقاد کرده‌اند ایشان بآن آنچه گفتند ایشان گفتیم و آنچه را که اعتقاد کردند

دِنَّا وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا

بآن اعتقاد کردیم و آنچه انکار کردند انکار کردیم و کسی را که دوست داشتند دوست داشتیم و کسی را که

عَادَيْنَا وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا

دشمن داشتیم و کسی را که لعن کردند لعن کردیم و از کسیکه بیزاری جستند بیزار شدیم

وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ آمَنَّا وَسَلَّمْنَا

و هر که ترحم کردند برای او ترحم کردیم برای او ایمان آوردیم و تسلیم کردیم

وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

و خوشنود شدیم و پیروی کردیم آقایان خود را درودهای خدا بر ایشان باد

اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذٰلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ

بار خدایا پس تمام کن برای ما این اعتقاد را و جدا مکن آنرا از ما و بگردان آنرا

مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا وَأَحْيِنَا

برقرار و ثابت نزد ما و مگردان آنرا عاریت و زنده بدار ما را

مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَأَمِتْنَا إِذَا أَمَتَّنَا عَلَيْهِ

تا هنگامیکه زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را هنگامیکه بمیرانی ما را بر آن

وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ

وكانهاى كرامت تواند و برگزيده اى تو از خلق تواند و اختيار كرده

مِنْ خَلْقِكَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْأَبْرَارِ وَالْبَابِ

از خلق تواند و پرهيزكاران و برگزيدگان و نجيبان و نيكان و دركه

الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاهُ نَجَى وَمَنْ أَبَاهُ هَوَى اللّٰهُمَّ

امتحان كرده شده اند بآن مردم هر كه آمد آن را رستگار شد هر كه ابا كرد از آن افتاد خدايا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ

درود بفرست بر محمد و آل محمد كه اهل ذكر اند آنانكه امر كردى

بِمَسْأَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ

بسوال ايشان و اصحاب قرابت آنانكه امر فرمودى بدوستى ايشان و فرض كردى

حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ آثَارَهُمْ

حق ايشان را و گردانيدى بهشت را جاى بازگشت كسيكه پيروى كرد روش ايشان را

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرُوا بِطَاعَتِكَ

بار خدايا درود بفرست بر محمد و آل محمد چنانكه امر كردند بفرمانبرى تو

وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ

و منع كردند از گناه تو و راه نمودند بندهاى ترا به يگانگى

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ

بار خدايا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو بحق محمد پيغمبر تو

اللهم إني أسألك بحق محمد نبيك وعلي وليك

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی ولی تو

والشأن والقدر الذي خصصتهما به دون

و بحق شان و منزلتی که مخصوص گردانیده ای محمد و علی را بآن غیر

خلقك أن تصلي على محمد وعلي وأن تبدأ بهما

خلق خود اینکه درود فرستی بر محمد و علی و ابتدا کنی بمحمد و علی

في كل خير عاجل اللهم صل على محمد وآل محمد

در هر چیزی که زود تر باشد خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد

الأئمة القادة والدعاة السادة والنجوم الزاهرة

که امامان و پیشوایانند و خوانندگان بحق و سروران و ستارگان روشن

والأعلام الباهرة وساسة العباد وأركان البلاد

و نشانهای درخشنده و امر و نهی کننده بندگان و ستونهای شهرها

والناقة المرسلة والسفينة الناجية الجارية

و ناقه فرستاده شده و کشتی غرق ناشونده روان

في اللجج الغامرة اللهم صل على محمد وآل محمد

در دریاهای عظیم بسیار عمیق بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

خزان علمك وأركان توحيدك ودعائم دينك

که خزانه داران علم تواند و ستونهای توحید تواند و ستونهای دین تواند

طُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النِّعَمِ

آزادکردهای خود از آتش و بشماتت میار حسود های نعمتها را

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ الْأَكْبَرَ وَسَمَّيْتَهُ فِي

بارخدایا پس چنانچه گردانیدی از عید بزرگ و نامیدی از ادر

السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ

آسمان روز عهد عهد کرده شده و در زمین روز

الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

پیمان گرفته شده و جمع سؤال کرده شده درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا

و آل محمد و بسبب او روشن کن چشمهای ما را و فراهم آر باین تفرقه ما را و

تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ

گمراه مکن پس از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را از برای نعمتهای خود از

الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

شکرکنندگان ای بخشنده ترین بخشندگان حمد خدا را که

عَرَّفَنَا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا

شناسانید ما را فضیلت این روز و بینا کرد ما را بحرمت این روز و گرامی کرد ما را

بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

باین روز و مشرف ساخت ما را بمعرفت این روز و راه نمود ما را بنور این روز ای رسول خدا

وَصَفْوَتِكَ وَأَمِينِكَ وَرَسُولِكَ إِلَى خَلْقِكَ

و اختیار کرده و امانت دار تو و فرستاده تو بسوی خلق تو

وَبِعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

و بعلی که امیر مؤمنانست و پادشاه دین و کشنده سفید رویان سفید دست و پایان

الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ

وصیت کرده شده و وفا کننده و راستگوی بزرگ و جدا کننده میان حق

وَالْبَاطِلِ وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ

و باطل است و گواه است برای تو و راه نماینده است بر تو و آشکار کننده

بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ

بفرمان تو و جهاد کننده است در راه تو که فرا نگرفت او را در تو ملامت

لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي

سرزنش کننده اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا

فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ

در این روز که بستی در آن روز برای ولی خود عهد

فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ

در گردنهای خلق خود و کامل گردانیدی برای ایشان دین را از شناسندگان

بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ وَمِنْ عُتَقَائِكَ وَ

بحرمت او و اقرار کنندگان بفضیلت او و از آزاد کردهای خود و

عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ
از مؤمنان اندوهها را بارخدایا پر کن زمین را
بِهِمْ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً وَأَنْجِزْ لَهُمْ
بسبب ایشان از عدل چنانچه پر کرده شده از ستم و جور و وفا کن برای ایشان
مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ واگر بعد از این دعا سجده
آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را
و صد مرتبه شکرا و صد مرتبه الحمد لله بگوید صد مرتبه یا آنچه تواند بگوید
الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ
سپاس مر خدا را بر کامل کردانیدن دین و تمام کردن نعمت و رضای پروردگار
الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ
کریم و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست و درود
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ
بر بهترین خلق او محمد و ذریت او که پاکانند
بهتر خواهد بود چنانکه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید
علیه الرحمه این زیادتی را نقل نکرده است **فصل پنجم**
در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله
میان علما خلافست و اشهر و اقوی آنست که روز بیست چهارم
است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم

يا امير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى

ای امیر مؤمنان بر شما باد و بر ذریت شما و بر

محبيكما مني افضل السلام ما بقي الليل والنهار

دوستان شما از من بهترین سلامی تا باقی بودن شب و روز

وبكما اتوجه الى الله ربي وربكما في

و بوسیله شما متوجه میشوم بسوی خدا که پروردگار منست و پروردگار شما در

نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير اموري

روا کردن مطالب من و بر آوردن حاجات من و آسان کردن کارهای من

اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تصلي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا اليوم

بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرد حق این روز را

وانكر حرمته فصد عن سبيلك لاطفاء نورك

و انکار کرد حرمت او پس برداشت از راه تو بجهت خاموش گردانیدن نور تو

فابى الله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن اهل

پس ابا کرده خدا غیر اینکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش بده از اهل

بيت محمد نبيك واكشف عنهم وبهم

بیت محمد پیغمبر خود و برطرف کن از ایشان و بسبب ایشان

که بمنزله جان مااند و اینها را که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم
پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا برانها که دروغ گویند از ما و شما
پس حضرت رسول صلعم عبائی بر دوش مبارک خود گرفت و حضرت
امیر المومنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را در زیر عبا داخل کرد
گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق
بوده اند با و خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را
و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی
و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول
علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله
و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت
با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد
و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روی چندی می بینم که اگر دعا کنند
که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نکردند بر مباهله استدعای مسالمه
مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد
و بامر الهی جزیه بر ایشان قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب
او نزدیک شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه ازین جماعت میمون و خوک

[illegible]

[illegible]

خدمت رسول صلی الله علیه [illegible] فرستادند [illegible]

که [illegible] پس ایشان [illegible] بودند ایشان گفتند [illegible] رجوع کردند و

اوصاف [illegible] رسالت [illegible]

حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و شصت نفر

از علما و عقلای خود [illegible] فرستادند [illegible] صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت

رسالت پناه ذکر [illegible] و صفات را موافق

یافتند و حضرت رسول صلعم حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و بعضی

از ایشان بسبب حب ریاست و خواهش باطله عناد کردند و ایمان

نیاوردند و حقتعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس

هرکه با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است

بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو

ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را

و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را

رسالت صلعم کمالات و مقامات شبیه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود
پس هرکمالیکه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود باید در آنحضرت باشد مگر پیغمبری
که افضل از جمیع پیغمبران بغیر حضرت باید آنحضرت [illegible] باشد
و فواید دیگر از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله
گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده
و موجب مزید فضل این عید گردیده آنست که در این روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه نازل شد امامت آنحضرت بر اصحاب
بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند
و نماز برپا میدارند چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این آیه نص
صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده اند و در این روز غسل
سنت است و زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در این روز ذکر کرده
اند و خواندن زیارت جامعه مناسب است در روز این روز مستحب است تأسی بمولای
خود امیرالمؤمنین علیه السلام کردن به تصدق بر فقرا و ارباب حاجت بآنچه
مقدور و میسر باشد مطلوبست و اعمال این روز مبارک بسیار است **عمل اول**
شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله

می‌شدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و عذاب می‌کرد نجران و مرغ بیابان
نجران می‌سوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک
نصرانی بر روی زمین زنده نمیماند و بدین سبب چندین امر جلیل ظاهر شد
اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین
اهل خود را در معرض مباهله بر نمی‌آورد و اگر نه آنکه حقیت آنحضرت بر ایشان
ظاهر شده بود مباهله میکردند و ذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند
دوم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند زیرا ایشان را
آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق
بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض تلف بر آورد
زیرا که بسیار است که آدمی خود را به هلاکت می‌افکند اما عزیزترین عیال خود را راضی
نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان
اعتراف باین نموده‌اند چهارم آنکه حسن و حسین علیهم السلام فرزند حقیقی
آنحضرت بودند و مرتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول پنجم
آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات آنحضرت
افضل و اقرب بوده و منزلتش نزد حق تعالی از همه بیشتر بوده ششم آنکه
باتفاق عامه و خاصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مباهله داخل بوده و از
ابنا و نسا نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود
زیرا که اتحاد [illegible] محال است پس [illegible] باید دانست که اختصاص آنحضرت بحضرت

را شفیع خود ... تا تنها و از کسی اگر آنحضرت باشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید و
با نیت تعظیم تمام ... تنها بی ... نیست و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ بَهَائِکَ بِاَبْهَاهُ وَکُلُّ بَهَائِکَ

بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از نیکوئی تو به نیکوتران و همه نیکی تو

بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِبَهَائِکَ کُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ

نیک است بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو به نیکی تو همه آن بار خدایا

اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ جَلَالِکَ بِاَجَلِّهٖ وَکُلُّ جَلَالِکَ

بدرستیکه من میطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگتر آن و همه بزرگی تو

جَلِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِجَلَالِکَ کُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ

بزرگ است بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا

اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِاَجْمَلِهٖ وَکُلُّ جَمَالِکَ

بدرستیکه من میطلبم از تو از جمال تو بجمیلتران و همه جمال تو

جَمِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ

صاحب جمال است بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو بجمال تو همه آن بار خدایا

اِنِّیْ اَدْعُوْکَ کَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ کَمَا وَعَدْتَنِیْ

بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانکه وعده کرده بمن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِهَا

بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگتران

[illegible] لعنت [illegible] مرکب [illegible] سوره [illegible] بهما خالدین
و سوره [illegible] خدا [illegible] برایست
باسم [illegible] و صدقه [illegible] حاجتهای خود را از حضرت حق تعالی
سؤال کند البته [illegible] شود ان شاء الله تعالی و این نماز
نماز حاجت است که در [illegible] **عمل دوم** [illegible] حاجت
که شیخ طوسی و سید بن طاوس [illegible] حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده اند و آنحضرت [illegible] از پدر بزرگوار خود [illegible] علیه السلام روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که اگر گویم [illegible] دعا اسم اعظم حق تعالی
[illegible] راست گفته ام و اگر [illegible] این دعا اجابت [illegible]
[illegible] البته [illegible] سعی نمایند [illegible]
کنند [illegible] هر حاجت که عارض شود [illegible] دعا را میخوانم [illegible] حاجت
[illegible] البته مستجاب میگردد و این دعا حاجت [illegible] وقتی که آیه مباهله
نازل شد جبرئیل از جانب خدا [illegible] بر حضرت سید [illegible] صلی الله علیه و آله
نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و دست علی بن ابیطالب
علیه السلام را و سیده نساء فاطمه زهرا و دو نور دیده و فرزند پسندیده خود
حسن و حسین صلوات الله علیهما را با خود ببر و این دعا را بخوان و با ایشان
مباهله کن و ایشان نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
گفت که هرگاه این دعا را خواهید بخوانید جهد و سعی کنید در دعا و تضرع این دعا

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ

بار خدایا مسئلت میکنم از تو از کلمات تو بتمامترین آن و همه

كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ

کلمات تو تمام است خداوندا مسئلت میکنم میخواهم از تو بکلمات تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

همه آن خداوندا مسئلت میکنم از تو از نامهای تو ببزرگترین آن

وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

و همه نامهای تو بزرگ است بار خدایا مسئلت میکنم از تو

بِاَسْمائِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى

بنامهای تو همه آنها خداوندا مسئلت میکنم میخوانم ترا چنانچه امر فرمودی

فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

پس اجابت کن مرا چنانچه وعده کردی بمن خداوندا مسئلت میکنم از تو

مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ

از عزت تو بعزیزترین آن و همه عزت تو عزیز است

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها

بار خدایا مسئلت میکنم از تو از خواهش تو بنافذکننده‌ترین آنها

وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا مسئلت میکنم از تو

وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

و همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو به بزرگی

كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَ

همه آن بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از نور تو بنورانی‌تران و

وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه میخواهم از تو

بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

بنور تو همه آن بارخدایا بدرستیکه میطلبم از تو از بخشش تو

بِاَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بفراخ‌تران و هر بخشش تو وسیع است خداوندا بدرستیکه

اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ

میطلبم از تو به بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا

كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي

چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کردی مرا بارخدایا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ

میطلبم از تو از کمال تو بکامل‌تران و جمیع کمال تو

كَامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ

کامل است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو بکمال تو همه آن

وَكُلُّ مَسَائِلِكَ حَبِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي

بمشیت تو همه‌اش خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو بقدرت تو آنچنانی که

اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ

مستولی شدی بآن بر همه چیز و همه قدرت تو

مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا

مستولی است خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو بقدرت تو همه‌اش

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه

وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ

وعده کردی مرا خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از دانش تو بروانترین آن

وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ

و همه دانش تو روانست خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو بدانش تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ وَكُلُّ

همه‌اش خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از گفتار تو بپسندیده‌ترین آن و همه

قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو بگفتار تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِاَحَبِّهَا اِلَيْكَ

بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو از سؤالهای تو بدوست داشته‌ترین آنها بسوی تو

من الشؤون عجيب الجبروت اللهم اني اسألك

از کارها و بزرگواری بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

بكل شأن وكل جبروت اللهم واسألك بما تجيبني

بهر کار و هر بزرگواری خداوندا و سوال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا

به حين اسألك يا الله لا اله الا انت اسألك ببهاء

بان هنگامیکه سوال میکنم ترا ای خدا نیست خدائی بجز تو سوال میکنم ترا بحق بهاء

لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بجلال

نیست خدائی بجز تو ای انکه نیست خدائی بجز تو سوال میکنم ترا بحق جلال

لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله

نیست خدائی بجز تو ای انکه نیست خدائی بجز تو سوال میکنم از تو بنیست خدائی

الا انت يا لا اله الا انت اللهم اني ادعوك

بجز تو ای انکه نیست خدائی بجز تو بار خدایا بدرستیکه میخوانم ترا

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني

چنانکه امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده بامن

اللهم اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك

بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو از روزی تو بعامترآن و هر روزی تو

عام اللهم اني اسألك برزقك كله اللهم اني

عامست خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو بروزی تو همه ان بار خدایا بدرستیکه

اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده کرده ای

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ بِاَعْلَاهُ وَ

خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو از بلندی تو ببلندترین آن

كُلُّ عَلَائِكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَلَائِكَ

و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو ببلندی تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِاَعْجَبِهَا

همگی بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از نشانهای تو بعجب ترین آن

وَ كُلُّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

و هر یک نشانهای تو عجیب است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو

بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ

بنشانهای تو همه آنها بار خدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از انعام تو بقدیم ترین آن

وَ كُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ

و هر انعام تو قدیم است خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو بانعام تو همه انعامها

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

بار خدایا بدرستیکه میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه

وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ

وعده کردی مرا خداوندا بدرستیکه من میطلبم از تو بآنچه تو در آنی

وَالْبَرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْاِئْتِمَامَ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ

و بیزاری از دشمن او و براقتدا با مامان از آل محمد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ

بر ایشان سلام باد پس بدرستیکه من بتحقیق راضی هستم بآن ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْأَوَّلِينَ

خداوندا درود بفرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود در پیشینیان

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلٰى

و درود بفرست بر محمد و آل محمد در پسینیان و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

محمد و آل او در گروه بلند مرتبگان و درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ

و آل محمد در رسالت فرستادگان بارخدایا ببخش محمد را وسیله

وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اَللّٰهُمَّ

و بزرگی و بزرگواری و درجه بزرگ بارخدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ

درود بفرست بر محمد و آل محمد و قانع گردان مرا بچیزیکه روزی دادی و ببخش برکت

لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي وَكُلِّ

مرا در چیزیکه بخشیدی بمن و حفظ کن بمن در غیبت من و در هر

اَسْئَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ

سوال میکنم از بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو گوارا است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم به بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

از خیر تو بشتابنده‌ترین آن و همه خیر تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

سوال میکنم از تو بخیر تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از احسان

بِاَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

تو بنیکوترین آن و همه احسان تو نیکو است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ

باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس اجابت کن

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

برای من چنانکه وعده کرده مرا خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَابْعَثْنِي عَلَى الْاِيمَانِ بِكَ وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ

و برانگیز مرا بایمان بتو و بتصدیق پیغمبر تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ

بر او و بر آل او سلام باد و برانگیز مرا بدوستی علی ابن ابیطالب

فِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در این سال خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد

وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

و روزی ده ما را از هر شادی و از هر خوشنودی و از هر

اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ

پایداری و راستی و از هر گشایش و از هر تندرستی

وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ

و از هر سلامتی و از هر گرامی و از هر روزی

وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ

فراخ حلال پاک و از هر نعمتی و از هر فراخی

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذِهِ

که فرود آمده باشد یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این

السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا

ساعت و در این شب و در این روز و در این

الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي

ماه و در این سال خدایا اگر باشد گناهان من

قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو و حایل شده باشد میان من و میان تو

فَاغْلِبْ هَوْلِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ

غلبه کن آنرا بار الها رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم از تو

عَدْلَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

بهترین چیزی که خشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بد

السَّخَطِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

سخط که غضب تست و آتش دوزخ بار الها رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ

آل محمد و حفظ کن مرا از هر مصیبتی و از هر

بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ

بلائی و از هر عقوبتی و از هر فتنه‌ای و از

كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ

هر بلائی و از هر شری و از هر مکروهی و از هر

مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان

إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

بسوی زمین در این ساعت و در هر ساعتی

وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ

و در این شب و در این روز و در این ماه و

یا اهل التقوی و یا اهل المغفرة صلّ علی محمّد و آل محمّد

ای پرهیزکاری را سزاوار و آمرزش را اهل درود بفرست بر محمّد و آل محمّد

وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین

و ببخشای مرا به بخشایش خود ای بخشاینده‌ترین بخشندگان

بعد از این حاجت خود را از حق تعالی طلب کن که انشاء الله تعالی برآورده

است موافق آنچه که خواندن این دعا در روز مبعث است و شیخ طوسی

علیه الرحمة نیز این دعا را روایت کرده است و از روایت مذکوره معلوم

می‌شود که وقت خواندن این دعا اختلافی هست میان روایات

و آنچه در بعضی [illegible] موافق روایت شیخ است و در روایت دیگر

[illegible] در شب [illegible] دعا در شب‌های مبارک

رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است [illegible]

دعا است عمل سوم آنکه شیخ طوسی و سید بن طاوس به سند معتبر

حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده‌اند که در شب

بیست و چهارم ماه [illegible]

[illegible] استغفر الله ربّی و اتوب الیه

[illegible]

[illegible] غسل [illegible] روایت [illegible] بیست و چهارم ماه [illegible]

[illegible] برای شکر حق تعالی [illegible]

وغيّرت حالى عندك وان اسئلك بحق رحمتك
وتغییر داد احوال مرا نزد تو و مسئلت میکنم از تو بحق رحمت تو
الذى لا يطاق وبجاه محمد حبيبك المصطفى
آنچنان تو که قدرت طاقت نشود و بآبروی محمد دوست تو که برگزیده است
وبجاه وليّك على المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم
بآبروی ولی تو علی مرتضی و بحق دوستان تو آنکه برگزیده ایشان را
ان تصلّى على محمد وآل محمد وان تغفر لى ما مضى
اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشت
من ذنوبى وان تعصمنى فيما بقى من عمرى وعزتك
از گناهان من و اینکه نگاه داری مرا در آنچه باقیمانده از عمر من نگاه بدار
اللهم ان اعود فى شىء من معاصيك ابداً
بار خدایا از اینکه باز گردم در چیزی از گناهان تو همیشه
ما ابقيتنى حتى تتوفانى وانا لك مطيع وانت
مادام که نگاه داری مرا تا بمیرانی مرا و من ترا فرمانبردارم و تو
عنى راض وان تختم لى عملى باحسنه وتجعل لى
از من خوشنود باشی و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به بهترین آن و بگردانی برای من
ثوابه الجنة وان تفعل بى ما انت اهله يا اهل
ثواب آنرا بهشت و اینکه بکنی بمن آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار

التقوى

ولولا تمسّكي بمودّتهم لكنت هالكاً إذ قال الله في قوله

و اگر نه چنگ زدنی من بدوستی ایشان بودی هر آینه بودمی از هلاک شدگان چون گفت خدای در سخن

الحقّ قل لا أسألكم عليه أجراً إلّا المودّة في

راست که بگو نمی‌خواهم از شما بر پیغمبری مزدی مگر دوستی نمودن در

القربى فبيّن لي القرابة وقال سبحانه إنّما يريد الله

قرابت را پس بیان کرد مرا قرابت و گفت خدای سبحانه جز این نیست که میخواهد

ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهّركم

که ببرد از شما پلیدی را ای اهل بیت و پاک کند شما را

تطهيراً فبيّن لي أهل البيت بعد القرابة ثمّ

پاک کردنی پس بیان کرد برای من اهل بیت بعد از قرابت پس

قال تعالى مبيّناً عن الصادقين الذين أمرنا

گفت حق تعالی بیان کننده از راستگویان آنکه امر کرد ما را

بالكون معهم والردّ إليهم بقوله سبحانه

ببودن با ایشان و رجوع بسوی ایشان بقول سبحانی

يا أيّها الذين آمنوا اتّقوا الله وكونوا مع الصادقين

که ای آنکه ایمان آوردید بترسید خدا را و باشید با راستان

فأوضح عنهم وأبان عن صفتهم بقوله جلّ ثناؤه

پس روشن کرد از ایشان و پیدا کرد صفت ایشان بقول او در رکعت ثنای او

جامهای خود را بجز آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام
دل آرام تن باشی اگر دیگری از شما همخواه باشی نزد آن جمیع متعلقات مضر شود
الا جایهای خلوتی بروی بر کوه بلندی برای یا صحرائی بروی و باید که از منزل خود
بیرون رود و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون از غسل
دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز کند با آداب و نشسته ابتدا و بعد
از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر
کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس برو عا بخواهی بیچیده
با دو رکعت نماز بکن و دعا کن که مستجاب

الحمد لله رب العالمين الحمد لله فاطر السموات والارض
سپاس خدا را که پروردگار عالمیان است سپاس خدا را که آفریننده آسمانها و زمین است
الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض الحمد لله
سپاس خدا را که مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است سپاس مر خدا را
الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات
که آفرید آسمانها و زمین را و پیدا کرد تاریکیها را
والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون
و روشنی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود شریک می‌کردند
الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا
سپاس مر خدا را که شناسانید مرا آنچه بودم بآن نادان

أهله الذين بهم دحضت باطل أعدائك

اهل آنها که بسبب ایشان برطرف کردی باطل دشمنان خود را

وثبّتّ بهم قواعد دينك ولولاهم لما قام العمود

استوار گردانیدی بایشان ستونهای دین خود را واگر نمی بود ایشان قائم نمی شد ستون

الذين أنقذتنا بهم ودللتنا على اتّباع المحقّين من

که خلاص کردی ما را بایشان و راه نمودی ما را بر پیروی صاحبان حق

أهل بيت نبيّك الصادقين فإنهم عندك الذين

اهل بیت پیغمبر خود که راستگویان اند از جانب تو آنانکه

عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال الخسيسة

نگاه داشتی ایشان را از بیهوده گفتار و از بدیهای کردار

لأهل الإسلام وظهرت كلمة أهل

وقد ... العباد فلك الحمد ... ولك

الشكر على نعمائك وآلائك العظيمة وصلّ

على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم

برحمت ... و آل محمد آنانکه فرض کردی بر ما پیروی ایشان را

فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا و

پس بگو که بیایید بخوانیم پسران ما را و پسران شما را و زنان خود را و

نساءكم وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل

زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس تضرع نماییم

فنجعل لعنة الله على الكاذبين فمن أنكر الشكر

پس گردانیم لعنت خدا بر دروغگویان پس کسی که انکار شکر نماید

يا رب والآل ممن حبهم هديتهم ولا يهتدي حتى

ای پروردگار ... محبت ... ایشان ... هدایت ... تا

لم يخف على الأهل والبيت في القرابة منهم

پوشیده نماند بر اهل و خانه در قرابت ذات پیغمبر خدا پس چه شاید که

نساؤهم وأولادهم ورجالهم الذين هم لي

زنان ایشان با فرزندان ایشان و مردان ایشان را از خدا با درستی

أقرب إليك بهذا المقام الذي لا يكون

تقرب کنیم بسوی تو درین مقامی که نمی باشد

أعظم منه فضل المؤمنين ولا أكثر رحمة

بزرگتر از آن از روی فضل برای مؤمنان و بیشتر از آن از روی رحمت

لهم حتى عرفتك إياهم شأنه وإبانتك فضل

تا شناسانیدی تو ایشان را مرتبه مقام را و آشکارا کردن تو فضیلت

بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة

بطاعت خود و داخل کن ما را بشفاعت ایشان در خانه کرامت

یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء اصحاب الکساء

ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا اینها که مذکور شدند صاحبان گلیم

والعباء یوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا

و عبا اند در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفیعان ما

واسألك بحق ذلك المقام المحمود والیوم

و سؤال میکنم از تو بحق آن مقام ستوده و روز

المشهود ان تغفر لی وتتوب علی انك انت التواب

دیده شده اینکه بیامرزی برای من و بپذیری توبه مرا چونکه تویی توبه پذیرنده

الرحیم اللهم انی اشهد ان ارواحهم و

مهربان بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم که ارواح ایشان و

طینتهم واحدة وهی الشجرة التی طاب

طینت ایشان یکی است و آن درختیست که پاکیزه است

اصلها وفرعها وعلی اغصانها ولولاها اللهم ارحمنا

بیخ آن [illegible] خدایا رحم کن ما را

بحقهم واجرنا من مواقف الخزی فی الدنیا والآخرة

بحق ایشان و پناه ده ما را [illegible]

وعقدت ذمامنا بولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم

وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت

الذي عرفوناه فأعنا على الأخذ بما بصرونا وأجز

محمداً عنا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل

وسعه في إبلاغ رسالاتك وأخطر بنفسه

في إقامة دينك وعلى أخيه ووصيه والهادي

من بعده إلى دينه والقيم بسنته علي أمير

المؤمنين صلوات الله عليه وعلى الأئمة من

أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم

ما اشكل على عبادك وبان بالمعجزات التي عجزوا

آنچه مشکل است بر بنده های تو و در حق از برای معجزات که همه عاجز شدند از آ

عنها غيرك وما بين نجيك تبلغوا الى النظام السعيد

غیر تو و بیان اشکال شود جهت تو و میخوانند بسوی بزرگی پیغام او و

بينك وبين خلقك وانت المتفضل عليهم حيث

میان تو و میان خلق تو و توئی احسان کننده بر ایشان از آنجا که

قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك

نزدیک گردانیدی ایشان را به پادشاهی خود و خاص گردانیدی ایشان را به سر خود

واصطفيتهم لوحيك واورثتهم غوامض تاويلك

و برگزیدی ایشان را برای وحی خود و وارث کردی ایشان را رازها و بطنهای تاویل خود

رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك

جهت مهربانی بر خلق خود و لطف بر بنده های خود و مهربانی بر آفریدگان خود

وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما

و جهت دانائی خود بچیزی که محیط است بر آن ضمیرهای امینان تو و آنچه

يكون من شان صفوتك وطهرتهم في منشاهم

می باشد از رتبه برگزیده های تو و پاک گردانیدی ایشان را در ابتدای پیدایش

ومبتدئهم وحرستهم من نفثات اليهم و

و آغاز ایشان و پاسبانی کردی ایشان را از دمیدن و دمنده بسوی ایشان

بولائهم ... ولا ... من ... الى يوم ...

[illegible]

بحجتهم واعوانا بفضلهم واتباعنا آثارهم

[illegible]

واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفونا

[illegible]

من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شأنك

[illegible]

وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي

[illegible]

الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك

[illegible]

والوهم ان يقع عليك ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

زَمانِهِمْ وَالأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ خَصَصْتَهُمْ بِحُكْمِكَ

زمان ایشان و به ایشان نزدیکند پس مخصوص کردی ایشان را بحکم خود

وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتابَكَ وَأَمَرْتَنا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ

و فرو فرستادی بسوی ایشان کتاب خود و امر کردی ما را بچنگ زدن بایشان

وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَالاِسْتِنْباطِ مِنْهُمْ اللّهُمَّ وَإِنّا قَدْ

و رجوع کردن بسوی ایشان و فرا گرفتن از ایشان بار خدایا بدرستیکه ما بتحقیق

تَمَسَّكْنا بِكِتابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ

چنگ زدیم بکتاب تو و بعترت پیغمبر تو درودهای خدایا

عَلَيْهِمْ الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ لَنا دَلِيلاً وَعَلَماً

بر ایشان آنانکه قائم کردی ایشان را برای ما راه نمایان و نشانها

وَأَمَرْتَنا بِاتِّباعِهِمْ اللّهُمَّ فَإِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِهِمْ

و امر کردی ما را به پیروی ایشان بار خدایا پس بدرستیکه ما بتحقیق چنگ زدیم بایشان

فَارْزُقْنا شَفاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الخائِبُونَ

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان را هنگامیکه گویند نومیدان

فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَاجْعَلْنا

پس نیست ما را از شفاعت کنندگان و نه دوستی نزدیک و بگردان ما را

مِنَ الصّادِقِينَ المُصَدِّقِينَ لَهُمْ المُنْتَظِرِينَ

از راستگویان و تصدیق کنندگان ایشان را انتظار کشندگان

وأنت بينهم وبيننا أعلى من عرض نبوتهم

و بزودی بیشان بجشی ... اگر ... متعرض ... بدهی ایشان

فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم بطاعتك

پس قبول کردند فرمان ترا و مشغول کردند نفسهای خود را بفرمانبری تو

وملؤوا أجزاءهم من ذكرك وعمروا

و پر کردند اجزای خود را از ذکر تو و معمور کردند

قلوبهم بتعظيم أمرك وجزّؤوا أوقاتهم فيما

دلهای خود را بتعظیم امر تو و قسمت کردند وقتهای خود را در آنچه

يرضيك وأخلوا دخائلهم من معاريض

راضی کند ترا و خالی کردند نهانهای خود را از عارضهای

الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم

وسواسهای بیکار کننده از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را

مكامن لإرادتك وعقولهم مناصب لأمرك

خزانهای اراده خود و گردانیدی عقلهای ایشان را جای نصب امر خود

ونهيك وألسنتهم تراجمة لسنتك ثم

و نهی خود و گردانیدی زبانهای ایشان را ترجمه کننده سنت خود پس

أكرمتهم بنورك حتى فضّلتهم من بين أهل

اکرام کردی ایشان را بنور خود تا اینکه بزرگی دادی ایشان را از میان اهل

وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَ

پسران شما و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و

أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَى

نفسهای شما را پس مباهله نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر

الْكَاذِبِينَ ذٰلِكَ الْإِمَامُ الْمَخْصُوصُ بِمُؤَاخَاتِهِ

کاذبان آن امام مخصوص است به برادری

يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ الطَّوَى

روز برادری و ایثار کننده قوت بعد از ضرر گرسنگی

وَمَنْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى وَمَنْ هٰذِ

و کسیکه سپاس نمود خدا سعی او را در سوره هل اتی و کسیکه

بِفَضْلِهِ مُعَانِدٌ وَوَاقِفٌ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدٌ مَوْلَى

بزرگی او دشمنان او و آگاه بمناقب او منکران او مولای

الْأَنَامِ وَمُكَسِّرُ الْأَصْنَامِ وَمَنْ لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ

خلایق و شکننده بتان و کسیکه نگرفت او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَأَوْرَقَتِ

صلوات خدا بر او و آل او تا آنکه طلوع کند آفتاب روز و برگ برآورند

الْأَشْجَارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

درختان و بر ستارگان درخشان از عترت او و حجتهای روشن از ذریت او

لا يامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا

و بايام آن كسانيكه انتظار كشنده‌اند بسوى شفاعت ايشان و گمراه مكردان ما را

بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة

بعد از آنكه راه نمودى ما را و ببخش مرا از جانب خود رحمتى

انك انت الوهاب آمين رب العالمين

بدرستيكه توئى بسيار بخشنده مستجاب كن اى پروردگار عالميان

اللهم صل على محمد نبيك وعلى اخيه وصنوه

خدايا درود فرست بر محمد پيغمبرت و بر برادر او و نظير او

امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين

امير مؤمنان و پيشواى عارفان و نشان راه يافتگان

وثانى الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح

و دوم پنج تن صاحب يمنت آنكه افتخار ميكرد بايشان جبرئيل

الامين وباهل الله بهم المباهلين فقال وهو

امين و مباهله نمود خداى بايشان با مباهله كنندگان پس گفت خداوند

اصدق الصادقين فمن حاجك فيه من بعد

راستگوترين راستگويانست پس كسيكه خصومت كند با تو در او بعد از آنكه

ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا

آمد ترا از علم پس بگو بيائيد بخوانيم پسران خود را

که خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مومنان و اهل بیت
را داد و بعد از آن فاطمه برای بعد از آن دو گرسنه ماند و مشغول عبادت
شدند چون تمامی طعام را به یتیم دادند و بآب افطار نمودند و روز
سوم روزه داشتند و باز حضرت سیدة النساء در روز سوم بقیه
پشم را رشت و بقیه جو را کوفت و در آن شب از ذکر و دعا پنج کرده
نان پخت چون حضرت امیر که از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را
حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا
در داد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد را اسیر کنید و می بندید و طعام
نمی دهید پس بخشیدند همه نان را بسایل دادند
و با آب محض افطار نمودند چون صبح شد خداوند عالمیان سوره
هل اتی در شان ایشان فرستاد و در این سوره اشاره باین قصه نمود که
يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ
الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ
لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
یعنی وفا می کنند بنذر و می ترسند از روزیکه شر آن اکثر خلق را فرا گرفته
است و می خورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض
محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و می گویند یعنی در دل خود نیت
ایشان اینست که ما طعام میدهیم شما را از برای رضای خدا نمی خواهیم

نیند ما کسب [illegible] اهل بیت و [illegible] ایشان [illegible]

شود و [illegible] و در سوره هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و امام

حسن و امام حسین صلوات الله علیهم [illegible] که حسن و حسین علیهما السلام

بیمار شدند حضرت رسول صلعم بعیادت ایشان تشریف فرمود که حضرت

امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نذر کنند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه روز

روزه [illegible] عافیت کرامت فرمود [illegible] نذر را بفضل خدا [illegible] ایشان

روزه [illegible] که بان افطار نمایند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

[illegible] از شمعون یهودی گرفت [illegible] صاع [illegible] حضرت فاطمه [illegible] یک

صاع را [illegible] پختند [illegible] روز اول [illegible] حضرت فاطمه علیها السلام

[illegible] آرد [illegible] و نان [illegible] کرده

[illegible] حضرت امیر [illegible] حضرت رسول صلعم نماز شام [illegible] حضرت فاطمه

[illegible]

[illegible] السلام علیکم اهل بیت محمد [illegible] مسکین [illegible] اطعمونی [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]

و سلام اهل بیت علیهم السلام [illegible] افطار کرده

[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible]

السلام علیکم [illegible] اهل بیت [illegible]

پیغمبر خواهد برد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و
سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل
کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام
پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این
ایام تأسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان
وسعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است
که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت
نزول سوره هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام و ایضا
مناسب است غسل و زیارت و زیارت ائمه علیهم السلام و زیارت
جامعه را خواندن درین روز مناسب است و چون بعضی از علما
این روز را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله را نیز
درین روز خواندن خوب است و روز بیست و ششم
بنابر مشهور عمر علیه اللعنه زخم خورده و این سبب نهایت برکت دارد و
در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است
بجهنم واصل شده [illegible] ملعون [illegible] بنی امیه لعنهم الله برطرف شد مشغول شکر این نعمت
را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی النقی علیه السلام
درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنابر
مشهور عمر ملعون باسفل درک جهنم منتقل شده است و باین سبب [illegible] عبادت

از شما نه جز او نه یاد و اشتی را و نه شکر و ثنائی را امی ترسیم از روز قیامت که
در نهایت شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم
ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آمد و ایشان را از شدت گرسنگی و امی حالت
عجیب مشاهده نمود گریست و فرمود این چه حالتست که بشما
مشاهده می نمایم و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دید که از
نقاهت بیماری و گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می لرزند
و حضرت [illegible] آمده بود و
گرسنگی شکم مبارکش بپشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود
چون از نماز فارغ شد حقتعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که
دران کاسه بود و گوشت و ثرید گرم در میان آن بود که می جوشید
و بوی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود و پس حضرت فاطمه علیها السلام
آن خوان را نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای
فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا
هر که را خواهد روزی میدهد بی حساب حضرت فرمود الحمد لله که
دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن
تناول فرمودند و تا هفت روز از آن می خوردند و آخر نمی شد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب

عظیم وارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر

سال عرب است روایت کرده اند که سنت است که

دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یک مرتبه سوره

حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه

آیة الکرسی بخواند و بعد

از سلام این دعا بخواند

اللّهمّ ما عملت في هذه السنة من عمل نهيتني عنه

خداوندا آنچه کردم در این سال از عملی که منع کردی مرا از آن

ولم ترضه ونسيته ولم تنسه ودعوتني

و راضی نیستی از آن و فراموش کردم من آن را و تو فراموش نکردی آن را و خواندی مرا

إلى التوبة بعد اجترائي عليك اللّهمّ

بسوی توبه پس از جرأت کردن من بر تو بار خدایا

فإنّي أستغفرك منه فاغفر لي

پس بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از تو از آن پس بیامرز مرا

وما عملت من عمل يقرّبني إليك فاقبله منّي

و آنچه کردم از عملی که نزدیک گرداند مرا بسوی تو پس قبول کن آن را از من

ولا تقطع رجائي منك يا كريم يا أرحم الراحمين

و قطع مکن امید مرا از خود ای کریم ای بخشنده ترین بخشندگان